



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

عنوان طرح:

**بررسی رابطه میان مناسبات نسلی  
و چگونگی گذران اوقات فراغت**

کد طرح: ۲۲-۲۲۸۹

پژوهشکده علوم اجتماعی

گروه پژوهشی جوانان و مناسبات نسلی

معاونت پژوهشی

تیر ۱۳۹۶

گزارش نهایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

عنوان طرح: بررسی رابطه میان مناسبات نسلی و چگونگی گذران اوقات فراغت

کد طرح: ۲۲-۲۲۸۹

مسئول طرح:

فروزنده جعفرزاده پور

پژوهشکده : علوم اجتماعی

گروه پژوهشی: جوانان و مناسبات نسلی

تیر ماه ۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## جدول همکاران طرح

نام و نام خانوادگی	مسئولیت در طرح	مرتبه علمی	مدت همکاری (ماه)
دکتر فروزنده جعفرزاده پور	مجری	استادیار	۱۲
غلامرضا اسکندریان	همکار اصلی	مربی	۸
محسن جمالیان	همکار	مربی	۲
دکتر تهمینه شاوردی	همکار	دانشیار	۴
دکتر تقی آزاد ارمکی	مشاور	استاد	۴

Archive of SID

## چکیده:

چگونگی مناسبات بین نسلها و عوامل موثر بر آن یکی از موضوعات اساسی در بررسی تغییرات اجتماعی در جوامع و بالاخص جوامعی است که دارای جمعیت جوان هستند. زیرا فرهنگ و تمدن یک جامعه از طریق این تعاملات به نسلهای آینده انتقال یافته و تداوم می یابد. از اینروست که شناسایی ابزارها و زمینه‌هایی که در راستای تقویت فرایند مذکور هستند می تواند کاربرست مناسبی در ایجاد بسترهایی برای تعاملات مناسب بین نسلی، و در نهایت حفظ تمدن و فرهنگ، داشته باشد.

اوقات فراغت به عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی، از متغیرهای تاثیر گذار و تاثیرپذیر از تعاملات بین نسلی است. هدف اصلی مطالعه حاضر به بررسی رابطه بین مناسبات نسلی و الگوهای گذران فراغت است. چارچوب مفهومی این مطالعه بر گرفته از نظریات سبک زندگی بوردیو، تغییر ارزشهای اینگلههارت و مید میباشد. با استفاده از روش پیمایش، در ۶ استان در سه گروه با سطوح مختلف توسعه (توسعه یافته، در حال توسعه، محروم) که تعداد ۱۲۰۰ نفر به عنوان جامعه نمونه در مراکز استان و پرجمعیت ترین مرکز شهرستان به صورت تصادفی مورد مصاحبه با پرسشنامه محقق ساخته قرار گرفتند. مناسبات نسلی با ۲ شاخص همسویی با خانواده و تعامل با خانواده مورد سنجش قرار گرفته است. و گذران فراغت با ۴ الگوی فعال و منفعل فردی و جمعی بررسی شد. یافته نشان می دهد که گذران فراغت فعال با خانواده به عنوان الگوی غالب فراغت فعال جمعی در بین پاسخگویان مشاهده شد که این الگو موجب تقویت تعاملات نسلی در جامعه آماری شده است. فراغت فردی منفعل سنتی تاثیری بر تعاملات نسلی نداشته در حالی که فراغت فردی منفعل مدرن رابطه معکوس و ضعیفی با تعاملات نسلی داشته است. نکته حائز اهمیت این است که گرچه پاسخگویان کمتر با خانواده همسو هستند ولی دارای تعامل با خانواده می باشد که این یافته نشان از تغییر الگوی تعاملات نسلی از تفاهم به سوی تفاوت و در صورت تداوم تعارض خواهد بود. فراغت مجازی به عنوان یک فراغت فعال جمعی حتی اگر در شبکه‌های مجازی با خانواده انجام شود، موجب تقویت تعاملات نسلی نمی شود. زنان دارای تعامل بیشتری با خانواده هستند و تعامل نسلی با طبقه اجتماعی دارای رابطه معکوس است. بدین معنی که بهبود وضعیت اقتصادی خانواده منجر به کاهش تعاملات بین نسلها می شود. همچنین بین سطح توسعه یافتگی استان و تعامل نسلی و گذران فراغت فعال جمعی با خانواده رابطه معکوس وجود دارد. بدین معنی که هر چه سطح توسعه یافتگی استان افزایش پیدا کند، تعامل بین نسلها کاهش یافته و نیز گذران فراغت جمعی با خانواده کمتر می شود.

## کلید واژگان:

مناسبات نسلی، الگوهای گذران فراغت، فراغت مجازی، فراغت جمعی، فراغت فردی، تعامل با خانواده،

فهرست مطالب

۴.....	جدول همکاران طرح
۵.....	چکیده:
۱۳.....	فصل اول
۱۳.....	کلیات
۱۴.....	۱-۱- مقدمه:
۱۵.....	۱-۲- بیان مسئله:
۲۱.....	۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش:
۲۲.....	۱-۴- وضعیت موجود مناسبات نسلی و ابعاد آن
۲۴.....	۱-۷- سئوالات پژوهش:
۲۵.....	۱-۸- اهداف پژوهش:
۲۶.....	فصل دوم:
۲۶.....	بررسی ادبیات نظری
۲۷.....	۲-۱- مقدمه:
۲۷.....	۲-۱-۱- اوقات فراغت و تغییرات آن
۲۹.....	۲-۲- بررسی پیشینه تحقیق
۳۷.....	جمع بندی پیشینه داخلی تحقیق:
۳۹.....	۲-۲-۳- مطالعات خارجی:
۴۲.....	۲-۲-۳-۱- جمع بندی مطالعات خارجی:
۴۳.....	۲-۲-۴- مقایسه مطالعات داخلی و خارجی:
۴۴.....	۲-۲-۲- چارچوب نظری
۵۶.....	۲-۲-۱- چارچوب مفهومی تحقیق:
۸.....	فصل سوم
۸.....	روش شناسی

..... ۸۱	۳-۱- مقدمه
..... ۸۱	۳-۲- جامعه آماری:
..... ۸۲	۳-۳- جامعه نمونه:
..... ۸۲	۳-۴- شیوه اجرای تحقیق:
..... ۸۳	۳-۵- ابزار تحقیق و اعتبار و روایی پرسشنامه:
..... ۸۳	۳-۶- روایی: (Validity)
..... ۸۴	۳-۷- اعتماد: (Reliability)
..... ۸۴	۳-۸- روشها و تکنیکهای تجزیه و تحلیل داده‌ها:
..... ۸۴	۳-۹- تعریف مفهومی متغیرها:
..... ۸۵	۳-۱۰- تعریف عملیاتی متغیرها:
..... ۸۹	فصل چهارم
..... ۸۹	یافته‌ها
..... ۹۱	۴-۱- شمایی از ویژگی‌های جامعه آماری:
..... ۹۷	۴-۲- متغیرهای مورد بررسی و الگوهای گذران فراغت
..... ۹۷	۴-۲-۱- نمایی از الگوی گذران فراغت فعال جمعی در فضای واقعی در جامعه مورد بررسی
..... ۹۸	۴-۲-۲- فراغت فردی منفعل و فعال:
..... ۱:۱	۴-۲-۳- فراغت فعال جمعی در فضای مجازی:
..... ۱:۱	۴-۲-۳-۱- فراغت مجازی و مدت استفاده
..... ۱:۳	۴-۲-۳-۲- مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی مجازی:
..... ۱:۴	۴-۲-۴- وضعیت مناسبات نسلی در بین پاسخگویان
..... ۱:۴	۴-۲-۴-۱- همسویی با خانواده
..... ۱:۵	۴-۲-۴-۲- تعامل با خانواده
..... ۱:۵	۴-۳- توسعه یافتگی، الگوهای گذران فراغت و مناسبات نسلی
..... ۱:۷	۴-۳-۱- سطح توسعه یافتگی استانها و مناسبات نسلی
..... ۱:۷	۴-۳-۱-۱- سطح توسعه یافتگی استانها و همسویی با خانواده

- .....۱.۱۵..... ۴-۳-۱-۲- سطح توسعه یافتگی استان و تعامل با خانواده
- .....۱.۱۶..... ۴-۳-۲-۱- سطح توسعه یافتگی استان، همسویی با خانواده و فراغت جمعی فعال در فضای واقعی
- .....۱.۱۷..... ۴-۳-۲-۲- سطح توسعه یافتگی استان، تعامل با خانواده و فراغت فعال جمعی با خانواده در فضای واقعی
- .....۱.۱۸..... ۴-۳-۳-۳- توسعه یافتگی و الگوهای مختلف گذران فراغت (واقعی / مجازی):
- .....۱.۱۹..... ۴-۴-۴-۱- فراغت فعال جمعی در فضای واقعی، دوره نسلی و مناسبات نسلی
- .....۱.۲۰..... ۴-۴-۱-۱- فراغتهای فعال جمعی با خانواده و دوستان در فضای واقعی و دوره نسلی:
- .....۱.۲۱..... ۴-۴-۲-۲- فراغت فعال جمعی در فضای واقعی و روابط نسلی (همسویی و تعامل با خانواده)
- .....۱.۲۲..... ۴-۴-۱-۲-۱- فراغت فعال جمعی در فضای واقعی و همسویی با خانواده:
- .....۱.۲۳..... ۴-۴-۲-۲-۲- الگوهای مختلف فراغت جمعی فعال با خانواده در فضای واقعی:
- .....۱.۲۴..... ۴-۴-۲-۳-۲- انواع الگوهای فراغت فعال جمعی با خانواده در فضای واقعی و رابطه آن با همسویی با خانواده
- .....۱.۲۵..... ۴-۴-۲-۴-۴- فراغت جمعی فعال با دوستان در فضای واقعی
- .....۱.۲۶..... ۴-۴-۲-۵-۲- الگوهای مختلف فراغت فعال جمعی با دوستان
- .....۱.۲۷..... ۴-۴-۲-۶-۲- انواع الگوهای فراغت جمعی فعال با دوستان در فضای واقعی و رابطه آن با همسویی با خانواده
- .....۱.۲۸..... ۴-۴-۲-۷-۲-۴-۴- فراغت فعال جمعی با خانواده و تعامل با خانواده
- .....۱.۲۹..... ۴-۴-۵-۱-۱- فراغت منفعل فردی و همسویی و تعامل با خانواده
- .....۱.۳۰..... ۴-۴-۶-۱-۱- فراغت فعال فردی و تعامل و همسویی با خانواده:
- .....۱.۳۱..... ۴-۴-۷-۱-۴-۴- تعامل با خانواده و شبکه‌های اجتماعی مجازی (فراغت فعال جمعی مجازی)
- .....۱.۳۲..... ۴-۴-۸-۱-۴-۴- همسویی با خانواده و متغیرهای زمینه ای جنسیت، دوره نسلی، تحصیلات و طبقه اجتماعی
- .....۱.۳۳..... ۴-۴-۹-۱-۱- تعامل با خانواده و رابطه آن با جنسیت
- .....۱.۳۴..... ۴-۴-۹-۲-۱- تعامل با خانواده و دوره نسلی
- .....۱.۳۵..... ۴-۴-۹-۳-۱- تعامل با خانواده و سطح تحصیلات
- .....۱.۳۶..... ۴-۴-۹-۴-۱- تعامل با خانواده و طبقه اجتماعی
- .....۱.۳۷..... ۴-۴-۱۰-۱-۴-۴- مقایسه همسویی با خانواده و تعامل با خانواده
- .....۱.۳۸..... ۴-۴-۱۱-۱-۴-۴- الگوهای گذران فراغت به تفکیک نسلها:
- .....۱.۳۹..... ۴-۴-۱۱-۱-۱- دوره های نسلی و الگوی فراغت فعال جمعی در فضای واقعی:
- .....۱.۴۰..... ۴-۴-۱۱-۲-۱- دوره های نسلی و الگوی فراغت منفعل فردی:



.....۱۴۴	۳-۱۱-۴- دوره نسلی و فراغت فعال جمعی مجازی
.....۱۴۵	۴-۱۱-۴- دوره نسلی و مخاطبان در شبکه های اجتماعی مجازی
.....۱۴۶	۵-۱۱-۴- تصویری از تفاوت نسلها در الگوهای گذران فراغت:
.....۱۴۸	۶-۱۱-۴- الگوی گذران اوقات فراغت به تفکیک نسل:
.....۱۴۹	۱۲-۴- زیرساختهای فراغتی
.....۱۵۲	۱۲-۴- جمع بندی
.....۱۵۴	فصل پنجم جمع بندی و نتیجه گیری
.....۱۵۵	۱-۵- مقدمه:
.....۱۵۶	۲-۵- مرور چارچوب نظری:
.....۱۵۹	۳-۵- ترسیم وضعیت مناسبات نسلی و گذران فراغت در جامعه مورد بررسی:
.....۱۷۵	۶-۵- واریسی سئوالات تحقیق:
.....۱۷۷	۷-۵- جمع بندی نتیجه گیری
.....۱۷۸	۸-۵- پیشنهادات:
.....۱۷۹	فهرست منابع:
Abstract: .....	۱۸۵

فهرست جداول:

.....۸۲.....	جدول ۱-۳ جامعه نمونه این تحقیق در شش استان و شهرستان مورد مطالعه
.....۹۱.....	جدول ۴-۱ پاسخگویان بر حسب دوره زندگی (سن)
.....۹۲.....	جدول ۴-۲ پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل
.....۹۲.....	جدول ۴-۳ پاسخگویان بر حسب تحصیلات
.....۹۳.....	جدول ۴-۴ پاسخگویان بر حسب شغل
.....۹۴.....	جدول ۴-۵ پاسخگویان بر حسب وضعیت مسکن
.....۹۵.....	جدول ۴-۶ پاسخگویان بر حسب درآمد ماهیانه
.....۹۶.....	جدول ۴-۷ پاسخگویان بر حسب هزینه ماهانه
.....۹۶.....	جدول ۴-۸ پاسخگویان بر حسب طبقه اجتماعی اقتصادی
.....۹۸.....	جدول ۴-۹ گذران فراغت جمعی فعال با خانواده و دوستان
.....۹۸.....	جدول ۴-۱۰ فراغت فردی فعال و منفعل
.....۹۹.....	جدول ۴-۱۱ مقایسه میزان گذران فراغتهای منفعل فردی در بین پاسخگویان
.....۱۰۰:۱.....	جدول ۴-۱۲ میانگین استفاده پاسخگویان از شبکه‌های اجتماعی مجازی در طول روز
.....۱۰۰:۲.....	جدول ۴-۱۳ پاسخگویان بر حسب نوع و میزان استفاده از شبکه‌های مجازی
.....۱۰۰:۲.....	جدول ۴-۱۴ توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب مدت استفاده از دو شبکه مجازی تلگرام و اینستاگرام در طول روز
.....۱۰۰:۳.....	جدول ۴-۱۵ مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی
.....۱۰۰:۵.....	جدول ۴-۱۶ همسویی/ تعامل با خانواده
.....۱۰۰:۶.....	جدول ۴-۱۷ توزیع الگوهای گذران فراغت جمعی با خانواده در سطوح مختلف توسعه یافتگی
.....۱۰۰:۶.....	جدول ۴-۱۸ واریانس یک طرفه توزیع الگوهای فراغت فعال جمعی با خانواده و سطوح مختلف توسعه یافتگی
.....۱۰۰:۶.....	جدول ۴-۱۹ بررسی میانگین گذران فراغت فعال جمعی با دوستان و سطح توسعه یافتگی استان
.....۱۰۰:۷.....	جدول ۴-۲۰ واریانس یک طرفه توزیع الگوهای فراغت فعال جمعی با دوستان و سطوح مختلف توسعه یافتگی
.....۱۰۰:۷.....	جدول ۴-۲۱ بررسی وضعیت تعامل بین نسلی و سطوح مختلف توسعه یافتگی استان
.....۱۰۰:۸.....	جدول ۴-۲۲ بررسی میانگین سطح توسعه یافتگی استانها و همسویی با خانواده
.....۱۰۰:۸.....	جدول ۴-۲۳ واریانس یکطرفه همسویی با خانواده و سطح توسعه یافتگی استان

- جدول ۴-۲۴ رابطه بین سطح توسعه یافتگی استان و تعامل با خانواده در پاسخگویان .....۱.۱.۸
- جدول ۴-۲۵ آزمون معناداری رابطه بین تعامل با خانواده و سطح توسعه یافتگی .....۱.۱.۹
- جدول ۴-۲۶ رابطه همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی واقعی به تفکیک استان .....۱.۱.۱۰
- جدول ۴-۲۷ آزمون کای اسکوتر همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی با خانواده به تفکیک توسعه یافتگی ۱۱۱ .....۱.۱.۱۱
- جدول ۴-۲۸ آزمون معناداری سطح توسعه یافتگی استان، همسویی با خانواده و فراغت جمعی فعال در فضای واقعی .....۱.۱.۱۲
- جدول ۴-۲۹ رابطه بین تعامل با خانواده و گذران فراغت فعال با خانواده به تفکیک سطوح توسعه استانها .....۱.۱.۱۳
- جدول ۴-۳۰ آزمون کای اسکوتر تعامل با خانواده و فراغت فعال جمعی واقعی به تفکیک سطح توسعه یافتگی استانها .....۱.۱.۱۴
- جدول ۴-۳۱ آزمون معناداری رابطه تعامل با خانواده و فراغت جمعی فعال واقعی به تفکیک سطوح توسعه استان ۱۱۵ .....۱.۱.۱۵
- جدول ۳۲- بررسی رابطه سطح توسعه یافتگی استان و الگوی گذران فراغت .....۱.۱.۱۶
- جدول ۴-۳۳ مقایسه میانگین گذران فراغت جمعی با خانواده و دوستان به تفکیک دوره نسلی .....۱.۱.۱۷
- جدول ۴-۳۴ واریانس یکطرفه رابطه فراغت فعال جمعی با خانواده و دوستان در فضای واقعی و دوره نسلی .....۱.۱.۱۸
- جدول ۴-۳۵ مقایسه میانگین الگوهای فراغت جمعی فعال در فضای واقعی با خانواده و با دوستان .....۱.۱.۱۹
- جدول ۴-۳۶ رابطه بین فراغت فعال جمعی با خانواده و همسویی با خانواده .....۱.۱.۲۰
- جدول ۴-۳۷ آزمون معناداری فراغت فعال جمعی با خانواده و همسویی با خانواده .....۱.۱.۲۱
- جدول ۴-۳۸ الگوهای سه گانه گذران فراغت جمعی فعال با خانواده .....۱.۱.۲۲
- جدول ۴-۳۹ رابطه همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی سنتی با خانواده در فضای واقعی .....۱.۱.۲۳
- جدول ۴-۴۰ واریانس یک طرفه توزیع الگوهای همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی سنتی با خانواده در فضای واقعی .....۱.۱.۲۴
- جدول ۴-۴۱ رابطه همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی مذهبی با خانواده در فضای واقعی .....۱.۱.۲۵
- جدول ۴-۴۲ آزمون معناداری توزیع الگوهای رابطه همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی مذهبی با خانواده در فضای واقعی .....۱.۱.۲۶
- جدول ۴-۴۳ همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی مدرن با خانواده در فضای واقعی .....۱.۱.۲۷
- جدول ۴-۴۴ آزمون معناداری رابطه همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی مدرن با خانواده در فضای واقعی ۱۲۵ .....۱.۱.۲۸
- جدول ۴-۴۵ پاسخگویان بر حسب الگوهای مختلف گذران فراغت فعال جمعی با دوستان در فضای واقعی .....۱.۱.۲۹
- جدول ۴-۴۶ مقایسه الگوی کلی فراغت منفعل فردی و الگوهای سنتی و مدرن فراغت منفعل فردی در بین پاسخگویان .....۱.۱.۳۰
- جدول ۴-۴۷ رابطه فراغت منفعل فردی مدرن و تعامل با خانواده .....۱.۱.۳۱

.....۱۲۹.....	جدول ۴-۴۸- رابطه بین فراغت منفعل فردی مدرن با تعامل با خانواده
.....۱۲۹.....	جدول ۴-۴۹- الگوهای فراغت فعال فردی در بین پاسخگویان
.....۱۳۱.....	جدول ۴-۵۰- فراغت فعال فردی مدرن (استفاده از اینترنت و بازیهای کامپیوتری)
.....۱۳۱.....	جدول ۴-۵۱- رابطه بین فراغت فعال فردی مدرن با تعامل با خانواده
.....۱۳۲.....	جدول ۴-۵۲- رابطه فراغت فردی فعال مدرن با تعامل با خانواده
.....۱۳۲.....	جدول ۴-۵۳- رابطه بین فراغت فردی فعال مدرن و همسویی با خانواده
.....۱۳۳.....	جدول ۴-۵۴- واریانس یکطرفه رابطه بین الگوی فراغت فعال فردی مدرن با تعامل و همسویی با خانواده
.....۱۳۳.....	جدول ۴-۵۵- رابطه بین تعامل با خانواده و مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
.....۱۳۴.....	جدول ۴-۵۶- رابطه بین مدت استفاده از شبکه‌های مجازی و تعامل با خانواده
.....۱۳۵.....	جدول ۴-۵۷- مخاطبان در شبکه‌های مجازی تلگرام و اینستاگرام
۱۳۶	جدول ۴-۵۹- رابطه تعامل با خانواده و جنسیت
.....۱۳۷.....	جدول ۴-۶۰- رابطه بین دوره نسلی و تعامل با خانواده
.....۱۳۷.....	جدول ۴-۶۲- رابطه تعامل با خانواده و دوره نسلی
.....۱۳۸.....	جدول ۴-۶۳- پاسخگویان بر حسب تعامل با خانواده و طبقه اجتماعی
.....۱۳۹.....	جدول ۴-۶۴- رابطه بین طبقه اجتماعی و تعامل با خانواده
.....۱۴۱.....	جدول ۴-۶۵- رگرسیون همسویی با خانواده و فراغت فعال واقعی و مجازی
.....۱۴۱.....	جدول ۴-۶۶- رگرسیون رابطه فراغت فعال جمعی و تعامل با خانواده
.....۱۵۰.....	جدول ۴-۶۷- زیرساختهای فراغتی در حریم مسکونی پاسخگویان
.....۱۵۱.....	جدول ۴-۶۸- پاسخگویان بر حسب عوامل موثر بر استفاده از زیر ساختهای فراغتی در حریم مسکونی
.....۱۵۱.....	جدول ۴-۶۹- پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از زیرساختهای فراغتی موجود در حریم مسکونی آنها

## فصل اول

### کلیات

Archive of SID

نحوه و چگونگی تعاملات بین نسلهای حاضر در یک جامعه از آن منظر مهم و قابل توجه است که فرهنگ و ارزشهای یک جامعه از طریق این تعاملات به نسلهای آتی انتقال یافته و موجبات تداوم و حفظ یک تمدن را فراهم می آورد. چگونگی مناسبات بین نسلها و عوامل موثر بر آن یکی از موضوعات اساسی در بررسی تغییرات اجتماعی در جوامع و بالاخص جوامعی است که دارای جمعیت جوان هستند. زیرا فرهنگ و تمدن یک جامعه از طریق این تعاملات به نسلهای آینده انتقال یافته و تداوم می یابد. از اینروست که شناسایی ابزارها و زمینه‌هایی که در راستای تقویت فرایند مذکور هستند می تواند کاربست مناسبی در ایجاد بسترهایی برای تعاملات مناسب بین نسلی، و در نهایت حفظ تمدن و فرهنگ، داشته باشد. اوقات فراغت به عنوان عامل تاثیر گذار در تعاملات بین نسلی بسیار حائز اهمیت است. در واقع محققین بر این باورند که یکی از حوزه‌های تاثیر گذار بر تعاملات بین نسلها، نحوه گذران اوقات فراغت است (منتظر قائم، شاقاسمی، ۱۳۸۷). چگونگی گذران اوقات فراغت موجب تقویت پیوندهای نسلی و یا بالعکس، سبب تعارض نسلی می گردد (صبوری جهانشاهی، توکلی نیا، ۱۳۹۱؛ یوسفی، ۱۳۹۲؛ ارجمندی و دیگران، ۱۳۹۲).

اوقات فراغت به عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی، از متغیرهای تاثیر گذار و تاثیرپذیر از تعاملات بین نسلی است. این اوقات، زمانی است که فرد از الزامات روزانه رهایی یافته و فعالیتها را بر مبنای تمایلات و رضایت شخصی انتخاب می کند. در این زمان است که می توان برای پرورش جسم، فکر و شخصیت آنان اقدام نمود. همچنین از آنجا که در این اوقات فرد به صورت ضمنی و غیر رسمی آموزش می‌بیند، می توان امیدوار بود که یادگیری‌ها و آموزشهای ارائه شده در این زمان، تاثیرات پایدارتری بر فرد جوان خواهد گذارد. در حقیقت می توان اظهار داشت که اوقات فراغت عامل مهمی در جهت ارتقا روابط اجتماعی و پرورش ذوق و استعدادها می باشد (عتیقه چی، ۱۳۷۳). با توجه به این مهم که در طی اوقات فراغت، ارزشها و هنجارهای اجتماعی به صورت غیر رسمی و غیر مستقیم به جوانان و نسل جدید آموزش داده می شود، تاثیر گذاری چنین آموزشهایی بیشتر و دائمی تر خواهد بود. بنابر این می توان از اوقات فراغت نیز به عنوان ابزاری برای انتقال فرهنگی و ارتقاء اخلاقیات در جامعه استفاده نمود.

برخی محققین در تعریف فراغت چنین آورده اند: فراغت تجربه‌ای است که فرد هنگام رهایی از الزامات کار روزانه بر اساس تمایلات و رضایت شخصی انتخاب می کند و در جریان آن جسم، فکر و شخصیت او رشد و پرورش می یابد. با توجه به این تعریف اوقات فراغت و چگونگی گذران آن می تواند بستری برای انتقال ارزشها و تقویت تعاملات نسلی یا ایجاد زمینه‌های تعارض نسلی و بالعکس باشد. بدین ترتیب که نحوه و چگونگی تعاملات بین نسلها، و الگوی گذران اوقات فراغت با یکدیگر در رابطه بوده و بر یکدیگر تاثیر گذارند

## ۴۱ - بیان مسئله:

تعاملات بین نسلها از مناظر متفاوت مورد توجه محققین قرار گرفته است. برخی به وضعیت تفاهم کامل و پیوند نسلی معتقد هستند و برخی وجود اختلاف را در بین نسلها محرز می دانند. درباره اختلاف میان دو نسل مفاهیمی چون «فاصله نسلی»، «شکاف نسلی» و «گسست نسلی» به کار می رود. مفهوم شکاف نسلی را به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمند تعریف کرده اند (آکسفورد، ۲۰۰۰). در تعریفی دیگر شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری مابین دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متاثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میانسال با وجود این که در یک فضای فرهنگی زندگی می کنند، اطلاعات، گرایشها و رفتارهای متفاوت دارند (سرای و دیگران، ۱۳۹۰: ۸ به نقل از آزادارمکی و غفاری ۱۳۸۶). بسترهای ایجاد کننده تفاوت‌های نسلی از منظرهای مختلف مورد مذاقه قرار گرفته است. به باور هابرماس «در شکل گیری اولیه ارزشها، روند جامعه پذیری بیشترین تاثیر را دارد و در جریان تکامل و ترویج ارزشها، شبکه‌های ارتباطی و ایدئولوژی سیاسی تاثیرگذار است» (دانش و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۷). اختلال در انتقال ارزشها و نارسایی در فرایند اجتماعی شدن و کاهش مقبولیت و مشروعیت گروههای مرجع باعث می شود که تعاملات بین نسلها با تحولات و تغییراتی مواجه شود. مشکل در انتقال بهینه ارزشها و هنجارها از نسلی به نسل دیگر، ممکن است به دلیل تکرر در منابع جامعه پذیری باشد. دانش و دیگران با تاکید بر این موضوع آورده اند که: «امروزه با کثرت نهادهای جامعه پذیرکننده سر و کار داریم که هر یک ارزشها، هنجارها و سبک زندگی خاصی را اشاعه می دهند. والدین، مدرسه و دانشگاه، صنعت فرهنگی (رادیو، تلویزیون، سینما، ماهواره، نشریات و ...) نهادهایی هستند که هر یک این کارکرد (جامعه پذیری) را به صورتهای مختلف انجام می دهند. بنابر این در چنین جامعه ای «وحدت ارزشی» از بین می رود و «کثرت ارزشی» جایگزین آن می شود. در جامعه ای که وحدت ارزشی از بین برود، انسان با گروههای مختلفی سر و کار دارد که در هر یک از آنها یک نوع ارزش خاص حاکم است که گاه در گروه دیگر ارزش نیست و ارزشهای رقیب بر پذیرش ارزشهای والدین تاثیر دارد (دانش و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۳ به نقل از توکلی، ۱۳۷۸). اگر در گذشته روند جامعه پذیری عمدتاً توسط خانواده، مدرسه و نهادهایی انجام می شد که عناصری از نسل پیشین همچون پدر، مادر، معلم، واعظ و معتمد در این انتقال فرهنگی نقش ایفا می کردند، دسترسی گسترده به امکانات نوین تکنولوژیکی، نسل جدید را در جریان تحولات تازه ای قرار داده است؛ بدین ترتیب با تغییر مبادی ورود گزاره‌های ارزشی، نظام ارزشی این نسل نیز متفاوت از نسل پیشین شده است.

تغییر در الگوهای جامعه پذیر کننده عدم اعتماد به آنها از دیگر عوامل تاثیرگذار بر تغییر تعاملات بین نسلهاست. تاجیک بر این باور است که «در اثر فروپاشی اعتماد بین نخبگان و هنجارآوران و نسل جدید، وفاق نسلی متزلزل می گردد» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۷۷). در این حالت مناسبات بین نسلی که مکانیزم اصلی فرهنگ پذیری، انتقال ارزشهای اخلاقی و هویت یابی افراد یک جامعه است مختل گردیده و تضاد و تنازع بین نسلها منجر به وقوع چندگانگی‌های ارزشی، فرسایش فرهنگی، بحران هویت و زوال اخلاقی جامعه می گردد که همه اینها در مجموع می تواند نابودی

یک تمدن را در پی داشته باشد. به این ترتیب می توان از شکاف ارزشی بین نسلهای مختلف به عنوان اصلی ترین شکل شکاف نسلی یاد نمود (دانش و دیگران، ۱۳۹۳: ۳). به زعم بسیاری از نظریه پردازان تحولات فکری و ساختاری حاصل از مدرنیزاسیون منجر به کاهش مشروعیت گروههای مرجع سنتی، استقلال طلبی و فردگرایی جوانان، گرایش به آزادی عمل و ... می گردد که این تغییرات در نهایت شکل گیری یک نسل جدید با هویتی کاملا مستقل از نسلهای قبلی را موجب می گردد. لرنر نیز با تاکید بر این موضوع، رسانهها را به عنوان ابزار ایجاد تغییر مطرح کرده است. از نظر لرنر، بر اساس الگوی نوگرایی، حرکت از مرحله سنتی به مرحله گذار و سپس به مرحله جامعه نوین، همواره با تغییر نظامهای سنتی به نظامهای نوین و نه بالعکس همراه بوده است. او تفاوت این دو نظام را در این می دانست که ارتباط بین فردی سنتی، به تقویت نگرشها و آداب سنتی می انجامد؛ حال آنکه با افزایش ارتباط جمعی، مهارتها، نگرشها و رفتارهای تازه را می آموزد.

از دیگر عوامل تاثیرگذار بر تغییر در تعاملات بین نسلی، تغییرات بنیادین در ساختارهای کلان اجتماع است. معیدفر (۱۳۹۲) معتقد است تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که از عصر مشروطه آغاز و بعد از انقلاب اسلامی به کل جامعه گسترش یافته است، موجب جا به جاییهای ساختاری و شکاف عظیم اجتماعی در جامعه شده که امروزه در بحرانی ترین وضعیت خودش قرار دارد و تا مدت‌های مدیدی می تواند آسیب زا باشد. برخی از محققین پا را از وجود تغییر و تفاوت بین نسلها فراتر گذاشته و از وجود شکاف نسلی را در بین نسلها خبر داده اند. آقاجری بر این اعتقاد است که «شکاف نسلی زمانی شروع می شود که آهنگ تغییر جامعه شدت گیرد. البته این شتاب در ایران محصول سازوکاری درون زا نبوده، بلکه محصول برخورد نظام اجتماعی بومی با نظام اجتماعی، فرهنگی و عقلانیتی بود که از غرب آمده است» (آقاجری، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

در حالی که برخی تغییر در تعاملات بین نسلی را مربوط به ساختارهای کلان جامعه و پیامدهای ایجاد تغییر در این ساختارها می دانند ولی هستند گروه دیگری که علت آنرا در سطوح خرد اجتماع و در کوچکترین واحد اجتماعی جستجو کرده و در بررسیهای خود سطوح تعاملات نسلی و وضعیت تغییر در این تعاملات متأثر از تغییرات اجتماعی و تغییر در ساختار خانواده دانسته اند. زمانیان بر این باور است که «ساختار روابط بین والدین و فرزندان، در خانواده هسته ای مدرن، دستخوش دگرگونی بنیادین شده است. در خانواده معاصر به دلایلی چون فرد گرایی، کاهش اقتدار والدین، و افزایش سریع و وسیع دسترسی به ارتباطات جمعی، کودکان و نوجوانان فاصله بیشتری با والدین پیدا کرده اند. موج مدرنیزاسیون که آموزش همگانی، گسترش رسانه‌های جمعی، و بسیاری موارد دیگر را با خود به همراه آورده بود موجب افزایش آگاهی‌های عمومی نسل جدید شد و حوزه ارتباطات انسانی و اجتماعی آنها را وسیع تر کرد» (زمانیان، ۱۳۸۷).

گروه دیگری نیز هر دو سطح تغییرات یعنی تغییر در سطوح کلان و تغییر در سطوح خرد را موجب ایجاد تغییر در تعاملات نسلی دانسته اند. به زعم این گروه، ناکارآمدی فرایند جامعه پذیری در نسلهای جدید پیامدهای قابل توجهی را به همراه دارد. برخی از محققین بر این باورند که «اخلال در فرایند جامعه پذیری مبتنی بر اتفاقاتی در



ساختار اجتماعی و خانوادگی است. کاهش سطح ارتباطات کلامی، گسست عاطفی و آنومی سیاسی از این جمله است. توضیح اینکه ارتباط کلامی عامل پیوند دهنده درونی دونسِل به یکدیگر است. بروز ناهمبازی هم در به کار بردن واژگان یا زبان ملفوظ و هم منطق نوع توضیحات و استدلال‌ها یا زبان معقول بین دو نسل گذشته و جدید یکی از این مشخصه‌ها است. جذب شدن به گروه همسالان در ازاء همبازی و هم سخنی یکی از نخستین نتایج این وقفه در ارتباطات کلامی است. برخی جرم‌شناسان همچون ادوین ساترلند بخشی از گرایش‌های مجرمانه را ذیل عنوان «معاشرتهای ترجیحی» یا «همنشینی افتراقی» تدوین کرده اند و آنرا ناشی از جایگزین شدن ارتباط کلامی همسالان با روابط سنتی والدینی می دانند.

ارجمندی و دیگران (۱۳۹۲) بر این باورند که «موج مدرنیزاسیون که به همراه خود آموزش همگانی، گسترش رسانه‌های جمعی و بسیاری موارد دیگر را به همراه آورد، موجب افزایش دانستنی‌ها و آگاهی‌های عمومی نسل جدید شد و حوزه ی ارتباطات انسانی و اجتماعی آنها را وسیعتر نمود. طبیعی ترین نتیجه این فرایند این بود که نسل جدید، نسلی شد که اولاً بسیار با شتاب اجتماعی می گردید و ثانیاً در راه اجتماعی شدن، تنها منبع ارزش‌گذار او دیگر خانواده و سنت حاکم بر خانواده و سنت حاکم بر خانواده نبود. زیست جهان متفاوت نسل نو یا به تعبیر مانهایم تجربیات دیگرگون آنان که به سبب تحولات صنعتی و سپس اجتماعی - فرهنگی به وجود آمد، بین جهان بینی نسل جدید و نسل قدیم شکاف انداخت و از این مهمتر، امکان ظهور و بروز این شکاف را در زبان و رفتار گروه جدید، فراهم ساخت» (ارجمندی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۰).

فردگرایی و فردی شدن زندگی روزمره یکی از ویژگی‌های جوامع مدرن است که بی تردید بر مناسبات میان نسلی تاثیر قابل توجهی دارد. نیکزاد با تاکید بر این مهم به تاثیر سبک زندگی و هویت اجتماعی در این حوزه تاکید داشته و آورده است: جریانی که در میان نوجوانان و جوانان نسل جدید جامعه فعلی کشورمان کاملاً مشهود است، مفهوم رها شدگی فرهنگی است که بی ارتباط با فرایند فردی شدن زندگی روزمره که در نظریات اجتماعی جدید از آن سخن می رود، نیست. هویت اجتماعی نوین مبتنی بر سبک زندگی، خود از طریق «چهره‌ها» (گزینش لباسها و رفتارها)، «کردارها و اعمال» (انتخاب فعالیت‌های گذران اوقات فراغت)..... بیان شدنی است (نیکزاد، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

رسانه‌های جمعی تقویت کنندگان تحرکند و این امر به این معناست که رسانه‌های جمعی، در برابر مخاطبان فزاینده خود، هم از ظرفیت برقراری ارتباط با «نوع تغییر» و هم از ظرفیت برقراری ارتباط با امکان تغییر برخوردارند (صبوری خسرو شاهی، توکلی نیا، ۱۳۹۱: ۱۱۰). رفیع پور (۱۳۷۹-۱۳۷۱) در مطالعه خویش به بررسی تاثیر ویدئو بر رفتار مذهبی افراد پرداخته است. وی بر اساس یافته‌ها نتیجه می گیرد که پدیده‌های مدرن فی نفسه بد نیستند و با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و شرایط فرد می تواند اثر مثبت و منفی داشته باشد، چنانچه در اروپا و امریکا از ویدئو در زمینه‌های آموزشی، در مدارس، دانشگاهها و منازل استفاده می شود (نوروزی، ۱۳۸۸: ۳۲ به نقل از رفیع پور، ۱۳۷۹).

نوجوان خواسته‌های خود را با نسل بالغ در میان نمی‌گذارد و خود بخود نوعی انزوای ارتباطی را دامن می‌زند. همین اتفاق بتدریج زمینه ساز رخدادهای بزرگتری می‌شود. کاهش فصل مشترک‌های عاطفی مهم‌ترین این اتفاقات است» (یامین پور، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۱). یوسفی در یک نگاه بدبینانه رخ داد تغییرات را زمینه ایجاد شکاف نسلی دانسته و با تاکید بر نظری مشابه آورده است: «... شکاف نسل‌ها امری بسیار پیچیده و متأثر از عوامل متعدد جامعه شناختی، روان شناختی و ... است. با این حال، شاید بتوان این عوامل را تحت عنوان دو دسته کلی عوامل خرد و کلان یا «عوامل درون خانوادگی» و «عوامل برون خانوادگی» تقسیم بندی کرد» (یوسفی، ۱۳۹۲: ۲۳۷).

در جمع بندی آنچه تا کنون آمده می‌توان در چند سطر بیان داشت که تغییر در تعاملات نسلی به دلایل مختلفی چون تغییر در منابع جامعه پذیری، تغییر در الگوهای رفتاری اجتماعی، استفاده از رسانه‌ها، شدت و سرعت تغییرات در بسترهای مختلف اجتماعی، فردگرایی و مدرن گرایی و نیز تغییر در سبک زندگی رخ داده است.

تحولات گسترده در سبک زندگی موجب تغییراتی در شیوه و میزان تعاملات بین انسانها شده است. «انتخاب نوع خاصی از سبک زندگی منجر به شکل دادن حوزه فردی و عمومی هر فردی می‌شود و سبک زندگی افراد نحوه گذران اوقات فراغت آنها را (به مثابه یکی از شاخص‌های سبک زندگی) مشخص می‌نماید. به بیان دیگر، «افراد با مصرف فراغتهای مختلف، از نوع پوشش متفاوت تا ترجیحات غذایی در حوزه فردی تا عضویت در گروههای مختلف اجتماعی، کسب موفقیت، گردش، موسیقی، مصرف رسانه ای و ... سعی می‌کنند میان خود و دیگران تمایز گذاری کنند» (ایمان و روحانی، ۱۳۹۲: ۳۰). در نتیجه این تغییرات و سایر عوامل تاثیرگذار، الگو و شیوه‌های گذران اوقات فراغت نیز در معرض تحولات وسیع و عمیقی قرار گرفت. و به سمت فردی شدن فراغت تمایل پیدا کرد.

فراغت و مفهومی چون گذران اوقات فراغت از مفاهیم زندگی مدرن است، «در حقیقت در گذشته سختی تامین معاش و کمیابی و نایابی منابع سبب شده بود تا بیشترین زمان زندگی صرف تلاش برای زنده ماندن شود. در روزگاری که کشاورزی بنیان اقتصادی بیشتر جوامع را تشکیل می‌داد، در تمامی روزها و فصول سال کار انجام می‌شد با این تفاوت که در هوای خوب آهنگ کار تند و در هوای بد آهنگ آن به کندی می‌گرایید... امروزه فراغت در کشورهای در حال توسعه نیز تا اندازه زیادی شبیه فراغت در جوامع صنعتی شده است و از آنجا که گاه در این نوع جوامع نیز چون جوامع صنعتی خصوصیات عمده فراغت (فاصله گرفتن از اجبارهای اجتماعی- فرهنگی و جدانشدن آن از سایر فعالیتها) و همچنین عواملی چون «افزایش یافتن این اوقات به دلیل ممنوعیت کار کودکان، آموزش اجباری و رایگان و افزایش تدریجی سالهای تحصیل و به تاخیر افتادن هر چه بیشتر سن متوسط ورود به بازارکار، افزایش امید به زندگی، در ضمن افزایش سن ازدواج و بهبود زندگی به چشم می‌خورد در نتیجه برای افراد این جوامع نیز وقت فراغت ایجاد شده است (فکوهی، انصاری مهابادی، ۱۳۸۲: ۶۳-۶۲).

در جوامع سنتی و توسعه نیافته نوعی سازگاری و تعادل طبیعی بین عوامل اقتصادی، بنیان‌های اعتقادی و آیین‌های مربوطه و شیوه تفریح و استراحت وجود داشت. در حقیقت می‌توان اظهار داشت تفریح و فراغت با کار و زندگی در هم آمیخته بوده است. به نظر ارسطو هم کار و هم فراغت جزء مهم زندگی هستند. مهم‌ترین نکته در

زمینه گذران فراغت، ویژگی «جمعی» آن بوده است. به گونه ای که در چنین جوامعی مردم در مزرعه و بازار هم تولید و تجارت می کردند و هم از طریق مشارکت در مراسم عروسی و عزا، جشنها و تفریح‌های خانوادگی، محله‌ای، صنفی و گروهی به نیازهای تعامل اجتماعی، شادی، سرگرمی و رقابت پاسخ می گفتند. در آن دوران فضاهای کار و عبادت و فراغت نیز به نحو شگفت‌انگیزی یکپارچه و هم پیوند بودند.

در عصر جدید و با به وجود آمدن تمدن و زندگی شهری، کوتاه شدن تدریجی زمان کار روزانه، پیدایش مراکز و وسایل گوناگون جدید، اوقات فراغت و چگونگی گذران آن مورد توجه خاص قرار گرفت؛ به گونه ای که در سال‌های اخیر عده ای اظهار داشته اند که اصولاً اوقات فراغت محصول جوامع صنعتی جدید است؛ چرا که شرایط واقعی استفاده از اوقات فراغت، در این گونه جوامع به وجود آمده است. این عده معتقدند که این اوقات فراغت است که در شرایط غیر کاری فرصت پرداختن به اموری مانند اخلاقیات و ارزش‌های اجتماعی را در این گونه جوامع فراهم می سازد. نکته قابل تامل در مقایسه جوامع سنتی و مدرن این است که در جوامع سنتی اوقات فراغت کارکردی جمعی و هم افزا برای جامعه و اعضای آن داشته است و از این کانال و بستر اجتماعی تعاملات جمعی، انتقال ارزشها و الگوهای رفتاری در بین نسلها صورت می گرفته و نهادینه می شده است. امروزه با تغییر الگوی گذران اوقات فراغت از جمعی به فردی، کارکرد پیش گفته دچار تغییر و چالش شده است و گاهی این کارکرد از بین رفته یا ناکارا گردیده است.

تعاریف متنوعی از کارکرد اوقات فراغت ارائه شده است برخی آنرا «یکی از عرصه‌های انتخاب آزادانه فردی و عرصه قابل مشاهده زندگی دانسته اند، فراغت و چگونگی گذران آن حوزه مهمی در مطالعات سبک زندگی محسوب می شود. حوزه فراغت اصلی ترین حوزه تحلیل‌های سبک زندگی است. در این حوزه است که افراد، نماگرها، کلیشه‌ها، الگوها و قواعد خاص سبک زندگی و هویت اجتماعی خود را بازگو می کنند. حوزه فراغت بر اساس عوامل و تعیین بخشهای متعددی تغییر می کند، تغییراتی که کاملاً متأثر از متغیرهای تعیین کننده هویت است» (ربانی، شیری، ۱۳۸۸: ۲۱۱-۲۱۰)؛ بعضی توجه سیاستگذاران را به این مهم جلب نموده و آورده اند: در واقع اوقات فراغت به عنوان بخشی از سبک زندگی و جزء جدایی ناپذیر زندگی افراد شده، لازم است که سیاستگذاران و برنامه ریزان نسبت به سیاستگذاری درباره فراغت، در راستای هدفها و آرمانهای جامعه و خواسته‌های مردم، اقدامات لازم انجام دهند (عنایت، حسینی، ۱۳۹۲: ۲۳۸).

آنچه فراغت و چگونگی گذران آنرا حائز اهمیت می کند و تاثیرات آن را تقویت می نماید، پرداختن داوطلبانه و خارج از الزام کاری است که رضایت درونی فرد را به همراه داشته و بر نظام ارزشها و نگرشهای وی تاثیرگذار خواهد بود. به باور رفعت جاه، «یکی از عرصه‌هایی که زندگی روزمره را بازنمایی می کند و قدرت مقاومت را در زندگی انسانها به نمایش می گذارد، فراغت است. فراغت عرصه ای است که اختیار و آزادی انسانها در آن بیشتر قابل اعمال است. از این رو است که گفته اند فراغت می تواند فرهنگ ایجاد کند و هویت افراد را آشکار سازد. فعالیتهای اوقات فراغت دوران بچگی و نوجوانی عموماً برای رفتارهای اوقات فراغت در دوران بزرگسالی بسیار مهم تلقی گردیده

است» (رفعت جاه، ۱۳۸۴: ۶۵). اوقات فراغت زمان مناسبی برای جامعه پذیر نمودن افراد است و استفاده بهینه از فرصتهای فراغتی می تواند بستری برای انتقال ارزشها را فراهم سازد. این زمان یکی از فرصتهای طلایی ایجاد ارتباطات کلامی چهره به چهره و ایجاد فهم مشترک در بین اعضای خانواده است. یامین پور معتقد است که: «در نبود ارتباطات کلامی مشابه بتدریج هم زبانی از بین رفته و زمینه‌های شکل گیری روابط عاطفی مخدوش می شود. منظور از فصل مشترک یعنی نسل جوان و بالغ در لحظات متنوع و زودگذر در کنارهم باشند و از مصاحبت با هم بهره مند شوند. از آنجا که وجود فصل مشترکهای عاطفی، عامل پیوند میان نسلها است، در صورتی که این فصل مشترکهای عاطفی کاهش یابد یا از بین رود خود موجب ایجاد گسست نسلی می شود» (یامین پور، ۱۳۸۹: ۷۲). اوقات فراغت بهترین زمان برای ایجاد چنین بسترها و انتقال ارزشها در بین نسلهاست.

ساروخانی به چگونگی گذران اوقات فراغت به عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی و عامل تاثیرگذار بر تعاملات نسلی و بستری برای امکان بروز رفتارهای جدید اشاره داشته و آورده است: «جامعه امروز ایرانی، دستخوش یک جریان تغییر سریع و ریشه ای است. پیوندهای سنتی با طبقه و خانواده به تدریج کم اهمیت تر می شوند و افراد باید خود مسئولیت زندگی خویش را بر عهده گیرند. از این رو، جوانان الگوهای فراغتی متنوعی را تجربه می کنند. این الگوهای فراغت، خصوصا الگوی مدرن، در تکوین شخصیت و هویت جوانان تاثیرات ژرفی را بر جای می گذارند» (ساروخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۷). صاحب‌نظران معتقدند که ارزش تربیتی فعالیت‌هایی که در اوقات فراغت انجام می شود نه تنها از فعالیت‌های رسمی کمتر نیست، بلکه در بعضی موارد حتی بیش از آنها موثر و سازنده است. به عنوان نمونه چارلز برایت بیل معتقد است که فراغت و تعلیم و تربیت به طور پیچیده ای به هم تنیده اند به گونه ای که فراغت به تعلیم و تربیت منتهی می شود و تعلیم و تربیت مجدداً به فراغت ختم می شود. بنابر این نقش اوقات فراغت در تکوین شخصیت افراد جامعه بسیار حائز اهمیت است» (پهلوان، برزیگر، ۱۳۹۰: ۵۵).

بر مبنای مطالب پیش گفته مطالعات قابل توجهی در حوزه اوقات فراغت و مناسبات نسلی در سالهای اخیر انجام شده است. مطالعات معدودی نیز به هر دو حوزه پرداخته که اغلب یکی از ابعاد موضوع را مورد رصد قرار داده اند. این مطالعه که از پروژه‌های شبکه برنامه گروه جوانان و مناسبات نسلی است این مسئله محوری را مورد مذاقه قرار خواهد داد که تغییر در الگوی گذران اوقات فراغت از جمعی به فردی چه رابطه ای با الگوهای تعاملات بین نسلی و تغییرات آن دارد. بنظر می رسد چگونگی تعاملات بین نسلی، به نحوه انتخاب چگونگی گذران اوقات فراغت (اعم از جمعی/ فردی؛ فعال/ منفعل؛ رسانه ای/ غیر رسانه ای) و میزان و شدت آن بستگی دارد. بر اساس مطالب پیش گفته با توجه به ابعاد مناسبات بین نسلها و الگوهای گذران اوقات فراغت، مطالعه حاضر به بررسی احتمال وجود رابطه بین این دو متغیر می پردازد، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه وضعیت تعاملات میان نسلی و میزان و نحوه گذران اوقات فراغت است. مطالعات زیادی در حوزه فراغت انجام شده است ولی با توجه به موضوع نوین بودن مسئله مناسبات نسلی در ایران و رابطه نحوه و میزان گذران اوقات فراغت در چگونگی (نوع) این مناسبات، لازم است تا از این رویکرد به مسئله روابط نسلی پرداخته شود. بررسی اوقات فراغت از منظر رابطه آن بر مناسبات

بین نسلی رویکرد جدیدی در حوزه اوقات فراغت می باشد. به طور کلی مطالعه در دو زمینه روابط نسلی و اوقات فراغت محدود است و این مطالعه برای نخستین بار به بررسی رابطه بین این دو می پردازد.

#### ۴۱ - ضرورت و اهمیت پژوهش:

ارزشها و هنجارهای یک جامعه از طریق تعاملات بین نسلی انتقال می یابد. انتقال ناقص یا عدم انتقال موجب چالشهای جدی در بقاء و تداوم یک فرهنگ و تمدن می گردد. اوقات فراغت و نحوه گذران آن یکی از بسترهایی بسیار مهم برای این انتقال فرهنگی ارزشها و هنجارهاست. در جهان متحول امروز تغییرات قابل توجهی در نحوه و میزان گذران اوقات فراغت رخ داده است که بی تردید بر تعاملات بین نسلیها تاثیرگذار است. به منظور ارائه راهکارهایی برای تفاهم نسلی در یک جامعه ضروری است که چگونگی رابطه بین نحوه و میزان گذران اوقات و تعاملات نسلی مورد رصد قرار گیرد. به نظر محققین، «توجه و اهمیت دادن به اوقات فراغت در دهه‌های اخیر به حدی رشد کرده است که بدون شک می توان قرن آینده را قرن اوقات فراغت و در راس آن گردشگری نامید (عبدالملکی، ۱۳۷۸: ۹).

بر خلاف بسیاری از کشورها، در ایران داده‌های مربوط به نحوه گذران اوقات فراغت تنها در سه سال آماری گردآوری شده است و نمی توان بر اساس داده‌های آماری روند تغییرات و به طور کلی الگوی گذران فراغت را رصد نمود. در سالهای ۱۳۶۸، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۲ نحوه گذران اوقات فراغت در سالنامه‌های آماری مربوطه موجود است ولی شاخص‌های متفاوتی برای آن در نظر گرفته شده که امکان مقایسه و احصا الگو را فراهم نمی نماید.

تا کنون مطالعه ای که به بررسی رابطه بین نحوه و میزان گذران اوقات فراغت و چگونگی تعاملات بین نسلی، بپردازد؛ انجام نشده است. در کنار مطالعات موردی و منفرد در حوزه مورد بررسی، یکی از مطالعات ارزشمندی که به گونه ای در ارتباط با اوقات فراغت و مصرف فرهنگی بوده، در سال ۱۳۸۲ توسط وزارت ارشاد اسلامی با عنوان «رفتارهای فرهنگی ایرانیان» منتشر شده که این مطالعه متمرکز بر میزان مصرف رسانه‌ها و همچنین نوع فعالیت‌هایی دیگر که جنبه فرهنگی دارد و در ساعات فراغت افراد صورت می گیرد، است. با توجه به گذشت بیش از یک دهه از مطالعه مذکور، و رخداد تغییرات در الگوی گذران اوقات فراغت در بین نسلیهای مختلف فعال جامعه، ضرورت مطالعه و شناخت وضعیت موجود برای کمک به سیاستگذاران و برنامه ریزان فرهنگی در کشور احساس می گردد.

از سوی دیگر، مفهوم «فراغت» در زندگی مدرن و الگوهای متنوع و متکثر آن به عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی، بسیار حائز اهمیت است. الگوهای مختلف فراغتی که به صورت فردی و جمعی و نیز فعال و منفعل مطرح هستند با نحوه روابط بین نسلیها در رابطه است. در واقع شناسایی رابطه بین الگوی روابط بین نسلیها و گذران فراغت یکی از موضوعات مهمی است تا کنون مورد مطالعه قرار نگرفته است و لازم است به منظور صیانت از جایگاه خانواده، برنامه ریزی‌های فراغتی در کشور با توجه به این مهم انجام شود. این در حالی است که رویکرد تمامی تلاشها و

برنامه ریزی‌هایی که در کشور برای گذران فراغت در نظر گرفته می‌شود، بر مبنای توجه به فرد، تقویت مهارت‌های فردی و... است و بندرت در این برنامه ریزی‌ها به خانواده و گذران فراغت خانواده محور توجه شده است. در راستای حفظ و تقویت نهاد خانواده انجام این مطالعه ضروری است.

#### ۱ ۴ - وضعیت موجود مناسبات نسلی و ابعاد آن

در طی دهه‌های اخیر موضوع مناسبات نسلی مورد توجه محققین مختلف قرار گرفته است و آنها از ابعاد متفاوت به بررسی موضوع پرداخته‌اند. برخی وضعیت موجود را تفاوت نسلی دانسته‌اند و دلایلی برای این وضعیت مطرح نموده‌اند و برخی وضعیت موجود تعاملات بین نسلها را در کشور تعارض و در بدبینانه‌ترین شرایط گسست و تعارض اعلام داشته‌اند.

بررسی نتایج مطالعات دهه‌های گذشته و مقایسه آنها با یکدیگر نشان دهنده روند تغییرات وضعیت تعاملات بین نسلها در کشور است. محسنی در مطالعه خود در سال ۱۳۷۴ اعلام داشته است که بجز گرایش فزاینده نسل ۱۶-۲۴ سال به ارزشهای مادی گرایانه، شکاف قابل ملاحظه‌ای میان دو نسل جوان و سالخورده وجود نداشته است (محسنی، ۱۳۷۹). آزادارمکی نیز در مطالعه خود در سال ۱۳۷۹ به نتیجه تقریباً مشابهی رسیده است. نتایج مطالعه وی حکایت از تاثیر عوامل بیرونی بر تعاملات بین نسلها دارد. وی بر این باور است که جامعه ایرانی در اثر عوامل بیرونی همچون افزایش جمعیت جوان با شکاف نسلی روبرو شده است اما آداب و سنن، هنجارها و مهمتر از همه نیاز عاطفی حمایتی والدین به فرزندان سه نسل را به هم پیوند داده و مانع تبدیل تفاوت‌های نسلی به تعارضات نسلی شده است (آزادارمکی، ۱۳۷۹ به نقل از دانش و دیگران، ۱۳۹۳: ۵).

دانش و دیگران با مقایسه یافته‌های پژوهشهای مختلف، معتقد به روند تغییر در روابط بین نسلها بوده و آنرا وضعیتی ترکیبی دانسته و نهایتاً چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که «روابط نسلی در دهه ۱۳۸۰ نسبت به دهه قبل تلفیقی از تزاخم و توافق است... با تشدید تغییرات فرهنگی و ارزشی، روابط نسلی به سمت شکاف در حرکت است هر چند هنوز دین و خانواده برای همه نسلها از اهمیت بالایی برخوردار است (دانش و دیگران، ۱۳۹۳: ۵).

معید فر نیز وضعیت مشابهی را مطرح نموده ولی حوزه‌های تفاوت و تعارض را به دقت مشخص نموده است. وی در بررسی خود دریافت که بیشترین توافق در بین نسلها مربوط به مسائل اجتماعی (طلاق، بیکاری، اعتیاد و...) و بیشترین اختلاف در زمینه اعتماد اجتماعی و نگرش نسبت به ارزشهای انسانی بوده است. به طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جوانان در زمینه‌های تساهل در عقاید مذهبی، کاهش احساس تعلق به جامعه، عدم اعتماد اجتماعی و تاکید بر ارزشهای مدرنیستی تفاوت‌های زیادی با بزرگسالان دارند که بعضاً در طی زمان افزایش یافته است (معید فر، ۱۳۸۳: ۷۵)

تاجیک در مطالعه خود تعارض هویت جمعی را عاملی برای وجود تعارض نسلی مطرح کرده است. «در سطح جامعه ایران با تعدد و تعارض هویت‌های جمعی کوچک و خاص گرایانه و نبود هویت جمعی عام روبه رو هستیم. در چنین حالتی نسل جوان پیرامون «پادگفت‌مانه‌های» گوناگون به طواف مشغول می‌شوند، این گم‌گشتگی و سرشکستگی هویتی یکی از اساسی‌ترین علل زمینه‌ساز «گسست نسلی» در زمانه ماست و گسست نسلی نیز متقابلاً با جدا کردن نسل جوان از نسل‌های گذشته به این فقدان هویت جمعی دامن می‌زند. با توجه به جنبه‌های آسیب‌شناختی مذکور می‌توان گفت در ایران امروز با مسئله‌ای اجتماعی به نام شکاف نسلی مواجهیم (تاجیک، ۱۳۸۳ به نقل از دانش و دیگران، ۱۳۹۳: ۴).

### ۱ ۵ - چگونگی اوقات فراغت، دسته‌بندی‌های آن:

دسته‌بندی‌های مختلفی از چگونگی اوقات فراغت و پیامدهای آن ارائه شده است اوقات فراغت فعال، اوقات فراغت منفعل، اوقات فراغت جمعی، اوقات فراغت فردی، اوقات فراغت خانواده محور، اوقات فراغت اجتماع محور، از جمله این دسته‌بندی‌هاست. غفاری با بررسی گذران اوقات فراغت فردی، پیامد آن را شناسایی نموده و معتقد است که «اوقات فراغت خانه محور، فردی و خصوصی شده بر اعتماد بین شخصی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی تاثیر گذاشته و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد». وی در تبیین این موضوع متذکر شده «زیرا افراد بیشتر به آیین‌های شخصی گرایش می‌یابند (سلولی شدن خانواده). در این صورت خانواده‌ها تک‌تک هستند و ارتباطات شبکه‌ای بین اعضای خانواده وجود ندارد. افراد سعی می‌کنند انفرادی از اعمال خودشان لذت ببرند. جامعه‌ای که رفتارهای فردی و فراغتهای خانه محور دارد، رفتارهای فرد گرا ترجیح پیدا می‌کند. فراغت خانه محور موجب سنت زدایی است؛ زیرا یکی از ویژگی‌های سنت، برگزاری آیین‌های جمعی است. (غفاری، ۱۳۸۷).

### ۱ ۶ - مفاهیم و متغیرهای پژوهش:

**تفاوت نسلی:** عدم انطباق فرهنگی بین دو نسل متوالی یا میزان گسستگی و تداوم فرهنگ یک جامعه از نسلی به نسل دیگر (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۹).

**شکاف نسلی:** در فرهنگ آکسفورد، شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است که موجب فقدان فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود. در فرهنگ وبستر نیز شکاف نسلی به عنوان اختلافی گسترده در خصلتها و نگرشهای میان نسل‌ها تعریف شده است (ذکایی و فتحی، ۱۳۹۲: ۳۲).

**گسست نسلی:** دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی، وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که اصطلاحاً گسست نسلی نامیده می‌شود (اسپارک، ۱۳۶۴: ۲۵۹). شرفی کاهش ارتباط کلامی، اختلال در فرایند همانند سازی، کاهش فصل مشترک عاطفی، عدم تعهد به فرهنگ خودی، نابردباری

نسلها و عدم حضور نسل جوان در مشارکتهای اجتماعی از جمله شاخصهای عمده گسست نسلی به شمار می روند (شرفی، ۱۳۸۲)

**روابط نسلی:** چگونگی رابطه بین نسلهای حاضر در عرصه اجتماع که حالات سه گانه دارد. تفاهم، تفاوت و تعارض

**نسل:** افرادی که در یک دوره تاریخی به دنیا آمده و دارای ابژهها و تجربیات مشترکی هستند. «هر نسل، مهر خاص حوادث اجتماعی- سیاسی دوره اصلی شکل گیری (جوانی) خود را بر پیشانی دارد. حوادثی که طی این دوره تجربه می شوند نفوذی قاطع و تعیین کننده در تمایز ایدئولوژیک و در تعیین ساختار ذهنی، فرهنگ و رفتار بعدی اعضای یک نسل خواهد داشت» (توکل، قاضی زاده، ۱۳۸۵: ۹۹ به نقل از شومن و اسکات).

**اوقات فراغت:** زمانی که فرد با اختیار خویش و آزادانه برنامه ریزی و عمل می کند. «هیود مفاهیم اوقات فراغت را در چند طبقه دسته بندی می کند: اوقات فراغت به عنوان بازمانده وقت، اوقات فراغت به عنوان فعالیت، اوقات فراغت از دید عملکردی، اوقات فراغت از دیدگاه آزادی عمل.

**سبک فراغتی خانواده محور:** بیشتر درگیر فعالیتهای نزدیک محل سکونتشان می شوند و فعالیتهای فراغتی معمولاً همراه با خانواده انجام می شود. این سبک فراغتی بیشتر بین افراد طبقه متوسط به پایین و قشر بالای طبقه پایین رایج است. برای بسیاری از مردم فعالیتهای خانواده محور یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است (فیضی، ۱۳۸۶: ۲۶).

**فراغت اجتماع محور:** بر فعالیتهای بیرون از خانه تاکید می شود. افراد فعالیتها را هدفمند و با توجه به نقش آنها در زندگی شان انتخاب می کنند. این سبک فراغتی عمدتاً بین مردم طبقه متوسط به بالا وجود دارد (فیضی، ۱۳۸۶: ۲۵).

#### ۱-۴ - سئوالات پژوهش:

سؤال اصلی این مطالعه عبارت است از:

بین چگونگی تعاملات بین نسلی و نحوه و میزان گذران اوقات فراغت چه رابطه ای وجود دارد؟

سوالات فرعی:

۱. مناسبات نسلی (تفاهمی، تفاوتی، و تعارضی) چه رابطه ای با میزان و نحوه گذران اوقات فراغت دارد؟
۲. بین میزان و نحوه گذران اوقات فراغت، نسل (دوره زندگی) و متغیرهای زمینه ای (تحصیلات، جنسیت و سن آنان) چه رابطه ای وجود دارد؟
۳. الگوی گذران اوقات فراغت در نسلهای مورد بررسی چه تغییراتی را نشان می دهد؟



## ۱-۸ - اهداف پژوهش:

هدف اصلی این تحقیق شناسایی رابطه بین چگونگی گذران اوقات فراغت و تعاملات بین نسلی است. اهداف فرعی این مطالعه عبارتند از:

۱. شناسایی رابطه بین الگوهای تعامل نسلی (تفاهم، تفاوت و تعارض) و نحوه و میزان گذران اوقات فراغت
۲. تبیین رابطه بین نحوه و میزان گذران اوقات فراغت در نسله‌ها با متغیرهای زمینه‌ای
۳. تبیین تغییرات در الگوی گذران فراغت در نسله‌ها

Archive of SID

## فصل دوم:

### بررسی ادبیات نظری

Archive of SID

## ۲-۱- مقدمه:

تحولات گسترده در سبک زندگی موجب تغییراتی در شیوه و میزان تعاملات بین انسانها شده است. با توسعه شهرنشینی، خانه نیز بسیاری از کارکردهای سنتی اش مانند خانه به مثابه محل غذا خوردن، محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و میهمانی، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها و محل کار و البته تولید؛ را از دست داده است و بتدریج همه چیز بجز کارکرد محل خواب بودن را به فضاهای شهری منتقل کرده است.

بورديو با تاكيد بر رابطه بين طبقه اجتماعي و گذران اوقات فراغت بر اين باور است كه سبك زندگي منشا طبقاتي دارد، به بيان ديگر، هر طبقه لباس خاصي مي پوشد، نوشيدني خاص مي خورد، اوقات فراغت و ورزش متفاوتي دارد. وي تاكيد مي كند كه سلیقه مشخصه پایگاه اجتماعي است. بررسی بورديو بيانگر اين نکته است كه طبقات و گروههاي شغلي متفاوت تمايل به سلیقه‌هاي گوناگون در موزيك و غذا دارند (اسمیت، ۲۰۰۱: ۱۳۷). گيدنز با توجه به انتخابی بودن سبك زندگي سعی مي كند كه ارتباط نسلها را با سبك زندگي به اين صورت برقرار نمايد: سبك زندگي «در عمل نه فقط از نسل گذشته «تحويل» گرفته نمی شود، بلکه «پذيرفته» می شود. البته وي توضیحي در مورد چگونگي و نحوه پذيرش آن توسط نسلهاي بعدي، ارائه نمی دهد. نسلهاي موجود در يك جامعه، طبق تئوري بورديو، ساختمان ذهني مشابهي ندارند و در نحوه گذران اوقات فراغت نیز تمايزات و تفاوتهايي وجود دارد. مطالعات قابل توجهي بالاخص در حوزه اوقات فراغت وجود دارد كه ابعاد آنرا مورد بررسی قرار داده اند.

## ۲-۱-۱- اوقات فراغت و تغییرات آن

«فراغت، در گذار از سه دوره تاريخي، معاني و تعاريف متفاوتي يافته است: در دوره ماقبل مدرن فراغت در ردیف كار بود؛ اوقات فراغت بخشی از زندگي فرهنگي جامعه و امري مهم و مولد به حساب می آمد كه انتخاب آن در اختيار فرد نبود. در دوره مدرن فراغت در مقابل كار قرار گرفت؛ نظم توسعه صنعتي اوليه در بيشر جوامع فراغت را بالقوه مشكل جامعه صنعتي می پنداشت و بنابر اين گسترش آن را بر نمی تابيد. در دوره مدرنيته متاخر بازارهاي مصرفي تشكيل شده و حوزه‌هاي فراغتي برای اقشار مختلف شكل يافته است و نوعي تداخل و هم پوشاني در كار و فراغت ايجاد شده است» (سعیدی، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

پيشينه اوقات فراغت در ايران به دوران قاجار می رسد. گرچه اولين بار به صورت رسمي در سال ۱۳۱۳ در باغ منظريه اولين اردو برگزار شد. پس از آن نیز با ايجاد نهادها و سازمانهاي مختلف، مانند كانون پرورش فكري کودکان و نوجوانان، وزارت فرهنگ و هنر، سازمان تربيت بدني و غيره در مورد اوقات فراغت سياستگذاري شد. در زمينه اوقات فراغت در ايران تحقيقات و مطالعات بسياري انجام شده بيش از ۷۰ پايان نامه در اين حوزه وجود دارد كه گروههاي مختلف سني و جنسيتي را با اهداف مختلف مورد مطالعه قرار داده اند (صانعی، ۱۳۷۳؛

خدمتگزار ۱۳۷۵؛ سنایی ۱۳۸۰؛ و ....). برخی فقط در سطح رضایت سنجی بوده (تامینی، ۱۳۷۹) بعضی به نوع فعالیتها در دوران فراغت پرداخته اند (امینی، ۱۳۷۸) و گروهی زمان مصرف در اوقات فراغت را مورد مطالعه قرار داده اند (رحیم آبادی، ۱۳۵۶). از بررسی تحقیقات انجام شده که بیشتر در زمینه چگونگی گذران اوقات فراغت دانشجویان صورت گرفته، چنین بر می آید که در زمان تحصیل حدود ۴ ساعت و بیشتر زمان فراغت وجود دارد. برخی مطالعات این زمان را در تابستان تا ۸ ساعت نیز گزارش کرده اند. (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴: ۸) نکته حائز اهمیت که از بررسی پیشینه حاصل می گردد این است در اکثر این مطالعات فرد و رویکردهای فردی مورد مداخله قرار گرفته است. و کمتر به تعاملات و روابط بین فردی و رابطه فراغت با آن پرداخته شده است.

در طی سالیان مختلفی که داده های آماری در کشور جمع آوری می شده، علی رغم اهمیت گذران اوقات فراغت و الگوهای مربوط به آن، اطلاعات قلیلی در این حوزه وجود دارد. بررسی داده های سالنامه های آماری کشور حکایت از آن دارد که در برخی سالها (تنها ۵ سال ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۷۳، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲) داده های مربوط به نحوه گذران اوقات فراغت خانوارها بر حسب سن، وضعیت اقتصادی، و سطح سواد جمع آوری شده است. این در حالی است که شاخص های سنجش و اندازه گیری گذران اوقات فراغت در سالهای مختلف، متفاوت بوده اند. در سال ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ فعالیتهای فراغتی شامل فعالیتهای ورزشی، فعالیتهای مذهبی، انجام امور هنری و آموزشی، استفاده از مراکز فرهنگی، مطالعه غیر درسی و مطبوعات و سرگرمی های سمعی و بصری، راهپیمایی و گردش؛ بوده اند که هیچ داده ای مربوط به فراغت جمعی خانوادگی مثل دیدار اقوام و دوستان را جمع آوری نکرده است. این نقص در داده های سال ۱۳۷۳ بر طرف شده و در این سال مواردی بدین شرح جمع آوری شده است: انجام امور ورزشی، انجام امور مذهبی، انجام امور هنری، دیدار دوستان و آشنایان، رفتن به سینما و تئاتر، رفتن به کتابخانه و اماکن تاریخی و نظایر آن، مطالعه روزنامه و مجله، مطالعه کتب غیر درسی، استفاده از رادیو و تلویزیون، رفتن به پارک و پیاده روی. در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ فعالیتهای جمعی و اغلب ورزشی مورد تاکید بوده و در نتیجه داده های مربوط به فعالیتهای ورزشی و آموزشی وابسته به آن، تماشای مسابقات ورزشی در محل برگزاری مسابقات، فعالیتهای هنری و آموزشی وابسته به آن، تماشای تئاتر و نمایش، شرکت در کنسرت و موسیقی، بازدید از موزه ها و نمایشگاهها، عضویت و فعالیت در گروههای اجتماعی، مسافرت و شرکت در اردوها و تورها. بجز این سالها، آمارهای ملی در مورد گذران اوقات فراغت و نحوه آن در کشور مسکوت بوده و قادر به ارائه الگوی ملی نمی باشند. در ارتباط با کارکردهای فراغت، برخی اوقات فراغت را زمان تلف شده و بی ارزش عمر می دانند و تنها ایامی را که در حال کار هستند، ارزشمند می شمارند. گروهی دیگر بر این باورند که اوقات فراغت دارای کارکردهای متنوعی است و می توان کارکردهای مثبت را برای آن نیز لحاظ نمود. به باور این محققین مهمترین کارکردهای فراغت به شرح زیر است:

۱. استراحت و رفع خستگی؛

۲. جبران صدمات جسمی و روانی ناشی از هیجانات مداوم کار؛

۳. تفرج و رهایی انسان از کسالت ناشی از یکنواختی؛

۴. کنار گذاشتن موقتی وظایف روزمره؛

۵. فراهم آوردن رشد شخصیت؛

۶. پرورش استعدادهای بدنی و ذهنی (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۲۰).

## ۲-۲- بررسی پیشینه تحقیق

مطالعات مختلفی در حوزه مناسبات نسلی، اوقات فراغت و نیز مناسبات نسلی با توجه به گذران اوقات فراغت انجام شده است که با توجه به متغیرهای مورد بررسی، نتایجی را اعلام داشته اند. پیشینه تحقیق را با توجه به موارد مطروحه می توان به مطالعاتی در هر دو حوزه روابط نسلی و نیز اوقات فراغت اشاره داشت. بی تردید تمرکز این مطالعه بر پژوهشها و بررسی هایی در این حوزه بوده که بر مبنای آنها بتوان متغیرهایی را برای آزمون احصا نمود ولی با توجه به اهمیت و به منظور ایجاد نگاه جامع این فصل، به بعضی از مطالعات مرتبط نیز به صورت گذرا اشاره شده است.

یکی از روشهای گذران اوقات فراغت، استفاده از رسانه‌هاست. محققین از دو رویکرد به ارتباط بین رسانه‌ها به عنوان بستر فراغتی و روابط بین نسلی نگریسته اند. نخست چگونگی بازنمایی تعاملات بین نسلی در رسانه و دیگر تاثیر و رابطه استفاده از رسانه در تعاملات بین نسلی. در گروه اول که تعداد آنان محدود بوده، مطالعات ذکایی و فتحی نیا (۱۳۹۲)؛ معینی فر و محمد خانی (۱۳۹۰) قرار دارند و گروه دوم شامل مجموعه گسترده تری است مطالعات انجام شده توسط ارجمندی و دیگران، ۱۳۹۲؛ احمدی و احیایی، ۱۳۹۲؛ ساروخانی و دیگران، ۱۳۹۲؛ بابایی و دیگران، ۱۳۹۲؛ عنایت و حسینی، ۱۳۹۲، خواجه نوری و مقدس، ۱۳۹۲؛ صبوری جهانشاهی و توکلی فرد، ۱۳۹۱؛ پور حلبی، ۱۳۹۱؛ سرایی و دیگران، ۱۳۹۰؛ منتظر قائم و شاقاسمی، ۱۳۸۷؛ یوسفی، ۱۳۸۸؛ می باشد.

ویژگی های جامعه شناختی شامل وضعیت اقتصادی، موقعیت و طبقه اجتماعی، دوره زندگی و نیز جنسیت، را محققان هم بر چگونگی گذران اوقات فراغت و هم بر نحوه و الگوی تعاملات بین نسلیها موثر دانسته اند. جعفری و دیگران (۱۳۹۳)؛ عنایت و حسینی، ۱۳۹۲؛ پهلوان و برزیگر، ۱۳۹۰؛ فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۳؛ سرایی، ۱۳۹۱، ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰ و احمدی و احیایی، ۱۳۹۲؛ در مطالعات خویش نشان دادند که سرمایه اقتصادی بر تعاملات بین نسلیها و یا بر چگونگی گذران اوقات فراغت تاثیرگذار است.

«موقعیت اجتماعی و طبقه»، «دوره زندگی» و همچنین «جنسیت» از دیگر متغیرهای احصا شده و موثر بر تغییرات مرتبط با اوقات فراغت و نیز تعاملات بین نسلی است. پارکر، ۱۹۶۱؛ گروس، ۱۹۶۱؛ پهلوان و برزیگر، ۱۳۹۱؛ سرایی و پطروودی، ۱۳۹۱؛ سرایی و سوادیان، ۱۳۹۰؛ ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰؛ واصفیان و دیگران، ۱۳۹۳؛ ربانی و شیری، ۱۳۸۸؛ تمنا، ۱۳۹۲؛ عنایت و حسینی، ۱۳۹۲ در مطالعات خویش به تاثیر طبقه اجتماعی، دوره زندگی و جنسیت بر چگونگی تعاملات نسلی و نحوه و چگونگی گذران اوقات فراغت پرداخته اند.

از دیگر متغیرهای احصا در ارتباط با موضوع مورد بررسی، «تغییر ارزشها» است. آزادارمکی، ۱۳۸۳؛ دانش و دیگران، ۱۳۹۳؛ یوسفی، ۱۳۹۲؛ ارجمندی و دیگران، ۱۳۹۲؛ نوروزی، ۱۳۸۸؛ ربانی و محمدی زاده یزد، ۱۳۹۱؛ یامین پور، ۱۳۸۹؛ قریشی میناآباد و میرواسع، ۱۳۹۰ در مطالعات خود به این مهم اشاره داشته اند. فردگرایی نیز به عنوان متغیر تاثیر گذار بر تعاملات بین نسلی و چگونگی گذران اوقات فراغت توسط معیدفر، صبوری خسروشاهی و توکلی نیا، ۱۳۹۰؛ پهلوان، ۱۳۸۶؛ رحیمی و دیگران، ۱۳۹۰ گزارش شده است. همچنین جهانی شدن نیز از دیگر متغیرهای احصا شده توسط محققین در این ارتباط بوده است. در ادامه گزیده ای از مطالعات بالا به تفکیک متغیرهای مورد بررسی، مطرح می گردد:

ذکایی و فتحی نیا (۱۳۹۲) در مطالعه ای با عنوان «نحوه بازنمایی روابط بین نسلی در سریالهای ایرانی پربیننده» با استفاده از روش تحلیل روایت به بررسی سریالهای ایرانی پربیننده در طی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ پرداخته است. «یافته‌های این بررسی حاکی از آن است که سه الگوی توافق نسلی، تغییر نسلی، و شکاف یا گسست نسلی به صورت پنهان یا آشکار در سریالهای مورد بررسی بازنمایی شده است. در این میان تنها الگویی که در آن هم نگرش و رفتار جوانان و هم نگرش و رفتار افراد بزرگسال در همه موارد خوب نمایی شده الگوی توافق نسلی است..... محقق همچنین نتیجه گرفته است که این نحوه عمل در سریالهای تلویزیونی تا حدی متاثر از سیاستهای صدا و سیما در حوزه روابط بین نسلی باشد» (ذکایی و فتحی نیا، ۱۳۹۲: ۲۹). برخی دیگر از محققین به بازنمایی اوقات فراغت از طریق رسانه‌ها توجه داشته و ابعاد آن را مورد رصد قرار داده اند. معینی فر و محمد خانی (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان «بازنمایی الگوی مصرف یک خانواده آمریکایی: سیمسونها در اوقات فراغت»، به مطالعه برخی از قسمتهای این انیمیشن ۴۰۰ قسمتی که دارای ژانر طنز بوده و از محبوبیت بی نظیری نزد شهروندان آمریکایی برخوردار بوده است، پرداخته اند. یافته‌های آنها حکایت از این دارد که «افراد خانواده سیمسونها در سطح فردی ذائقه‌های متفاوتی در رابطه با گذران اوقات فراغت خود دارند. به لحاظ تغییر کارکردهای خانواده باید بگوییم اگر چه مصرف گرایی، کارکردهای خانواده را تغییر داده است، اما هنوز خانواده در سرگرم کردن افراد در اوقات فراغت نقشی کلیدی به عهده دارد که در فعالیتهای جمعی آنان با یکدیگر مانند غذا خوردن و بحث‌های مشترک متجلی است. اگر چه مصرف گرایی فرصتهای جدیدی برای سرگرمی فراهم آورده اما کماکان خانواده کارکردهای قبلی خود را از دست نداده و نقشی اساسی در زندگی فردی و اجتماعی افراد دارد، در واقع سیمسونها نمایان گر فردگرایی در کنار خانواده گرایی است. این مجموعه نگاهی آسیب شناسانه به خانواده آمریکایی نیز داشته است..... اگر چه در سریال سیمسونها تاثیر مصرف گرایی بر زندگی و نحوه گذران اوقات فراغت افراد خانواده را شاهد هستیم، اما خانواده همچنان بعضی کارکردهای خود را حفظ کرده است. به عبارت دیگر، در جوامع سرمایه داری چون آمریکا مصرف گرایی نتوانسته روابط خانوادگی را معدوم سازد، اگر چه آنرا تقلیل داده است» (معینی فر؛ محمد خانی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۰) در مطالعه ای با عنوان «اوقات فراغت و عوامل اجتماعی موثر بر آن، مطالعه موردی افراد ۶۴-۱۵ ساله شهرستان جویبار»، به بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی، وضعیت تاهل، محل زندگی، سن و جنسیت بر میزان گذران اوقات فراغت پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین فراغت فعال (۱/۸۷ از ۴) بیشتر از میانگین فراغت غیر فعال (۱/۴ از ۴) است. بررسی الگوی گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد که فعالیتهای فراغتی «بودن در کنار خانواده» و «تماشای تلویزیون» از مهمترین الگوهای فراغتی جامعه مورد بررسی است. همچنین سن و تحصیلات پاسخگو به ترتیب قوی ترین و ضعیف ترین تاثیر را بر متغیر وابسته اوقات فراغت دارند. به طور کلی این مطالعه نشان می‌دهد که میانگین مشارکت زنان در فعالیتهای فراغتی پایین تر از حد متوسط است. بدین جهت که نخستین مسئولیت زنان، ساماندهی امور خانه است و مسئولیتهای خانگی به گونه ای است که تنظیم و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار می‌سازد و موجب تکه تکه شدن اوقات فراغت می‌شود. مطالعه مذکور نشان داد که «در مجموع، میانگین اوقات فراغت بر حسب گروههای سنی گوناگون، متفاوت است. جوانان (۱۵-۲۹ سال) به دلیل فرصت شغلی کمتری که از آن برخوردارند، دارای اوقات فراغت بیشتری نسبت به سایر گروهها هستند و با توجه به اینکه سهم زیادی از جوانان را دانش آموزان تشکیل می‌دهند که به سن ازدواج نرسیده اند و در کنار خانواده زندگی می‌کنند، لذا مسئولیت چندانی بر عهده ندارند تا بر اوقات فراغت آنان تاثیرگذار باشد و از میزان اوقات فراغت آنان بکاهد. در دوره میانسالی (۳۰-۴۹ سال) با تغییر مسئولیت فرد در زمینه تقبل بار تکفل خود یا اعضای خانواده اش، الگوی گذران اوقات فراغت او نیز تغییر می‌کند. در این دوران بر مسئولیت خانوادگی آنان افزوده می‌شود و لذا این عوامل سبب کاهش اوقات فراغت آنان می‌شود و به تبع کمتر از دوران جوانی به فعالیتهای فراغتی می‌پردازند. افراد کهنسال (۴۴-۵۰ سال) به علت کاهش توان جسمی، بازنشستگی و از دست دادن منبع شغلی از میزان فراغت آنان کاسته می‌شود (ابراهیمی و پطرودی، ۱۳۹۰: ۸۷-۸۶). نه تنها ویژگیهای اقتصادی خانواده، بلکه ساختار اجتماعی آن در نحوه گذران اوقات فراغت اعضای آن تاثیرگذار است. پهلوان و برزیگر (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان «بررسی گرایش به نحوه گذران اوقات فراغت در بین دختران مقطع متوسطه شهرستان آمل»، با بررسی نمونه آماری ۳۸۰ نفر از دانش آموزان دختر ۱۵-۱۸ سال مقطع متوسطه، دریافتند که «تحصیلات والدین، مشارکت اجتماعی دختران، وضعیت اقتصادی خانواده، رشد تکنولوژی (نوع دسترسی به امکانات)، و همسالان همگی نقش و رابطه معناداری با تمایل دانش آموزان به شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت دارد. نتایج تحقیق همچنان نشان می‌دهد که دختران به انواع فراغتها از جمله ورزش، سینما، پارک، کافی شاپ، مسافرت و رفتن به مراکز خرید و قدم زدن در خیابانها تمایل دارند» (پهلوان و برزیگر، ۱۳۹۰: ۵۳). همچنین «طبقه اجتماعی و اوضاع و احوال اقتصادی-اجتماعی افراد جامعه یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر اوقات فراغت و چگونگی گذران آن می‌باشد. تفاوت طبقات اجتماعی در فراغت بسیار زیاد است، زیرا از تفاوت در درآمد، شرایط تحصیلی و ساعات کاری متوجه می‌شویم که افراد طبقه متوسط و کارگر اغلب فعالیتهای فراغتی متفاوتی دارند. میشل آرگیل معتقد است طبقات مختلف فعالیتهای فراغتی مختلفی دنبال می‌کنند، طبقات

پایین تر در انواع فراغتهایی که ارزان هستند و از نظر جسمی طاقت فرسا نیست شرکت می‌جویند و در این جهت تماشای تلویزیون که هم ارزان است و فعالیت جسمی کمتری را می‌طلبد؛ بیشتر مورد توجه این قشر از جامعه قرار می‌گیرد. همین جامعه شناس در تحقیقی که در مورد جامعه انگلیس انجام داده به این نتیجه رسیده که طبقات متوسط توانایی این را دارند که خرج بیشتری برای فراغت کنند، خانواده‌هایی که بالای ۳۰۰ واحد در هفته درآمد داشتند ۱۸/۳ درصد درآمدشان را صرف فراغت کرده‌اند و آنهایی که زیر ۱۰۰ واحد در هفته درآمد دارند، ۱۱/۳ درصد از درآمدشان را صرف فراغت می‌کنند (همان، ۱۳۹۰: ۶۲).

بررسی مطالعات تجربی نشان می‌دهد که وجود شکاف نسلی متاثر از عوامل گوناگون است. معیدفر و صبوری خسروشاهی به بررسی تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی پرداخته‌اند. آنها در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که تعارض، متاثر از عواملی مانند رشد فردگرایی، گرایش به نوگرایی و نگرش دموکراتیک والدین بوده است (معیدفر، صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰).

رحیمی، محمد؛ آشفته‌تهرانی، امیر؛ حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۰) نیز در کنار عواملی چون فردگرایی، به موضوع حسو ارزشها و تاثیر آن بر شکاف نسلی تاکید کرده‌اند. آنها در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل اجتماعی موثر بر شکاف بین نسلی، مطالعه موردی شهر خلخال در سال ۱۳۹۰» با ۳۶۰ نفر از جوانان ۲۰ تا ۲۴ سال به همراه والدینشان در شهر خلخال نشان داد که شکاف نسلی با متغیرهای بحران هویت، حسو ارزشی والدین، تشتت ارزشی، فردگرایی، گرایش به اعتقادات دینی و اعتماد اجتماعی رابطه معنی‌داری دارد (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۹).

رحیمی، ابوالفضل؛ انوشه، منیره؛ احمدی، فضل‌اله؛ فروغان، (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تجارب سالمندان تهرانی در زمینه اوقات فراغت و تفریحات» به اهمیت توجه به فراغت سالمندی تاکید کردند. این محققین با استفاده از روش کیفی، با تعداد ۱۷ نفر از سالمندان در شهر تهران مصاحبه عمیق انجام شده و نتیجه نشان می‌دهد، سالمندان مورد بررسی دارای الگوهای متنوع گذران اوقات فراغت بوده‌اند برخی اوقات فراغت خود را بصورت منفعل (تماشای تلویزیون، خواندن قرآن و مطالعه) می‌گذراندند و گروه دیگر دارای فراغت فعال (شرکت در مراسم مذهبی و هنری، گردش و دیدار اقوام) بوده‌اند. نحوه گذران اوقات فراغت در سالمندان به عوامل اجتماعی، اقتصادی و نیز سطح سلامتی آنان بستگی داشته است با توجه به آمار که نشان می‌دهد ۸۵ درصد اوقات فراغت سالمندان کشور پای تلویزیون می‌گذرد، با توجه به ویژگی‌های این قشر با توجه به عواملی چون ورود به دوره بازنشستگی، عدم اشتغال به کار، تنها بودن، فقدان حمایت اجتماعی، صنعتی شدن جوامع و انفکاک عاطفی- روانی افراد خانواده اشاره و نشان دادند که سالمندان از الگوی اوقات فراغت رضایت بخش برخوردار نیستند (رحیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۹).

وارثی و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی گذران اوقات فراغت سالمندان (مطالعه تطبیقی منطقه ۳ و ۵ اصفهان»، به بررسی وجود یا عدم وجود تفاوت نیازهای فراغتی در بین سالمندان دو منطقه ۳ و ۵ شهر اصفهان با توجه به دارا بودن بافت جمعیتی متفاوت از نظر پایگاه اجتماعی و فرهنگی پرداختند. یافته‌های تحقیق



نشان می دهد که نیازها و سلیقه‌های فراغتی سالمندان در دو منطقه مورد مطالعه متفاوت بوده است و در نتیجه تجویز نسخه ای واحد و یکسان برای همه مناطق شهری در زمینه اوقات فراغت چه در تهیه برنامه‌های خاص و چه در جهت تاسیس و احداث مکانهای جدید و حتی نوع مکانها کار بیهوده ای می باشد (وارثی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۴). اردکانیان (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان «اهمیت آموزش اوقات فراغت در ارتقای سلامت جامعه»، مهمترین کارکرد اوقات را غنی سازی کیفیت زندگی، رشد ابعاد مختلف فردی و پیشگیری از استفاده‌های ضد اجتماعی و بزهکارانه از وقت آزاد دانسته است (اردکانیان، ۱۳۸۹: ۱۷۶). سپس به کارکرد انتقال ارزشهای بین نسلی در اوقات فراغت در کشور تاکید کرده و آورده است.... «در خانواده‌های گسترده علاوه بر سایر نقشها، فعالیت‌های تفریحی و فراغتی مختلفی نیز رایج بود که مختص خانواده‌های ایرانی بود. به طور مثال مطالعه قرآن، نهج البلاغه، مثنوی معنوی، شاهنامه، گلستان سعدی، دیوان حافظ و حکایتها و قصه گویی‌های پدربزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها و بزرگان خانواده از فعالیت‌هایی بود که اعضای خانواده‌های گسترده جوامع ایرانی در ساعات فراغت بعد از کار و در هنگام دور هم نشینی‌ها به آنها می پرداختند و این فعالیتها به طور مستقیم و غیر مستقیم، به رشد شناختی، عاطفی و معنوی همه اعضای خانواده به خصوص کودکان کمک بسیار می کرد» (اردکانیان، ۱۳۸۹: ۱۷۷). متأسفانه چنین فراغتهایی امروزه در بین خانواده‌ها مشاهده نم‌شود و بطور کلی می توان اظهار داشت که الگوی فراغت فرهنگی و توجه به ادبیات در حال محو شدن است.

یوسفی در مطالعه خود در خصوص نقش تلویزیون در روابط نسلی سه دیدگاه خوشبین‌ها، بدبین‌ها و میانه روها را از هم تفکیک کرده است. طرفداران دیدگاه خوش بینانه، ضمن تاکید بر نقش مثبت رسانه‌ها در انتقال ارزشها در بین نسل‌ها، اعتقاد دارند تلویزیون از طریق سازوکارهای مشخصی به تلطیف روابط بین نسل‌ها کمک می کند. این سازوکارها عبارتند از: تاثیر در فرهنگ و جامعه پذیری، تاثیر در ایجاد همبستگی، هم‌رنگی و شبیه سازی در جامعه و خانواده؛ تاثیر در ایجاد کنش متقابل بین افراد خانواده و بالاخره ایجاد وحدت ارزشی از نظر بدبین‌ها، تلویزیون به واسطه ایجاد شرایط و بستری می تواند باعث بروز شکاف در ارزشهای فرهنگی و اجتماعی شود و روابط نسلی را به مخاطره می اندازد. این بسترها عبارتند از: اختلال در انتقال ارزشهای فرهنگی، عرفی کردن ارزشها، تقویت فردگرایی و ایجاد شخصیت‌های دگر سوپه، افزایش جهان- محلی شدن جوانان، ساختار شکنی در جامعه و خانواده، ایجاد تنش در خانواده، کاهش نقش تربیتی والدین، تغییر سبک‌های زندگی، تاثیرات روانی منفی و تغییر ارزشها. میانه روها تلویزیون را واجد تاثیرات مثبت و منفی توأمان بر حسب مورد، در روابط نسلی می دانند و معتقدند بحران‌های نسلها پشت سرگذاشته می شود و جامعه در صورت بندی جدیدی تعامل نسلهای خود را باز می یابد (یوسفی، ۱۳۸۸: ۹۰).

ربانی و شیرینی (۱۳۸۸) در مطالعه خود با عنوان «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران»، به بررسی تفاوت‌های گذران اوقات فراغت در جوانان طبقات مختلف اجتماعی شهر تهران پرداخته اند. روش کمی و کیفی در این مطالعه برای جمع آوری داده‌ها مورد استفاده قرار

گرفته است. «نتایج تحقیق بیانگر نقش تعیین کننده «طبقه اجتماعی» و ترکیب همزمان «جنسیت» با طبقه اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت است. حوزه فراغت در تهران به عنوان عرصه انتخاب فردی هنوز در دایره محدود طبقه اجتماعی و جنسیت است. کنشگران اگر چه آزادی انتخاب دارند اما این انتخاب توسط متغیرهای ساختاری و زمینه ای محدود شده است. همبستگی شدید هویت با طبقه اجتماعی و جنسیت- در حوزه فراغت- به معنای نفی تفاسیر پست مدرن در تمایزات اجتماعی متکثر مبنی بر مصرف است (ربانی و شیر، ۱۳۸۸: ۲۰۹).

ازکیا و حسینی (۱۳۸۸) در مطالعه خود با عنوان «تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی» دریافت که نسلهای موجود در یک جامعه، طبق تئوری بوردیو، ساختمان ذهنی مشابهی ندارند و در نحوه گذران اوقات فراغت نیز تمایزات و تفاوتی وجود دارد. اکنون «دوفضا» در روستا وجود دارد. دوفضا شدن جامعه روستا بدان معنای است که هم الگوی فراغتی سنتی وجود دارد، مثل گرد آمدن روستاییان در میدان ده، و هم الگوی فراغتی مدرن که جوانان از آن برای گذران اوقات فراغت استفاده می کنند (ازکیا، حسینی، ۱۳۸۸: ۲۵۸) و همچنین نشان داده آن نوع شکاف نسلی که در جامعه شهری از آن صحبت می شود در روستا وجود ندارد، بلکه می توان از تفاوت نسلی صحبت کرد. که طبق تئوری اینگلهارت ناشی از تجربه جامعه پذیری متفاوت نسلهاست (همان، ۲۶۱).

منادی در مطالعه ای با عنوان «اوقات فراغت و چالشهای جهانی شدن مقایسه دونسل»، با استفاده از روش مصاحبه عمیق با ۲۴ نفر از جوانان و والدین آنها به این نتیجه دست یافت که جوانان اوقات فراغت خود را متفاوت از والدین شان می گذرانند، آنان در گذران اوقات فراغت متأثر از جهانی شدن هستند، در حالی که والدین آنها این گونه نیستند (منادی، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

شکوری در مطالعه خود دریافت است که جوانان در گذران اوقات فراغت خود از الگوی خاصی پیروی می کنند و همچنین بین نحوه گذران اوقات فراغت و ساخت اجتماعی رابطه وجود دارد. به گونه ای که علائق و ذائقه های افراد مورد مطالعه از جایگاه آنان در ساخت اجتماعی تاثیر می پذیرند و به وسیله عوامل ساختاری مشروط می شوند. (شکوری، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

استفاده از شبکه مجازی جهانی و اینترنت به عنوان شیوه گذران اوقات فراغت، از عوامل موثر بر ایجاد شکاف نسلی است. منتظر قائم و شاقاسمی اینترنت را به عنوان یکی از عواملی که در این ارتباط ایفای نقش می کنند بر شمرده اند. در توضیح اهمیت آن آورده اند: «اینترنت رسانه ای با امکاناتی متفاوت از تمامی رسانه های پیش از خود و واجد تمام امکانات آنهاست. بنابر این طبیعی است کسانی که از این رسانه استفاده می کنند ظرف مدت کوتاهی به لحاظ آگاهی از دیگران فاصله بگیرند. این شکاف آگاهی می تواند به بزرگ تر شدن شکاف نسلی میان نسل سوم و نسلهای پیش از آن منجر شود. بوربور با انجام تحقیقی بر روی کاربران ایرانی اینترنت، نشان داده است که اینترنت در ایران شکاف نسلی را عریض تر کرده است (بوربور به نقل از منتظر قائم، شاقاسمی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). این محققین بر این باورند که اینترنت یکی راههای گذران اوقات فراغت بوده تاثیر قابل توجهی بر افراد دارد. منتظر قائم

و شاقاسمی آورده اند: «تجربه چند ساله اینترنت در ایران نشان داده که این رسانه جدید قابلیت‌های فراوانی برای پرکردن اوقات فراغت جوانان ایرانی نسل Y دارد. هر چند برخی متفکران به نوع تفریحات مجازی خرده می‌گیرند اما نباید فراموش کرد که در کشوری که اعتیاد، یکی از معضلات اصلی جوانان آن است، دل دادن به امور غیر واقعی فضای مجازی به مراتب کم خطر تر از تن دادن به واقعیت دنیای مجازی حاصل از مصرف مواد مخدر است» (همان، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۴).

خواجه نوری و مقدس در مطالعه ای با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباد» با بررسی ۵۰۰ نفر از دانش آموزان پسر و دختر دبیرستانها و هنرستانهای شهرستان آباد نشان دادند که «بیشترین تاثیرات متعلق به سرمایه فرهنگی است. در جامعه ما که عمده فعالیت‌های فراغتی، موضوعی فرهنگی و مرتبط با سبک زندگی است، عوامل فرهنگی هم در این تبیین بیشترین همبستگی را با اوقات فراغت نشان می‌دهند. امکانات جدیدی که فناوری‌های جدید در اختیار بشر گذاشته است، گویای این مطلب است که فراغتها هم به سمت این گونه فعالیت‌ها سوق داده می‌شود. به علاوه از آنجا که در جامعه ما میزان درآمد، میزان تحصیلات و میزان منزلت شغلی با هم هماهنگی ندارد، لذا نوعی ناهماهنگی پایگاهی به وجود آمده است که درآمد و منزلت با تحصیلات هماهنگی نشان نمی‌دهند (خواجه نوری، مقدس، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

آزادارمکی (۱۳۸۳) به آزمون نظریه اینگلهارت در ایران اقدام نموده و در یک طرح ملی با حجم نمونه ۲۴۳۲ نفر، موضوع را مورد رصد قرار داده است. سؤال اصلی این مطالعه این است که آیا اولویت‌های ارزش مادی به فرامادی تغییر یافته است؟ نتایج نشان می‌دهد که در بین پاسخگویان ۴۰/۲ درصد ارزشهای التقاطی، ۵۲ درصد ارزشهای مادی و ۸ درصد ارزشهای فرامادی داشته‌اند. نسل جوان در مقابل نسل میانسال با توجه به نوع اجتماعی شدن و شرایط اجتماعی اقتصادی اش بیشتر فرامادی است تا مادی. از سوی دیگر به لحاظ اهمیت بالای دین برای مردم، تعارض بین نظام ارزشی افراد با دین وجود ندارد. با وجود تغییر در کلیت ساختار اجتماعی، همچنان دین و خانواده برای همه نسلها اهمیت بالایی داشته است (آزادارمکی، ۱۳۸۳) مطالعات حکایت از آن دارند که استفاده از رسانه‌ها و بالاخص تماشای تلویزیون از مهمترین سبکهای گذران اوقات فراغت است. بابایی و دیگران در مطالعه خویش به این مهم پرداخته و آورده اند: «تاثیر رسانه‌ها را می‌توان در فرایند هویت سازی، لذت بخشی و ساختمان شدن زندگی روزمره دید. رسانه‌ها از جمله تلویزیون می‌توانند برداشتها و تصاویری از زندگی و سبک خاصی از آن را ترسیم و ترویج کنند و هم چنین می‌توانند بر ارزش و نگرشهایی که منجر به شکل گیری یک نوع خاص از رفتار یا سبک زندگی مصرفی می‌شوند، تاثیر بگذارند» (بابایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۹۶). آنها با بررسی سریالهای مناسبی در ماه مبارک رمضان که در سال ۱۳۹۰ از شبکه‌های ۲ و ۳ سیما پخش شده بود دریافتند که «این سریالها، سبک زندگی خانواده‌های طبقات مرفه بیش از طبقات پایین و متوسط جامعه مورد توجه قرار گرفته است و همچنین کالاهای تجملی و ارزش‌ها و الگوهای فراغتی طبقات مرفه برجسته تر نشان داده شده، به نحوی که می‌تواند موجب تمایل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی / ۳۵

بینندگان آنها به سبک زندگی مرفه و مصرف گرایی گردد (همان). سرمایه اقتصادی نیز به عنوان متغیر تاثیرگذار بر شکاف نسلی شناسایی شده است. احمدی و احیایی تاثیر سرمایه اقتصادی والدین بر شکاف نسلی است. آنها نشان دادند که هر قدر سرمایه اقتصادی والدین بیشتر باشد، میزان شکاف نسلی نیز بیشتر است. همچنین دریافتند که با بالا رفتن سن به میزان شکاف نسلی افزوده می شود. نتایج این پژوهش با تئوری تراوب و دادر همخوانی دارد که معتقدند علت اساسی پیدایش این شکاف وجود جامعه تمایز یافته بر اساس سن است. در چنین جامعه ای به نظر نمی رسد جوانان و بزرگسالان به طور معنادار و مکرر با یکدیگر در کنش متقابل باشند، بلکه جوانان با دیگر جوانان و بزرگسالان با دیگر بزرگسالان در کنش متقابل اند» (احمدی، احیایی، ۱۳۹۲: ۲۵). فکوهی و انصاری مهابادی (۱۳۸۲) در مطالعه خود به بررسی تفاوت‌های فراغتی دختران دبیرستانی در دو منطقه از شهر تهران با پایگاه‌های اقتصادی فرهنگی متفاوت پرداخته اند. یافته‌های این مطالعه نشان می دهد که «پایگاه اقتصادی فرهنگی خانواده‌ها در نوع گذران اوقات فراغت هر دو گروه اثر گذاشته است. به طوری که دختران گروه الف از تنوع فراغتی بیشتری برخوردار بوده و علاوه بر گذران فراغت در خانه، در خارج از خانه نیز فعالیت دارند و برعکس فراغت گروه ب بسیار کم تنوع و محدود بوده و تا حد زیادی در فعالیتهای داخل خانه متمرکز است. دسته‌بندی اوقات فراغت توسط سایر محققین در این مطالعه چنین ارائه شده است: «اندیشمندان گونه‌های مختلفی از فراغت را ارائه می کنند. به عنوان مثال ناش فعالیتهای فراغتی را در سه سطح معرفی می کند: ۱. فعالیتهای فراغتی منفعل، ۲. فعالیتهای فراغتی هیجانی (تهیج کننده)، ۳. فعالیتهای فعال و فعالیتهای خلاق (سازنده). ماکس کاپلان فراغت را در شش گونه معاشرت، شرکت در انجمن‌ها، بازی، هنر، فعالیتهای پر تحرک و فعالیتهای بی تحرک (نظیر استراحت) جای می دهد ... و جان کلی این اشکال را به صورت اوقات فراغت درون خانگی (اعم از مطالعه کردن، گفتگوهای خانوادگی، تماشای تلویزیون، تزیین کردن خانه، باغبانی، ...) و نیز فراغت برون خانگی (نظیر ورزش‌های بیرون از خانه، سفرهای کوتاه و بلند، غذا خوردن بیرون از منزل، ملاقات اقوام و دوستان، قدم زدن، خرید و ...) تقسیم بندی می کند» (فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲: ۷۰).

پور اسماعیل (۱۳۸۵) در مطالعه خود به بررسی آموزه‌های دینی در ارتباط با گذران اوقات فراغت پرداخته است. وی با استفاده از منابع دینی نشان داده که برخی از فعالیتها در زمان فراغت از نگاه دینی حائز اهمیت است. از جمله «صله رحم از تاثیر مستقیمی در زندگی انسان دارد» (پور اسماعیل، ۱۳۸۵: ۱۹۸). همچنین آورده است که «اوقات فراغت، این فرصت را بیشتر در اختیار پدران و مادران می گذارد که با صبر و حوصله به درک بیشتر فرزند خود بپردازند؛ باید توجه داشت که تعالیم اسلامی به ما می آموزد که اگر کانون خانواده محیطی دوستانه باشد، فرزندان آن نیز به گونه ای شایسته در پی سامان اوقات فراغت در خانه خواهند بود و در غیر اینصورت خواهان ترک این محیط به هر بهانه ای می شوند (همان، ۲۰۱).

### جمع بندی پیشینه داخلی تحقیق:

مطالعات انجام شده در سالهای اخیر در ارتباط با مناسبات نسلی قابل دسته بندی به سه دسته هستند. دسته نخست مطالعاتی که عوامل موثر بر تغییرات نسلی و بالاخص شکاف نسلی را مورد بررسی و رصد قرار داده اند. دسته دوم مطالعاتی را شامل می شود که به پیامدهای این تغییرات نسلی اهتمام ورزیده اند. و دسته سوم بررسی هایی را شامل می شود که به چگونگی بازنمایی رسانه ای تعاملات نسلی در رسانه ها پرداخته اند.

مطالعات دسته نخست، که عوامل مختلف تاثیرگذار بالاخص در ایجاد شکاف نسلی را مورد بررسی قرار دادند به عواملی مانند: رشد فردگرایی، تمایل به نوگرایی، بدبینی نسبت به گروههای مرجع، حشو ارزشها، وضعیت و سرمایه اقتصادی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، استفاده از اینترنت، کاهش ارتباط کلامی، تغییر مطالبات نسلیها، تغییر در روند اجتماعی شدن و شبیه سازی و الگو پذیری، وضعیت سرمایه اجتماعی و فرهنگی، شکاف آگاهی، تغییر الگوهای گذران اوقات فراغت، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نگرش دموکراتیک والدین و استفاده از اینترنت؛ مطرح شده است.

در دسته دوم مطالعاتی هستند که به پیامدهای این تغییرات اهتمام داشته و نشان دادند که این تغییرات موجب تفاوت در بعد مناسکی ارزشهای مذهبی، و یا تفاوت در انجام مناسک مذهبی، دموکراتیک شدن نگرش والدین، فرامادی شدن نسل جوان، ایجاد تفاوت های ارزشی بالاخص در عرصه های فردی، تغییر در چگونگی دینداری نسل جوان و تاثیر آن بر تعاملات نسلی، و نیز تغییر در الگوی گذران اوقات فراغت که خود بر تغییر در روابط نسلی موثر بوده، اظهار شده است.

دسته سوم بررسیها و مطالعاتی را شامل می شود که به چگونگی بازنمایی رسانه ای تعاملات نسلی در رسانه پرداخته اند. این دسته از مطالعات به الگوهای روابط نسلی بازنمایی شده در رسانه ملی توجه نموده و نشان دادند که الگوهای بازنمایی شده توسط این رسانه در ارتباط وضعیت تعاملات بین نسلیها با آنچه که در جامعه وجود داشته دارای تفاوت است و روابط بین نسلیها در رسانه معمولا توافقی بازنمایی شده است.

مطالعات انجام شده در حوزه اوقات فراغت از منظرهای مختلفی به این موضوع نگریسته اند. نخستین دسته شامل بررسی هایی هستند که تنها محدود به کارکردهای اوقات فراغت و وضعیت موجود آن در کشور هستند. این مطالعات کارکرد اوقات فراغت را شامل استراحت و رفع خستگی، جبران صدمات ناشی از هیجانات مداوم کار، تفرج و رهایی انسان از کسالت بدنی و ذهنی، دانسته اند. برخی دیگر کارکرد اوقات فراغت را زمانی برای درک بیشتر فرزندان توسط والدین دانسته اند. قسمتی دیگر از این مطالعات به بررسی وضعیت موجود الگوی گذران اوقات فراغت ایرانیان با توجه به داده های پیمایش ملی ارزشها و نگرشها پرداخته و بالاترین درصد الگوی فراغتی را

«استراحت در خانه» اعلام نموده و «استفاده از محصولات فرهنگی» و «معاشرت با اقوام و دوستان» در مرتبه بعدی قرار گرفته اند.

دسته دوم مطالعاتی هستند که تاثیر دوره زندگی را بر انتخاب الگوی فراغتی مطرح کرده اند. مجموعه این مطالعات نشان می دهند که بین دوره زندگی و میزان اوقات فراغت رابطه وجود دارد به گونه ای که ذائقه افراد و جایگاه آنان در ساخت اجتماعی بر فراغت آنان موثر بوده است. فراغت سالمندان وابسته به وضعیت جسمانی و سطح سلامت آنان و نیز عوامل اجتماعی اقتصادی و میزان حمایت اجتماعی به دو گروه فعال (تعامل با خانواده و دوستان و شرکت در مجالس مذهبی) و منفعل (تماشای تلویزیون و عبادات فردی) تقسیم می شود. در دوره میانسالی با تغییر مسئولیتهای فرد در زمینه تقبل بار تکفل و مسئولیتهای شغلی مرتب به آن، الگوی فراغت تغییر کرده و عوامل مذکور موجب کاهش زمان در دسترس برای گذران اوقات فراغت در این گروه سنی می شوند. فراغت جوانان متفاوت از والدین و متاثر از جهانی شدن و بطور کلی تفاوت در گذران اوقات فراغت به دلیل فقدان مشابهت در ساختمان ذهنی گروههای مختلف حاضر در اجتماع است.

دسته سوم مطالعاتی را در برمی گیرد که مدعای اصلی آنان تاثیر «جنسیت» بر چگونگی گذران اوقات فراغت است. این دسته از بررسی ها نشان می دهند که دختران و پسران در الگوهای فراغتی رسانه محور، فعالانه و بیرون از خانه با یکدیگر تفاوت دارند. به طور کلی زنان نسبت به مردان اوقات فراغت کمتری دارند. برخی دیگر تاکید بر این نکته دارند ترکیب همزمان جنسیت و طبقه اجتماعی بر چگونگی گذران اوقات فراغت موثر و تاثیرگذار است. دسته چهارم شامل بررسی هایی هستند که عوامل موثر بر چگونگی گذران اوقات فراغت را رصد کرده اند. این مطالعات به طور کلی دو حوزه را بر اوقات فراغت موثر می دانند. نخست ویژگی های جامعه شناختی افراد شامل جنسیت، تحصیلات، دوره زندگی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، طبقه اجتماعی را بر گذران اوقات فراغت مهم و تاثیرگذار دانسته اند؛ و دوم عواملی نظیر رشد تکنولوژی، گروه همسالان، انقلاب ارتباطی و رسانه ها، سرمایه اجتماعی، حمایت و کنترل خانواده و دوستان، شبکه های اجتماعی و فرهنگی را بر گذران اوقات فراغت موثر می دانند.

دسته پنجم مطالعاتی هستند که چگونگی گذران اوقات فراغت را تاثیرگذار بر سایر متغیرهای اجتماعی دانسته اند. برخی از بررسی ها نشان می دهند که فراغت مجازی و فراغت ماهواره محور تاثیر منفی و کاهنده بر هویت ملی دارد. در حالی که فراغت مذهبی، تقویت کننده و افزایش دهنده هویت ملی است.

بی تردید اوقات فراغت و نحوه گذران آن پیامدهای متنوعی در زندگی افراد دارد. مطالعه حاضر با رویکرد نوین به بررسی رابطه بین چگونگی تعاملات بین نسلی و نحوه و میزان گذران اوقات فراغت دارد که تا کنون هیچ مطالعه ای به این موضوع نپرداخته است.

## ۲ ۴ ۴ - مطالعات خارجی:

استر و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه ای با عنوان «تاثیر وضعیت اقتصادی- اجتماعی بر سپری کردن اوقات فراغت» نشان داد که جوانان ۲۰ تا ۲۵ سال تحت تاثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده و محیط خود به سمت انواع فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی سوق پیدا می کنند و افرادی هم که به سطوح متوسط یا پایین اجتماع تعلق دارند و یا دارای وضعیت اقتصادی مناسبی نیستند، بیشتر به سمت فعالیتهای ساده تر مثل بازدید از نمایشگاهها و یا تماشای تئاترهای خیابانی که کم هزینه تر است، می روند. جوانان مرفه تر بیشتر زمان خود را در گالریهای خصوصی، سالنهای نمایشی، مانند اپرا و تئاترهای حرفه ای می گذرانند. در نتیجه این تحقیق گویای آن است که وضعیت اقتصادی - اجتماعی جوانان، تعیین کننده نوع فعالیت و میزان مشارکت آنان در انتخاب نوع فعالیتهای فراغتی است.

لیندا نازارت<sup>۱</sup> در کتاب خویش با عنوان «اقتصاد اوقات فراغت»، به تفاوت ذائقه نسلهای مختلف در گذران اوقات فراغت تاکید دارد. وی بر این باور است که تقاضاهای نسل «پست بومر»، با نسل «بومرها» کاملاً متفاوت است. این ویژگی بالاخص در مورد سایر نسلها به عنوان نمونه نسل ایکس و نسل وای که دوره زندگی متفاوتی را تجربه کرده اند؛ صادق است. تفاوت مورد توجه وی در ارتباط با حوزه علایق، از کار تا خانواده و تا فعالیتهای فراغتی و عادات و حتی فعالیتهای عام المنفعه می باشد (نازارت، ۲۰۰۷: ۴). وی فصلی از کتاب خویش را به عنوان «نسلها: نقشهای تعریف شده» اختصاص داده و آورده است: «ذکر این نکته مهم است که زمان گذران اوقات فراغت بشدن تحت تاثیر نسل قرار دارد هم به لحاظ آنچه ما بدست می آوریم و هم به لحاظ آنچه چقدر ما مطالبه داریم» (همان).

بر اساس «بررسی زمان صرف شده آمریکائیان در سال ۲۰۰۵»، گروههای مختلف سنی میزان مختلفی از روز خود را به گذران اوقات فراغت اختصاص می دهند. این زمان برای گروههای سنی ۲۴-۱۵ سال نزدیک به ۶ ساعت در روز و برای میانسالان ۴۴-۳۵ سال حدود ۴ ساعت است. این گروه بدین وضعیت را در میزان گذران اوقات فراغت در روز گزارش کرده اند. بیشترین ساعت اوقات فراغت مربوط به سالمندان با حدود ۸ ساعت در روز است. گروه سنی ۳۴-۲۵ سال ۴ ساعت و ۱۷ دقیقه در روز اوقات فراغت داشته اند و این میزان بر اساس جنسیت متفاوت گزارش شده است به طوری که مردان ۴ ساعت و ۴۰ دقیقه فراغت در روز را تجربه می کردند و زنان حدود ۳ ساعت و ۵۵ دقیقه اوقات فراغت در روز داشته اند. این مطالعه تفاوتهایی بین زنان و مردان نیز در مدت زمان گذران اوقات فراغت در روز نشان داده است. بر اساس توزیع سن- فراغت به تنهایی می توان مشاهده کرد که دوره زندگی با میزان زمان گذران اوقات فراغت در ارتباط است (نازارت، ۲۰۰۷: ۵۷).

اسمیت و برادی (۲۰۰۲) در تحقیق با عنوان شکاف نسلی: وساطت تکنولوژی در مدیریت شبکههای اجتماعی شخصی، به بررسی میزان و چگونگی استفاده جوانان و والدین از وسایل ارتباط جمعی، شامل تلفن همراه، پیام

<sup>۱</sup> Linda Nazareth

کوتاه، پست الکترونیکی، و تلفن ثابت پرداخته است. یافته‌های این مطالعه حکایت از آن دارد که جوان ترها به طور کاملاً متفاوتی از والدین خود و پیرترها از این وسایل استفاده می‌کنند. جوانترها بیشتر اوقات خود را با خانواده و دوستان می‌گذارند، اما زمانی که نمی‌توانند با آنها باشند از انواع مختلف وسایل یاد شده برای پرکردن اوقات فراغت خود استفاده می‌کنند. (اسمیت و برادی، ۲۰۰۲).

رایزمن (۲۰۰۱) در کتاب انبوه تنها، چنین تحلیل می‌کند که در فضای رسانه ای جدید رفتار انسان از طریق گروه‌های مرجع دوستان و همسالان و عمدتاً از طریق رسانه‌ها هدایت می‌شود. به زعم رایزمن، انسان در دوره ای زندگی می‌کند که برای هویت یابی به شدت به تایید دیگران نیاز دارد، از این رو به شدت به هم رنگی با دیگران تمایل پیدا می‌کند. به زعم او مصرف رسانه ای و همچنین فراوانی و تکثر رسانه‌ها جدال برای تولید و مصرف از طریق رسانه‌ها را ایجاد کرده است، جدالی که آمال خانواده‌ها و ارزشها و سنتهای کنار زده شده از یک سو و فقدان الگوی عملی برای رفتار از دیگر سو، افراد را به مشاهده دیگران به ویژه از طریق رسانه و آگاهی از نظرات آنها درباره خودشان می‌کشاند، مسئله ای که سبب می‌شود جمعیت‌های بزرگ و انبوه در شهرها فقط و فقط سرگرم شده با تنهایی خود با رسانه‌ها باشند (شریفی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۸ به نقل از رایزمن).

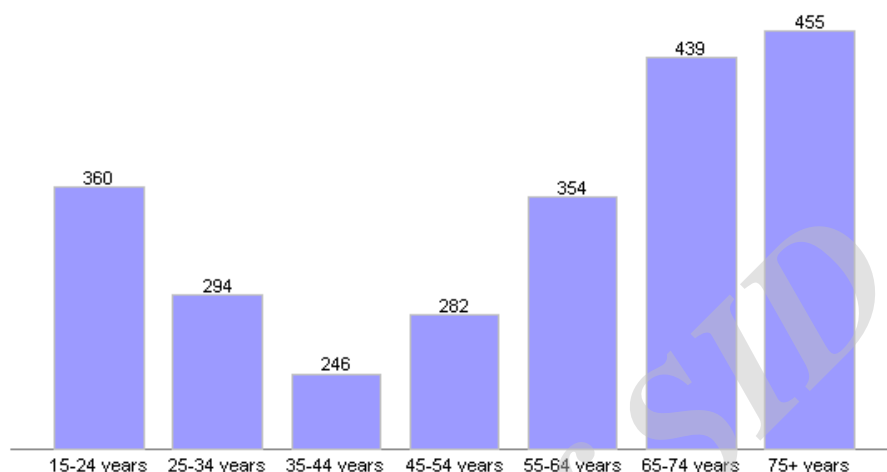
دان کراوفورد و جفری گادبی در مقاله ای با عنوان «روابط بین نسلی و همبستگی درون خانواده»، بر این باور است در حالی که تحقیقات نشان می‌دهند که اوقات فراغت و گذران آن یکی از مهمترین منابع برای همبستگی خانوادگی و هم تعارضات خانوادگی است، ولی توجه اندکی برای تولید یک مدل مفهومی که ویژگی‌ها و کارکردهای موانع اوقات فراغت را تبیین کند، انجام شده است. به صورت سنتی، فرض می‌شود که این موانع متغیرهای مداخله‌گری را در ارتباط با ترجیحات- روابط مشارکتی فراغتی را شامل می‌شوند. مدل مفهومی موانع اوقات فراغت تنها یکی از موانع را که ممکن است همراه با ترجیحات و یا مشارکت باشد، را پیشنهاد می‌کند. مدلی که در مقاله حاضر طراحی شده موانع را در سه گونه: ۱- موانع فرا فردی؛ جایی که اهمیت روابط نخستین بین ترجیحات و موانع واقع می‌شود؛ ۲- موانع بین فردی، که در نتیجه عدم تطابق موانع فرافردی شخص و یا از الگوی رفتاری بین فردی ناشی می‌شود؛ ۳- موانع ساختاری؛ یا موانع فراغتی که به صورت سنتی معمولاً مورد بررسی قرار می‌گیرند (کراوفورد، گادبری، ۱۹۸۷: ۱۱۹).

در درگاه اشتغال و توسعه اجتماعی کانادا، گذران اوقات فراغت به دو دسته فراغت فعال (شامل فراغتهای اجتماعی با خانواده و دوستان، فراغت شناختی شامل بازیها و فعالیتهای که به تحریک ذهنی می‌انجامد، و فراغتهای ورزشی) و فراغت منفعل (شامل استراحت) دسته بندی شده است. خلاصه ای از تصویر ملی گذران اوقات فراغت در کشور کانادا آمده است: میان زمان گذران اوقات فراغت کانادایی‌ها در سال ۲۰۱۰، ۵/۵ ساعت در روز بوده است. که نسبت بین سال ۱۹۹۸ این میانگین کاهش یافته است. در سال مورد بررسی تفاوت جنسیتی در میانگین گذران اوقات وجود داشته است به گونه ای که مردان به طور میانگین ۵/۸ ساعت در روز و زنان ۵/۲ ساعت در روز را برای فراغت اختصاص داده اند. همچنین تفاوت در میزان زمان اختصاص داده به اوقات فراغت بر اساس دوره زندگی و



سن مشاهده می شود به طوری که جوانان و سالمندان زمان بیشتری را در روز صرف فعالیتهای فراغتی می کنند، در حالیکه میانسالان که درگیر فعالیتهای شغلی و خانوادگی بیشتری هستند، زمان محدود تری را به فعالیتهای فراغتی اختصاص می دهند (۲۰۱۷-۲-۳، [www.hrsdc.gc.ac](http://www.hrsdc.gc.ac)).

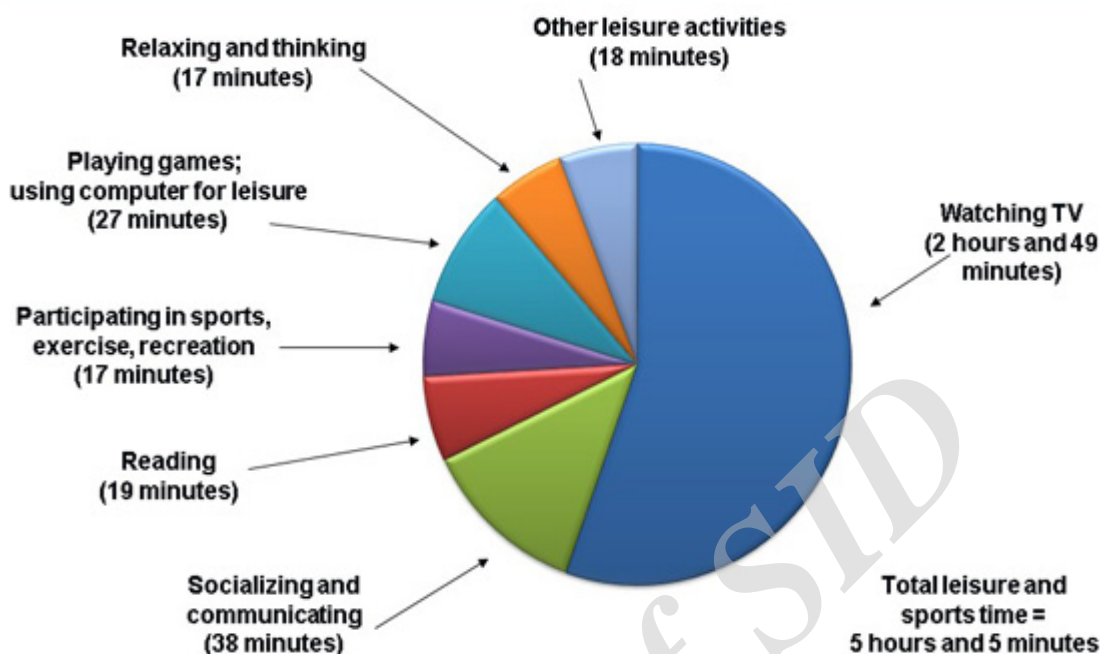
Average total leisure time, by age, 2010  
(minutes per day)



**Source:** HRSDC calculations based on Statistics Canada. *General Social Survey 2010. Overview of the Time Use of Canadians*. Ottawa: Statistics Canada, 2011 (Cat. No. 89-647-X, see Table 1.1).

در امریکا نیز داده‌ها و آمارهایی در ارتباط با گذران اوقات فراغت جمع آوری و ارائه می گردد. مرکز آمار کار این کشور در آمار زمان صرف شده در روز، آماری را بدین شرح برای گذران اوقات فراغت در امریکا ارائه داده است. نزدیک به ۳ ساعت، تماشای تلویزیون (فراغت منفعل)، ۱۷ دقیقه استراحت و تفکر، ۲۷ دقیقه بازی، ۱۷ دقیقه ورزش، ۱۹ دقیقه مطالعه و ۳۸ دقیقه برقراری ارتباطات اجتماعی در روز برای افراد بالاتر از ۱۵ سال در سال ۲۰۱۴ گزارش شده است (مرکز آمار کار آمریکا).

## Leisure time on an average day



NOTE: Data include all persons age 15 and over. Data include all days of the week and are annual averages for 2014.

SOURCE: Bureau of Labor Statistics, American Time Use Survey

هورست و اگویار در مقاله متذکر شدند که از سال ۱۹۶۵، مدت زمان گذران اوقات فراغت بزرگسالان امریکایی زیر سن بازنشستگی با ۴ ساعت افزایش به ۸ ساعت در هفته رسیده است. البته این یافته بستگی به تعریف ارائه شده از اوقات فراغت دارد.

### ۲-۲-۳-۱ جمع بندی مطالعات خارجی:

مطالعات خارجی نیز همانند بررسی‌های داخلی نشان می‌دهند که وضعیت اقتصادی و طبقه اجتماعی بر چگونگی گذران فراغت تاثیر گذار است و افراد متمول فراغت‌های پرهزینه تری نسبت به سایر طبقات اجتماعی دارند. همچنین این مطالعات نشان می‌دهند که بین دوره نسلی و چگونگی گذران فراغت رابطه وجود دارد. بدین معنی که ذائقه فراغتی نسل‌های مختلف با یکدیگر متفاوت بوده و هر نسلی الگوی متناسب با ارزشها و ذائقه خود را دارد. از دیگر یافته‌های مطالعات انجام شده این است که مدت گذران فراغت در بین نسلها متفاوت است به طوری که سالمندان و پس از آنان جوانان دارای بیشترین مدت فراغت در روز هستند و میانسالان کمترین مدت فراغت را تجربه می‌کنند. استفاده از وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های نوین از دیگر حوزه‌های مورد بررسی بوده که یافته‌های این مطالعه حکایت از آن دارد که جوان ترها به طور کاملا متفاوتی از والدین خود و پیرترها از این وسایل استفاده می‌کنند. جوانترها بیشتر اوقات خود را با خانواده و دوستان می‌گذارند، اما زمانی که نمی‌توانند با آنها باشند از انواع مختلف

وسایل یاد شده برای پرکردن اوقات فراغت خود استفاده می کنند. نکته حائز اهمیت در ارتباط با استفاده از رسانه‌های نوین این است که فراوانی و تکثر رسانه‌ها جدال برای تولید و مصرف از طریق رسانه‌ها را ایجاد کرده است، جدالی که آمال خانواده‌ها و ارزشها و سنتهای کنار زده شده از یک سو و فقدان الگوی عملی برای رفتار از دیگر سو، افراد را به مشاهده دیگران به ویژه از طریق رسانه و آگاهی از نظرات آنها درباره خودشان می کشاند، مسئله ای که سبب می شود جمعیت‌های بزرگ و انبوه در شهرها فقط و فقط سرگرم شده با تنهایی خود با رسانه‌ها باشند. و نهایتاً اینکه موانع مداخله گر در فراغت را می توان به ۳ دسته موانع فردی، موانع فرا فردی و موانع ساختاری دسته بندی نمود.

از دیگر یافته‌های این مطالعات الگوی فراغت در بین شهروندان است. فراغت منفعل فردی که اغلب با تماشای تلویزیون همراه است بیشترین درصد فراغت را به خود اختصاص داده است. و مجدداً فراغت و گذران آنرا تابعی از دوران نسلی و زندگی اعلام نموده اند.

#### ۲ ۴ ۴ - مقایسه مطالعات داخلی و خارجی:

مطالعات بررسی شده داخلی و خارجی دارای شباهتها و تفاوتهایی هستند که به اختصار می توان به نکات زیر اشاره نمود:

#### الف- شباهتهای مطالعات داخلی و خارجی:

- چگونگی گذران اوقات فراغت بر پیوستگی و یا شکاف نسلی تاثیرگذار است.
- الگوهای فراغتی به سمت فردی و رسانه ای شدن در حال تغییرند.
- رسانه‌ها تاثر قابل توجهی بر روابط نسلی دارند.
- چگونگی و مدت زمان گذران اوقات فراغت به شدت با دوره زندگی و نسل در ارتباط است.
- بین وضعیت اقتصادی و گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد.
- بین جنسیت و چگونگی و مدت گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

#### ب- تفاوتهای مطالعات داخلی و خارجی:

- ذائقه نسلیها در گذران اوقات فراغت متفاوت شده است.
- موانع فراغت قابل دسته بندی به سه حوزه فرا فردی، بین فردی و ساختاری است.
- داده‌های موجود در ارتباط با گذران اوقات فراغت در جوامع اروپایی و آمریکایی جمع آوری می شود ولی در کشور ما این چنین اطلاعاتی موجود نیست.

## ۲۲ - چارچوب نظری

نظریه پردازان از منظرهای مختلف، ابعاد موضوع مناسبات نسلی را مورد رصد و تبیین قرار داده اند. تغییرات اجتماعی، دوره زندگی، تغییر در حوزه ارزشها که منجر به تغییرات رفتاری می گردد، از عمده این حوزه‌هاست. اوقات فراغت نیز به عنوان بستری برای ایجاد تغییر یا تحکیم تعاملات مطرح است. در ادامه به بررسی برخی از نظریه در این دو حوزه پرداخته می شود.

مارگارت مید<sup>۱</sup>، علت ایجاد فاصله نسلی را تغییرات اجتماعی وسیع و عمیقی می داند که در دنیا اتفاق افتاده و دنیا را وارد مرحله جدیدی از تحول و دگرگونی کرده است. مید در بحث شکاف نسلی سه نوع جامعه را از هم تفکیک می کند: ۱- جامعه ای که در آن فرهنگ قبلی تعیین کننده ماهیت فرهنگ بعدی است و نسل قبل الگوی تمام نمای زندگی و فرهنگ نسل بعدی است وی این نوع جامعه را فرهنگ پسا تمثیلی می نامد. در این جوامع، دگرگونی آنقدر کند است که هر فرزندی که متولد می شود، آینده خود را به طور کامل در وضعیت حال والدین خود و والدین بزرگ خود می بیند و می داند که زندگی و وضعی مشابه آنها در انتظار اوست. ۲- در جوامعی که دچار تغییر و تحول می شوند، شرایط اجتماعی به طوری دگرگون می شود که دیگر نسل گذشته الگوی مناسبی برای زندگی نسل بعدی نمی تواند باشد و هر دو نسل می پذیرند که وضع زندگی آنان نمی تواند مشابه هم باشد به عبارت دیگر، هر یک از دو نسل والدین و فرزندان به ناچار در دو دنیای متفاوت زندگی می کنند. در چنین وضعی، انتقال فرهنگی از نسل قبل به نسل بعد بسیار ناقص صورت می پذیرد و فرهنگ قبل نمی تواند عینا ادامه یابد و پاسخگوی نیازهای نسل بعد باشد. در این حالت، نسل جدید برای یادگیری سبک زندگی و وضع مناسب حال و آینده خود، به اعضای دیگر هم نسل خود رو می آورد و آنرا الگوی زندگی خود قرار می دهد. مارگارت مید این نوع جوامع را «فرهنگ هم تمثیلی» می نامد. ۳- وضعیتی است که در جامعه دگرگونی‌های بسیار شدید روی می دهد، بطوریکه نسل گذشته در وضع جدید نه تنها نمی تواند الگوی نسل جدید باشد، بلکه باید برای تداوم حیات خود ارزشها و هنجارهای قدیمی خود را بر مبنای نسل بعد اصلاح کند، دست به اجتماعی شدن مجدد بزند و بسیاری از چیزها را از فرزندان خود بیاموزد. نسل جدید نیز، وضع آینده خود را نمی تواند در جایی و کسی بیابد و آنرا الگوی خود قرار دهد. این نسل خود باید وارد دنیای مبهمی شود که وضع آینده آن روشن نیست و نهادهای موجود نمی توانند پاسخگوی نیازهای وضعیت متغیر باشند، بنابر این، نسل جدید هم حال و هم گذشته را محکوم و رها می کند و به دنبال ساختن دنیای جدید خویش است. مارگارت مید این وضعیت را فرهنگ «پیشا تمثیلی» می نامد (تاجیک، ۱۳۸۶ به نقل از صبوری خسروشاهی و توکلی نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

مید معتقد است چنین وضعی تنها با صنعتی شدن جوامع اتفاق نمی افتد بلکه در شرایطی مانند مهاجرت روستاییان به شهر، وقوع انقلابات اجتماعی و روی آوری به دین جدید رخ می دهد. در وضعیتی که در جامعه

<sup>۱</sup> Margaret Mead

دگرگونی‌های بسیار شدیدی روی می دهد طوری که نسل قبل ناچار می شود برای تداوم حیات خود، ارزشها و هنجارهای قدیمی خود را بر اساس فرهنگ نسل بعد اصلاح کند و دست به اجتماعی شدن مجدد بزند. نسل جدید نیز الگوی مشخصی ندارد و باید وارد دنیایی مبهم و نا معلوم شود. مید ادعا می کند که فاصله نسلی بین دو نسل قبل و بعد از جنگ جهانی دوم از این نوع است، چرا که نسلهای قبل هیچیک این همه تغییر را تجربه نکرده بود(پناهی ۱۳۸۳ به نقل از سرایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰). «بنابر این، مید علت ایجاد شکاف نسلی را ناشی از تغییرات اجتماعی وسیع و عمیقی می داند که در دنیا اتفاق افتاده است و دنیا را وارد مرحله جدیدی از رشد و تحول نموده است، زیرا چنین تغییراتی، فرایند مداوم و آرام انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر را دچار وقفه و مشکل می کند و بین دو نسل اختلاف تجربه و فرهنگ ایجاد می نماید» (ربانی، محمدی زاده یزد، ۱۳۹۱: ۷۱).

«بی تردید، نافذترین فرد مطرح در نحله فکری نسل تاریخی و مدل الگوهای نسلی، مانهایم جامعه شناس آلمانی است. وی در شفاف سازی ایده نسل تاریخی، بسط نظری آن و تمایز آن از مفهوم نسل بیولوژیک، نقش اساسی داشته و عنصر برجسته تفکر جامعه شناختی پیرامون مسئله نسلها به شمار می رود. سیلز در این زمینه می نویسد: هر چند در ابتدای قرن ۱۹ یک مفهوم اجتماعی و تاریخی - در مقابل مفهوم بیولوژیکی - از نسل توسط فلاسفه اجتماعی و جامعه شناسانی نظیر اگوست کنت و جان استورات میل مطرح بود، اما با تعبیر و تفسیری اجتماعی و تاریخی از مفهوم نسل و کوشش برای فرموله کردن یک مفهوم جامعه شناختی در باره نسلها، تا زمان مانهایم، عملا حاصلی نداشته است. به زعم محققین متاخر نیز مانهایم سهم مهم و برجسته در نظام یافته کردن این ایده داشت که هر نسل مهر خاص حوادث اجتماعی سیاسی دوره اصلی شکل گیری (جوانی) خود را بر پیشانی دارد. حوادثی که طی این دوره تجربه می شوند نفوذی قاطع و تعیین کننده در تمایز ایدئولوژیک و در تعیین ساختار ذهنی، فرهنگ و رفتار بعدی اعضای یک نسل خواهد داشت (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۹۹).

کارل مانهایم<sup>۱</sup> در مقاله معروف «مسئله جامعه شناسی نسلها» پیدایش نسل اجتماعی را با تغییر اجتماعی و سرعت آن مرتبط می داند و معتقد است جایی که حوادث تازه کمیاب و تغییر کند است، اساسا یک نسل مجزا ظاهر نمی شود بلکه فقط هنگامی که در جایی چنین حوادثی زیاد و سریع رخ می دهند، به طوری که یک گروه نسلی بر حسب آگاهی تاریخی - اجتماعی خود متمایز می شوند از یک نسل حقیقی می توان سخن گفت .... مانهایم معتقد است همیشه نسل‌های جدید آغازگر خود آگاهی ریشه ای و متمایز از نسلهای پیشین نیستند، بلکه برعکس پدیده گسست نسلی عمدتا در پی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می شود. در چنین دورانی است که دسته‌های نسبتا بزرگی از افراد به عنوان عاملان تغییر اجتماعی تند، با تفسیرهای سنتی به چالش برخاسته و تفسیرهای جایگزین را مطرح می سازند. اعضای این دسته‌ها هم در برابر نسل‌های پیشین و میراث‌های فرهنگی، هنجاری عرضه شده از سوی آنان و هم در برابر اعضای از نسل خودشان که خود را وامدار نسل پیشین می دانند، می

<sup>۱</sup> Karl Mannheim

ایستند. بنابر این بر اساس نظر مانهایم تغییر اجتماعی رخ داده در بخش مهمی از نسل جوان تر موجب امتناع، مخالفت و تغییر میراث فرهنگی ایجاد شده از نسل‌های کهن تر و پذیرفته شده از سوی بسیاری از معاصران آنان می‌شود. (مانهایم، ۱۳۸۰ به نقل از صبوری جهانشاهی و توکلی نیا، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

به عقیده مانهایم اواخر نوجوانی و اوایل جوانی، در واقع سالهای شکل‌گیری اصلی هستند که طی آن، دیدگاههای فردی مجزا و متمایز درباره سیاست و جامعه در سطح وسیعی شکل می‌گیرد و تنها در این نقطه از چرخه حیات است که برخوردی زنده و نو با جهان اجتماعی-سیاسی به وجود می‌آید که در طول تاریخ بعدی زندگی فرد به ندرت تکرار خواهد شد. بر پایه مفروضات نظری مانهایم، نسل که در جریان کنش و تجربه تاریخی مشترک شکل می‌گیرد و از رهگذر آگاهی و حافظه جمعی تداوم می‌یابد، منبع خاصی برای هویت ارزشی افراد است. در این رویکرد، نسل به عنوان جمعی مطرح است که با آگاهی خاص از مقولاتی همچون رفاه، عدالت، ناامنی، استثمار و ... پیوند خورده است و در ذهنیت عموم افراد آن، مفهومی آرمانی از مقولات مذکور وجود دارد و بر این اساس، از آمادگی ذهنی و رفتاری خاص که غالباً متفاوت از نسل‌های قبلی است، برخوردار می‌باشد (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵).

«مانهایم معتقد است که نسل موجودیتی اجتماعی است، نه یک ضرورت بیولوژیکی. پیدایش نسل اجتماعی با تغییرات اجتماعی و سرعت آن مرتبط است و در وضعیتی که تغییرات کند و کمیاب باشد یک نسل مجزای جدید ظاهر نمی‌شود، بلکه این وضعیت در پی حوادث بسیار و سریع رخ می‌دهد. چنانچه یک گروه نسلی بر حسب آگاهی تاریخی-اجتماعی خود متمایز شوند، می‌توان از یک نسل جدید صحبت کرد» (احمدی و احیایی، ۱۳۹۲: ۷ به نقل از نیازی، ۱۳۸۶).

«به نظر مانهایم، ارزشهای جدید فرآورده حتمی دو جریان تغییر اجتماعی کلان اند: الف) جریان ظهور نسل‌های جدید و ب) جریان توسعه و تحول اجتماعی که مسائل پیش‌بینی نشده و جدید را در مقابل جریانهای فکری حاکم قرار می‌دهد و در واقع پارادایم جدیدی برای تحلیل می‌طلبد. از نظر مانهایم ارزشها و تفکرات متغیر وابسته و در عین حال مستقل به شمار می‌آیند. آنها از یک سو وابسته به اوضاع اجتماعی و تاریخی دوره‌های متفاوت اند و از سوی دیگر، به منزله متغیری مستقل، امکان‌نوسازی و ارزش‌گذاری مجدد به رویه‌های فکری و عمل موجود و تولید جدیدترین سبک زندگی را به صورت تدریجی و ترکیبی فراهم می‌کنند. به این ترتیب، راههای تغییرات اجتماعی را هموار می‌کنند. مانهایم معتقد است که تغییر ارزشهای قدیم و جدید در هر دوره موجب تعارض جدی نسلی می‌شود، به طوری که نظام آموزشی جدیدی نیاز است تا نسل‌های گذشته را با تغییرات فرهنگی هم‌نوا کند. بنابر این، دیدگاه مانهایم تحلیلی تاریخی و ذهنی از پدیده شکاف نسلی به دست می‌دهد که با تاکید آن بر تجارب ویژه آگاهی و ذهنیت نسلی به منزله اسباب اصلی تضاد پایدار در افکار و ارزشها در سطح نسل‌هاست» «رهیافت عمده مانهایم در فهم تحول اجتماعی و تغییرات ارزشی را باید در مطالعه او درباره مسئله نسل‌ها، یافت. از نظر مانهایم، نسل محمل انتقال و تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی-تاریخی

ویژه ای که هر نسل معین در آن رشد کرده، ریشه دارد. این جهت گیری‌ها به صورت اهداف، نیات و راه حل‌های نو برای مشکلات حیاتی جامعه به صورت تکامل و ظهور یک «سبک نسلی» ظاهر می‌شود (توکل، قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۱ به نقل از رمپل، ۱۹۶۵)

رونالد اینگلهارت در کتاب خود با عنوان «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» در باره تفاوت نسلی یا نسلها چهار فرضیه اساسی را مطرح می‌کند و درباره امکان یا عدم امکان شکاف یا گسست نسلی گفته است:

۱. فرضیه چرخه زندگی یا سالخوردهگی، که بر اساس آن گفته می‌شود تفاوت نسلها یا تفاوت ارزشهای گروههای سنی مختلف امری طبیعی و مربوط به اقتضانات روان شناختی هر دوره از زندگی است و هر گروه سنی پس از سپری کردن دوره مربوط و رفتن به گروه سنی دیگر ارزشهای پیشین در او بتدریج کمتر می‌شود و ارزشهای گروه سنی جدید را به خود میگیرد. با این وصف اگر تفاوتی میان جوانان با بزرگسالان در ارزش مشاهده شود، به اقتضای شرایط سنی آنان است و با گذر از این شرایط و قرار گرفتن در شرایط سنی بزرگسالان، وضعیت بزرگسالان را پیدا می‌کنند و این چرخه همچنان طی زمان پیش می‌رود.

۲. فرضیه دوره ای، که بر اساس آن تفاوت سنی یا نسلها به فرایند تدریجی تغییر ارزش در همه گروههای سنی با کمی تفاوت از یکدیگر مربوط می‌شود. با اصلاحات بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و تغییر شرایط زیست به تدریج ارزشهای همراه با آن نیز در همه افراد جمعیت تغییرات اساسی می‌کنند. البته افراد در مسیر این تحولات ارزشها، با توجه به نزدیکی و دوری از این تغییرات دیرتر یا زودتر این تغییرات را به خود می‌گیرند. همچنین، از آنجا که در شرایط سنی متفاوت میزان پذیرش و انعطاف نسبت به تغییرات متفاوت است، معمولا جوانان نسبت به بزرگسالان زودتر در مسیر تغییرات قرار می‌گیرند؛

۳. فرضیه گروه سنی، که تفاوت سنی یا نسلها را در واقع دگرگونی اساسی در ارزشهای نسلهای جدید یا ارزشهای پیشین تلقی می‌کند. در این فرضیه در واقع نسل جدید ارزشهای کاملا متفاوتی با نسلهای قبل دارد و با گذشت زمان با ورود گسترده این نسل به عرصه‌های مختلف حیات اقتصادی- اجتماعی به تدریج فرایند جانشینی ارزشهای جدید به جای ارزشهای نسل قبل انجام می‌شود؛

۴. فرضیه ترکیبی، که بر اساس آن تفاوت سنی یا نسلی ناشی از چرخه زندگی، اقتضانات سنی، تغییرات بنیادی در ارزشهای همه گروههای سنی با کمی تغییر از یکدیگر و تغییر در ارزشهای نسل جدید، که به تدریج با نقشهای بیشتر و رو به افزایش این نسل در حیات اقتصادی- اجتماعی همراه است، جانشین ارزشهای نسل قبلی می‌شود. البته می‌توان ترکیب فرضیه اول و دوم را در نظر گرفت (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۸۷-۸۶).

«در دهه هشتاد اینگلهارت این ایده را مطرح می‌کند که در جوامع صنعتی مواجه با نوعی دگرگونی ارزشی هستیم. گرایش نسبت به ارزشهای فرامادی تقویت گردیده و نسل جدید به ارزشهای فرامادی اولویت بیشتری می‌دهد. در تبیین این دگرگونی ارزشی و نسلی به طراحی دو فرضیه پیش بینی کننده می‌پردازد که عبارتند از:

۱. فرضیه کمیابی که بنابر آن اولویتهای فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی اوست.

۲. فرضیه اجتماعی شدن که اصل را بر این قرار می دهد که ارزشهای اساسی فرد به شکل گسترده منعکس کننده شرایطی است که طی سالهای قبل از بلوغش فراهم شده است. به نظر اینگلهارت فرضیه کمیابی به دگرگونی های کوتاه مدت با آثار دوره ای اشاره دارد. دوره های رونق به افزایش فرامادی گرایی و دوره های کمیابی به مادی گرایی می انجامد. فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر وجود آثار بلند مدت نسلی دارد» (آزادارمکی، غفاری، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۴ به نقل از اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸).

«در واقع، اینگلهارت تغییر فرهنگی را اساساً همان تغییر ارزشی می پندارد که در جوامع صنعتی شده غربی، پیامد کم و بیش غیر ارادی پیشرفت اجتماعی - اقتصادی است. به اعتقاد او، پیشرفت اقتصادی افزایش یافته، به برآوردن بهتر نیازهای بنیانی در سالهای شکل گیری افراد (سالهای آخر نوجوانی) منجر می شود که به نوبه خود به ارزشهای مادی گرایانه کمتری از نسلی به نسل دیگر منجر می گردد» (ربانی، محمدی زاده یزد، ۱۳۹۱: ۷۳).

برخی از نظریه پردازان در حوزه روابط نسلی، به احصاء عوامل تاثیرگذار در این ارتباط پرداخته اند. اینگلهارت و آبرامسون در تئوری تغییر ارزش بین نسلیها به افزایش سطح تحصیلات که خود از مولفه های مدرنیزاسیون است، تاکید می کنند. افزایش تحصیلات رسمی افراد و تجارب شغلی آنها به افراد کمک می کند که استعدادهایشان را برای تصمیم گیری مستقل افزایش دهند (اینگلهارت، ۲۰۰۰).

وی ال بنگستون (۱۹۸۶) نیز با تاکید بر تغییرات ارزشی در بین نسلیها و تاثیر آن بر چگونگی تعاملات بین نسلی معتقد است که «ارزشها حاصل سه سطح اجتماعی هستند. سطح اول، سطحی است که در آن فرهنگ، مفهوم های مطلوب را مشخص می کند. در سطح دوم، خانواده و رویکردهای آن ارزشها و اهداف را مشخص می کند. و بالاخره اینکه در سطح سوم، جنبه های اجتماعی فرعی مانند سطح اقتصادی - اجتماعی، دین، نژاد، شغل، سطح آموزش و غیره نمایانگر است. به عقیده وی والدین در طبقات اجتماعی و اقتصادی خاص به جامعه پذیری ارزشهای خاص به فرزندانشان توجه نشان می دهند. افراد طبقات متوسط در ارزشهایشان به رویکرد درونی توجه دارند و از روش نصیحت و راهنمایی استفاده می کنند. والدین طبقات پایین از روش خشک (تنبیه) استفاده می نمایند. وی گرایش به اعتقادات دینی را عاملی مهم در درونی کردن ارزشهای والدین می داند» (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۵).

«به نظر بنگستون سه دیدگاه عمده در باره شکاف یا گسست نسلی مطرح است: الف) دیدگاهی که از وجود شکاف بزرگ حمایت می کند؛ ب) دیدگاهی که در نقطه مقابل شکاف بزرگ را توهم می داند و آن را ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه های عمومی می داند؛ و ج) دیدگاهی بین دو دیدگاه پیشین است و اعتقاد به وجود گسست و تفاوت انتخابی میان نسلها دارد» (احمدی، احیایی، ۱۳۹۲: ۴).

«در رویکرد نسلی، جوانان به عنوان یک نسل می توانند در ارتباط با هر یک از عناصر ذکر شده تعریف شوند. در این رویکرد، جوانی یک «مرحله زندگی» است که ویژگی های روان شناختی و جامعه شناختی خاصی آن را از مراحل دیگر رشد متمایز می سازد. در کنار توصیفهایی که از ویژگی های فردی و گروهی افراد این گروه سنی یا در واقع در این مرحله از زندگی ارائه می شود، تحلیل گذار جوانان به دنیای بزرگسالی موضوع محوری است. این رویکرد مسئله



اصلی در مطالعه گذار را تداوم یافتن یا تداوم نیافتن ارزشهای نسلی می داند و از نظریه اجتماعی شدن، به عنوان رویکرد نظری مسلط، بهره می گیرد. بر اساس این معیار (تداوم یافتن یا تداوم نیافتن ارزشها)، دو دیدگاه نظری در مورد وضعیت نسلی در ایران ارائه شده است. یک دیدگاه فقدان بازتولید فرهنگی به دست نسلهای جدید را نشان دهنده انقطاع بین نسلها می داند. این دیدگاه نگرشی ساختاری به فرهنگ معاصر دارد و آنچه را نسلهای جدید تولید می کنند فاقد انطباق با ارزشهای نسل گذشته می داند. اما دیدگاه دوم معتقد است آنچه در ایران امروز وجود دارد، انقطاع نسلی و در نتیجه انقطاع فرهنگی نیست، بلکه شکاف بین نسلهاست. بر اساس این دیدگاه، شکاف همیشه میان نسلها رخ داده و ضرورت زندگی تاریخی بشر است. این شکاف ناشی از افزایش قدرت ذخیره سازی اطلاعات و دانش در بشر است و تغییر اجتماعی و پیشرفت در حوزههای تکنولوژیک و معرفتی مرهون همین فرایند است (ذکایی، فتحی، ۱۳۹۲: ۳۴ به نقل از عبداللهیان، ۱۳۸۲).

«به اعتقاد پیر بوردیو، در شرایط معاصر، شکاف نسلها، شکاف افقی بوده و در عرصهها و میدانهای مختلف اجتماعی، اعم از نهادی یا غیر نهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملا حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است. با وجود اشارات پراکنده به تضاد بنیادین نسلها، بوردیو، در کتاب «سئوالات جامعه شناسی» (۱۹۸۴) خود به طور متمرکز وارد این بحث شده است. در این اثر وی ابتدا یادآور می شود که واکنش حرفه ای جامعه شناس به یاد آوردن این مسئله است که تقسیم بندی سنی به پیر و جوان، اساسا خودسرانه است و به همین جهت، مرزبندی میان جوانی و پیری یا محدودههای وضع شده بین نسلها، در تمام جوامع تنش زاست. آنگاه با اشاره به سوابق موضوع می نویسد: حتی از گذشتههای دور و قرون وسطی، شواهدی در دست است که نشان می دهد خصوصیاتی که به عنوان خصایص «متفاوت» و مختص جوانان و دوره جوانی عنوان شده، اساسا برای توجیه و تسهیل مصادره قدرت به دست بزرگسالان بوده و به مسئله سلطه پیران بر جوانان بر می گردد» (توکل، قاضی زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۷، به نقل از بوردیو).

نکته دیگری که بوردیو به آن تاکید دارد، ساخت و فضای امکانات و تاثیر آن بر تعارضات نسلی است. وی تاکید کرده است که «آنچه واقعیت دارد، ساخت و فضای امکانات جوانان طبقات بالا و پایین و تفاوت میان طبقات از این لحاظ است که خود بخشی از تعارضات نسلهای معین را در بر می گیرد» (توکل، قاضی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

به عقیده گیدنز، ویژگی مدرنیته، پویایی، تاثیر جهان گستر و تغییر دائمی رسوم سنتی است. مدرنیته سبب می شود که افراد هر چه بیشتر از قید انتخابهایی که معمولا سنت در اختیار آنها قرار می دهد رها شوند. بدین ترتیب فرد در مقابل طیف متنوعی از انتخابهای ممکن قرار می گیرد (فاضلی ۱۳۸۲: ۶۵). از نظر گیدنز اختلاف بین نسلها در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن است. هر نسلی در واقع تیره ای از آدمیان است که زندگی فردی را در مقطعی از زندگیهای گروهی جای می دهد (ارجمندی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۳).

گروهی از نظریه پردازان به حوزه ارزشها توجه نموده اند و آنها عاملی برای تغییرات در تعاملات نسلی بر شمرده اند. «پیتر لودویگ برگر و توماس لاکمن (۱۹۶۶) تناقض میان پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه را یکی از عوامل موثر بر

شکاف بین نسلی می دانند. به عقیده اینان زمانی که فرد آنچه را که در درون خانواده (پرورش اجتماعی اولیه) با آنچه را که در جامعه (پرورش اجتماعی ثانویه) اشاعه داده می شود متناقض ببیند دچار نوعی بحران هویت می شود. به نظر این دو متفکر، در جامعه ای که وحدت ارزشی از بین برود، انسان با گروههای مختلفی سر و کار دارد که در هر یک از آنها یک نوع ارزش خاصی حاکم است که گاه در گروه دیگر ارزش نیست. در چنین وضعیتی که در آن نسل فرزندان با ارزشهای متنوع و بعضاً متناقض روبه رو می شود، فرصت بیشتری در گزینش و انتخاب ارزشهایش دارد و از این طریق امکان بروز شکاف در ارزشهای نسلها افزایش می یابد. همچنین برگر و لاکمن (۱۳۷۸) معتقدند امکان فرد گرایی با امکان پرورش اجتماعی ناموفق پیوند مستقیم دارد. بنابر این با گسترش فردگرایی در بین نسل فرزندان پای بندی آنها به تعلقات و ارزشهای نسل پیشین کمتر و شکاف بین نسلها رخ می دهد» (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۳).

مارکس وبر<sup>۱</sup> مفهومی به نام «نوسازی فرهنگی»<sup>۲</sup> را مطرح کرده است. در واقع نوسازی فرهنگی حرکت از فرهنگ سنتی به سوی فرهنگ جدید است. به نظر وبر، همانگونه که فرهنگ پروتستانیسم توانست روحیه نوگرایی را در غرب به وجود آورد و منشاء توسعه غرب شود، تغییر در ارزشهای فرهنگی جوامع عقب مانده و ایجاد ارزشهای نو می تواند این جوامع را در جاده توسعه قرار دهد. در الگوی نوسازی فرهنگی وسایل ارتباط جمعی نقش تعیین کننده دارد. این وسایل به تدریج، تاثیر قابل توجهی بر فرهنگ بومی گذاشته و ارزشهای نو در افکار و رفتار مردم را سبب می شود (نوروزی، ۱۳۸۸: ۳۵ به نقل از لهسایی زاده، ۱۳۸۲).

گئورگ زیمل (۱۹۱۸-۱۸۵۸) استدلال می کرد که انسانها از دوران کودکی بسیاری از ارزشهای اجتماعی را فرا می گیرند و آنها را درونی می کنند ولی با تغییر و تحولات همه روزه و سرعت آن، در درونی کردن ارزشهای اجتماعی، فرد را دچار مشکل می کنند. اجتماعی شدن فراگردی است که انسانها ارزشها، هنجارها و نگرشهای خود را از طریق خانواده، مدرسه و رسانهها، درونی می کنند. در جوامع سنتی پیشین انسان نوعاً در یک رشته محدودی از حلقههای اجتماعی به نسبت کوچک زندگی می کرد. چنین حلقههایی از گروههای خویشاوندی، خانواده و اصناف گرفته تا شهر و دهکدهها به شدت رفتار و عملکرد فرد را در قبضه خودشان قرار داده و تمامی شخصیت او را تحت تعقیب خودشان داشتند (به نقل از کوزر، ۱۳۷۳: ۲۶۳).

امروزه با پیشرفت و توسعه جوامع در کنار نهاد خانواده بعنوان اولین نهاد جامعه پذیرکننده، نهادهای دیگری نیز ظهور کردند که همانند خانواده به تربیت و اجتماعی کردن نسل جدید می پردازند. در جوامع پیشین خانواده نقش آموزش را بر عهده داشت اما در جوامع امروزی به دلیل دگرگونیهای اجتماعی، ارزشها، هنجارها و انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر توسط نهاد آموزش و پرورش و رسانههای جمعی صورت می گیرد. اصل سازمانی در جهان نوین با اصل سازمانی جوامع پیشین تفاوت بنیادی کرده است. یک فرد، عضو بسیاری حلقههای به خوبی مشخص است.

<sup>۱</sup> Max Weber

<sup>۲</sup> Cultural Modernization

اما هیچ یک از این حلقه‌ها تمام شخصیت او را در بر نمی‌گیرند و بر او نظارت تام ندارند. تعداد حلقه‌های متفاوتی که افراد در آن می‌پویند، یکی از نشانگان تحول فرهنگی است (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

آزاد ارمکی در نظریه «مناسبات نسلی» چنین بیان می‌کند: «نسل امری رها شده و بی تاریخ و بی هویت نیست؛ نسلها ضمن اینکه با یکدیگر متفاوتند و دارای منافع متفاوت می‌باشند متحد هستند و این اتحاد از طریق عناصر فرهنگی و اجتماعی که معطوف به ملت سازی، هویت سازی، فرهنگ و تمدن سازی است به دست می‌آید؛ نسلها با یکدیگر تعامل دارند، همان طور که با یکدیگر تعارض منافع هم دارند. در سطح خرد و میانی، تعامل بین نسلی درون خانواده رخ می‌دهد و در سطح کلان در حوزه دین و فرهنگ واقع می‌شود. افراد هم سن در خانواده در نتیجه تعاملات خانوادگی و فرهنگی متأثر از دین، معنای مشترک و مشابهی از زندگی به دست می‌آورند، در نتیجه امکان تعامل بین نسلی برایشان فراهم می‌شود. تعارض منافع نیز در حوزه سیاسی و اقتصادی بروز می‌کند و به انتظارات و رویکردهای متفاوت و گاهی متضاد می‌انجامد. به اعتقاد وی، تفاوت نسلها در جامعه ایرانی با توجه به وجود سه نسل پیران، میانسالان و جوانان، ناشی از عوامل بیرونی اثرگذار بر خانواده، از قبیل رسانه‌های جمعی ملی و بین‌المللی، افزایش ارتباطات از طریق موبایل، ماهواره و اینترنت و نیز افزایش جمعیت جوان و نیازهای بالقوه دوره جوانی است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

از دیگر کسانی که عوامل تفاوت نسلی را مورد رصد قرار داده، معید فر است. وی تفاوت نسلی را ناشی از تعارضات گسترده تر اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در جامعه می‌داند و معتقد است عواملی چون افزایش آگاهی‌های اجتماعی جوانان از جامعه ملی و جهانی که منجر به شکل‌گیری ارزشهای نو و افزایش سطح انتظار و توقع آنان می‌گردد؛ اختلال در روند استقلال جوانان به دلیل مشکلات اقتصادی به ویژه اشتغال؛ موانع فرهنگی موجود بر سر ازدواج جوانان؛ بی‌قدرتی جوانان ناشی از موانع موجود در خانواده‌ها بر سر مشارکت جوانان در امور اجتماعی خارج از حوزه خانواده و احساس بدبینی ناشی از قبض و بسط آزادی‌های سیاسی از سال ۱۳۷۶ تا کنون منجر به پیدایش و بسط گسست فرهنگی - سیاسی گردیده که تفاوت نسلی را تشدید نموده است. به عقیده وی، بر اساس تئوری توقعات فزاینده، عوامل فوق منجر به احساس یاس و ناامیدی نسبت به آینده و بدبینی نسبت به وضع موجود می‌گردد. طبق نتایج حاصل از پژوهش، تغییر شدید ارزشها و نگرشهای همه گروههای سنی در فاصله سه سال که حدود ۷۹ تا ۸۲ درصد بوده، نشان می‌دهد که ما در واقع با پدیده گسست فرهنگی مواجهیم و نه شکاف نسلی.

معید فر (۱۳۸۳) دیدگاههای موجود در باب وجود یا عدم وجود شکاف نسلی در ایران را به چهار دسته تقسیم کرده است. دسته اول معتقدان به وجود شکاف نسلی در ایران که خود به دو دسته بدبینان و خوش بینان منفک می‌شوند. دسته دوم آنان که قائل به تفاوت نسلی هستند نه شکاف بین نسلها. دسته سوم دیدگاهی که مسئله اصلی را نه گسست نسلی، بلکه گسستی فرهنگی می‌داند. و سرانجام، دیدگاهی که با بیم و امید، شرایط فعلی را در صورت عدم مدیریت صحیح، دارای پتانسیل گسترش تفاوت نسلی تا سر حد شکاف نسلی تلقی می‌کند. بدبینان این دیدگاه، تحت تاثیر ارزشهای انقلابی، شکاف نسلی را موجب بحران هویت و گسست نسل جوان از تاریخ و

فرهنگ دینی و ملی خودی ارزیابی می کنند و خوش بینان این دیدگاه، این شکاف را تحولی لازم و اساسی برای جامعه آینده ایران می دانند (معید فر، ۱۳۸۳). قائلان به شکاف نسلی در ایران عواملی مانند، مدرنیته و تحولات سریع جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی و تاثیرنخبگان و انقلاب اسلامی در کنار عدم پاسخگویی مناسب نظام سیاسی به این تحولات را از جمله عوامل موجد این پدیده در ایران می دانند (آقاجری، ۱۳۸۲).

منتظر قائم و شاقاسمی در مطالعه خود به مفاهیم نسل X، نسل Y، و نسل M پرداخته و اساس این دسته بندی را نوع مصرف رسانه ای جوانان دانسته اند. ایشان در توضیح بیشتر چنین آورده اند: «مفهوم نسل Y، در حال حاضر قابل تعمیم به نسل جوان ایران است. اما پیش از آغاز کار اجازه بدهید نسل Y را در زنجیره زمانی شکل گیری نسلها بر اساس مصرف رسانه ای بررسی کنیم. نسل X نسلی است که پس از نسل انفجار جمعیت به دنیا آمده است. اعضای این نسل متولدان ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ هستند، البته بازه های زمانی دیگری هم برای تاریخ تولد اعضای این نسل برشمرده اند. نسل Y که نسل هزاره یا هزاره ای ها نیز خوانده می شوند متولدین ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۷ هستند. .. و بالاخره نسل M متولدان ۱۹۹۸ به بعد هستند که هنوز صحبت کردن در مورد رفتار اجتماعی آنها زود است... البته برخی از جامعه شناسان بازه های زمانی دیگری برای بازشناسی این نسل پیشنهاد کرده اند» (منتظر قائم، شاقاسمی، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۲۳). این محققین در ادامه ویژگی هایی را نیز برای نسل مذکور (Y) بدین شرح برشمرده اند: الف) استفاده از اینترنت، ب) تغییر خواهی، ج) ناهمسازی سیاسی، ت) مسئولیت اجتماعی (همان).

به عقیده زیمل زمانی که عضویت در یک یا چند حلقه اجتماعی جای خود را به یک جایگاه اجتماعی در شبکه ای از حلقه های گوناگون اجتماعی دهد، شخصیت فرد دگرگون می شود. در این حالت شخصیت فرد از طریق اشتراک در حلقه های گوناگون، به شدت انشعاب پیدا می کند. برای مثال در جوامع پیشین، وابستگی مکانی یا خویشاوندی تعیین کننده تعلق مذهبی بود و یک فرد نمی توانست با افرادی همزیستی کند که در اصول و عقاید مذهبی با او اشتراک نداشتند. زیرا اشتراک مذهبی با اشتراک محلی یا خویشاوندی منطبق بود. بر عکس در جهان نوین اینگونه تعلق ها جدا از همدیگرند و افراد بیشتر است. وابستگی چندگانه به حلقه های اجتماعی به خودآگاهی بیشتر می انجامد. همین که فرد از چیرگی حلقه کوچکی که شخصیتش را در چهارچوب محدوده هایش اسیر می سازد رهایی می یابد، از یک نوع ادراک رهایی آگاه می شود. انشعاب تعلق گروهی یک نوع احساس منحصر به فرد بودن و آزادی را بیدار می سازد. وجود حلقه های اجتماعی، پیش شرط فردگرایی است، به این لحاظ نه تنها انسان ها نسبت به یکدیگر ناهمانند می شوند، بلکه فرصت آن را می یابند که در زمینه های اجتماعی گوناگون بدون زحمت حرکت کنند (به نقل از کوزر، ۱۳۷۳: ۲۶۵).

نظریات گئورگ زیمل را می توان تبیین کننده رشد فردگرایی در دنیای جدید دانست. فردگرایی رو به تزاید در نسل جدید سبب بوجود آمدن اخلاقیات و ارزش هایی می شود که تمام عرصه های زندگی، از جمله ملاک ها و معیارهای انتخاب را برای نسل جوان متمایز از نسل گذشته می نماید. تحت تأثیر این فردگرایی گروه مرجع در نسل جوان نیز دارای تفاوت هایی با نسل های قبل می شود (رحیمی، ۱۳۹۰). زیمل که اولین جامعه شناس سبک زندگی شهری

مدرن است، سبک زندگی را شیوه‌های خاص مصرف کردن با هدف دنبال کردن نمادهای منزلت می‌داند که در دنیای امروز، افراد از طریق آن می‌توانند فشارهای زندگی را تحمل کنند. همچنین او اولین جامعه‌شناسی است که در خصوص جهان فراغت و مصرف‌گرایی طرح نظر کرده است. بعد از وبر و زیمل، وبلن (۱۳۸۶) در میان جامعه‌شناسان کلاسیک تنها کسی است که اصل مصرف را محور توجه قرار داده است. او در کتاب «نظریه طبقه تن‌آسا» اصطلاح «مصرف خودنمایانه» را مطرح کرد که برای تبیین مفهوم مصرف‌گرایی در جوامعی مثل ایران بسیار مفید است.

به باور جان پارکر، نفس ماهیت فراغت، تنها در ارتباط با کار و فعالیت قابل درک است. پارکر معتقد است بدون کار، فراغتی وجود ندارد و فعالیت‌های فراغتی جامعه صنعتی است که توسعه فعالیت‌های فراغتی را موجب می‌شود. طبق نظریه وی، کار را تا آن اندازه می‌توان به فراغت تبدیل کرد که علاوه بر آنکه ادامه و استمرار کار محسوب شود، بتواند نگرش فرد را نسبت به کار اصلاح کند. اگر نارضایتی در کار احساس شود، فراغت جنبه ترمیمی پیدا می‌کند (سرایبی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۸ به نقل از توسلی، ۱۳۸۵).

کاپلان<sup>۱</sup> از دیگر نظریه پردازان حوزه فراغت است وی برای فراغت ابعاد متعددی را مطرح می‌کند. برای او فراغت نوعی فعالیت فرهنگی است و سرشتی از نوع بازی دارد. کاپلان فکر می‌کند که فراغت باید از دو زاویه مورد بررسی قرار گیرد: فردی و اجتماعی یعنی یکی رضایت درونی و دیگری، ارزشی که جامعه بر آن قائل است (اسدی، ۱۳۵۲). سیریل اسمیت نظریه‌های ویژه‌ای را که در زمینه فراغت از سوی متفکران اجتماعی اظهار شده است به سه دیدگاه نظری تقسیم می‌کند: نظریه اجتماعی شدن، نظریه نقش و پایگاه و نظریه خرده فرهنگ خاص جوانان. «نظریه اجتماعی شدن»، فراغت را جزئی از مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که از طریق آن ایستارها و آموخته‌های لازم برای ورود به بزرگسالی باید آموخته شود. دیدگاه دوم، که جوانی را دوره موقت و ناپایدار به لحاظ نقش و پایگاه می‌داند و نظریه سوم هم خرده فرهنگ جوانان را مستقل از فرهنگ جامعه و حتی گاه متضاد با آن می‌بیند (سرایبی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۸ به نقل از موموندی، ۱۳۸۰: ۴۸).

بورديو از دیگر نظریه پردازان اوقات فراغت است. وی اوقات فراغت را قسمتی از سبک زندگی می‌بیند. «بر مبنای دیدگاه بورديو، گذران اوقات فراغت می‌تواند بیانگر سبک زندگی و ذائقه‌های خاص باشد که به متمایز شدن افراد از یکدیگر منجر شود. در واقع، یکی از کارکردهای اوقات فراغت، تمایز بخشی است. بورديو برای تبیین نظریه ی خود از مفهومی به نام ذائقه سود می‌جوید. ذائقه عملکردی است که یکی از کارکردهایش این است که به افراد ادراکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۴). به معنای دقیق تر باید گفت مصرف، اجازه بازنمایی سبک‌های زندگی مختلف و ذائقه‌های مختلف را می‌دهد و نهایتاً اینکه سبک‌های زندگی و ذائقه‌هایی که بر مبنای

<sup>۱</sup> David B. Kaplan

سرمایه‌های بالا شکل می‌گیرند، به مصرف کالاهایی می‌انجامد که تمایز اجتماعی ایجاد می‌کند. این منطق تمایز در مصرف، در کانون توجه بورديو قرار دارد.

بورديو به بررسی رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگی بر ارتباطات اجتماعی پرداخته است. از دیدگاه بورديو، «سرمایه اقتصادی و فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بورديو معتقد است که عاملان اجتماعی تا آنجا با یکدیگر مشترکات دارند که در این دستگاه دو بعدی (سرمایه اقتصاد

ی- سرمایه فرهنگی) به یکدیگر نزدیک باشند و میزان تفاوت‌هایشان بستگی به این دارد که در این دستگاه چقدر از هم فاصله داشته باشند» (احمدی، احیایی، ۱۳۲۹: ۱۰). به نظر بورديو، انتخابهایی که افراد در مورد گزینه‌های فراغت انجام می‌دهند، اساساً اجتماعی است و مردم سبک‌های زندگی و فعالیت‌های فراغتی را می‌آموزند و با توجه به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نحوه گذران اوقات فراغت متفاوت است» (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۸). برای ورود به اندیشه بورديو در باب سبک زندگی و اوقات فراغت، آشنایی با بعضی از مفاهیمی که بورديو به کار برده، فهم آراء وی را آسان می‌گرداند. میدان در نظریه بورديو، پهنه اجتماعی کم و بیش محدودی است که تعداد زیادی از بازیگران یا کنشگران اجتماعی با منش‌های تعریف شده و توانایی‌های سرمایه‌ای وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر امتیازات دست یابند. از نظر بورديو (۱۳۸۶) سرمایه هر گونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه می‌گردد، موثر واقع می‌شود (استوتز، ۱۳۸۵: ۳۳۵). این سرمایه را اصولاً به چهار مقوله تفکیک کرد: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین (پرستیژ و افتخار اجتماعی).

به طور خلاصه به نظر بورديو در جامعه میدان‌های اجتماعی گوناگونی وجود دارد که این میدان‌ها بر اساس سرمایه ساخته می‌شود و بورديو به سرمایه فرهنگی در شکل دهی به میدان‌ها توجه بیشتری دارد. مردمی که در میدان اجتماعی مشابهی قرار می‌گیرند دارای منش‌ها و ذائقه‌های مشابهی هستند. منش، به خلق و خوهای شکل گرفته در هر میدان اطلاق می‌شود که بر ذائقه موثر است و ذائقه نیز بر عملکردی که یکی از کارکردهایش کمک به ادراک فرد از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌باشد. گروه‌های مختلفی که در میدان‌های اجتماعی شکل می‌گیرند الگوی مصرف خاصی را بر می‌گزینند که شیوه زندگی آنها را از افراد دیگر متمایز می‌کند. افراد با توجه به سرمایه‌ای که از آن برخوردارند و جایگاهشان در میدان و با تاثیر میدان بر سلیقه و منش آنها، نوع خاصی از فعالیت‌های فراغتی را انجام می‌دهند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۸).

به باور بورديو، «فرایند شکل‌گیری فرهنگ مصرفی، فرایندی نیست که بر مبنای ارضای نیازهای واقعی مصرف‌کنندگان به وجود آید. البته در جای دیگر، او انگیزه مصرف را آنگونه که در رهیافت نئومارکسیستی مکتب فرانکفورت وجود داشت اضای نیازهای کاذب برساننده «صنعت فرهنگ سازی» جامعه مدرن نیز نمی‌داند. او انگیزه اصلی مصرف‌کننده در فرهنگ مصرفی را تنها میل به ورود او به نظام مصرف در کل می‌داند: حوزه مصرف، بر عکس، یک حوزه اجتماعی ساختار یافته است که در آن نه تنها کالاها، بلکه نیازها نیز مانند مشخصه‌های گوناگون

فرهنگ از یک گروه مدل یا نخبگان رهبری کننده به سایر اقشار اجتماع، نسبت به پایه و مرتبه نسبی شان، انتقال می یابد» (بوردیاری، ۱۳۸۹ به نقل از ریاضی، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

مدل کلاسیک محدودیتهای فراغت به وسیله کراو فورد، جکسون و گودبی ارائه شده است. این مدل سه منبع اولیه در خصوص موانع فراغت مشخص کرده است: ساختاری، بین شخصی و درون شخصی. بر اساس این نظریه موانع ساختاری عواملی هستند که بین انتخابهای فراغتی و مشارکت واقعی فاصله می اندازند. نظیر منابع مالی، زمان در اختیار و وضعیت اقلیمی. موانع بین شخصی مربوط به کنشهای متقابل و روابط بین افراد است. ناتوانی در پیدا کردن یک همراه شایسته برای مشارکت، یک مانع بین شخصی است؛ و موانع درون شخصی بر ویژگیهای روانشناختی افراد تاکید دارد (فیضی، ۱۳۸۶: ۶۳).

گذران اوقات فراغت یکی از شاخصهای سبک زندگی<sup>۱</sup> است، نظریه پردازان و محققان سبک زندگی در مورد برخی مولفه‌ها، ویژگی‌ها و شروط تحقق سبک زندگی در یک جامعه متفق القول هستند و در مورد برخی دیگر اختلاف نظر دارند. طور اخص ویژگی‌های مورد توافق بشرح زیر اشاره می شود:

۱. ترجیحات افراد در زندگی روزمره دارای سبک است.

۲. سبک زندگی هم وجه فردی و هم وجه گروهی دارد اما اعضای یک گروه سبک زندگی، با هم تعامل دائم یا پایدار ندارند. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۲-۷۷).

از دید گیدنز (۱۳۸۲)، سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادات‌ها و جهت‌گیری‌ها و لذا واجد نوعی وحدت و انسجام است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱ به نقل از محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶). سبک زندگی الگوهای روابط اجتماعی، فعالیت‌های فراغت، الگوهای خرید، مصرف فرهنگی، شیوه‌های مدیریت بدن، رفتارهای خانوادگی، دکوراسیون منزل و مد را در بر می‌گیرد و نگرش‌ها و ارزش‌ها و جهان‌گردی افراد را منعکس می‌کند. به بیان دیگر، سبک‌های زندگی کردارهایی هستند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. کردارهایی که بازمانگر هویت‌های فردی، گروهی و اجتماعی‌اند. لذا از نگاه گیدنز مطالعه سبک زندگی عبارت است از تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگوهای کنش که افراد آنها را انتخاب کرده و کنش‌شان در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲ به نقل از محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶).

سبک زندگی به بیان ساده، شیوه زندگی است و دال بر الگوهای فردی مطلوب از زندگی، که جهان‌بینی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، عادات، وسایل زندگی و همچنین الگوهای روابط اجتماعی، اوقات فراغت و مصرف را در بر می‌گیرد. سبک زندگی اغلب "بیانگرانه" است. شخص خود را از طریق سبک زندگی به جهان پیرامونش معرفی می‌کند، این بدان معناست که سبک زندگی از طریق چهره‌ها (انتخاب لباس‌ها و رفتارها)، اعمال و کردارها (انتخاب فعالیت‌های

<sup>۱</sup> سبک زندگی شامل آن‌گونه رفتارهایی که مردم حق انتخاب بدیلی ندارند، نمی‌شود. به عبارت دیگر شرط تحقق سبک زندگی داشتن حق انتخاب در میان محدودیتهای ساختاری است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۲-۷۷).

فراغتی)، یا انتخاب وسایل زندگی و حتی دوستان بیان می‌شود (گیبینز و بوریمر، ۱۳۸۱: ۱۰۴ به نقل از معیدفر و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۷۱). تعارض در سبک زندگی به معنای عدم توافق بر سر انتظارات، ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی می‌باشد (فیشر، ۱۹۹۰: ۳۱)

در میان جامعه‌شناسان معاصر «میشل سوبل<sup>۱</sup>» سبک زندگی را شیوه‌های متمایز زندگی می‌نامد. او معتقد است می‌توان با سنجش رفتار قابل مشاهده شاخص‌سازی کرد و میان سبک‌های زندگی تمایز قائل شد، چرا که از دیدگاه سوبل هر یک از شاخص‌ها، خود مبین وجهی از زندگی‌اند. همچنین از آنجایی که او سبک زندگی را مجموعه رفتارها می‌داند، سنجش رفتار و یافتن شاخص برای آنها تنها با تبیین الگوهای مصرف ممکن است. مصرف به اعتقاد سوبل از تجارب زندگی است که سبک زندگی هم از همین تجارب ناشی می‌شود و آنها نیز خود، تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی قرار دارند (محمدی و بی‌بک آبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

وبلن<sup>۲</sup> (۱۳۸۶) انگیزش‌های اجتماعی برای رفتار رقابت آمیز و چشم و هم چشمی را پایه و اساس تبیین پدیده مصرف مدرن قرار می‌دهد و با طرح مفهوم طبقه تن آسا، مفهوم تمایز طبقاتی که در مصرف تجلی پیدا کرده است را مطرح می‌کند و قدرت مالی و ثروت را مبنای افتخار و منزلت و جایگاه اجتماعی می‌داند. البته وی نقش ذخیره کردن ثروت در کسب افتخار را ضعیف تر از نمایش دادن آن می‌داند و معتقد است که برای به دست آوردن و حفظ اعتبار فقط داشتن ثروت یا قدرت کافی نیست بلکه ثروت و قدرت باید نشان داده شود، زیرا اعتبار فقط با آشکار کردن آنها به دست می‌آید. به نظر او افراد ثروتمند در جوامع کوچک از طریق فراغت خود نمایانه و در جوامع بزرگ و شهری از طریق مصرف خود نمایانه و نمایشی، ثروت خود را به نمایش می‌گذارند. وی به اصل و قانون ضایع کردن تظاهری در جریان مصرف نمایشی اشاره می‌کند که منظور مسابقه و رقابت بر سر هر چه بیشتر پول خرج کردن است. وی پدیده مد را مختص به طبقه بالایی می‌داند که می‌خواهند نشان دهند که برای کسب درآمد مجبور به کار نیستند. او یکی از بهترین زمینه‌های مصرف نمایشی و ضایع کردن تظاهری را مصرف لباس می‌داند (محمدی و بی‌بک آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

## ۲. ۱. ۲ - چارچوب مفهومی تحقیق:

بر مبنای مطالب پیش گفته که شرح آن رفت، نظریات مختلفی در حوزه مناسبات نسلی و گذران اوقات فراغت مطرح شده است ولی با توجه به اهداف تحقیق سه نظریه مید، اینگلهارت و بوردیو به عنوان چارچوب مفهومی این مطالعه مورد استفاده قرار می‌گیرند. به باور مید<sup>۳</sup>، علت ایجاد فاصله نسلی تغییرات اجتماعی وسیع و عمیقی است که در سطوح ملی و بین المللی رخ داده و سبب شده که دنیا را وارد مرحله جدیدی از تحول و دگرگونی گردد. وی

<sup>۱</sup> Michael Sobel

<sup>۲</sup> Thorstein Veblen

<sup>۳</sup> Margaret Mead



در بحث شکاف نسلی سه نوع جامعه را از هم تفکیک می کند و آنها را جامعه پسا تمثیلی، فرهنگ هم تمثیلی و جامعه پیشا تمثیلی می نامد. مید در توضیح وضعیت نوع سوم جامعه این طور می نویسد: وضعیتی است که در جامعه دگرگونی های بسیار شدید روی می دهد، بطوریکه نسل گذشته در وضع جدید نه تنها نمی تواند الگوی نسل جدید باشد، بلکه باید برای تداوم حیات خود ارزشها و هنجارهای قدیمی خود را بر مبنای نسل بعد اصلاح کند، دست به اجتماعی شدن مجدد بزند و بسیاری از چیزها را از فرزندان خود بیاموزد. نسل جدید نیز، وضع آینده خود را نمی تواند در جایی و کسی بیابد و آنرا الگوی خود قرار دهد. این نسل خود باید وارد دنیای مبهمی شود که وضع آینده آن روشن نیست و نهادهای موجود نمی توانند پاسخگوی نیازهای وضعیت متغیر باشند، بنابر این، نسل جدید هم حال و هم گذشته را محکوم و رها می کند و به دنبال ساختن دنیای جدید خویش است. مارگارت مید این وضعیت را فرهنگ «پیشا تمثیلی» می نامد.

اینگلهارت نیز در توضیح روابط در بین نسلهای حاضر در عرصه اجتماع ۴ فرضیه را مطرح کرد و سپس در دهه هشتاد اینگلهارت این ایده را مطرح می کند که در جوامع صنعتی مواجه با نوعی دگرگونی ارزشی هستیم. گرایش نسبت به ارزشهای فرامادی تقویت گردیده و نسل جدید به ارزشهای فرامادی اولویت بیشتری می دهد. در تبیین این دگرگونی ارزشی و نسلی به طراحی دو فرضیه پیش بینی کننده می پردازد که عبارتند از:

۱. فرضیه کمیابی که بنابر آن اولویتهای فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی اوست.

۲. فرضیه اجتماعی شدن که اصل را بر این قرار می دهد که ارزشهای اساسی فرد به شکل گسترده منعکس کننده شرایطی است که طی سالهای قبل از بلوغ فراهم شده است. به نظر اینگلهارت فرضیه کمیابی به دگرگونی های کوتاه مدت با آثار دوره ای اشاره دارد. دوره های رونق به افزایش فرامادی گرایی و دوره های کمیابی به مادی گرایی می انجامد. فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر وجود آثار بلند مدت نسلی دارد» (آزادارمکی، غفاری، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۴ به نقل از اینگلهارت و أبرامسون، ۱۳۷۸).

بدین ترتیب تحولات سریع و گسترده در جوامع مختلف موجب تغییر در ارزشهای نسلهای جدید می شود و از آنجا که در جوامع مدرن ارتباطات تسریع و تسهیل شده است، افراد در معرض الگوها و منابع متنوع جامعه پذیری قرار می گیرند.

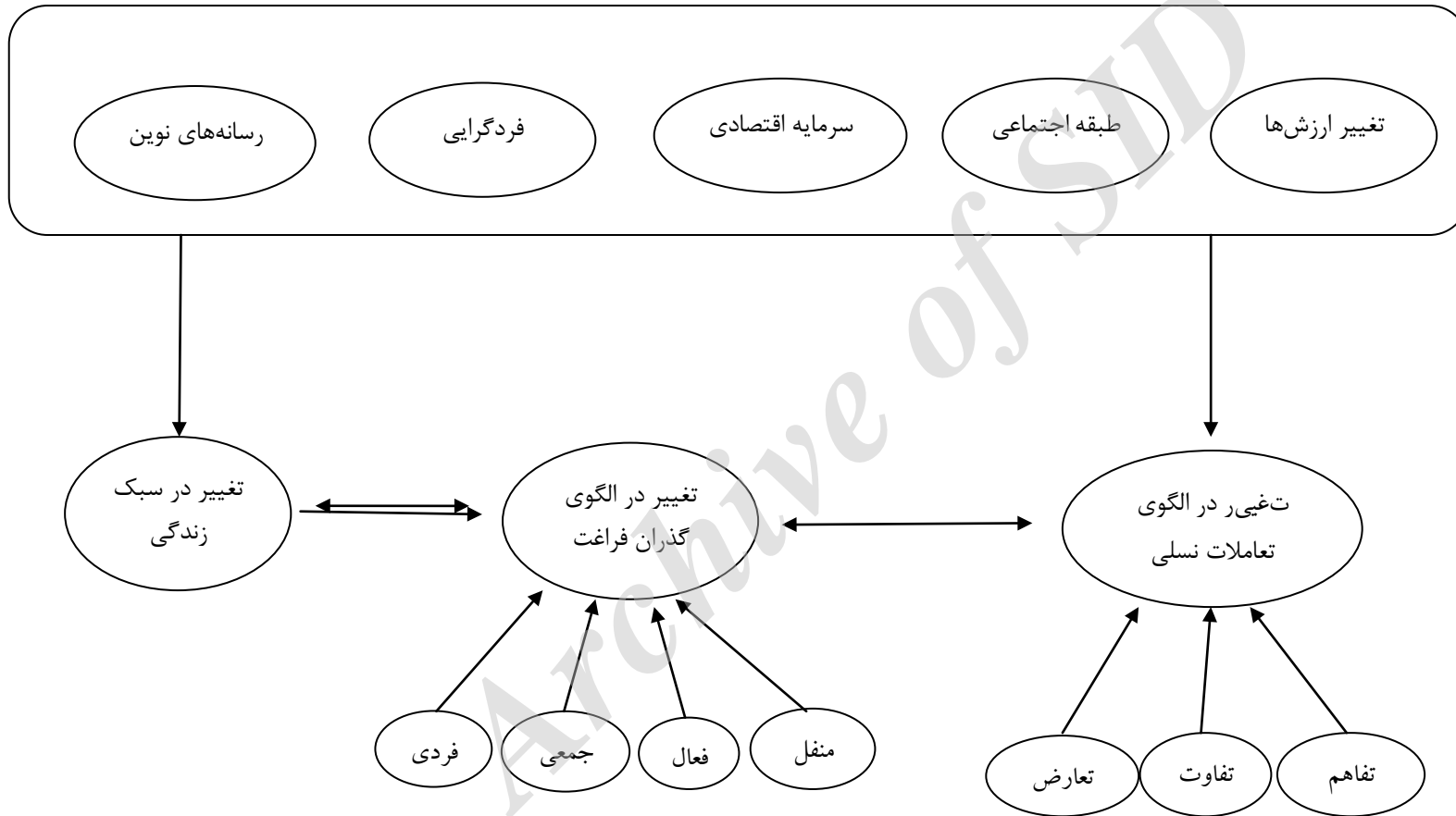
به اعتقاد پیر بوردیو، در شرایط معاصر، شکاف نسلها، شکاف افقی بوده و در عرصه ها و میدانهای مختلف اجتماعی، اعم از نهادی یا غیر نهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملا حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است. همچنین بوردیو در ارتباط با اوقات فراغت نظریات ارزشمندی را مطرح نموده است. به نظر بوردیو، انتخابهایی که افراد در مورد گزینه های فراغت انجام می دهند، اساسا اجتماعی است و مردم سبکهای زندگی و فعالیتهای فراغتی را می آموزند و با توجه به سرمایه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نحوه گذران اوقات فراغت متفاوت است. سرمایه هر گونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که موجب توانایی فرد برای بهره مندی از منافع خاصی که در این صحنه می گردد، موثر واقع می شود. مردمی که در میدان اجتماعی مشابهی

قرار می‌گیرند دارای منش‌ها و ذائقه‌های مشابهی هستند. گروه‌های مختلفی که در میدانهای اجتماعی شکل می‌گیرند الگوی مصرف خاصی را بر می‌گزینند که شیوه زندگی آنها را از افراد دیگر متمایز می‌کند. افراد با توجه به سرمایه‌ای که از آن برخوردارند و جایگاهشان در میدان و با تاثیر میدان بر سلیقه و منش آنها، نوع خاصی از فعالیتهای فراغتی را انجام می‌دهند.

با توجه به نظریات مطروحه و با تاکید بر پیشینه تحقیق، مدل مفهومی این پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

Archive of SID

مدل مفهومی تحقیق:



## فرضیات پژوهش:

### فرضیه اصلی تحقیق حاضر عبارت است از:

بین چگونگی رابطه بین نسلی و نحوه و میزان گذران اوقات فراغت جوانان با خانواده رابطه وجود دارد. سایر فرضیه ها عبارتند از:

۱. بین همسویی نسلی و چگونگی گذران اوقات فراغت جوانان با خانواده رابطه وجود دارد.
۲. بین تعامل نسلی و چگونگی گذران اوقات فراغت جوانان با خانواده رابطه وجود دارد.
۳. بین متغیرهای زمینه ای و نحوه و میزان گذران اوقات فراغت در نسلهای مختلف رابطه وجود دارد.
۴. الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان اغلب فردی و این الگو در والدین بیشتر جمعی می باشد.

فصل سوم

روش شناسی

Archive of SID

## ۳-۱- مقدمه

کیفیت مطالعات اجتماعی از یک طرف مربوط به دقت در تهیه طرح تحقیق و تنظیم طرح نظری و انتخاب متغیرهای مناسب بوده و از سوی دیگر به چگونگی شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده برای کسب داده‌ها درباره متغیرها نیز بستگی دارد. لذا تهیه یک طرح خوب و مفصل کافی نیست. برای حفظ کیفیت یک مطالعه اجتماعی ضروری است که دقت و تعمیق لازم برای انتخاب شیوه و ابزار مطالعه نیز صورت گیرد. در مطالعه و به خصوص هنگام تعیین متغیرها، محقق درصد این است که آنچه را می‌خواهد اندازه‌گیری نماید، مشخص کند. در این مرحله کار روی پیدا کردن مناسب‌ترین ابزار برای اندازه‌گیری واقعیت مورد نظر متمرکز می‌شود (طالب، ۱۳۸۰: ۱۶).

در مطالعه حاضر تلاش بر این است که رابطه بین مناسبات نسلی و چگونگی گذران اوقات فراغت تبیین گردد، بدین منظور از روش پیمایش استفاده شده است. با توجه به این فرض که تغییرات گذران اوقات فراغت بیشتر در مناطق شهری اتفاق افتاده و بسترهای نوین فراغتی بالاخص بسترهای فعال فراغتی در مناطق شهر استقرار دارند، این مطالعه محدود به مناطق شهری بوده و مناطق روستایی را در بر نمی‌گیرد. همچنین از آنجا که محتمل است سطح توسعه بر وضعیت اقتصادی که از عوامل موثر بر گذران اوقات فراغت بوده، تاثیرگذار باشد؛ این مطالعه سه گروه از استانها را با سطح توسعه یافتگی بالا یا توسعه یافته، سطح توسعه یافتگی متوسط و توسعه نیافته یا محروم را مورد مطالعه قرار می‌دهد. با توجه به تفاوت‌های موجود در بین جوامع مدرن و توسعه یافته و جوامع سنتی در حوزه گذران اوقات فراغت و رابطه‌های محتمل بین نسلی، در این مطالعه به منظور ارائه تصویری جامع از مسئله، تلاش شده که جامعه آماری تحقیق حاضر شامل شهروندان در استانهای با سطح توسعه اقتصادی بالا و با سبک‌های زندگی متفاوت، شهروندان در استانهای با سطح توسعه اقتصادی متوسط و شهروندان در استانهای با سطح توسعه اقتصادی پایین را مورد بررسی قرار دهد. این کار نه تنها نشان دهنده وضعیت گذران اوقات فراغت بر اساس سطح توسعه یافتگی است، بلکه می‌توان از طریق مقایسه بین گروه‌های مورد بررسی، تفاوتها را در الگوی گذران اوقات فراغت و نیز الگوهای روابط نسلی را هم شناسایی و احصاء نمود.

## ۳-۲- جامعه آماری:

جامعه آماری این تحقیق را کلیه شهروندان ۱۵ تا ۶۵ سال تشکیل می‌دهند که در استانهای با سطوح مختلف توسعه زندگی می‌کنند. این انتخاب با توجه به مصوب مطروحه در شبکه برنامه گروه و تعداد یکسان نمونه برای همه طرح‌های پژوهشی شبکه برنامه می‌باشد. محققین از منظرهای مختلف مانند سطح توسعه، سطح توسعه اقتصادی، توسعه انسانی، کیفیت زندگی در سالهای مختلف استانهای کشور را دسته بندی نموده اند (میرغفوری، طهراری مهرجردی، بابایی، ۱۳۸۹؛ عادل آذر، غلامرضایی، ۱۳۸۵؛ دفتر برنامه ریزی وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۷؛ اسلامی ۱۳۹۱؛ عبدا... زاده، شریف زاده، ۱۳۹۱)، از بررسی نتایج آنان که در بسیار از موارد همخوانی دارد، استانهای تهران و اصفهان به عنوان نمونه توسعه یافته؛ استانهای سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد به عنوان نمونه

استانهای محروم؛ و استانهای کرمان و زنجان به عنوان نمونه سطح متوسط توسعه اقتصادی به عنوان جامعه نمونه این تحقیق می باشند.

در هر استان مرکز آن به همراه یک مرکز شهرستان مورد مطالعه قرار گرفت. کل نمونه آماری برای سه گروه استانهای توسعه یافته، استانهای در حال توسعه و استانهای محروم ۱۲۰۰ نفر خواهد بود که با توجه به فرمول کوکران در هر گروه از استانها ۴۰۰ نفر (بالاترین تعداد نمونه کوکران) پیش بینی شده است. بدین ترتیب جامعه نمونه تحقیق نیز شهروندان ۶ مرکز استان و ۶ مرکز شهرستان در استانهای مورد مطالعه هستند که تعداد ۲۰۰ نفر در هر استان مورد مصاحبه قرار خواهند گرفت. برای انتخاب مرکز شهرستان پرجمعیت ترین مرکز شهرستان ملاک قرار گرفت.

### ۳-۳- جامعه نمونه:

جدول ۳-۱ جامعه نمونه این تحقیق در شش استان و شهرستان مورد مطالعه

ردیف	وضعیت استان از نظر سطح توسعه	مرکز استان	مرکز شهرستان
۱	توسعه یافته	تهران	اسلامشهر
		اصفهان	کاشان
۲	در حال توسعه (سطح توسعه متوسط)	کرمان	رفسنجان
		زنجان	ابهر
۳	محروم	زاهدان	زابل
		یاسوج	گچساران

### ۳-۴- شیوه اجرای تحقیق:

تحقیق فرایندی است که در آن کنش و واکنش مستمری میان نظریه و داده‌ها و نیز میان تحلیل مقدماتی و تحلیل‌های بعدی وجود دارد. از طریق پیمایش می توان داده‌های بسیار گسترده ای را در باب باورها، ارزشها، نگرشها، کنش‌ها و سایر اطلاعاتی که درباره صفتهای فرد باشد، گردآوری کرد. همچنین می توان در باب صفاتی که ویژگی سیستم باشند، اطلاعات دست اول جمع آوری کرد (ساعی، ۱۳۸۷: ۱۳۴). در این طرح از روش ترکیبی شامل روش بررسی اسنادی و روش پیمایش بهره جسته خواهد شد.

در مطالعه حاضر هر شهر اعم از مرکز استان یا مرکز شهرستان به ۵ بلوک شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد و در هر بلوک تعداد ۲۰ پرسشنامه تکمیل گردید.

### ۳-۵- ابزار تحقیق و اعتبار و روایی پرسشنامه:

در این مطالعه از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که بر اساس متغیرهای احصا شده طراحی و تدوین گردیده است. پرسشنامه نخست با تعداد ۵۰ پرسشنامه مورد پیش آزمون قرار گرفت و بر اساس نتایج آن اصلاحاتی در پرسشنامه انجام شد که پرسشنامه نهایی با ۸ سؤال کلی که شامل الگوی گذران فراغت جمعی (سؤال ۱ با ۲۰ گویه)، فراغت رسانه محور (سؤال ۲ با ۱۰ گویه)، الگوی تعامل با دیگران (سؤال ۳ با ۶ گویه)، زیرساختهای فراغتی و استفاده از آنها (سؤال ۴ با ۱۵ گویه)، فراغت مجازی (سؤال ۵ با ۱۰ گویه)، الگوی تعامل بین نسلی (سؤال ۶ با ۱۲ گویه)، نوگرایی (سؤال ۷ با ۸ گویه)، و ویژگی‌های جامعه شناختی (سؤال ۸ با ۸ گویه)؛ به عنوان ابزار پیمایش مورد استفاده قرار گرفت.

### ۳-۶- روایی: (Validity)

هدف شیوه‌های مختلف جمع آوری اطلاعات، تهیه قرائن و داده‌های قابل اعتبار درباره موضوعات مورد نظر در طرح مطالعه است، ولی میزان کارایی و درجه اعتبار هر یک از شیوه‌ها از جامعه ای به جامعه دیگر و از موضوعی به موضوع دیگر متفاوت است. محقق با طرح اهداف و یا تعیین درصد آن است که به «واقعیتی» دست یابد، بدیهی است اگر وی از شیوه ای استفاده کند که تا حد زیادی بتواند واقعیت مزبور را به صورت اعداد، ارقام، قرائن و ... در اختیار وی قرار دهد، شیوه مزبور دارای روایی است (سلتیز و همکاران، ۱۳۴۴: ۲۰۹ به نقل از طالب، ۱۳۸۰: ۱۱۷) در واقع روایی دقت در سنجش است. روایی این است که اگر به صورت مکرر چیزی را بسنجیم نتیجه اش یکسان باشد، به شرط آنکه چیزی تغییر نکرده باشد. برای تعیین روایی ابزار تحقیق تعداد ۵۰ پرسشنامه را بصورت پیش آزمون تکمیل و پس از اعمال اصلاحات مورد نیاز در ابزار، پرسشنامه برای اجرا استفاده شد. یکی دیگر از روشهای محاسبه قابلیت اعتماد استفاده از فرمول کرونباخ است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری از جمله پرسشنامه ها یا آزمونهایی که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کند بکار می رود. در این گونه ابزارها، پاسخ هر سوال می تواند مقادیر عددی مختلف را اختیار کند. در مطالعه حاضر مقدار آلفای کرونباخ برای متغیرها به شرح زیر است که نشاندهنده روایی مناسب پرسشنامه می باشد.

جدول ۳-۲- مقادیر آلفای کرونباخ

ردیف	متغیر	مقدار
۱	فراغت فردی منفعل	.۷۳۳
۲	فراغت فردی فعال	.۸۲۰



۳	فراغت جمعی فعال واقعی	۰.۸۱۲
۴	فراغت جمعی فعال مجازی	۰.۸۰۳
۵	همسویی با خانواده	۰.۷۴۳
۶	تعامل با خانواده	۰.۷۴۳

### ۳-۷- اعتماد: (Reliability)

اعتبار میزان انطباق بین تعریف مفهومی متغیر و تعریف عملیاتی آن است (چلبی، ۱۳۸۰) به عبارت دیگر اعتبار با این سؤال سر و کار دارد که آیا فرد چیزی را که فکر می کند اندازه می گیرد، اندازه گیری می کند یا نه؟ در این مطالعه برای سنجش اعتبار ابزار از روایی صوری و اجماع خبرگان و نیز اعتبار درونی استفاده شده است.

### ۳-۸- روشها و تکنیکهای تجزیه و تحلیل داده‌ها:

جمع آوری اطلاعات از جامعه آماری بر اساس پرسشنامه محقق ساخته است. از تکنیکهای آمار توصیفی و استنباطی، آزمونهای مختلف مورد نیاز و از نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده می شود.

### ۳-۹- تعریف مفهومی متغیرها:

**رابطه تفاهمی بین نسلی:** بین دو نسل نه در حوزه ارزشها و نه در حوزه رفتارها اختلافی مشاهده نمی شود. دو نسل در موضوعات مشابه، رفتار مشابهی دارند مثل اعتقادات مشترک مذهبی، شرکت مشترک در مراسم مذهبی (در رفتار دینی)، فراغت مشابه (رفتار فراغتی). داشتن نظرات مشترک در مسائل مختلف، اهمیت دادن و اجرا نمودن نظرات یکدیگر.

**رابطه تفاوتی بین نسلی:** بین دو دوره نسلی اختلافهایی در حوزه رفتاری مشاهده می شود ولی دارای منظومه ارزشهای مشترکی هستند. مثل اعتقاد به خداوند نماز خواندن یک نسل و نماز نخواندن نسل دیگر، الگوهای مختلف فراغت (فردی/ جمعی) مثل فراغت گروهی با دوستان؛ تفاوت در سطوح رفتاری مثل طرز پوشش و مدیریت بدن، تفاوت در چگونگی انتخاب همسر، تفاوت در ارتباط با دوستان.

**رابطه تعارضی بین نسلی:** بین دو دوره نسلی اختلافهای اساسی در حوزه ارزشها و رفتارها وجود دارد. عدم تشابه در ارزشها و رفتارهای دینی مثل اقامه نماز توسط یک نسل و عدم پایبندی به نماز در نسل دیگر، الگوی فراغتی جمعی در یک نسل و فراغت فردی در دیگری، وجود اختلاف فاحش در دینداری، فقدان فصل مشترک در مذاکره، تفاوت در سبک زندگی و الگوهای فراغتی.

**اوقات فراغت فعال:** «فراغت فعال، فراغتی است که در آن افراد فعالانه تلاش دارند به شیوه ای برنامه ریزی شده و از پیش تعیین شده و به بهترین وجه ممکن، اوقات فراغت خود را بگذرانند و فراغت را در معنای لذت جویی آن محقق کنند. (فکوهی، ۱۳۸۲) نمونه‌های فراغت فعال انجام ورزشهای جمعی، شرکت در فعالیتهای اجتماعی و به طور کلی هر گونه فعالیت جمعی که نیازمند فعالیت فیزیکی و ذهنی باشد، گردش و پیک نیک و مسافرت جمعی با خانواده و دوستان،

**اوقات فراغت منفعل:** منظور از فراغت منفعل، فراغتی است که بدون برنامه ریزی و به شیوه اتفاقی و راندم، گذر زمان فراغت در آن رخ می دهد» (فکوهی، ۱۳۸۲). مثل استراحت در منزل بدون برنامه ریزی، شیوه‌هایی از گذران فراغت که نیازمند فعالیت فیزیکی و بدنی نباشد. سینما یا تئاتر رفتن تنها یا جمعی، تماشای تلویزیون، گوش دادن به رادیو یا موسیقی، مطالعه کتاب، انجام بازی‌های رایانه ای و استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی.

**اوقات فراغت جمعی:** فراغت جمعی به فراغتی اختصاص دارد که اعضای خانواده، دوستان و اقوام در کنار یکدیگر به فعالیتهایی نظیر بازی و ورزش، گردش، مسافرت و مهمانی‌های دسته جمعی، گپ و گفت‌های جمعی و ... بپردازند.

**اوقات فراغت فردی:** اوقات فراغتی که به تنهایی و به صورت فردی سپری گردد. فعالیتهایی نظیر انجام کارهای هنری، گوش دادن به موسیقی، استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، تنهایی به خرید، پارک یا ورزش رفتن از جمله گذران اوقات فردی دسته بندی می شوند.

**شیوه فراغت فردی غیر فعال:** فعالیتهایی نظیر تماشای تلویزیون، استفاده از مطبوعات و مکتوبات، استفاده از کامپیوتر و اینترنت، استراحت و دراز کشیدن و ... را شامل می گردد (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۷: ۲۳۸).

**شیوه فراغت جمعی غیر فعال:** از قبیل تماشای مسابقات ورزشی به صورت جمعی، صحبت کردن با افراد خانواده ... (همان)

**شیوه فراغت فردی فعال:** به انجام فعالیتهایی نظیر کارهای هنری، شرکت در پایگاههای بسیج، امور خیریه، بازدید از موزه‌ها و نمایشگاهها، قدم زدن در پارک و خیابان، رفتن به کافه و ...

**شیوه فراغت جمعی فعال:** ورزش و بازی، گردشهای دسته جمعی، مسافرت جمعی، دیدار اقوام و دوستان، رفتن به سینما و تئاتر جمعی و ... (همان)

### ۳-۱۰ تعریف عملیاتی متغیرها:

متغیرهای مختلفی در این مطالعه مورد مطالعه قرار گرفته اند که عبارتند از روابط نسلی، اوقات فراغت (فردی و جمعی، فعال و منفعل، مجازی)، سطح توسعه یافتگی استان‌ها که در ادامه تعریف عملیاتی هر

**کدام به روابط نسلی:** در این مطالعه روابط نسلی به دو الگوی همسویی نسلی و تعامل نسلی دسته بندی شده است. گویه‌هایی که برای سنجش همسویی نسلی استفاده شده اند عبارتند از:

### همسویی با خانواده:

در سنجش همسویی با خانواده تلاش شده که حوزه ارزشها مورد مذاقه قرار گیرد بنابر این تعارض ارزشهای مورد نظر فرد و خانواده، ارزشهای سنتی، و نگرش نسبت به ازدواج با استفاده از طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفته است.

گویه‌ها
در بسیاری از موضوعات به نظر اعضای خانواده اهمیت نمی دهم و بر اساس نظر خودم عمل می کنم
خانواده ام سنتی هستند و همیشه مرا به رعایت رسم و رسوم مجبور می کنند
نظر خانواده و مشارکت آنها در انتخاب همسر، موجب تحکیم ازدواج و خوشبختی اقاراد می شود

### تعامل با خانواده:

گویه‌های تعامل با خانواده به حوزه رفتاری تاکید دارند موضوعاتی نظیر تبادل تجربیات و صحبت کردن با یکدیگر، تبادل تجربیات و مشورت با خانواده، احصا زمینه‌های مشترک تعامل بین نسلی، از گویه‌هایی بوده اند که در این زمینه با یاری از طیف لیکرت مورد استفاده قرار گرفته و عبارتند از:

گویه‌ها
در جمع‌های خانوادگی اغلب با اعضای خانواده به مرور خاطرات و تجربیات زندگی می پردازیم
معمولا برای انجام کارهای مختلف با خانواده ام مشورت می کنم
بین من و اعضای خانواده ام زمینه مشترکی برای صحبت کردن وجود ندارد
اگر برایم مشکلی پیش بیاید اول با خانواده ام مشورت نمی کنم

**گذران فراغت:** این متغیر به انواع فراغت جمعی فعال در فضای واقعی، فراغت جمعی فعال در فضای مجازی،

فراغت فردی فعال، فراغت فردی منفعل

### فراغت فعال جمعی در فضای واقعی:

ده گویه مشابه برای خانواده و دوستان در نظر گرفته شده که با طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته اند این گویه‌ها عبارتند از: سفرهای سیاحتی- تفریحی، پیکنیک، سفرهای زیارتی، تئاتر و کنسرت، دید و بازدیدهای خانوادگی / دوستانه، رفتن به مسجد برای نماز، پاساژگردی، رفتن به رستوران و سینما، شرکت در مراسم مذهبی، انجام ورزشهای جمعی بوده که برای سنجش فراغت فعال جمعی با خانواده و دوستان مورد استفاده قرار گرفته است.

فراغت فعال جمعی
سفرهای سیاحتی تفریحی
پیک نیک
سفرهای زیارتی
تئاتر / کنسرت
رفت و آمد (دید و بازدید)
رفتن به مسجد برای نماز
پاساژگردی و خرید
رفتن به رستوران / سینما
شرکت در مراسم مذهبی (دعا، شبهای قدر، روضه، ...)
ورزش

### فراغت فعال جمعی مجازی:

به منظور سنجش فراغت فعال جمعی مجازی متغیرهای میزان، مخاطب و انواع شبکه‌ها مورد بررسی قرار گرفته اند. انواع شبکه‌های اجتماعی از پر مصرفترین شامل تلگرام و اینستاگرام تا شبکه‌های کم اقبال تر اعلام شده توسط پاسخگویان بررسی شده اند. مدت زمان استفاده از این شبکه‌ها در روز با استفاده از طیف لیکرت (بندرت، یک بار در روز، سه چهار ساعت یکبار، چند بار در ساعت، مرتب، سنجش شده و نهایتاً نیز مخاطبانی که با آنان در ارتباط هستند شامل اقوام و خویشان، دوستان و همکاران، افراد ناشناس و همه موارد بررسی شده اند.

### فراغت فردی فعال:

فراغت فردی فعال فراغتی است که با انتخاب و فعالانه انجام می شود این نوع فراغت را به دو گروه فراغت فعال سنتی شامل مطالعه کتاب و روزنامه، و فراغت فعال مدرن شامل استفاده از اینترنت، و بازی‌های رایانه ای دسته بندی شده است که در مورد هر کدام میزان استفاده در روز به ساعت و دقیقه اندازه گرفته شده است.

فراغت فعال فردی
مطالعه روزنامه
مطالعه کتاب
استفاده از اینترنت
بازیهای رایانه ای

### فراغت فردی منفعل:

فراغت فردی منفعل فراغتی است که نیازمند صرف انرژی یا انتخاب نیست. همانند فراغت فردی منفعل به دو دسته فراغت سنتی و مدرن تقسیم شده است. مشاهده تلویزیون، گوش دادن به رادیو در زمزه فراغتهای فردی منفعل سنتی و تماشای ماهواره، تماشای فیلم به کامپیوتر و غیره، گوش دادن به موسیقی در گروه فعالیتهای فردی منفعل مدرن دسته بندی شده اند.

فراغت منفعل فردی
تماشای تلویزیون
تماشای ماهواره
تماشای فیلم (با کامپیوتر و غیره):
گوش دادن به موسیقی
گوش دادن به رادیو

### زیر ساختهای فراغتی: (وجود زیر ساختها، عوامل و میزان استفاده)

ردیف	امکانات
۱	پارک و فضای‌های سبز
۲	کلاسهای ورزشی
۳	کلاسهای هنری / آموزشی
۴	کلاسهای قران و یا جلسات مذهبی
۵	سینما و یا تئاتر

## فصل چهارم

### یافته‌ها

Archive of SID

## مقدمه:

فراغت یکی از مهمترین بسترهای انتقال ارزشها و هنجارهاست. «بهره مندی از اوقات فراغت و انجام فعالیتهایی که آموزنده، لذت بخش، و باعث استراحت باشد هم به آموزش فردی و جمعی نیاز دارد و هم مستلزم برنامه‌های وسیع اجتماعی در سطح کلان است. نحوه گذران اوقات فراغت در جامعه ای مانند ایران در رابطه با گروههای مختلف مسائل متعددی دارد؛ و اهمیت آن در مورد جوانان در طی چند سال اخیر مکررا در سطح جامعه مطرح شده است. البته گذران اوقات فراغت خاص جوانان نیست و مسئله ای است که در سطح تمام گروههای سنی مطرح است و در آینده در کشور ما هم به ویژه با بالا رفتن تدریجی عمر متوسط، اهمیت آن برای تمام گروههای سنی محسوس تر خواهد شد. امروزه اوقات فراغت در تفریح خلاصه نمی شود؛ فعالیتهایی است که افراد آن را بر اساس علاقه خویش و پس از انجام تکالیف و الزامات زیستی، خانوادگی، شغلی و اجتماعی، به نحو دلخواه انتخاب می کنند و انجام می دهند. بنابر این فعالیتهای فراغتی الزامی و فقط تفریحی نیستند و به دلخواه انتخاب می شوند» (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۷۶). مطالعات انجام شده در حوزه فراغت به ابعاد این موضوع اجتماعی پرداخته اند ولی کمتر مطالعه ای به بررسی رابطه آن با تعاملات نسلی همت گمارده است.

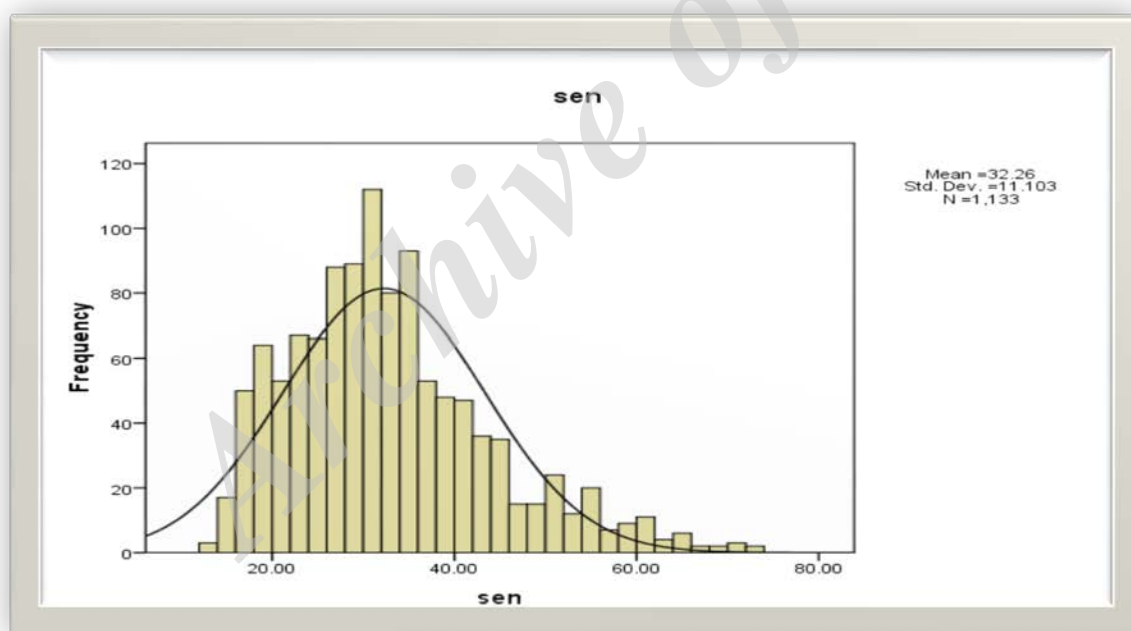
در این بررسی که در سطح ملی انجام شده، تعداد ۱۲۰۰ نفر در دوره‌های نسلی سه گانه شامل سالمندان، میانسالان و جوانان مورد مصاحبه قرار گرفته اند. جامعه آماری این مطالعه را ۳ خوشه تشکیل می دهد ۱- استانهای توسعه یافته شامل تهران و اصفهان؛ ۲- استانهای در حال توسعه شامل کرمان و زنجان؛ ۳- استانهای توسعه نیافته شامل استانهای کهگیلویه و بویر احمد و سیستان و بلوچستان است. در هر خوشه دو مرکز استان و دو مرکز شهرستان وجود دارد که در استانهای توسعه یافته شهرهای تهران، اسلامشهر، اصفهان و کاشان؛ در استانهای در حال توسعه شامل شهرهای کرمان، رفسنجان، زنجان و ابهر؛ و در استانهای توسعه نیافته شهرهای یاسوج، گچساران، زاهدان و زابل قرار دارند. در هر خوشه ۴۰۰ نمونه وجود دارد که ۲۰۰ نمونه در مرکز استان و ۲۰۰ نمونه مربوط به مرکز شهرستان است. شایان ذکر است که از تعداد ۱۲۰۰ پرسشنامه تکمیل شده ۵ پرسشنامه ناقص بود که از چرخه تحلیل خارج شد و نهایتا تحلیلها بر اساس تعداد ۱۱۹۵ پرسشنامه انجام شده است. مطالعات پیشین انواع فراغت را به فراغت جمعی، فراغت فردی، فعال و منفعل دسته بندی نموده بودند. این مطالعه نیز تلاش دارد در قالبهای مذکور دسته بندی‌هایی را ارائه دهد ولی با توجه به تغییر در الگوی فراغت در سالهای اخیر و افزوده شدن فراغت مجازی به عنوان شیوه ای فراگیر در گذران فراغت، می توان گذران فراغت را به شیوه‌های فراغت در فضای واقعی (اعم از فردی و جمعی فعال و منفعل)، و فراغت مجازی (شامل فردی منفعل و جمعی فعال)، دسته بندی نمود. همچنین زیر ساختهای فراغتی به عنوان بستری برای فراغت فعال فردی و جمعی، مورد رصد قرار گرفته است. تعاملات بین نسلی با دو شاخص همسویی با خانواده و تعامل با خانواده بررسی شده است. نوگرایی نیز از دیگر موضوعات مورد بررسی بوده اند. برای سنجش هر یک از متغیرهای مذکور گویه‌هایی در نظر گرفته شده است. در ادامه پس از ارائه تصویری از جامعه آماری، هر یک از متغیرها به تفکیک مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

#### ۴-۱ شمایی از ویژگی‌های جامعه آماری:

در این مطالعه ۴۲ درصد از پاسخگویان را زنان و ۵۸ درصد را مردان تشکیل می‌دادند. پاسخگویان بر مبنای سن به سه گروه جوانان (۱۵-۲۹ سال)، میانسالان (۳۰-۵۵ سال) و سالمندان (+۵۶) تقسیم شدند. بر این اساس ۴۱/۶ درصد از پاسخگویان در گروه جوانان، ۴۸/۵ درصد در گروه میانسالان و ۴/۹ درصد نیز در گروه سالمندان قابل دسته بندی هستند.

جدول ۴-۱ پاسخگویان بر حسب دوره زندگی (سن)

دوره نسلی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
جوانان ۱۵-۲۹	۴۹۷	۴۱,۶	۴۳,۹	۴۳,۹
میانسالان ۳۰-۵۵	۵۸۰	۴۸,۵	۵۱,۲	۹۵,۱
سالمندان +۵۶	۵۶	۴,۷	۴,۹	۱۰۰,۰
مجموع	۱۱۳۳	۹۴,۸	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۶۲	۵,۲		
جمع کل	۱۱۹۵	۱۰۰,۰		



نمودار ۴-۱-۱ - پاسخگویان بر حسب سن

از آنجا که به نظر می‌رسد وضعیت تاهل بر گذران فراغت تاثیر گذار است، این متغیر مورد مطالعه قرار گرفته است. بر اساس داده‌ها، بیش از نیمی از پاسخگویان متاهل بوده‌اند و نزدیک به ۴۰ درصد (۳۹/۹ درصد) مجرد گزارش



شده اند. ۰/۹ درصد از پاسخگویان مطلقه اعلام شده و ۱/۲ درصد نیز گزارشی از وضعیت تاهل خویش اعلام ننموده اند. جدول زیر پاسخگویان برا بر حسب وضعیت تاهل نشان می دهد:

**جدول ۲-۴ پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل**

وضعیت تاهل	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
متاهل	۶۸۵	۵۷,۳	۵۸,۰	۵۸,۰
مجرد	۴۷۷	۳۹,۹	۴۰,۴	۹۸,۴
مطلقه	۱۱	.۹	.۹	۹۹,۳
اظهار نشده	۸	.۷	.۷	۱۰۰,۰
مجموع	۱۱۸۱	۹۸,۸	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۱۴	۱,۲		
جمع کل	۱۱۹۵	۱۰۰,۰		

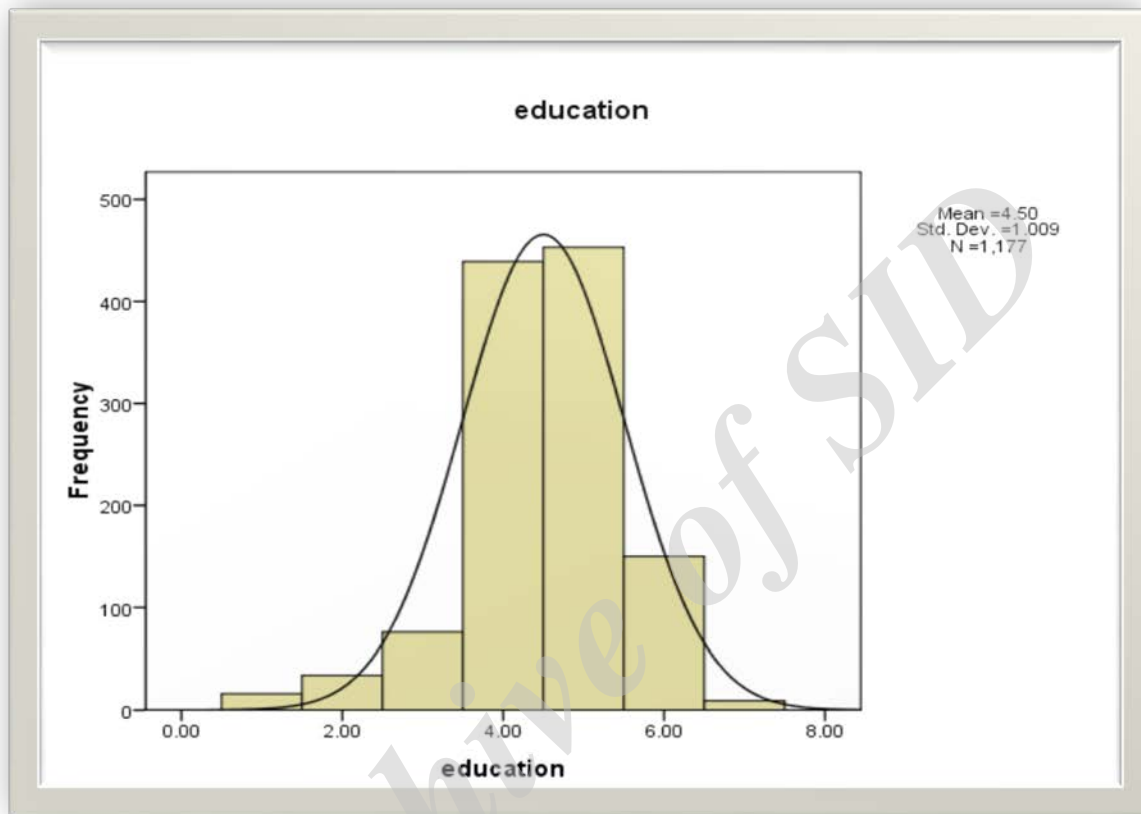
سطح و میزان تحصیلات از دیگر اطلاعاتی است که می تواند تصویر بهتری از وضعیت جامعه مورد بررسی ارائه نماید. در مطالعه حاضر همانگونه که در جدول زیر آمده است، ۱۶ نفر از پاسخگویان فاقد سواد بوده اند (۱/۳ درصد). بیشترین تعداد پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی بوده اند (۳۷/۹ درصد) و کمترین تعداد پاسخگویان با تحصیلات حوزوی (۰/۸ درصد) گزارش شده اند. همچنین بیش از ده درصد از پاسخگویان (۱۲/۶ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری بوده اند.

**جدول ۳-۴ پاسخگویان بر حسب تحصیلات**

سطح تحصیلات	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
بیسواد	۱۶	۱,۳	۱,۴	۱,۴
ابتدایی	۳۴	۲,۸	۲,۹	۴,۲
راهنمایی	۷۶	۶,۴	۶,۵	۱۰,۷
دبیرستان و دیپلم	۴۳۹	۳۶,۷	۳۷,۳	۴۸,۰
کارشناسی	۴۵۳	۳۷,۹	۳۸,۵	۸۶,۵
ارشد و بالاتر	۱۵۰	۱۲,۶	۱۲,۷	۹۹,۲
حوزوی	۹	.۸	.۸	۱۰۰,۰
مجموع	۱۱۷۷	۹۸,۵	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۱۸	۱,۵		
جمع کل	۱۱۹۵	۱۰۰,۰		

پاسخگویان با تحصیلات دبیرستان و دیپلم، ۳۶/۷ درصد را شامل می شدند و دارندگان مدرک راهنمایی ۶/۵ درصد گزارش شده اند. در واقع بیش از ۸ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی بوده اند. تحصیلات دبیرستان و دیپلم و نیز کارشناسی تقریباً با فاصله کمی از یکدیگر گزارش شده اند. به طوری که حدود ۳۶ درصد از

پاسخگویان دارای مدارک دبیرستانی و دیپلم بودند و نیز تقریباً با درصدی نزدیک ۳۷ درصد نیز دارای تحصیلات کارشناسی بوده اند. شایان ذکر است که برخی از پاسخگویان وضعیت شغلی خویش را دانشجو یا محصل اعلام نموده اند بنابر این گروه‌های در حال تحصیل نیز در دسته بندی لحاظ گردیده اند. جدول بالا پاسخگویان را بر حسب سطح تحصیلات نشان می دهد.



#### نمودار ۴-۲- پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات

پاسخگویان این مطالعه از گروه‌های مختلف شغلی بوده اند که به تفضیل وضعیت شغلی آنان در ادامه آمده است. از مجموع تعداد ۱۱۹۵ پرسشنامه صحیح تکمیل شده ۴/۲ درصد از پاسخگویان وضعیت شغلی خویش را بیکار اعلام نموده (۵۰ نفر) و نزدیک به یک چهارم از پاسخگویان کارمند (۲۴/۷ درصد) و بیش از ۲ درصد نیز بازنشسته گزارش شده اند. بیش از سیزده درصد از پاسخگویان یعنی ۱۴۰ نفر در حال تحصیل اعم از دانشجو و محصل بوده (۱۳/۹ درصد)، و ۳۳ درصد دارای مشاغل آزاد و نزدیک ۱۱ درصد نیز خود را خانه دار اعلام نموده اند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب شغل نشان می دهد.

#### جدول ۴-۴ پاسخگویان بر حسب شغل

وضعیت اشتغال	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
بیکار	۵۰	۴,۲	۵,۰	۵,۰

۳۴,۴	۲۹,۴	۲۴,۷	۲۹۵	کارمند
۳۷,۳	۲,۹	۲,۴	۲۹	بازنشسته
۵۱,۲	۱۳,۹	۱۱,۷	۱۴۰	دانشجو، محصل
۸۴,۲	۳۳,۰	۲۷,۷	۳۳۱	آزاد
۹۷,۱	۱۲,۹	۱۰,۹	۱۳۰	خانه دار
۹۸,۹	۱,۸	۱,۵	۱۸	خود اشتغال
۱۰۰,۰	۱,۱	۰,۹	۱۱	سایر
	۱۰۰,۰	۸۴,۰	۱۰۰۴	مجموع
		۱۶,۰	۱۹۱	بدون پاسخ
		۱۰۰,۰	۱۱۹۵	جمع کل

داده‌ها حکایت از آن دارد که بیش از نیمی از پاسخگویان دارای منزل شخصی هستند (۶۵/۳ درصد). الگوی احصا شده تقریباً شبیه وضعیت الگو مسکن در کشور است. دسته دوم از پاسخگویان که یک چهارم (۲۵/۱ درصد) را تشکیل می‌دهند، در منازل استیجاری زندگی می‌کنند. استفاده از امکانات سازمانی و منازلی با این ویژگی توسط تعداد بسیاری قلیلی از پاسخگویان گزارش شده است به طوری که درصد کمی از پاسخگویان در منازل سازمانی (۲/۵ درصد) و یا انواع دیگر امکانات مسکونی شامل منزل پدری و انواع دیگر سکونت دارند. تنها ۳/۲ درصد از پاسخگویان اطلاعاتی از وضعیت سکونت خویش اظهار نداشته‌اند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب نوع محل سکونت نشان داده است.

جدول ۴-۵ پاسخگویان بر حسب وضعیت مسکن

وضعیت مسکن	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
شخصی	۷۸۰	۶۵,۳	۶۷,۴	۶۷,۴
استیجاری	۳۰۰	۲۵,۱	۲۵,۹	۹۳,۳
سازمانی	۳۰	۲,۵	۲,۶	۹۵,۹
سایر	۴۷	۳,۹	۴,۱	۱۰۰,۰
مجموع	۱۱۵۷	۹۶,۸	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۳۸	۳,۲		
جمع کل	۱۱۹۵	۱۰۰,۰		

از عوامل موثر بر چگونگی گذران فراغت، وضعیت اقتصادی است. در مطالعه حاضر میزان درآمد و هزینه ماهیانه پاسخگویان به عنوان عامل تاثیرگذار بر نحوه گذران فراغت مورد بررسی قرار گرفت. اعلام وضعیت اقتصادی معمولاً

از سئوالاتی است که میل کمتری به پاسخ وجود دارد و بیش از یک چهارم از پاسخگویان به این سئوال پاسخ نداده اند. حدود ۲۶ درصد از پاسخگویان دارای درآمد کمتر از یک میلیون تومان در ماه بودند و ۳۲/۱ درصد ماهیانه بین ۱ تا ۲ میلیون درآمد داشته اند بدین ترتیب می توان اظهار داشت که بیش از نیمی از پاسخگویان تا ۲ میلیون در ماه درآمد دارند. حدود ۴ درصد نیز بیش از ۴ میلیون تومان در ماه درآمد دارند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب درآمد نشان می دهد.

جدول ۴-۶- پاسخگویان بر حسب درآمد ماهیانه

درآمد ماهیانه (تومان)	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
کمتر از ۱ میلیون	۳۱۵	۲۶,۴	۳۵,۷	۳۵,۷
۱ میلیون تا ۱/۹۹ میلیون	۳۸۳	۳۲,۱	۴۳,۴	۷۹,۰
۲ تا ۳/۹۹ میلیون	۱۲۷	۱۰,۶	۱۴,۴	۹۳,۴
۴ تا ۵ میلیون	۳۵	۲,۹	۴,۰	۹۷,۴
۵ و ۱۰ تا ۶ میلیون	۱۲	۱,۰	۱,۴	۹۸,۸
۶ میلیون و بیشتر	۱۱	۰,۹	۱,۲	۱۰۰,۰
مجموع	۸۸۳	۷۳,۹	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۳۱۲	۲۶,۱		
جمع کل	۱۱۹۵	۱۰۰,۰		

در ارتباط با هزینه‌های ماهانه تعداد کمتری از پاسخگویان حساسیت نشان داده اند. به طوری که ۲۳ درصد از پاسخگویان به این پرسش پاسخ نگفته اند. الگوی هزینه نیز منطبق بر الگوی درآمدی است بدین ترتیب که بیش از ۳۰ درصد از پاسخگویان در ماه تا یک میلیون تومان هزینه می کنند (۳۲/۶ درصد). و حدود یک سوم دیگر نیز در ماه بین یک تا ۲ میلیون هزینه دارند (۲۹/۷ درصد). بنابر این بیش از ۶۰ درصد از پاسخگویان دارای هزینه ماهانه تا ۲ میلیون تومان در ماه هستند و این در حالی است که ۵۸/۵ درصد از آنان دارای درآمد تا ۲ میلیون تومان در ماه هستند. کمی بیش از ده درصد از پاسخگویان بین ۲ تا ۳ میلیون در ماه هزینه می کنند و درصد قلیلی از پاسخگویان قادر تحمل هزینه‌هایی بیش از ۴ میلیون در ماه هستند (۶/۲ درصد). وضعیت هزینه ماهانه بر روی میزان احتمالی هزینه برای فراغت تاثیرگذار است و بی تردید نوع و میزان فراغت را متاثر می سازد. بدین ترتیب که با بالا رفتن میزان هزینه ماهانه خانواده، احتمال صرف بیشتر هزینه برای فراغت بیشتر می شود در واقع محتمل است با افزایش (درآمد و پیرو آن) هزینه، افراد قادر به اختصاص و صرف بودجه بیشتری برای گذران فراغت خویش باشند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب میزان هزینه ماهانه نشان می دهد.

جدول ۴-۷- پاسخگویان بر حسب هزینه ماهانه

هزینه‌های ماهانه (تومان)	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
کمتر از ۱ میلیون	۳۹۰	۳۲,۶	۴۲,۵	۴۲,۵
۱ میلیون تا ۱/۹۹ میلیون	۳۵۵	۲۹,۷	۳۸,۷	۸۱,۲
۲ تا ۳/۹۹ میلیون	۱۲۳	۱۰,۳	۱۳,۴	۹۴,۷
۴ تا ۵ میلیون	۳۱	۲,۶	۳,۴	۹۸,۰
۵ و ۱۰ تا ۶ میلیون	۹	.۸	۱,۰	۹۹,۰
۶ میلیون و بیشتر	۹	.۸	۱,۰	۱۰۰,۰
مجموع	۹۱۷	۷۶,۷	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۲۷۸	۲۳,۳		
جمع کل	۱۱۹۵	۱۰۰,۰		

در برخی از مطالعات با استفاده از شاخص‌هایی (مانند درآمد، وضعیت سکونت، متراژ منزل، نوع اتومبیل، و...) به سنجش و احصا پایگاه اجتماعی اقتصادی پاسخگویان می‌پردازند، معمولاً این روش به دلیل حساس بودن پاسخگو نسبت به اعلام وضعیت اقتصادی خود، با انحرافات همراه است. از دیگر راه‌های احصا وضعیت و پایگاه اقتصادی اجتماعی پاسخگویان پرسش از خود آنان در باره تعلقشان به طبقات اجتماعی است که در این مطالعه این روش نیز به کار گرفته شده است. پاسخگویان خود را به طبقات مختلف اجتماعی متعلق می‌دانند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب طبقه اجتماعی- اقتصادی که خود آنها اظهار نمودند، نشان می‌دهد. به طوری که در جدول آمده ۲۷ درصد خود را به طبقه پایین و بسیار پایین متعلق می‌دانند، حدود ۵۶ درصد متعلق به طبقه متوسط هستند و بیش از ۱۶ درصد نیز به طبقه بالا و بسیار بالا تعلق دارند.

جدول ۴-۸- پاسخگویان بر حسب طبقه اجتماعی اقتصادی

طبقه اجتماعی- اقتصادی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
بسیار پایین	۸۱	۶,۸	۶,۸	۶,۸
پایین	۲۴۱	۲۰,۲	۲۰,۳	۲۷,۲
متوسط	۶۶۷	۵۵,۸	۵۶,۲	۸۳,۴
بالا	۱۸۲	۱۵,۲	۱۵,۳	۹۸,۷
بسیار بالا	۱۵	۱,۳	۱,۳	۱۰۰,۰
مجموع	۱۱۸۶	۹۹,۲	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۹	.۸		

جدول ۴-۸ - پاسخگویان بر حسب طبقه اجتماعی اقتصادی				
طبقه اجتماعی - اقتصادی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
بسیار پایین	۸۱	۶,۸	۶,۸	۶,۸
پایین	۲۴۱	۲۰,۲	۲۰,۳	۲۷,۲
متوسط	۶۶۷	۵۵,۸	۵۶,۲	۸۳,۴
بالا	۱۸۲	۱۵,۲	۱۵,۳	۹۸,۷
بسیار بالا	۱۵	۱,۳	۱,۳	۱۰۰,۰
مجموع	۱۱۸۶	۹۹,۲	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۹	.۸		
جمع کل	۱۱۹۵	۱۰۰,۰		

#### ۴-۲- متغیرهای مورد بررسی و الگوهای گذران فراغت

مطالعه حاضر به طور کلی به بررسی مناسبات نسلی و الگوهای گذران فراغت پرداخته است. به منظور ارائه تصویر واضح تری از متغیرهای مورد بررسی و رابطه آن با یکی از شاخص‌های سبک زندگی (اوقات فراغت) در ادامه به ترتیب ابتدا نمایی از الگوی گذران فراغت فعال جمعی با خانواده و دوستان ارائه می‌گردد، و بعد به بررسی رابطه سطح توسعه یافتگی استانها و الگوی فراغت و مناسبات نسلی در آنها می‌پردازیم سپس به فراغت فعال جمعی در فضای واقعی و مناسبات نسلی پرداخته، و پس از آن فراغتهای فعال و منفعل فردی و روابط مورد بررسی با مناسبات نسلی گزارش شده و نهایتاً به گذران فراغت جمعی فعال در فضای مجازی و سایر متغیرهای رصد شده در این زمینه خواهیم پرداخت.

#### ۴-۲-۱- نمایی از الگوی گذران فراغت فعال جمعی در فضای واقعی در جامعه مورد بررسی

برای مطالعه وضعیت فراغت فعال جمعی در فضای واقعی گویه‌های مختلفی استفاده شده که مقدار آنها بر اساس طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. بنظر می‌رسد که افراد با دو گروه اصلی خانواده و دوستان به گذران فراغت فعال جمعی می‌پردازند که ۱۰ گویه مربوط به فراغت فعال با خانواده و ۱۰ گویه نیز فراغت فعال با دوستان را مورد سنجش قرار داده است (مجموعاً ۲۰ گویه). این گویه‌ها عبارتند از رفتن به سفرهای تفریحی، رفتن به پیک نیک، رفتن به سفرهای زیارتی، رفتن به تئاتر و کنسرت، رفت و آمد (دید و بازدید)، رفتن به مسجد برای نماز، پاساژگردی و خرید، رفتن به رستوران سا سینما، شرکت در مراسم مذهبی، ورزش کردن جمعی. از مجموع ان گویه‌ها شاخص فراغت جمعی به تفکیک با خانواده و با دوستان ساخته شده است. جدول زیر میزان گذران فراغت جمعی فعال با خانواده و دوستان را در بین پاسخگویان نشان می‌دهد. بر مبنای جدول زیر خانواده همچنان در بین

پاسخگویان به عنوان مهمترین انتخاب برای گذران فراغت جمعی (سالی چند بار، اغلب تعطیلات) نسبت به دوستان قرار دارد.

**جدول ۴-۹- گذران فراغت جمعی فعال با خانواده و دوستان**

با دوستان		با خانواده		مدت گذران فراغت جمعی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۲,۳	۳۸۸	۶,۵	۷۸	اصلا نمیروم
۳۱,۳	۳۷۶	۳۷,۹	۴۵۵	سالی چند بار
۱۵,۹	۱۹۱	۳۵,۰	۴۲۰	اغلب تعطیلات
۱,۵	۱۸	۳,۴	۴۱	هر ماه
۰,۲	۲	۰,۱	۱	هر هفته
۸۱,۳	۹۷۵	۸۲,۹	۹۹۵	مجموع
۱۸,۸	۲۲۵	۱۷,۱	۲۰۵	بدون پاسخ
۱۰۰,۰	۱۲۰۰	۱۰۰,۰	۱۲۰۰	جمع کل

**۴-۲-۲- فراغت فردی منفعل و فعال:**

امروزه قسمت قابل توجهی از وقت روزانه انسانها در ارتباط با رسانه‌های مختلف صرف می‌شود، این رسانه‌ها همچنین ابزارهایی برای گذران فراغت محسوب می‌گردند. در مطالعه حاضر گذران فراغت فردی به دو قسمت گذران فراغت فعال فردی و گذران فراغت فردی منفعل توسط گویه‌های زیر بر اساس میزان زمان صرف شده در روز اندازه گرفته شده است. گرچه هر یک از این دسته بندی‌ها خود به شاخص‌های مدرن و سنتی دسته بندی شده اند که به تفکیک مورد تحلیل قرار گرفته اند.

فراغت منفعل فردی شامل تماشای تلویزیون، تماشای ماهواره، تماشای فیلم با کامپیوتر، گوش دادن به موسیقی، گوش دادن به رادیو است و فراغت فعال فردی عبارتند از مطالعه روزنامه، مطالعه کتاب، و فراغت مجازی استفاده از اینترنت و بازی‌های رایانه ای می‌باشد. در این مطالعه مدت استفاده از رسانه‌های مذکور به صورت دقیق زمان صرف شده و به تفکیک ساعت و دقیقه سنجیده شده که نهایتاً مجموع مدت استفاده برای هر پاسخگو بر حسب دقیقه (کمتر از یک ساعت) و ساعت احصا شده است. جدول زیر الگوی فراغت فعال و منفعل فردی رسانه ای پاسخگویان را نشان می‌دهد:

**جدول ۴-۱۰- فراغت فردی فعال و منفعل**

مشاهده تلویزیون	مشاهده ماهواره	مشاهده فیلم	گوش دادن به موسیقی	گوش دادن به رادیو	مطالعه روزنامه	مطالعه کتاب	شبکه اجتماعی	بازیهای رایانه ای	استفاده از اینترنت
۱۲۰۰	۱۱۹۹	۱۲۰۰	۱۱۹۹	۱۲۰۰	۱۱۹۸	۱۱۹۸	۱۲۰۰	۱۱۹۹	۱۱۹۹
۰	۱	۰	۱	۰	۲	۲	۰	۱	۱
تعداد معتبر									
بدون پاسخ									

۲,۵۷۵۵	۱,۲۹۲۷	۲,۴۶۱۷	۱,۶۶۰۳	۱,۳۱۷۰	۱,۳۳۳۳	۲,۱۷۷۶	۱,۶۴۴۲	۱,۶۱۲۲	۲,۹۷۶۷	Mean
.۴۰۴	۳,۰۸۴	.۵۳۰	۱,۶۹۳	۳,۵۲۸	۲,۹۱۸	.۸۳۴	۱,۶۴۸	۱,۷۶۸	-.۰۹۵	Skewness
۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	Minimum
۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	Maximum

همانگونه که در جدول آمده است در بین فراغتهای فردی منفعل و فعال، مشاهده تلویزیون بیشترین میانگین را با نزدیک به ۳ (۲/۹۷) از ۵ به خود اختصاص داده است بدین معنی که پاسخگویان بین ۱/۵ تا ۳ ساعت در روز به تماشای تلویزیون می نشینند. بازیهای رایانه ای نیز در این بین کمترین میانگین (۱/۲۹) را به خود اختصاص داده است. بدین معنی که پاسخگویان در روز بین ۱ ساعت تا کمتر از ۱/۵ ساعت به بازیهای رایانه ای می پردازند. نکته حائز اهمیت دیگر این جدول این است که استفاده از اینترنت با فاصله کمی بعد از مشاهده تلویزیون قرار دارد. در واقع از این یافته می توان نتیجه گیری کرد که در سالهای اخیر الگوی فراغت منفعل فردی (بیشترین مقدار آن تماشای تلویزیون) در حال تغییر به الگوی فراغت فردی فعال (استفاده بیشتر از اینترنت) می باشد. در واقع افراد در جستجوی الگوهای فعال فراغت فردی می باشند. ضروری است که محققین دلایل و عوامل این تغییر در جامعه ایران جستجو نمایند احتمال است تغییر ذائقه فراغتی جامعه یا تغییر در برنامههای رسانه تلویزیون از جمله عوامل این ویژگی باشد که مطالعات دیگر به آنها خواهد پرداخت. در ادامه به بررسی فراغتهای منفعل فردی پرداخته شده است.

در بین انواع فراغت منفعل فردی تماشای تلویزیون بیشترین میزان با به خود اختصاص داده است. یافتههای این مطالعه نشان می دهد که درصد قابل توجهی از پاسخگویان در روز به تماشای تلویزیون می نشینند البته مدت تماشای این رسانه در میان آنان متفاوت است. ۲۴۰ نفر معادل ۲۰ درصد از پاسخگویان از کسانی هستند که کمترین مدت تماشای تلویزیون در روز یعنی تا ۴۵ دقیقه را اعلام داشته اند. کمی بیش از ۱۷ درصد نیز بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه در روز به مشاهده تلویزیون می پردازند. گروه سوم که مشاهده کنندگان متوسط تلویزیون هستند بیش از یک پنجم پاسخگویان را تشکیل می دهند این گروه در روز بین ۱۰۰ تا ۱۷۰ دقیقه در روز تلویزیون تماشا می کنند. گروه بعدی که بیش از یک چهارم پاسخگویان را شامل می شوند بین ۱۸۰ تا ۲۴۰ دقیقه معادل ۳ تا ۴ ساعت در روز به تماشای تلویزیون می نشینند. و پرمصرفترین گروه که بیش از ۴ ساعت در روز تلویزیون مشاهده می کنند ۱۴ درصد از پاسخگویان هستند.

#### جدول ۴-۱۱- مقایسه میزان گذران فراغتهای منفعل فردی در بین پاسخگویان

جمع کل	بدون پاسخ	مجموع	بیش از ۴ ساعت	۴ تا ۳ ساعت (۲۴۰ تا ۱۸۰ دقیقه)	۳ تا ۱/۵ ساعت (۱۷۰ تا ۹۰ دقیقه)	۱/۵ تا ۱ ساعت (۹۰ تا ۶۰ دقیقه)	کمتر از ۱ ساعت (۴۵-۰ دقیقه)	ساعت (دقیقه)



			(بیشتر)						
۱۲۰۰		۱۲۰۰	۱۷۳	۳۱۳	۲۶۷	۲۰۷	۲۴۰	تعداد	مشاهده تلویزیون
۱۰۰		۱۰۰	۱۴,۴	۲۶,۱	۲۲,۳	۱۷,۳	۲۰,۰	درصد	
۱۲۰۰	۱	۱۱۹۹	۵۷	۷۱	۱۰۲	۸۹	۸۸۰	تعداد	مشاهده ماهواره
۱۰۰	۰,۱	۹۹,۹	۴,۸	۵,۹	۸,۵	۷,۴	۷۳,۳	درصد	
۱۲۰۰		۱۲۰۰	۴۲	۵۹	۱۳۲	۱۶۴	۸۰۳	تعداد	تماشای فیلم
۱۰۰		۱۰۰	۳,۵	۴,۹	۱۱,۰	۱۳,۷	۶۶,۹	درصد	
۱۲۰۰	۱	۱۱۹۹	۱۰۶	۱۴۰	۱۵۵	۲۵۸	۵۴۰	تعداد	گوش دادن به موسیقی
۱۰۰	۰,۱	۹۹,۹	۸,۸	۱۱,۷	۱۲,۹	۲۱,۵	۴۵,۰	درصد	
۱۲۰۰		۱۲۰۰	۲۸	۲۷	۴۴	۱۱۹	۹۸۲	تعداد	گوش دادن به رادیو
۱۰۰		۱۰۰	۲,۳	۲,۳	۳,۷	۹,۹	۸۱,۸	درصد	

ماهواره دومین وسیله گذران فراغت منفعل فردی است. گرچه محتمل است برخی از پاسخگویان در پاسخگویی به این سؤال جوانب احتیاط را به خرج داده و میزان استفاده از آن را ذکر نکرده باشند. تحلیل حاضر بر اساس پاسخ‌های گزارش شده انجام می‌گیرد. درصد بسیار زیادی از پاسخگویان (حدود سه چهارم یا ۷۳/۳ درصد) مدت استفاده از ماهواره را در روز کمتر از یک ساعت گزارش کرده‌اند. بیشترین مدت استفاده یعنی بیش از ۴ ساعت در روز توسط نزدیک به ۵ درصد از پاسخگویان اعلام شده است.

یکی دیگر از الگوهای فراغتی فردی منفعل، که کمترین اقبال را در بین پاسخگویان داشته است، تماشای فیلم (با سی دی، کامپیوتر، و...) بوده است. بیش ۶۶ درصد از پاسخگویان تا ۴۵ دقیقه در روز به این شکل از فراغت فردی منفعل می‌پردازند. نزدیک ۱۴ درصد نیز بین ۱ تا ۱/۵ ساعت از روز را به تماشای فیلم به عنوان فراغت منفعل فردی می‌پردازند. تنها ۳/۵ درصد از پاسخگویان بیش از ۴ ساعت به تماشای فیلم می‌پردازند.

گوش دادن به موسیقی از دیگر الگوهای گذران فراغت منفعل فردی است که درصد قبال توجهی از پاسخگویان از این الگو برای فراغت منفعل فردی استفاده می‌کنند. بر اساس یافته‌ها نزدیک به نیمی از پاسخگویان (۴۵ درصد) کمتر از یک ساعت در روز به موسیقی گوش می‌دهند. ۸/۸ درصد از پاسخگویان بیش از ۴ ساعت در روز به موسیقی گوش می‌دهند. و همچنین هستند بیش از ده درصد که ۳ تا ۴ ساعت از روز را با این الگوی فراغتی سپری می‌کنند (۱۱/۷ درصد).

گوش دادن به رادیو نیز از زمره فعالیت‌های فراغتی فردی منفعل محسوب شده است. گرچه به نظر می‌رسد با ورود ابزارهای رسانه‌ای جدید این رسانه از اهمیت خارج شده و کمتر از این رسانه استفاده می‌شود بسیاری از پاسخگویان استفاده از رادیو را محدود به زمانهایی اعلام کرده‌اند که در داخل اتومبیل هستند. بر اساس داده‌ها نزدیک به ۸۲ درصد از پاسخگویان کمتر از یک ساعت به رادیو گوش می‌دهند. تعداد بسیار محدودی از پاسخگویان بیش از ۴ ساعت به رادیو گوش می‌دهند (۲/۳ درصد).

#### ۴-۲-۳- فراغت فعال جمعی در فضای مجازی:

با تحولات ارتباطی و تسریع و تسهیل ارتباطات انسانی، در سالهای اخیر الگوی جدید فراغتی در بین افراد جامعه گسترش یافته است. گرچه مطالعات جامعی که ابعاد گذران فراغت رسانه ای مجازی را نشان دهد، انجام نشده و نمی توان به یقین در مورد پیامدها و تاثیرات این نحوه گذران فراغت اظهار نظر نمود. استفاده از فضای مجازی به عنوان بستر فراغتی و تعامل با افراد مختلف در این فضای مجازی الگوی جدید فراغتی در جامعه ایران است. این الگوی فراغت با توجه به مدت استفاده، مخاطبانی که با آنان ارتباط و تعامل به عمل می آید، تاثیرات مختلفی را بر کاربر فراغتی بر جای خواهند گذارد. این مطالعه به بررسی الگوی فراغت مجازی پاسخگویان به عنوان یکی از فراغتهای فعال جمعی که البته در فضای مجازی اتفاق می افتد نیز پرداخته است. در ارتباط با فراغت فعال جمعی مجازی نیز مانند فراغت فعال جمعی در فضای واقعی مدت زمان و مخاطبان (کسانی که در فضای مجازی با آنان تعامل می شود حائز اهمیت هستند. بنابر این بجز شبکه‌های اجتماعی که پاسخگویان از آنها استفاده می کردند در خصوص دو متغیر زمان (میزان مصرف) و نیز افرادی که با آنها تعامل انجام می شود (مخاطبان) نیز سؤال شده است. پاسخگویان از شبکه‌های مجازی مختلفی در طی روز استفاده می کردند که پر استفاده‌ترین این شبکه‌ها در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۴-۱۲- میانگین استفاده پاسخگویان از شبکه‌های اجتماعی مجازی در طول روز

لینکدین	لاین	اینستاگرام	تلگرام	
۱۱۹۵	۱۱۹۵	۱۱۹۵	۱۱۹۵	تعداد معتبر
۵	۵	۵	۵	بدون پاسخ
.۴۹۷۱	.۷۶۹۰	۱,۳۳۹۷	۲,۴۴۹۴	میانگین
.۰۲۲۸۸	.۰۳۱۰۶	.۰۴۳۲۳	.۰۴۶۶۸	خطای استاندارد میانگین
.۷۹۰۸۳	۱,۰۷۳۶۱	۱,۴۹۴۲۸	۱,۶۱۳۸۲	انحراف معیار
۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	Range
.۰۰	.۰۰	.۰۰	.۰۰	حداقل
۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	۵,۰۰	حداکثر

#### ۴-۲-۳-۱- فراغت مجازی و مدت استفاده

بررسی دقیق تر فراغت مجازی پاسخگویان نشان می دهد گروه قابل توجهی از پاسخگویان عضو شبکه‌های مجازی مختلفی هستند و در این شبکه‌های با افراد و مخاطب‌های گوناگون تعامل دارند. در یک نگاه کلی پاسخگویان بیشتر در شبکه‌های مجازی تلگرام، اینستاگرام، لاین، واتساپ، لینکدین عضو هستند گرچه عضویت در برخی شبکه‌های

دیگر نیز گزارش شده است. همانگونه که در جداول پیشین آمده است بیشترین استفاده پاسخگویان از شبکه تلگرام با میانگین ۲/۴ از ۵ است. بدین معنی که در روز حدود سه چهار بار به این شبکه سر می زنند. پس از آن شبکه اینستاگرام با میانگین ۱/۳ از ۵ بوده است. بدین معنی که در روز حداکثر یک بار به این شبکه سر می زنند. مابقی شبکه‌های اجتماعی مجازی بندرت توسط پاسخگویان مورد استفاده قرار می گرفته است.

#### جدول ۴-۱۳- پاسخگویان بر حسب نوع و میزان استفاده از شبکه‌های مجازی

مرتب	چند بار در ساعت		سه چهار ساعت ۱ بار		روزی ۱ بار		بندرت		بدون پاسخ		شبکه اجتماعی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۴/۷	۱۷۶	۱۳/۴	۱۶۱	۲۱/۱	۲۵۳	۱۵/۹	۱۹۱	۲۱/۸	۲۶۲	۱۳/۱	۱۵۲	تلگرام
۵/۸	۷۰	۵/۸	۷۰	۱۰	۱۲۰	۱۰/۴	۱۲۵	۳۰/۱	۳۶۱	۳۴/۸	۴۵۴	اینستاگرام
۱/۸	۲۲	۲/۴	۲۹	۳/۵	۴۲	۵/۲	۶۲	۳۶/۹	۴۴۳	۵۰/۲	۶۰۲	لاین
۱,۲	۱۴	۰,۸	۹	۰,۳	۴	۱/۵	۱۸	۳۶/۷	۴۴۰	۵۹/۶	۷۱۵	لینکدین
۲/۳	۲۸	۱/۵	۱۸	۳	۳۶	۱/۸	۲۲	۱/۷	۲۰	۸۹/۷	۱۰۷۶	واتساپ

همانگونه که در جدول بالا آمده است تلگرام و اینستاگرام دو شبکه مجازی هستند که در بین مخاطبان از اقبال بیشتری برخوردارند به طوری که بیش از ۸۰ درصد از پاسخگویان به صورت روزانه از تلگرام استفاده می کنند گرچه میزان و مدت این استفاده در طی روز با تفاوتی گزارش شده است. بیش از ۶۵ درصد از پاسخگویان نیز روزانه به صفحه اینستاگرام سر می زنند در حالی که ۳۰ درصد از پاسخگویان بندرت در طی روز به این شبکه مراجعه می کنند، نزدیک به ۶ درصد به طور مرتب این کار را در طی روز انجام می دهند. نیمی از پاسخگویان در سه شبکه اجتماعی دیگر یعنی لاین، واتساپ و لینکدین عضو نبوده و حتی برخی اصلاً آنها را نمی شناختند. با توجه به وضعیت یافته‌ها در سه شبکه اجتماعی مجازی که کمتر مورد اقبال پاسخگویان قرار داشت و با تاکید بر اولویت دو شبکه اجتماعی مجازی تلگرام و اینستاگرام می توان الگوی صرف زمان را در ارتباط با این دو شبکه در جدول زیر مشاهده نمود.

#### جدول ۴-۱۴- توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب مدت استفاده از دو شبکه

##### مجازی تلگرام و اینستاگرام در طول روز

درصد تجمیعی	درصد معتبر	درصد	تعداد	
۱۷,۴	۱۷,۴	۱۷,۴	۲۰۹	عدم استفاده
۵۲,۳	۳۴,۹	۳۴,۹	۴۱۹	بندرت
۷۴,۸	۲۲,۵	۲۲,۵	۲۷۰	روزی ۱ بار
۸۸,۳	۱۳,۵	۱۳,۵	۱۶۲	سه چهار بار در روز
۹۴,۸	۶,۴	۶,۴	۷۷	چند بار در ساعت

مرتب	۶۳	۵,۳	۵,۳	۱۰۰,۰
مجموع	۱۲۰۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

به طوری که در جدول مشاهده می شود ۱۷/۴ درصد از پاسخگویان اصلا از این شبکه‌های مجازی استفاده نمی کنند. بیش از یک سوم از آنان یعنی ۳۴/۹ درصد نیز بندرت در روز به این شبکه‌ها سر می زنند. کمتر از یک چهارم از پاسخگویان (۲۲/۵ درصد) حداقل یکبار در روز به این دو شبکه سر می زنند. ۱۳/۵ درصد نیز چند بار به شبکه‌های مجازی سرکشی می کنند. افراد پر مصرف یعنی کسانی که چند بار در ساعت یا مرتب به شبکه‌های اجتماعی مجازی مراجعه می کنند درصد کمی (۱۱/۷ درصد) از پاسخگویان را تشکیل می دهد. بنابر این می توان نتیجه گیری کرد که بیش از یک دهم از جامعه مورد مطالعه را می توان به عنوان استفاده کنندگان پرمصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی محسوب نمود و این در مقابل گروهی است که یا اصلا از این شبکه‌ها استفاده نمی کنند (۱۷/۴ درصد) و یا بندرت به این شبکه‌ها سر می زنند (۳۴/۹ درصد).

#### ۲-۳-۲-۴- مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی مجازی:

بی تردید افرادی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می کنند با مخاطبان مختلفی در تماس هستند که شاید تا پیش از استفاده از فضای مجازی برقراری ارتباط با آنها ممکن بود با مشکلاتی انجام شود. بنظر می رسد که افرادی که در فضای مجازی با آنها تعامل می شود بر روی نگرشها و رفتارهای دیگران تاثیر گذار خواهند بود. در واقع همانطور که گذران فراغت در فضای واقعی بر روی تعاملات و همسویی با خانواده تاثیرگذار است، تعامل در فضای مجازی هم ممکن است چنین کارکردی داشته باشد. بررسی مخاطبان شبکه‌های مجازی حکایت از آن دارد که حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان با اقوام و خویشان خود در این شبکه‌ها در ارتباط هستند. ۱۳/۷ درصد نیز با دوستان یا همکاران خویش در ارتباط هستند. کمی بیش از ۱۰ درصد با افراد ناشناس در ارتباط اند. اشکال دیگری نیز از تعامل گزارش شده که ترکیبی از موارد بالاست. به عنوان نمونه دوستان و خانواده و نیز دوستان و افراد ناشناس از دیگر الگوهای تعاملی با مخاطبان است که افراد کمتر از ۱ درصد از آن استفاده می کنند. ۴۱ درصد از پاسخگویان به این پرسش جواب نداده اند و مخاطبان خویش را در شبکه‌های مجازی اعلام ننموده اند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان نوعی از فراغتهای جمعی فعال گزارش می دهد.

مخاطبان	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
بدون پاسخ	۴۹۵	۴۱,۳	۴۱,۳	۴۱,۳
اقوام و خویشان	۳۵۴	۲۹,۵	۲۹,۵	۷۰,۸

۸۴,۴	۱۳,۷	۱۳,۷	۱۶۴	دوستان و همکاران
۹۵,۵	۱۱,۱	۱۱,۱	۱۳۳	افراد ناشناس
۹۹,۳	۳,۸	۳,۸	۴۵	همه موارد
۹۹,۵	.۳	.۳	۳	دوستان و افراد ناشناس
۱۰۰,۰	.۵	.۵	۶	دوستان و خانواده
	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۲۰۰	مجموع

#### ۴-۲-۴- وضعیت مناسبات نسلی در بین پاسخگویان

به منظور دسته بندی پاسخگویان به دوره‌های مختلف نسلی شامل جوانان، میانسالان و سالمندان از متغیر سن استفاده شده است. بدین ترتیب که پاسخگویان ۱۶ تا ۲۹ سال با توجه به تعریف سازمان ملی جوانان از دوره جوانی، در گروه جوانان دسته بندی شدند. میانسالان را افراد بین ۳۰ تا ۶۵ تشکیل می دهند و سالمندان در این بررسی افراد بالاتر از ۶۵ سال بوده اند. هر یک از گروههای نسلی دارای ویژگی‌ها و گرایشهایی با توجه به دوران جامعه پذیری خود داشته و محصول این دوران هستند؛ این ویژگی در کنار ارتباطات افراد با اعضای خانواده، وضعیت تعاملات بین نسلی را در یک گروه نسلی و یا خانواده شکل می دهد. به منظور سنجش وضعیت مناسبات نسلی در بین پاسخگویان، گویه‌های مختلف استفاده شده اند. در این مطالعه یک نوآوری اتفاق افتاده و بیشتر تلاش شده که تعاملات بین نسلی را در حوزه رفتارها و البته نظیر سایر مطالعات پیشین در حوزه ارزشها و نگرشها نیز به تفکیک مورد رصد قرار دهیم. بدین ترتیب می توان وضعیت مناسبات نسلی را با دو شاخص همسویی با خانواده و تعامل با خانواده دسته بندی نمود.

#### ۴-۲-۴-۱- همسویی با خانواده

سنجش همسویی با خانواده از گویه‌های سه گانه زیر شامل اهمیت دادن به نظر خانواده، رعایت رسوم خانوادگی و لحاظ نمودن نظر خانواده در ازدواج با طیف لیکرت جهت سنجش استفاده شده است. بررسی گویه‌های سه گانه و شاخص همسویی با خانواده در بین پاسخگویان حکایت از این واقعیت دارد که همسویی با خانواده خیلی کم و کم است. به طوری که ۱۳/۶ درصد از پاسخگویان این رابطه را خیلی کم و ۳۵/۷ درصد نیز این رابطه را کم گزارش کرده اند در مجموع ۴۹/۳ درصد از پاسخگویان با خانواده خود همسو نیستند. این یافته نشان از روند تغییر نگرش در بین افراد در جامعه امروز ایران است. نزدیک به ۳۰ درصد نیز وضعیت همسویی با خانواده شان را متوسط ارزیابی و اعلام داشته اند. نزدیک به یک پنجم از پاسخگویان خود و خانواده شان را همسو با یکدیگر تا حد زیاد و بسیار زیاد گزارش نموده اند.

#### ۴-۲-۴-۲- تعامل با خانواده

تعامل با خانواده از دیگر شاخص‌های مورد بررسی برای شناسایی وضعیت تعاملات بین نسلها در جامعه مورد بررسی است. مرور خاطرات مشترک، مشورت با خانواده، زمینه‌های مشترک تعامل از جمله حوزه‌هایی بوده اند که برای سنجش وضعیت تعامل با خانواده به کار رفته است. بدین ترتیب برای سنجش تعامل با خانواده از ۴ گویه با طیف لیکرت استفاده شده است. این گویه‌ها عبارتند از:

- در جمع‌های خانوادگی اغلب با اعضای خانواده به مرور خاطرات و تجربیات زندگی می پردازیم.
- معمولا برای انجام کارهای مختلف با خانواده ام مشورت می کنم.
- بین من و اعضای خانواده ام زمینه مشترکی برای صحبت کردن وجود ندارد.
- اگر برایم مشکلی پیش بیاید اول با خانواده ام مشورت نمی کنم.

بررسی وضعیت تعامل با خانواده در بین جامعه مورد بررسی نشان می دهد که نزدیک به شانزده درصد از پاسخگویان تعامل خیلی کم و کم را با خانواده گزارش کرده اند (۱۶/۲ درصد). این در حالی است که بیش از یک پنجم از پاسخگویان وضعیت تعامل با خانواده را متوسط (۲۱/۸ درصد) و حدود یک سوم نیز این وضعیت را زیاد (۳۱/۸ درصد) یا خیلی زیاد (۱۱/۸ درصد) گزارش نموده اند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب وضعیت همسویی و تعامل با خانواده نشان می دهد:

جدول ۴-۱۶- مقایسه همسویی / تعامل با خانواده

تعامل با خانواده		همسویی با خانواده		همسویی / تعامل با خانواده
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰٫۷	۲۰	۱۳٫۶	۱۶۳	خیلی کم
۱۴٫۵	۱۷۴	۳۵٫۷	۴۲۸	کم
۲۱٫۸	۲۶۲	۲۹٫۸	۳۵۷	متوسط
۳۱٫۸	۳۸۱	۹٫۶	۱۱۵	زیاد
۱۱٫۸	۱۴۱	۹٫۳	۱۱۲	خیلی زیاد
۸۱٫۵	۹۷۸	۹۷٫۹	۱۱۷۵	مجموع
۱۸٫۵	۲۲۲	۲٫۱	۲۵	بدون پاسخ
۱۰۰٫۰	۱۲۰۰	۱۰۰٫۰	۱۲۰۰	جمع کل

#### ۴-۳- توسعه یافتگی، الگوهای گذران فراغت و مناسبات نسلی

از آنجا که این مطالعه در استانهای با سطح توسعه یافتگی متفاوت انجام شده، بررسی رابطه بین گذران فراغت فعال جمعی با خانواده و سطح توسعه یافتگی استان نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور رابطه قوی وجود دارد. با افزایش سطح توسعه یافتگی، میانگین فراغت جمعی فعال با خانواده کاهش می یابد و برعکس، در واقع هر چه

سطح توسعه یافتگی استانها پایین تر باشد این الگوی فراغتی با خانواده بیشتر گزارش شده است. جدول زیر این رابطه را نشان می دهد:

جدول ۴-۱۷- توزیع الگوهای گذران فراغت جمعی با خانواده در سطوح مختلف توسعه یافتگی

Maximum	Minimum	۹۵% Confidence Interval for Mean		Std. Error	Std. Deviation	Mean	N	سطح توسعه یافتگی استان
		Upper Bound	Lower Bound					
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۳۶۴۴	۲,۲۱۸۲	.۰۳۷۱۷	.۶۷۸۲۹	۲,۲۹۱۳	۳۳۳	توسعه یافته
۴,۰۰	۱,۰۰	۲,۵۲۳۵	۲,۳۶۴۸	.۰۴۰۳۴	.۷۳۳۸۵	۲,۴۴۴۱	۳۳۱	در حال توسعه
۴,۰۰	۱,۰۰	۲,۶۲۴۷	۲,۴۸۱۰	.۰۳۶۵۴	.۶۶۴۷۵	۲,۵۵۲۹	۳۳۱	محروم
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۴۷۲۷	۲,۳۸۵۶	.۰۲۲۲۱	.۷۰۰۵۰	۲,۴۲۹۱	۹۹۵	مجموع

بر اساس اطلاعات موجود در جدول در استانهای محروم با میانگین ۲/۵۵ گذران فراغت فعال جمعی با خانواده در بین پاسخگویان بیشتر از استانهای توسعه یافته با میانگین ۲/۲۹ بوده است. در توضیح بیشتر می توان اظهار داشت با کاهش سطح توسعه یافتگی الگوی گذران فراغت جمعی فعال با خانواده در بین پاسخگویان افزایش می یابد. در جدول زیر نیز می توان از وجود رابطه بین سطح توسعه یافتگی استان و الگوی گذران فراغت جمعی فعال با خانواده آگاه شد

جدول ۴-۱۸- واریانس یک طرفه توزیع الگوهای فراغت فعال جمعی با خانواده و

سطوح مختلف توسعه یافتگی

سطح معناداری	مقدار آزمون F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
.۰۰۰	۱۱,۹۴۴	۵,۷۳۵	۲	۱۱,۴۶۹	بین گروهی
		.۴۸۰	۹۹۲	۴۷۶,۲۸۶	درون گروهی
			۹۹۴	۴۸۷,۷۵۵	مجموع

بررسی رابطه بین گذران فراغت فعال جمعی با دوستان و سطح توسعه یافتگی استان نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور هیچ رابطه ای وجود ندارد. بنابر این می توان نتیجه گیری کرد که گذران فراغت جمعی با دوستان الگوی فراگیری در بین جامعه آماری مورد بررسی نبوده و هیچ ارتباطی بین گذران فراغت با دوستان و سطح توسعه یافتگی استان مشاهده نمی شود. جدول زیر این رابطه را نشان می دهد

جدول ۴-۱۹- بررسی میانگین گذران فراغت فعال جمعی با دوستان و سطح توسعه یافتگی استان

Maximum	Minimum	۹۵% Confidence Interval for Mean		Std. Error	Std. Deviation	Mean	N	سطح توسعه یافتگی استان
		Upper Bound	Lower Bound					
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۹۵۹۵	۱,۷۹۲۱	.۰۴۲۵۴	.۷۶۳۳۲	۱,۸۷۵۸	۳۲۲	توسعه یافته
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۸۶۸۵	۱,۶۸۱۷	.۰۴۷۴۹	.۸۶۱۳۶	۱,۷۷۵۱	۳۲۹	در حال توسعه
۴,۰۰	۱,۰۰	۱,۹۶۲۰	۱,۷۸۴۹	.۰۴۴۹۹	.۸۰۹۷۹	۱,۸۷۳۵	۳۲۴	محروم

مجموع	۹۷۵	۱,۸۴۱۰	۸۱۳۳۶	۰.۲۶۰۵	۱,۷۸۹۹	۱,۸۹۲۱	۱,۰۰	۵,۰۰
-------	-----	--------	-------	--------	--------	--------	------	------

واریانس یکطرفه نیز نشان از عدم ارتباط بین متغیرهای مورد بررسی است. همانگونه که در جدول زیر آمده است هیچ ارتباطی بین سطح توسعه یافتگی استان و نیز الگوی گذران فراغت با دوستان مشاهده نشده است.

#### جدول ۴-۲۰- واریانس یک طرفه توزیع الگوهای فراغت فعال جمعی با دوستان و سطوح مختلف توسعه یافتگی

سطح معناداری	مقدار آزمون F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
.۱۹۵	۱,۶۳۵	۱,۰۸۰	۲	۲,۱۶۱	بین گروهی
		.۶۶۱	۹۷۲	۶۴۲,۱۹۸	درون گروهی
			۹۷۴	۶۴۴,۳۵۹	مجموع

#### ۴-۳-۱- سطح توسعه یافتگی استانها و مناسبات نسلی

بررسی تعاملات بین نسلی به تفکیک استانهای توسعه یافته، در حال توسعه و محروم انجام شده است و نشان می دهند بین وضعیت مناسبات نسلی و سطح توسعه یافتگی استانها رابطه وجود دارد. همچنین بین تعامل با خانواده و وضعیت استان به لحاظ سطح توسعه، رابطه بسیار قوی مشاهده می شود این در حالی است که بین سطح توسعه یافتگی استان و همسویی با خانواده رابطه ای وجود ندارد. جدول زیر این رابطه را نشان می دهد:

#### جدول ۴-۲۱- بررسی وضعیت تعامل بین نسلی و سطوح مختلف توسعه یافتگی استان

سطح معناداری	مقدار آزمون F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
.۰۰۰	۱۰,۸۰۲	۱۳,۸۰۴	۲	۲۷,۶۰۸	تعامل با خانواده
		۱,۲۷۸	۱۱۷۰	۱۴۹۵,۱۱۵	بین گروهی
			۱۱۷۲	۱۵۲۲,۷۲۳	درون گروهی
					مجموع
.۲۴۳	۱,۴۱۵	۱,۸۰۳	۲	۳,۶۰۵	همسویی با خانواده
		۱,۲۷۴	۱۱۷۲	۱۴۹۲,۸۲۰	بین گروهی
			۱۱۷۴	۱۴۹۶,۴۲۶	درون گروهی
					مجموع

#### ۴-۳-۱-۱- سطح توسعه یافتگی استانها و همسویی با خانواده

بررسی وضعیت مناسبات نسلی به تفکیک سطح توسعه یافتگی استانها نشان می دهد بین همسویی با خانواده و متغیرهای دوره نسلی، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی در کل جامعه ارتباطی مشاهده نشد، بررسی متغیر همسویی با خانواده و سطح توسعه یافتگی استانها نشان می دهد هیچ رابطه ای بین دو متغیر مشاهده نشده است و در سایر متغیرها وضعیت مشاهده شده برابر است با بررسی کل جامعه نمونه بدین معنی که سطح توسعه یافتگی استان هیچ تاثیری بر همسویی با خانواده و رابطه آن با متغیرهای جنسیت، دوره نسلی، طبقه اجتماعی



نداشته و تنها در استانهای محروم رابطه ضعیفی بین همسویی با خانواده و سطح تحصیلات مشاهده می شود. جدول زیر رابطه بین سطح توسعه یافتگی استان و همسویی با خانواده را نشان می دهد:

**جدول ۴-۲۲- بررسی میانگین سطح توسعه یافتگی استانها و همسویی با خانواده**

Maximum	Minimum	۹۵% Confidence Interval for Mean		Std. Error	Std. Deviation	Mean	N	سطح توسعه یافتگی استان
		Upper Bound	Lower Bound					
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۸۲۹۹	۲,۵۹۴۳	.۰۵۹۹۱	۱,۱۸۱۶۴	۲,۷۱۲۱	۳۸۹	توسعه یافته
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۷۵۸۰	۲,۵۴۶۶	.۰۵۳۷۵	۱,۰۶۶۹۲	۲,۶۵۲۳	۳۹۴	در حال توسعه
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۶۸۹۲	۲,۴۶۳۸	.۰۵۷۳۳	۱,۱۳۵۰۱	۲,۵۷۶۵	۳۹۲	محروم
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۷۱۱۴	۲,۵۸۲۲	.۰۳۲۹۴	۱,۱۲۹۰۰	۲,۶۴۶۸	۱۱۷۵	مجموع

**جدول ۴-۲۳- واریانس یکطرفه همسویی با خانواده و سطح توسعه یافتگی استان**

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آزمون F	سطح معنی داری
۳,۶۰۵	۲	۱,۸۰۳	۱,۴۱۵	.۲۴۳
۱۴۹۲,۸۲۰	۱۱۷۲	۱,۲۷۴		
۱۴۹۶,۴۲۶	۱۱۷۴			

**۴-۳-۱-۲- سطح توسعه یافتگی استان و تعامل با خانواده**

بنظر می رسد بین سطح توسعه یافتگی استان و میزان تعامل با خانواده رابطه وجود دارد. بررسی های دقیق تر حکایت از آن دارد در استانهای محروم میزان تعامل با خانواده بیشتر از استانهای توسعه یافته است. به طوری که تعامل با خانواده در استانهای محروم زیاد و بسیار زیاد گزارش شده است. هر چه سطح توسعه یافتگی استان کاهش یابد روابط تعاملی بین نسلهای در این گونه استانها افزایش می یابد و بالعکس. با افزایش سطح توسعه یافتگی میزان تعامل با خانواده کاهش می یابد.

**جدول ۴-۲۴- رابطه بین سطح توسعه یافتگی استان و تعامل با خانواده در پاسخگویان**

مجموع	استانها بر حسب سطح توسعه یافتگی			تعامل با خانواده
	محروم	در حال توسعه	توسعه یافته	
۶۲	۱۷	۲۳	۲۲	خیلی کم
۵,۳%	۴,۴%	۵,۹%	۵,۶%	
۱۵۹	۳۸	۵۴	۶۷	کم
۱۳,۶%	۹,۸%	۱۳,۷%	۱۷,۱%	
۲۶۸	۷۲	۹۶	۱۰۰	متوسط
۲۲,۸%	۱۸,۵%	۲۴,۴%	۲۵,۶%	
۴۱۱	۱۴۴	۱۵۱	۱۱۶	زیاد

۳۵,۰٪	۳۷,۰٪	۳۸,۴٪	۲۹,۷٪	
۲۷۳	۱۱۸	۶۹	۸۶	خیلی زیاد
۲۳,۳٪	۳۰,۳٪	۱۷,۶٪	۲۲,۰٪	
۱۱۷۳	۳۸۹	۳۹۳	۳۹۱	مجموع
۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	

همانگونه که در جدول بالا آمده است در استان‌های توسعه یافته حدود یک پنجم از پاسخگویان کم و خیلی هم با خانواده‌های خویش تعامل می‌کنند. این وضعیت در بین پاسخگویان در استانهای محروم بیش از ۱۰ درصد است. بررسی دقیق جدول تعامل با خانواده و سطح توسعه یافتگی استانها حکایت از آن دارد که بیش از نیمی از پاسخگویان در استانهای توسعه یافته (۵۱/۷ درصد) میزان تعامل خود را با خانواده زیاد و بسیار زیاد گزارش کرده‌اند. این درصد در بین پاسخگویان در استانهای در حال توسعه به ۵۶ درصد افزایش یافته است. بیشترین درصد تعامل با خانواده را می‌توان در بین استانهای محروم یافت. در استانهای محروم میزان تعامل با خانواده ۶۷/۳ درصد بوده است.

#### جدول ۴-۲۵- آزمون معناداری رابطه بین تعامل با خانواده و سطح توسعه یافتگی

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	.۱۶۷			.۰۰۰
	Cramer's V	.۱۱۸			.۰۰۰
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau-b	.۱۱۰	.۰۲۵	۴,۳۱۵	.۰۰۰
	Kendall's tau-c	.۱۱۶	.۰۲۷	۴,۳۱۵	.۰۰۰
	Gamma	.۱۵۵	.۰۳۶	۴,۳۱۵	.۰۰۰
N of Valid Cases		۱۱۷۳			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، بین تعامل با خانواده و سطح توسعه یافتگی استان ارتباط معناداری وجود دارد. به طوری که آزمونهای آماری این رابطه را نشان می‌دهد در استانهای محروم مورد بررسی ۶۷/۳ درصد از پاسخگویان تعامل زیاد و خیلی زیاد را با خانواده گزارش کرده‌اند. این درصد در بین پاسخگویان در استانهای با سطح توسعه متوسط ۵۶ درصد گزارش شده است و در استانهای توسعه یافته به ۵۴/۷ درصد رسیده است. در واقع می‌توان اظهار داشت که در هر سه گروه از استانهای مورد بررسی تعامل با خانواده در بین پاسخگویان، میزان قابل توجهی گزارش شده است و بیش از نیمی از پاسخگویان چنین وضعیتی را گزارش نموده‌اند، ولی میزان این تعامل در استانهای محروم بیش از استانهای توسعه یافته و در حال توسعه است. در واقع هر چه سطح توسعه یافتگی در استان افزایش یابد میزان تعامل با خانواده کاهش می‌یابد. و بر عکس با کاهش سطح توسعه یافتگی تعامل با خانواده افزایش می‌یابد.

۴-۳-۲-۱- سطح توسعه یافتگی استان، همسویی با خانواده و فراغت جمعی فعال در فضای واقعی

ابتدا به بررسی رابطه بین سطح توسعه یافتگی استان و مناسبات نسلی پرداخته شده است. اکنون رابطه بین سطح توسعه یافتگی استان، وضعیت مناسبات نسلی و الگوی فراغت جمعی در فضای واقعی را مورد رصد قرار می دهیم. بررسی نشان می دهد که این الگوی فراغتی با همسویی با خانواده و تعامل با خانواده دارای رابطه است. فراغت فعال جمعی در فضای واقعی با خانواده و همسویی و تعامل با خانواده دارای رابطه است. جدول زیر این رابطه را به تفکیک سطح توسعه یافتگی استان نشان می دهد:

جدول ۴-۲۶- رابطه همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی واقعی به تفکیک استان

Total	فراغت فعال جمعی واقعی					سطح توسعه یافتگی استان		
	هر هفته	هرماه	اغلب تعطیلات	سالی چند بار	اصلا			
۱۳,۸٪	۱۰۰,۰٪	۲۵,۰٪	۱۶,۷٪	۱۳,۳٪	۲,۹٪	خیلی کم	همسویی با خانواده	توسعه یافته
۳۳,۱٪		۷۵,۰٪	۳۶,۸٪	۳۴,۱٪	۱۱,۸٪	کم		
۳۱,۰٪			۲۸,۹٪	۳۱,۸٪	۳۸,۲٪	متوسط		
۱۱,۰٪			۷,۹٪	۱۲,۷٪	۱۴,۷٪	زیاد		
۱۱,۰٪			۹,۶٪	۸,۱٪	۳۲,۴٪	خیلی زیاد		
۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	مجموع		
۹,۸٪		۱۶,۷٪	۱۳,۳٪	۶,۹٪	۳,۴٪	خیلی کم	همسویی با خانواده	در حال توسعه
۴۰,۱٪		۴۴,۴٪	۴۸,۹٪	۳۵,۹٪	۱۷,۲٪	کم		
۳۴,۳٪		۳۳,۳٪	۲۵,۲٪	۴۲,۱٪	۳۷,۹٪	متوسط		
۸,۶٪			۸,۱٪	۹,۰٪	۱۳,۸٪	زیاد		
۷,۳٪		۵,۶٪	۴,۴٪	۶,۲٪	۲۷,۶٪	خیلی زیاد		
۱۰۰,۰٪		۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	مجموع		
۱۷,۶٪		۴۱,۲٪	۱۲,۳٪	۲۱,۶٪	۱۳,۳٪	خیلی کم	همسویی با خانواده	محروم
۳۵,۶٪		۱۷,۶٪	۳۶,۸٪	۳۸,۸٪	۱۳,۳٪	کم		
۲۸,۳٪		۲۳,۵٪	۳۳,۱٪	۲۲,۴٪	۳۳,۳٪	متوسط		
۹,۷٪		۱۱,۸٪	۱۱,۷٪	۶,۷٪	۱۳,۳٪	زیاد		
۸,۸٪		۵,۹٪	۶,۱٪	۱۰,۴٪	۲۶,۷٪	خیلی زیاد		
۱۰۰,۰٪		۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	مجموع		
۱۳,۷٪	۱۰۰,۰٪	۲۸,۲٪	۱۳,۸٪	۱۳,۷٪	۵,۱٪	خیلی کم	همسویی با خانواده	مجموع
۳۶,۳٪		۳۵,۹٪	۴۰,۸٪	۳۶,۱٪	۱۴,۱٪	کم		
۳۱,۲٪		۲۵,۶٪	۲۹,۴٪	۳۲,۳٪	۳۷,۲٪	متوسط		
۹,۸٪		۵,۱٪	۹,۵٪	۹,۷٪	۱۴,۱٪	زیاد		
۹,۱٪		۵,۱٪	۶,۶٪	۸,۲٪	۲۹,۵٪	خیلی زیاد		
۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	مجموع		

به طوری که پیشتر مشاهده شد، همسویی با خانواده در حد متوسط تا کم است. این وضعیت با الگوی گذران فراغت جمعی با خانواده نیز مرتبط است و همچنین در استانهای با سطوح مختلف توسعه تفاوتی مشاهده می شود. به طوری که در استانهای محروم حدود ۷۰ درصد از پاسخگویان (۶۹/۹ درصد) اغلب تعطیلات را به فراغت جمعی فعال با خانواده می پردازند. این پاسخگویان همسویی کم تا متوسطی را با خانواده گزارش نموده اند. در استانهای در حال توسعه این گروه از پاسخگویان که همسویی کم و متوسطی را با خانواده گزارش نموده اند، ۷۴/۱ درصد اغلب تعطیلات به فراغت فعال جمعی با خانواده می پردازند. این درصد در استانهای توسعه یافته به ۶۵/۷ درصد می رسد. بررسی دقیق تر در جدول زیر نشان می دهد بین همسویی با خانواده و گذران فراغت جمعی فعال با خانواده در استانهای توسعه یافته و در حال توسعه رابطه وجود دارد. اما چنین رابطه ای در استانهای محروم مشاهده نشد.

جدول ۴-۲۷- آزمون کای اسکور همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی با خانواده به تفکیک توسعه یافتگی

Asymp. Sig. (۲-sided)	df	Value	سطح توسعه یافتگی استان
.۰۰۲	۱۶	۳۷,۸۵۹ <sup>b</sup>	توسعه یافته
.۰۰۴	۱۶	۳۵,۲۹۴	
.۰۰۰	۱	۱۸,۴۱۴	
		۳۲۶	N of Valid Cases
.۰۰۰	۱۲	۳۸,۶۹۳ <sup>c</sup>	در حال توسعه
.۰۰۰	۱۲	۳۴,۸۵۳	
.۰۰۰	۱	۲۲,۷۷۷	
		۳۲۷	N of Valid Cases
.۰۱۰	۱۲	۲۶,۲۱۰ <sup>d</sup>	محروم
.۰۱۸	۱۲	۲۴,۳۶۷	
.۳۹۲	۱	.۷۳۴	
		۳۲۹	N of Valid Cases
.۰۰۰	۱۶	۷۳,۴۲۱ <sup>a</sup>	مجموع
.۰۰۰	۱۶	۶۱,۱۲۹	
.۰۰۰	۱	۳۴,۸۳۰	
		۹۸۲	N of Valid Cases

- a. ۷ cells (۲۸,۰٪) have expected count less than ۵. The minimum expected count is .۰۹.  
 b. ۱۳ cells (۵۲,۰٪) have expected count less than ۵. The minimum expected count is .۱۱.  
 c. ۶ cells (۳۰,۰٪) have expected count less than ۵. The minimum expected count is ۱,۳۲.  
 d. ۸ cells (۴۰,۰٪) have expected count less than ۵. The minimum expected count is ۱,۳۲.

جدول فوق نشان می دهد که در استانهای در حال توسعه بیشترین معناداری بین همسویی با خانواده و گذران فراغت جمعی با خانواده وجود دارد. این در حالی است که در استانهای محروم رابطه ای بین این دو متغیر مشاهده نشده است. و آزمونهای آماری انجام شده معنادار نبوده اند.

جدول ۴-۲۸- آزمون معناداری سطح توسعه یافتگی استان، همسویی با خانواده و فراغت جمعی فعال در فضای واقعی

Approx. Sig.	Approx. T <sup>b</sup>	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Value	سطح توسعه یافتگی استان
.۰۰۲			.۳۴۱	Phi Nominal by Nominal توسعه یافته
.۰۰۲			.۱۷۰	Cramer's V
.۰۰۰	-۳,۸۹۳	.۰۴۸	-.۱۸۹	Kendall's tau-b Ordinal by Ordinal
.۰۰۰	-۳,۸۹۳	.۰۴۰	-.۱۰۷	Kendall's tau-c
.۰۰۰	-۳,۸۹۳	.۰۷۰	-.۲۸۳	Zero-Order Gamma
			۳۲۶	N of Valid Cases
.۰۰۰			.۳۴۴	Phi Nominal by Nominal در حال توسعه
.۰۰۰			.۱۹۹	Cramer's V
.۰۰۰	-۴,۸۱۵	.۰۴۸	-.۲۳۳	Kendall's tau-b Ordinal by Ordinal
.۰۰۰	-۴,۸۱۵	.۰۴۳	-.۲۰۵	Kendall's tau-c
.۰۰۰	-۴,۸۱۵	.۰۶۸	-.۳۴۵	Zero-Order Gamma
			۳۲۷	N of Valid Cases
.۰۱۰			.۲۸۲	Phi Nominal by Nominal محروم
.۰۱۰			.۱۶۳	Cramer's V
.۸۸۲	.۱۴۸	.۰۵۲	.۰۰۸	Kendall's tau-b Ordinal by Ordinal
.۸۸۲	.۱۴۸	.۰۴۶	.۰۰۷	Kendall's tau-c
.۸۸۲	.۱۴۸	.۰۷۸	.۰۱۱	Zero-Order Gamma
			۳۲۹	N of Valid Cases
.۰۰۰			.۲۷۳	Phi Nominal by Nominal مجموع
.۰۰۰			.۱۳۷	Cramer's V
.۰۰۰	-۴,۹۳۸	.۰۲۸	-.۱۴۱	Kendall's tau-b Ordinal by Ordinal
.۰۰۰	-۴,۹۳۸	.۰۲۴	-.۱۱۸	Kendall's tau-c
.۰۰۰	-۴,۹۳۸	.۰۴۱	-.۲۱۰	Zero-Order Gamma
			-.۲۰۵	First-Order Partial
			۹۸۲	N of Valid Cases

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

### ۴-۳-۲-۲- سطح توسعه یافتگی استان، تعامل با خانواده و فراغت فعال جمعی با خانواده در فضای واقعی

از دیگر شاخص‌هایی که برای سنجش مناسبات نسلی در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته، شاخص تعامل با خانواده است. همانگونه آزمونهای آماری در جداول زیر نشان می‌دهد بین تعامل با خانواده و گذران فراغت جمعی واقعی و سطح توسعه یافتگی استانها رابطه وجود دارد. بدین ترتیب که در استانهای توسعه یافته گذران فراغت جمعی واقعی با خانواده موجب تقویت تعامل با خانواده می‌گردد در حالی که این عامل در استانهای محروم به شدت استانهای توسعه یافته و در حال توسعه عمل نمی‌کند.

جدول ۴-۲۹- رابطه بین تعامل با خانواده و گذران فراغت فعال با خانواده به تفکیک سطوح توسعه استانها

Total	فراغت فعال جمعی با خانواده در فضای واقعی					سطوح توسعه یافتگی استانها و تعامل با خانواده
	هر هفته	هر ماه	اغلب تعطیلات	سالی چند بار	اصلا	
۵,۲٪			۲,۶٪	۴,۱٪	۲۰,۶٪	تعامل با خانواده در خیلی کم
۱۷,۱٪			۱۱,۲٪	۱۸,۰٪	۳۵,۳٪	استانهای توسعه یافته کم
۲۷,۵٪		۲۵,۰٪	۳۱,۰٪	۲۷,۳٪	۱۷,۶٪	متوسط
۲۸,۷٪		۵۰,۰٪	۳۰,۲٪	۳۰,۸٪	۱۱,۸٪	زیاد
۲۱,۴٪	۱۰۰,۰٪	۲۵,۰٪	۲۵,۰٪	۱۹,۸٪	۱۴,۷٪	خیلی زیاد
۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	مجموع
۵,۸٪			۲,۲٪	۴,۹٪	۳۲,۱٪	تعامل با خانواده در خیلی کم
۱۳,۵٪		۵,۶٪	۹,۶٪	۱۶,۸٪	۲۱,۴٪	استانهای در حال توسعه کم
۲۳,۷٪		۲۲,۲٪	۲۳,۵٪	۲۳,۸٪	۲۵,۰٪	متوسط
۴۰,۰٪		۵۰,۰٪	۴۴,۹٪	۳۹,۹٪	۱۰,۷٪	زیاد
۱۶,۹٪		۲۲,۲٪	۱۹,۹٪	۱۴,۷٪	۱۰,۷٪	خیلی زیاد
۱۰۰,۰٪		۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	مجموع
۴,۶٪			۲,۵٪	۵,۳٪	۲۶,۷٪	تعامل با خانواده در خیلی کم
۱۰,۷٪		۱۲,۵٪	۹,۲٪	۱۲,۹٪	۶,۷٪	استانهای محروم کم
۱۸,۱٪		۱۲,۵٪	۱۹,۰٪	۱۶,۷٪	۲۶,۷٪	متوسط
۳۶,۲٪		۲۵,۰٪	۳۵,۶٪	۴۰,۲٪	۲۰,۰٪	زیاد
۳۰,۴٪		۵۰,۰٪	۳۳,۷٪	۲۵,۰٪	۲۰,۰٪	خیلی زیاد
۱۰۰,۰٪		۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	مجموع
۵,۲٪			۲,۴٪	۴,۷٪	۲۶,۰٪	جمع کل تعامل با خانواده خیلی کم
۱۳,۸٪		۷,۹٪	۹,۹٪	۱۶,۱٪	۲۴,۷٪	در استانهای مختلف کم
۲۳,۱٪		۱۸,۴٪	۲۳,۹٪	۲۳,۰٪	۲۲,۱٪	متوسط
۳۵,۰٪		۳۹,۵٪	۳۷,۱٪	۳۶,۵٪	۱۳,۰٪	زیاد

۲۲,۹%	۱۰۰,۰%	۳۴,۲%	۲۶,۷%	۱۹,۷%	۱۴,۳%	خیلی زیاد
۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	مجموع

بر مبنای جدول بالا ۵۵/۲ درصد پاسخگویانی که در استانهای توسعه یافته اغلب تعطیلات را به فراغت جمعی با خانواده می گذرانند، تعامل زیاد تا بسیار زیاد با خانواده را گزارش کرده اند. این وضعیت در بین پاسخگویان در استانهای در حال توسعه با مقداری افزایش به ۶۴/۸ درصد رسیده و نشان می دهد که در این استانهای تعامل با خانواده و گذران فراغت با آنان دارای رابطه قوی است. در استانهای محروم بالاترین حد تعامل با خانواده و گذران فراغت جمعی با خانواده گزارش شده به طوری که ۶۹/۳ درصد از پاسخگویان در این دسته بندی قرار گرفته اند. جدول زیر آزمون معناداری این متغیرها را نشان می دهد:

**جدول ۴-۳۰- آزمون کای اسکور تعامل با خانواده و فراغت فعال جمعی واقعی به تفکیک سطح توسعه یافتگی استانها**

Asymp. Sig. (۲-sided)	Df	Value	سطح توسعه یافتگی استان
.۰۰۱	۱۶	۳۸,۷۷۲ <sup>b</sup>	توسعه یافته
.۰۰۸	۱۶	۳۲,۶۳۴	
.۰۰۰	۱	۱۷,۶۰۵	
		۳۲۷	N of Valid Cases
.۰۰۰	۱۲	۵۱,۶۵۷ <sup>c</sup>	در حال توسعه
.۰۰۰	۱۲	۳۹,۱۶۲	
.۰۰۰	۱	۲۵,۴۹۷	
		۳۲۵	N of Valid Cases
.۰۰۷	۱۲	۲۷,۳۴۸ <sup>d</sup>	محروم
.۰۶۷	۱۲	۲۰,۰۱۶	
.۰۰۲	۱	۹,۸۵۹	
		۳۲۶	N of Valid Cases
.۰۰۰	۱۶	۱۱۰,۸۷۶ <sup>a</sup>	مجموع
.۰۰۰	۱۶	۸۵,۴۶۶	
.۰۰۰	۱	۵۷,۶۰۵	
		۹۷۸	N of Valid Cases

a. ۷ cells (۲۸,۰%) have expected count less than ۵. The minimum expected count is .۰۵.

b. ۱۱ cells (۴۴,۰%) have expected count less than ۵. The minimum expected count is .۰۵.

c. ۷ cells (۳۵,۰%) have expected count less than ۵. The minimum expected count is ۱,۰۵.

d. ۸ cells (۴۰,۰%) have expected count less than ۵. The minimum expected count is .۶۹.

جدول بالا نشان دهنده رابطه معنادار بین متغیرهای سطح توسعه یافتگی استان، گذران فراغت جمعی با خانواده و تعامل با خانواده است. که در همه استانها این رابطه معنادار بوده است.

جدول ۴-۳۱-آزمون معناداری رابطه تعامل با خانواده و فراغت جمعی فعال واقعی به تفکیک سطوح توسعه استان

Approx. Sig.	Approx. T <sup>b</sup>	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Value	سطح توسعه یافتگی استان	
.۰۰۱			.۳۴۴	Phi	Nominal by Nominal توسعه یافته
.۰۰۱			.۱۷۲	Cramer's V	
.۰۰۰	۳,۵۲۷	.۰۴۹	.۱۷۶	Kendall's tau-b	Ordinal by Ordinal
.۰۰۰	۳,۵۲۷	.۰۴۲	.۱۴۷	Kendall's tau-c	
.۰۰۰	۳,۵۲۷	.۰۷۱	.۲۵۹	Zero-Order	Gamma
			۳۲۷	N of Valid Cases	
.۰۰۰			.۳۹۹	Phi	Nominal by Nominal در حال توسعه
.۰۰۰			.۲۲۰	Cramer's V	
.۰۰۰	۴,۳۰۱	.۰۴۸	.۲۱۱	Kendall's tau-b	Ordinal by Ordinal
.۰۰۰	۴,۳۰۱	.۰۴۴	.۱۹۰	Kendall's tau-c	
.۰۰۰	۴,۳۰۱	.۰۶۸	.۳۰۸	Zero-Order	Gamma
			۳۲۵	N of Valid Cases	
.۰۰۷			.۲۹۰	Phi	Nominal by Nominal محروم
.۰۰۷			.۱۶۷	Cramer's V	
.۰۰۸	۲,۶۵۸	.۰۵۰	.۱۲۳	Kendall's tau-b	Ordinal by Ordinal
.۰۰۸	۲,۶۵۸	.۰۴۴	.۱۱۶	Kendall's tau-c	
.۰۰۸	۲,۶۵۸	.۰۷۵	.۲۰۳	Zero-Order	Gamma
			۳۲۶	N of Valid Cases	
.۰۰۰			.۳۳۷	Phi	Nominal by Nominal مجموع
.۰۰۰			.۱۶۸	Cramer's V	
.۰۰۰	۶,۳۸۶	.۰۲۸	.۱۸۲	Kendall's tau-b	Ordinal by Ordinal
.۰۰۰	۶,۳۸۶	.۰۲۴	.۱۵۳	Kendall's tau-c	
.۰۰۰	۶,۳۸۶	.۰۴۱	.۲۶۸	Zero-Order	Gamma
			.۲۵۸	First-Order Partial	
			۹۷۸	N of Valid Cases	

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

جدول بالا آزمونهای مختلف آماری شامل آزمون خی، آزمون کرامر وی، کاندال بی و کاندال و آزمون گاما را به تفکیک سطوح توسعه یافتگی استانها و متغیرهای تعامل با خانواده و گذران فراغت جمعی فعال واقعی در فضای واقعی نشان می دهد که در همه استانها این آزمونها معنادار بوده اند.

در جمع بندی می توان بیان داشت در حالی که همسویی با خانواده با فراغت جمعی فعال واقعی در فضای واقعی تقویت می شود، و فراغت جمعی در فضای واقعی مقوم همسویی با خانواده است؛ بررسی حاضر نشان می دهد که هیچ



رابطه ای بین همسویی با خانواده و سطوح توسعه یافتگی استانها وجود ندارد. بدین معنی که بدون توجه به سطح توسعه یافتگی استان، همسویی با خانواده در بین اغلب پاسخگویان کم و بسیار کم گزارش شده است. اما وقتی متغیر سومی چون گذران فراغت جمعی فعال در فضای واقعی را به این آزمون اضافه کنیم مشاهده می شود بین سطح توسعه یافتگی و همسویی با خانواده به شدت رابطه وجود دارد. این یافته از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می دهد که همسویی با خانواده از طریق گذران فراغت جمعی با خانواده می تواند تقویت شود و این تقویت در استانهای در حال توسعه و توسعه یافته معنادار است.

#### ۴-۳-۳- توسعه یافتگی و الگوهای مختلف گذران فراغت (واقعی / مجازی):

رابطه بین الگوهای فراغتی فعال جمعی در فضای واقعی و مجازی و نیز فراغتهای فعال و منفعل فردی با سطوح مختلف توسعه مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعه نشان می دهد که گذران فراغت جمعی فعال با خانواده در استانهای توسعه یافته بشدت تقویت کننده تعاملات نسلی است. این یافته از آن منظر حائز اهمیت است که الگوهای فراغتی مذکور به دلیل تغییر در سبک زندگی در جوامع مدرن به سمت الگوهای فردی فراغتی و اخیرا الگوهای فراغتی مجازی تغییر یافته یا در حال تغییر هستند. این در حالی است که بر اساس یافته‌های جدول زیر فراغت مجازی (رسانه ای) به تحکیم روابط نسلی منجر نمی گردد. در جمع بندی رابطه بین سطح توسعه یافتگی و الگوی گذران فراغت می توان جدول زیر را ارائه داد:

جدول ۳۲- بررسی رابطه سطح توسعه یافتگی استان و الگوی گذران فراغت

سطح توسعه یافتگی جامعه	سطح توسعه یافتگی جامعه	مقدار آزمون F	سطح توسعه یافتگی جامعه		الگوی گذران فراغت
			پایین	متوسط	
۵۰	۵۵,۲۹	۵۹,۸۹	۱۱,۰۵۷	۰,۰۰	فراغت جمعی (فعال) با خانواده
۴۵,۱۸	۴۱,۷۹	۴۱,۵۶	۱,۶۷	۰,۰۵	فراغت فردی (فعال مدرن)
۳۸,۳۵	۳۸,۶۶	۳۸,۵۴	۰,۰۱۲	۰,۹۸۸	فراغت فردی (منفعل)
۳۲,۹۲	۲۹,۵۶	۳۴,۸۰	۲,۴۷	۰,۰۸	فراغت جمعی (فعال) با دوستان

همانگونه که در جدول مشاهده می شود فراغت فردی منفعل هیچ ارتباط معناداری با سطح توسعه یافتگی استانها ندارد. دو الگوی فراغت فعال جمعی با خانواده و فراغت فردی مدرن (که شاخص‌های آن پیشتر ذکر شد) با سطح توسعه یافتگی استان در رابطه است. افزایش فرد گرایی در استانهای توسعه یافته و وجود روحیه جمع گرایی در استانهای محروم در الگوی گذران فراغت آنان حائز اهمیت است. این متغیر بر تعاملات بین نسلیها (همسویی با خانواده و تعامل با خانواده) نیز موثر بوده و رابطه معکوسی را نشان می دهد.

#### ۴-۴-۴- فراغت فعال جمعی در فضای واقعی، دوره نسلی و مناسبات نسلی

همانگونه که بند ۴-۲-۱ «نمایی از الگوی گذران فراغت جمعی در فضای واقعی در جامعه مورد بررسی» و نیز جدول ۴-۹ آمده است، در این مطالعه با ۲۰ گویه فراغت فعال جمعی با خانواده و دوستان مورد رصد قرار گرفته است (۱۰ گویه برای فراغت با خانواده و ۱۰ گویه برای فراغت با دوستان). در جدول مذکور نشان داده شد که گذران فراغت فعال جمعی با خانواده در مقایسه با گذران فراغت جمعی با دوستان در اولویت بوده و درصد قابل توجهی از پاسخگویان در زمانهای مناسب (اغلب تعطیلات/ سالی چند بار) با خانواده خویش به فراغت فعال جمعی می پردازند، و تعامل با گروههای دوستی و گذران فراغت با دوستان درصد به مراتب کمتری را به خود اختصاص داده است. پاسخگویان الگوهای متفاوتی از میزان گذران فراغت جمعی فعال با خانواده در فضای واقعی گزارش کرده اند. تنها حدود ۷ درصد از پاسخگویان اصلا فراغت فعال جمعی با خانواده نداشته اند. نزدیک ۳۸ درصد از آنها در سال چند بار به انواع فراغت جمعی با خانواده می پردازند. ۳۵ درصد نیز اغلب تعطیلات این فراغت را با خانواده دارند. می توان اظهار داشت که فراغت جمعی با خانواده در بین پاسخگویان در دوره های زمانی مناسب توسط بیش از ۷۰ درصد گزارش شده است. در ادامه به بررسی رابطه بین این الگوی فراغتی و متغیرهای مختلف بالاخص دوره نسلی و تعاملات نسلی پرداخته می شود.

#### ۴-۴-۱- فراغتهای فعال جمعی با خانواده و دوستان در فضای واقعی و دوره نسلی:

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر فراغت فعال جمعی دوره نسلی است. بنظر می رسد گروههای مختلف نسلی الگوهای فراغت جمعی فعال متفاوتی داشته باشند. بررسی حاضر نشان می دهد که بین دوره نسلی و گذران فراغت با دوستان رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که گروههای مختلف نسلی مدت متفاوتی را به عنوان فراغت جمعی با دوستان می گذرانند. در واقع بیشترین فراغت جمعی با دوستان در بین جوانان مشاهده می شود. این در حالی است که بین دوره نسلی و گذران فراغت فعال جمعی با خانواده رابطه ای وجود ندارد. در توضیح بیشتر می توان اظهار داشت که بدون توجه به دوره نسلی، فراغت جمعی با خانواده به عنوان الگوی رایج فراغتی در بین پاسخگویان گزارش شده و این دو متغیر رابطه ای با هم ندارند.

جدول ۴-۳۳- مقایسه میانگین گذران فراغت جمعی با خانواده و دوستان به تفکیک دوره نسلی

	Maximum	Minimum	۹۵% Confidence Interval for Mean		Std. Error	Std. Deviation	Mean	N	
			Upper Bound	Lower Bound					
	۵,۰۰۰	۱,۰۰۰	۲,۱۱۳۷	۱,۹۴۷۰	۰,۴۲۳۹	۰,۸۴۲۴۶	۲,۰۳۰۴	۳۹۵	با دوستان
	۴,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۷۶۰۱	۱,۶۲۸۹	۰,۳۳۳۹	۰,۷۳۹۷۹	۱,۶۹۴۵	۴۹۱	میانسالان
	۴,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۹۶۴۲	۱,۴۵۰۵	۰,۱۲۷۰۹	۰,۸۱۳۷۵	۱,۷۰۷۳	۴۱	سالمندان
	۵,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۸۹۰۱	۱,۷۸۶۳	۰,۲۶۴۳	۰,۸۰۴۷۷	۱,۸۳۸۲	۹۲۷	مجموع

با خانواده	جوانان	۴۱۵	۲,۳۸۰,۷	۰,۷۲۲,۰۶	۰,۳۵۴۴	۲,۳۱۱,۰	۲,۴۵۰,۴	۱,۰۰	۵,۰۰
میانسالان	۴۸۷	۲,۴۶۴,۱	۰,۶۷۱,۴۷	۰,۳۰۴۳	۲,۴۰۴۳	۲,۵۲۳,۹	۱,۰۰	۴,۰۰	
سالمندان	۴۲	۲,۳۰۹,۵	۰,۷۸۰,۵۰	۰,۱۲۰,۴۳	۲,۰۶۶۳	۲,۵۵۲,۷	۱,۰۰	۴,۰۰	
مجموع	۹۴۴	۲,۴۲۰,۶	۰,۶۹۹,۹۸	۰,۲۲۷۸	۲,۳۷۵,۸	۲,۴۶۵,۳	۱,۰۰	۵,۰۰	

جدول زیر حکایت از آن دارد که فراغت فعال در فضای واقعی با دوستان دارای رابطه با دوره نسلی است در توضیح جدول می توان اظهار داشت که رابطه ای بین دوره نسلی و گذران فراغت جمعی با خانواده در فضای واقعی مشاهده نمی شود بدین معنی که افراد بدون توجه به دوره نسلی خویش به گذران فراغت جمعی با خانواده می پردازند و این الگوی فراغتی ارتباطی با دوره نسلی و زندگی آنان ندارد. در حالی که توجه به گروه دوستان و گذران فراغت با دوستان بیشتر اختصاص به دوره جوانی داشته و در دوره های دیگر زندگی و نسلی کمتر مورد استفاده قرار می گیرد بدین ترتیب است که آزمون رابطه بین فراغت جمعی فعال با دوستان و دوره نسلی معنا دار است (جدول ۴-۳۴).

جدول ۴-۳۴- واریانس یکطرفه رابطه فراغت فعال جمعی با خانواده و دوستان در فضای واقعی و دوره نسلی

سطح معنی داری	مقدار آزمون F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
.۰۰۰	۲۰,۴۵۷	۱۲,۷۱۵	۲	۲۵,۴۳۰	فراغت فعال بین گروهی
		.۶۲۲	۹۲۴	۵۷۴,۲۹۸	جمعی با دوستان درون گروهی
			۹۲۶	۵۹۹,۷۲۸	مجموع
.۱۱۷	۲,۱۴۶	۱,۰۴۹	۲	۲,۰۹۸	فراغت فعال بین گروهی
		.۴۸۹	۹۴۱	۴۵۹,۹۴۳	جمعی با خانواده درون گروهی
			۹۴۳	۴۶۲,۰۴۱	مجموع

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می شود، بین دوره نسلی و گذران فراغت جمعی با دوستان رابطه وجود دارد. و این رابطه یک رابطه معنا دار است.

#### ۴-۴-۲- فراغت فعال جمعی در فضای واقعی و روابط نسلی (همسویی و تعامل با خانواده)

فراغت فعال جمعی در فضای واقعی با گویه های ده گانه پیش گفته در ارتباط با دوستان و خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه حکایت از آن دارد که الگوهای مختلفی برای گذران فراغت در فضای واقعی با دوستان و خانواده وجود داشته و گذران فراغت با دوستان اقبال کمتری نسبت به گذران فراغت فعال جمعی در فضای واقعی با خانواده وجود دارد. جدول زیر میانگین این الگوهای فراغتی را با دوستان و با خانواده در فضای واقعی نشان می دهد.

جدول ۴-۳۵- مقایسه میانگین الگوهای فراغت جمعی فعال در فضای واقعی با خانواده و با دوستان

فراغت سنتی با دوستان	فراغت مدرن با دوستان	فراغت مذهبی با دوستان	فراغت سنتی با خانواده	فراغت مدرن با خانواده	فراغت مذهبی با خانواده	
۱۰۶۱	۱۰۵۶	۱۰۸۴	۱۱۰۲	۱۰۷۵	۱۱۴۰	تعداد معتبر
۱۳۴	۱۳۹	۱۱۱	۹۳	۱۲۰	۵۵	بدون پاسخ
۱,۹۱۱۴	۲,۰۴۹۲	۲,۲۰۲۰	۲,۷۶۵۹	۲,۳۵۹۱	۲,۸۵۷۰	میانگین
۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	کمترین
۵,۰۰۰	۵,۰۰۰	۵,۰۰۰	۵,۰۰۰	۵,۰۰۰	۵,۰۰۰	بیشترین

همانگونه که در بند ۴-۲-۴ توضیح داده شد در مطالعه حاضر مناسبات نسلی با دو شاخص همسویی با خانواده (که اغلب حوزه ارزشها و نگرشها را مورد رصد قرار می دهد) و تعامل با خانواده (که بیشتر محدود به حوزه رفتاری است) مورد رصد قرار گرفته است. در ادامه رابطه بین فراغت فعال جمعی در فضای واقعی و همسویی با خانواده، و نیز تعامل با خانواده به عنوان شاخص های مناسبات نسلی مورد رصد قرار می گیرند.

۴-۲-۴-۱- فراغت فعال جمعی در فضای واقعی و همسویی با خانواده:

یکی از شاخص های سنجش مناسبات نسلی در پژوهش حاضر، همسویی با خانواده است. بر مبنای مطالب پیش گفته، میزان همسویی با خانواده کم و متوسط گزارش شده است. در این جا به بررسی رابطه بین گذران فراغت فعال جمعی در فضای واقعی و همسویی با خانواده پرداخته شده است. همانگونه که در جداول زیر آمده، بین گذران فراغت فعال جمعی در فضای واقعی با خانواده و همسویی با خانواده رابطه وجود دارد. پاسخگویانی که دارای همسویی کم و متوسط با خانواده هستند سالی چند با و اغلب تعطیلات را با خانواده به گذران فراغت جمعی می پردازند و می توان اظهار داشت که فراغت فعال در فضای واقعی با خانواده می تواند مقوم همسویی با خانواده باشد.

جدول ۴-۳۶- رابطه بین فراغت فعال جمعی با خانواده و همسویی با خانواده

میزان گذران فراغت فعال جمعی با خانواده	همسویی با خانواده					مجموع
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
تعداد	۴	۱۱	۲۹	۱۱	۲۳	۷۸
درصد	۵,۱٪	۱۴,۱٪	۳۷,۳٪	۱۴,۱٪	۲۹,۵٪	۱۰۰,۰٪
تعداد	۶۲	۱۶۳	۱۴۶	۴۴	۳۷	۴۵۲
درصد	۱۳,۷٪	۳۶,۱٪	۳۲,۳٪	۹,۷٪	۸,۲٪	۱۰۰,۰٪
تعداد	۵۷	۱۶۸	۱۲۱	۳۹	۲۷	۴۱۲

۱۰۰,۰٪	۶,۶٪	۹,۵٪	۲۹,۴٪	۴۰,۸٪	۱۳,۸٪	درصد	
۳۹	۲	۲	۱۰	۱۴	۱۱	تعداد	هر ماه
۱۰۰,۰٪	۵,۱٪	۵,۱٪	۲۵,۶٪	۳۵,۹٪	۲۸,۳٪	درصد	
۱	۰	۰	۰	۰	۱	تعداد	هر هفته
۱۰۰,۰٪	۰,۰٪	۰,۰٪	۰,۰٪	۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	درصد	
۹۸۲	۸۹	۹۶	۳۰۶	۳۵۶	۱۳۵	تعداد	مجموع
۱۰۰,۰٪	۹,۱٪	۹,۸٪	۳۱,۲٪	۳۶,۳٪	۱۳,۷٪	درصد	

بر مبنای بررسی‌های پیشین در ارتباط با وضعیت همسویی با خانواده در بین جامعه مورد بررسی، مشخص گردید که همسویی با خانواده کم و متوسط است. نگاهی دقیق به جدول بالا نشان می‌دهد که پاسخگویانی که اغلب تعطیلات را به فراغت فعال جمعی با خانواده می‌پردازند، دارای همسویی کم و متوسط با خانواده هستند (۷۰/۲ درصد). همچنین بیش از ۶۸ درصد از پاسخگویانی که سالی چند بار همراه با خانواده به فراغت فعال جمعی می‌پردازند، همسویی کم و متوسط را با خانواده خویش گزارش نموده‌اند. جدول زیر به بررسی معناداری رابطه بین فراغت فعال جمعی با خانواده و همسویی با خانواده پرداخته است.

جدول ۴-۳۷- آزمون معناداری فراغت فعال جمعی با خانواده و همسویی با خانواده

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	.۳۳۷			.۰۰۰
	Cramer's V	.۱۶۸			.۰۰۰
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau-b	.۱۸۲	.۰۲۸	۶,۳۸۶	.۰۰۰
	Gamma	.۲۶۸	.۰۴۱	۶,۳۸۶	.۰۰۰
N of Valid Cases		۹۷۸			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

جدول ۴-۳۷ به آزمون معناداری فراغت فعال جمعی با خانواده و همسویی با خانواده پرداخته است. آزمونهای خی، کرامر وی، کاندال بی و گاما نشان می‌دهد که بین متغیرهای مورد بررسی رابطه مشاهده نمی‌شود.

#### ۴-۲-۲- الگوهای مختلف فراغت جمعی فعال با خانواده در فضای واقعی:

فراغت فعال جمعی خانواده دارای سه الگوی فراغت سنتی (شامل سفرهای سیاحتی و تفریحی؛ پیک نیک؛ رفت و آمد دید و بازدید)، فراغت مدرن (رفتن به کنسرت و تئاتر، پاساژگردی و خرید، رفتن به سینما / رستوران، ورزش) و فراغت مذهبی (شامل: سفرهای زیارتی، رفتن به مسجد، شرکت در مراسم مذهبی) است. همانگونه توضیح داده

شد، ۴ درصد از پاسخگویان اصلا فراغت سنتی جمعی با خانواده را گزارش نکرده اند. در مقابل پاسخگویانی که اصلا فراغت سنتی را با خانواده گزارش نکرده اند، نزدیک به نیمی از پاسخگویان دارای فراغت سنتی در اغلب تعطیلات با خانواده هستند (۴۹ درصد). در واقع این یافته نشان از نقش آفرینی بسیار مهم خانواده در فراغت شهروندان ایرانی است. تناوب گذران فراغت در این الگوی سنتی متفاوت است در حالی که بیش از یک چهارم از پاسخگویان سالی چند بار این تجربه فراغتی را با خانواده دارند. کمترین میزان تعاملات سنتی فراغتی با خانواده هر هفته است که تنها توسط ۵ نفر از پاسخگویان گزارش شده است. تعطیلات بیشترین زمان تجربه این الگوی فراغتی جمعی فعال بوده که توسط تقریباً نیمی از پاسخگویان اظهار شده است. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب گذران انواع الگوهای فراغت جمعی با خانواده نشان می دهد. بر اساس این جدول ۱۹۵ نفر از پاسخگویان (۱۶/۳ درصد) اصلا چنین فراغت جمعی را ندارند. بیش از ۳۱ درصد سالی چند بار فراغت جمعی مذهبی را با خانواده می گذرانند. نزدیک به ۱۶ درصد نیز اغلب تعطیلات را به صورت دستجمعی با خانواده به فراغت مذهبی می پردازند (۱۵/۷ درصد). برخی از این پاسخگویان هر ماه (۱۴/۱ درصد) و نزدیک به یک چهارم از پاسخگویان (۱۸/۱ درصد) بصورت هفتگی به فراغت جمعی مذهبی با خانواده می پردازند. این یافته نشان می دهد در فراغت جمعی مذهبی با خانواده درصد تجربه هفتگی و ماهیانه این الگو نسبت به فراغت سنتی بیشتر است. سومین الگوی احصا شده فراغت جمعی فعال با خانواده الگوی فراغت جمعی مدرن است. این الگو شامل رفتن به تئاتر و کنسرت، رفتن به رستوران و سینما، پاساژگردی، ورزش کردن است. ۱۵/۴ درصد از پاسخگویان اصلا فراغت مدرن را با خانواده تجربه نمی کنند. این در حالی است که بیش از یک سوم از پاسخگویان سالی چند بار (۳۶ درصد) و یا اغلب تعطیلات (۳۰/۲ درصد) با خانواده دارای فراغت مدرن هستند. در واقع می توان اظهار داشت که تجربه فراغت مدرن با خانواده توسط بیش از ۶۶ درصد از پاسخگویان سالی چند بار یا اغلب تعطیلات انجام می شود. این الگوی گذران فراغت بندرت به صورت ماهانه (۸/۵ درصد) یا هفتگی (۰/۸ درصد) انجام می گردد.

جدول ۴-۳۸ الگوهای سه گانه گذران فراغت جمعی فعال با خانواده

میزان گذران فراغت	فراغت سنتی با خانواده		فراغت مذهبی با خانواده		فراغت مدرن با خانواده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
اصلا	۴۸	۴,۰	۱۹۵	۱۶,۳	۱۵,۴	۱,۳
سالی چند بار	۳۱۸	۲۶,۶	۳۷۳	۳۱,۲	۳۶,۰	۳,۰
اغلب تعطیلات	۵۸۵	۴۹,۰	۱۸۸	۱۵,۷	۳۰,۲	۲,۶
هر ماه	۱۴۶	۱۲,۲	۱۶۸	۱۴,۱	۷,۶	۰,۶
هر هفته	۵	۰,۴	۲۱۶	۱۸,۱	۸	۰,۰۸
مجموع	۱۱۰۲	۹۲,۲	۱۱۴۰	۹۵,۴	۹۰,۰	۸,۰
	۹۳	۷,۸	۵۵	۴,۶	۱۰,۰	۰,۱
جمع کل	۱۱۹۵	۱۰۰,۰	۱۱۹۵	۱۰۰,۰	۱۱۹۵	۱۰۰,۰

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می شود گذران فراغت سنتی و مدرن با خانواده در اغلب تعطیلات و سالی چند بار توسط درصد قابل توجهی از پاسخگویان انجام می شود ولی فراغت مذهبی در فواصل زمانی نزدیک تر یعنی هفتگی و ماهانه توسط پاسخگویان نیز گزارش شده است به طوری که نزدیک به یک پنجم از پاسخگویان هر هفته با خانواده به فراغت مذهبی می پردازند. گرچه در اغلب تعطیلات سایر الگوهای فراغتی (مدرن و سنتی) با اقبال بیشتری در بین پاسخگویان مواجه هستند.

#### ۴-۲-۳- انواع الگوهای فراغت فعال جمعی با خانواده در فضای واقعی و رابطه آن با همسویی با خانواده

همانگونه که پیشتر ملاحظه شد، بطور کلی بین گذران فراغت فعال جمعی با خانواده و همسویی با خانواده رابطه وجود دارد. اکنون به بررسی رابطه بین همسویی با خانواده و الگوهای سه گانه گذران فراغت فعال جمعی با خانواده در فضای واقعی (سنتی، مدرن و مذهبی) می پردازیم.

جدول ۴-۳۹- رابطه همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی سنتی با خانواده در فضای واقعی

مجموع	فراغت فعال جمعی با خانواده سنتی				اصلا	تعداد	خیلی کم
	هر هفته	هرماه	اغلب تعطیلات	سالی چند بار			
۱۴۹	۲	۲۴	۷۷	۴۴	۲	تعداد	خیلی کم
۱۰۰،۰٪	۱،۳٪	۱۶،۱٪	۵۱،۷٪	۲۹،۵٪	۱،۳٪	درصد	
۳۹۵	۱	۵۸	۲۳۳	۹۷	۶	تعداد	کم
۱۰۰،۰٪	۰،۳٪	۱۴،۷٪	۵۹،۰٪	۲۴،۶٪	۱،۵٪	درصد	
۳۳۰	۲	۳۸	۱۷۱	۱۰۱	۱۸	تعداد	متوسط
۱۰۰،۰٪	۰،۶٪	۱۱،۵٪	۵۱،۸٪	۳۰،۶٪	۵،۵٪	درصد	
۱۰۶	۰	۱۱	۵۴	۳۶	۵	تعداد	زیاد
۱۰۰،۰٪	۰،۰٪	۱۰،۴٪	۵۰،۹٪	۳۴،۰٪	۴،۷٪	درصد	
۱۰۶	۰	۱۱	۴۳	۳۵	۱۷	تعداد	خیلی زیاد
۱۰۰،۰٪	۰،۰٪	۱۰،۴٪	۴۰،۶٪	۳۳،۰٪	۱۶،۰٪	درصد	
۱۰۸۶	۵	۱۴۲	۵۷۸	۳۱۳	۴۸	تعداد	مجموع
۱۰۰،۰٪	۰،۵٪	۱۳،۱٪	۵۳،۲٪	۲۸،۸٪	۴،۴٪	درصد	

همسویی با خانواده

همسویی با خانواده در بین پاسخگویان در حد کم و متوسط است. در حالی که همسویی با خانواده در حد متوسط بوده، گذران فراغت سنتی فعال جمعی در فضای واقعی در بین بیش از ۵۱ درصد از پاسخگویان در اغلب تعطیلات گزارش شده است. حتی ۵۹ درصد از پاسخگویانی که همسویی کمی را با خانواده گزارش کرده اند، اغلب تعطیلات را به فراغت جمعی فعال سنتی با خانواده می پردازند.

جدول ۴-۴- واریانس یک طرفه توزیع الگوهای همسویی با خانواده و فراغت فعال

جمعی سنتی با خانواده در فضای واقعی

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau-b	-.۱۲۴	.۰۲۷	-۴,۶۱۱	.۰۰۰
	Gamma	-.۱۸۳	.۰۳۹	-۴,۶۱۱	.۰۰۰
N of Valid Cases		۱۰۸۶			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

آزمون معناداری گاما و کندال بی که در جدول بالا آمده است نشان می دهد که رابطه معکوسی بین گذران فراغت فعال جمعی سنتی و همسویی با خانواده وجود دارد.

جدول ۴-۴-۱- رابطه همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی مذهبی با خانواده در فضای واقعی

Total	فراغت فعال جمعی مذهبی با خانواده در فضای واقعی					تعداد	
	هر هفته	هر ماه	اغلب تعطیلات	سالی چند بار	اصلا		
۱۵۵	۲۶	۲۴	۴۴	۳۸	۲۳	۱۴,۸%	خیلی کم
۱۰۰,۰%	۱۶,۸%	۱۵,۵%	۲۸,۴%	۲۴,۵%	۱۴,۸%		درصد
۴۰۹	۹۲	۷۷	۶۱	۱۲۸	۵۱	۱۲,۵%	کم
۱۰۰,۰%	۲۲,۵%	۱۸,۸%	۱۴,۹%	۳۱,۳%	۱۲,۵%		درصد
۳۴۲	۵۶	۳۷	۵۸	۱۳۰	۶۱	۱۷,۸%	متوسط
۱۰۰,۰%	۱۶,۴%	۱۰,۸%	۱۷,۰%	۳۸,۰%	۱۷,۸%		درصد
۱۱۰	۲۰	۱۳	۱۶	۳۷	۲۴	۲۱,۸%	زیاد
۱۰۰,۰%	۱۸,۲%	۱۱,۸%	۱۴,۵%	۳۳,۶%	۲۱,۸%		درصد
۱۰۶	۱۸	۱۲	۸	۳۳	۳۵	۳۳,۰%	خیلی زیاد
۱۰۰,۰%	۱۷,۰%	۱۱,۳%	۷,۵%	۳۱,۱%	۳۳,۰%		درصد
۱۱۲۲	۲۱۲	۱۶۳	۱۸۷	۳۶۶	۱۹۴	۱۷,۳%	مجموع
۱۰۰,۰%	۱۸,۹%	۱۴,۵%	۱۶,۷%	۳۲,۶%	۱۷,۳%		درصد

همسویی با خانواده

بررسی رابطه فراغت فعال جمعی مذهبی با خانواده و همسویی با خانواده در جدول بالا آمده است. بر اساس داده‌های جدول در حالی که فراغت فعال جمعی سنتی با خانواده بیشتر در اغلب تعطیلات و سالی چند بار انجام می شود، فراغت فعال جمعی مذهبی با خانواده در فواصل کمتری (هر ماه، هر هفته) نیز گزارش شده است. جدول فوق رابطه بین گذران فراغت فعال جمعی مذهبی با خانواده و همسویی با خانواده را نشان می دهد.



**جدول ۴-۴۲- ازمون معناداری توزیع الگوهای رابطه همسویی با خانواده و فراغت فعال  
جمعی مذهبی با خانواده در فضای واقعی**

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau-b	-.۱۱۴	.۰۲۵	-۴,۶۰۹	.۰۰۰
	Gamma	-.۱۵۰	.۰۳۲	-۴,۶۰۹	.۰۰۰
N of Valid Cases		۱۱۲۲			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

جدول بالا نشان دهنده آزمونهای آماری گاما و کندال بی رابطه بین همسویی با خانواده و گذران فراغت فعال جمعی مذهبی با خانواده است. همانگونه که در این جدول آمده است رابطه معناداری بین متغیرهای مورد بررسی مشاهده شده است ولی جهت رابطه معکوس است. در واقع آزمون حاضر نشان می دهد که افزایش یک متغیر موجب کاهش متغیر دیگر می شود.

**جدول ۴-۴۳- همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی مدرن با خانواده در فضای واقعی**

مجموع	فراغت مدرن با خانواده در فضای واقعی					تعداد	درصد	همسویی با خانواده
	هر هفته	هر ماه	اغلب تعطیلات	سالی چند بار	اصلا			
۱۵۲	۳	۱۹	۵۶	۵۳	۲۱	تعداد	خیلی کم	
۱۰۰,۰٪	۲,۰٪	۱۲,۵٪	۳۶,۸٪	۳۴,۹٪	۱۳,۸٪	درصد		
۳۷۹	۲	۲۷	۱۳۹	۱۶۱	۵۰	تعداد	کم	
۱۰۰,۰٪	۰,۵٪	۷,۱٪	۳۶,۷٪	۴۲,۵٪	۱۳,۲٪	درصد		
۳۲۹	۱	۲۹	۱۰۶	۱۳۰	۶۳	تعداد	متوسط	
۱۰۰,۰٪	۰,۳٪	۸,۸٪	۳۲,۲٪	۳۹,۵٪	۱۹,۱٪	درصد		
۱۰۴	۲	۵	۲۹	۵۰	۱۸	تعداد	زیاد	
۱۰۰,۰٪	۱,۹٪	۴,۸٪	۲۷,۹٪	۴۸,۱٪	۱۷,۳٪	درصد		
۹۶	۱	۷	۲۴	۳۴	۳۰	تعداد	خیلی زیاد	
۱۰۰,۰٪	۱,۰٪	۷,۳٪	۲۵,۰٪	۳۵,۴٪	۳۱,۳٪	درصد		
۱۰۶۰	۹	۸۷	۳۵۴	۴۲۸	۱۸۲	تعداد	مجموع	
۱۰۰,۰٪	۰,۸٪	۸,۲٪	۳۳,۴٪	۴۰,۴٪	۱۷,۲٪	درصد		

جدول بالا رابطه بین گذران فراغت فعال جمعی مدرن را با همسویی با خانواده نشان می دهد. الگوی غالب فراغت فعال جمعی مدرن با خانواده سالی چند بار و اغلب تعطیلات است و تعداد خیلی از پاسخگویان استفاده مرتب از این الگوی فراغتی را گزارش کرده اند. کسانی که کم با خانواده همسو بودند، سالی چند بار (۴۲/۵ درصد) و اغلب تعطیلات (۳۶/۷ درصد) به این الگوی فراغتی می پردازند. کسانی که همسویی متوسط با خانواده را گزارش نموده اند نسبت به گروه قبلی تعداد و درصد کمتری را در برمی گیرند. به طوری که کمی بیش از ۳۹ درصد سالی چند بار و ۳۲/۲ درصد نیز در اغلب تعطیلات به فراغت مدرن با خانواده می پردازند.

#### جدول ۴-۴۴-آزمون معناداری رابطه همسویی با خانواده و فراغت فعال جمعی مدرن با

##### خانواده در فضای واقعی

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau-b	-.۱۰۳	.۰۲۷	-۳٫۸۴۵	.۰۰۰
	Gamma	-.۱۴۳	.۰۳۷	-۳٫۸۴۵	.۰۰۰
N of Valid Cases		۱۰۶۰			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

بررسی رابطه بین الگوهای مختلف گذران فراغت فعال جمعی با خانواده و همسویی با خانواده نشان دهنده وجود رابطه قوی و معنا دار بین این متغیرهاست. به عبارت دیگر، گذران فراغت جمعی فعال با خانواده در الگوهای مختلف در فضای واقعی، رابطه معکوسی با همسویی با خانواده دارد.

#### ۴-۲-۴-۴- فراغت جمعی فعال با دوستان در فضای واقعی

صرف وقت و فراغت با دوستان از جمله الگوهای فراغتی فعال در فضای واقعی است. در بین پاسخگویان این مطالعه گذران فراغت جمعی با دوستان روش فراگیری نمی باشد، به طوری که نزدیک یک سوم یعنی ۳۲/۳ درصد از پاسخگویان اصلاً با دوستان خویش به فراغت جمعی نمی روند. این عدد در کنار نزدیک به ۱۹ درصد از پاسخگویان که به این سؤال جواب ندادند؛ درصد قابل توجهی را تشکیل می دهد که نشان از عدم گذران فراغت جمعی با دوستان در بین نزدیک به نیمی از جامعه آماری است. گرچه بیش از ۳۸ درصد از پاسخگویان سالی چند بار با دوستان به فراغت جمعی می پردازند. در بررسی دقیق تر نشان داده شد برای گذران فراغت فعال جمعی با دوستان در فضای واقعی نیز الگوهای مختلفی مشاهده می شود که نظیر فراغت با خانواده سه الگوی فراغت فعال مذهبی، سنتی و مدرن را می توان در این ارتباط مطرح نمود.

#### ۴-۲-۴-۵- الگوهای مختلف فراغت فعال جمعی با دوستان

الگوهای سه گانه فراغت جمعی (الگوی فراغت سنتی، فراغت مدرن و فراغت مذهبی) که با خانواده احصا شده بود، با همان گویه‌ها برای گذران فراغت (الگوی فراغت مذهبی (شامل رفتن به مسجد برای نماز، و شرکت در مراسم مذهبی)، فراغت سنتی (شامل سفرهای سیاحتی تفریحی، رفتن به پیک نیک، سفرهای زیارتی، دید و بازدید) و فراغت مدرن (رفتن به تئاتر و کنسرت، رفتن به رستوران و سینما، پاساژگردی، ورزش کردن) نیز کاربرد دارد. بیش از یک سوم از پاسخگویان اصلاً فراغت جمعی سنتی فعال را با دوستان نمی گذرانند (۳۴/۱ درصد). این در حالی است که نزدیک به یک سوم از پاسخگویان سالی چند بار به گذران فراغت سنتی با دوستان می پردازند (۳۲/۹ درصد). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی / ۱۲۵

درصد)، کمتر از یک پنجم (۱۷/۷ درصد) اغلب تعطیلات با دوستان به فراغت جمعی سنتی می روند و این درصد برای هر هفته (۰/۲ درصد) و هر ماه (۴ درصد) بسیار کمتر از سایر موارد است. بیش از ۱۱ درصد از پاسخگویان به این سؤال پاسخ نداده اند. جدول زیر پاسخ گویان را بر حسب الگوهای گذران فراغت با دوستان نشان میدهد.

**جدول ۴-۴۵ پاسخگویان بر حسب الگوهای مختلف گذران فراغت فعال جمعی با دوستان در فضای واقعی**

فراغت جمعی فعال مدرن با دوستان		فراغت جمعی فعال مذهبی با دوستان		فراغت جمعی فعال سنتی با دوستان		میزان گذران فراغت جمعی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۳,۷	۴۰۳	۳۷,۷	۴۵۰	۳۴,۱	۴۰۷	اصلا
۲۶,۹	۳۲۱	۲۳,۶	۲۸۲	۳۲,۹	۳۹۳	سالی چند بار
۱۸,۶	۲۲۲	۱۲,۵	۱۴۹	۱۷,۷	۲۱۱	اغلب تعطیلات
۸,۱	۹۷	۷,۴	۸۹	۴,۰	۴۸	هر ماه
۱,۱	۱۳	۹,۵	۱۱۴	۰,۲	۲	هر هفته
۸۸,۴	۱۰۵۶	۹۰,۷	۱۰۸۴	۸۸,۸	۱۰۶۱	مجموع
۱۱,۶	۱۳۹	۹,۳	۱۱۱	۱۱,۲	۱۳۴	بدون پاسخ
۱۰۰,۰	۱۱۹۵	۱۰۰,۰	۱۱۹۵	۱۰۰,۰	۱۱۹۵	جمع کل

گذران فراغت جمعی مذهبی با دوستان در بین پاسخگویان محدود است. مانند فراغت سنتی بیش از یک سوم از پاسخگویان اصلا با دوستانشان به فراغت جمعی مذهبی نمی پردازند (۳۷/۷ درصد). نزدیک به یک چهارم از پاسخگویان اما سالی چند بار با دوستان به فراغت جمعی مذهبی می پردازند (۲۳/۶ درصد)، این درصد در اغلب تعطیلات (۱۲/۵ درصد)، هر ماه (۷/۴ درصد) و هر هفته (۹/۵ درصد) روند کاهشی را نشان می دهد. سومین الگوی فراغت جمعی با دوستان، الگوی فراغت جمعی مدرن است. در این الگوی فراغت جمعی با دوستان می توان مشابتهایی با الگوی فراغت مذهبی با دوستان مشاهده نمود. بدین ترتیب که یک سوم از پاسخگویان اصلا با دوستان خویش به فراغتهای مدرن جمعی نمی پردازند (۳۳/۷ درصد) و کمی بیش از یک چهارم تنها سالی چند بار با دوستان به فراغت مدرن می روند (۱۸/۶ درصد). این الگو برای اغلب تعطیلات توسط کمتر از یک پنجم از پاسخگویان (۱۸/۶ درصد) گزارش شده و در سایر موارد بسیار کم بوده است.

#### ۴-۴-۲-۶- انواع الگوهای فراغت جمعی فعال با دوستان در فضای واقعی و رابطه آن با همسویی با

##### خانواده

بررسی رابطه بین انواع گذران فراغت فعال جمعی با دوستان (شامل فراغت فعال مدرن، فراغت فعال سنتی، و فراغت فعال مذهبی) در فضای واقعی با همسویی با خانواده نشان دهنده فقدان وجود رابطه بین این متغیرهاست. در توضیح بیشتر می توان اظهار داشت که گذران فراغت فعال جمعی با دوستان منجر به همسویی با خانواده در جامعه مورد بررسی نشده است.

#### ۴-۴-۲-۷- فراغت فعال جمعی با خانواده و تعامل با خانواده

بررسی رابطه بین تعامل با خانواده و انواع الگوهای فراغت فعال جمعی با خانواده نشان از وجود رابطه معناداری بین متغیرها می باشد. در توضیح این یافته می توان بیان داشت که گذران فراغت جمعی فعال با خانواده به تعامل بیشتر با خانواده منجر می شود. این یافته بستگی به الگوهای سه گانه گذران فراغت جمعی فعال با خانواده، نداشته و در هر شکل و الگویی اگر فراغت فعال جمعی با خانواده اتفاق بیافتد منجر به تعامل با خانواده خواهد شد.

#### ۴-۵-۱- فراغت منفعل فردی و همسویی و تعامل با خانواده

فراغت منفعل فردی مدرن شامل مشاهده ماهواره، گوش دادن به موسیقی و نیز تماشای فیلم با کامپیوتر و غیره است. این مطالعه نشان می دهد که نزدیک به نیمی از پاسخگویان فاقد فراغت منفعل مدرن هستند. یک سوم از پاسخگویان نیز کمتر از یک ساعت در روز از فراغتهای منفعل مدرن استفاده می کنند. نزدیک به ده درصد (۹/۱ درصد) بین یک تا یک و نیم ساعت به فراغت منفعل فردی مدرن می پردازند. حدود ۸ درصد نیز بیش از این زمان به فراغت منفعل مدرن فردی می پردازند. بدین ترتیب در این مطالعه ۵ شاخص برای سنجش فراغت منفعل فردی در نظر گرفته شده است. کمی بیش از ۳۱ درصد از پاسخگویان کمتر از یک ساعت در روز وقت خود را صرف فراغت منفعل فردی می کنند. بیش از ۲۷ درصد از پاسخگویان نیز بین ۱ تا ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه در روز از این نوع فراغت استفاده می کنند. با توجه به گویه‌های مورد بررسی در فراغت منفعل فردی می توان دو الگوی فراغت منفعل فردی در نظر گرفت. نخست الگوی سنتی که شامل تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو است. این الگو توسط یک سوم از پاسخگویان در روز بین ۱ تا ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه مورد استفاده قرار می گیرد. گرچه ۴۰ درصد از پاسخگویان تا ۲ ساعت ۵۰ دقیقه از این الگوی فراغت منفعل فردی سنتی بهره می برند. جدول زیر به مقایسه الگوی فراغت منفعل فردی (کل، سنتی و مدرن) در بین پاسخگویان پرداخته است:

**جدول ۴-۴۶- مقایسه الگوی کلی فراغت منفعل فردی و الگوهای سنتی و مدرن فراغت منفعل فردی در بین پاسخگویان**

مدت فراغت فردی منفعل (ساعت)	الگوی فراغت منفعل فردی (کل)		منفعل فردی سنتی (تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو)		منفعل فردی مدرن (ماهواره، موسیقی، تماشای فیلم)	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کمتر از ۱ ساعت	۳۷۵	۳۱,۳	۲۱۶	۱۸,۰	۴۰۲	۳۳,۵
۱ تا ۱/۳۰ ساعت	۳۳۳	۲۷,۸	۴۲۰	۳۵,۰	۱۰۹	۹,۱
۱:۳۱ تا ۲:۵۰	۳۳۶	۲۸,۰	۴۸۰	۴۰,۰	۵۰	۴,۲
۳ to ۴ ساعت	۹۲	۷,۷	۶۳	۵,۳	۴۲	۳,۵
۴+ ساعت	۶۲	۵,۲	۲۱	۱,۸	۷	.۶
مجموع	۱۱۹۸	۹۹,۸	۱۲۰۰	۱۰۰,۰	۶۱۰	۵۰,۸
بدون پاسخ	۲	.۲			۵۹۰	۴۹,۲
جمع کل	۱۲۰۰	۱۰۰,۰	۱۲۰۰	۱۰۰,۰	۱۲۰۰	۱۰۰,۰

بررسی رابطه بین الگوی گذران فراغت منفعل فردی سنتی با همسویی و تعامل با خانواده نشان می دهد که این روش گذران فراغت هیچ رابطه با تقویت یا تضعیف روابط بین نسلیها در خانواده ندارد. گرچه الگوهای فراغت منفعل فردی مدرن نیز ارتباطی با همسویی با خانواده نداشته ولی ارتباط ضعیفی بین این الگو و تعامل با خانواده مشاهده شد. در یک نگاه کلی بین گذران فراغت منفعل فردی به طور کلی با همسویی با خانواده و تعامل با خانواده رابطه ای وجود ندارد، جدول زیر نشان می دهد که بین فراغت منفعل فردی مدرن با همسویی با خانواده ارتباطی وجود ندارد ولی بین تعامل با خانواده و گذران فراغت منفعل فردی مدرن ارتباط ضعیفی وجود دارد.

**جدول ۴-۴۷- رابطه فراغت منفعل فردی مدرن و تعامل با خانواده**

مدت زمان فراغت منفعل فردی	منفعل فردی مدرن	تعامل با خانواده				
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
کمتر از ۱ ساعت (۰ تا ۴۵ دقیقه)	تعداد	۱۸	۵۶	۸۸	۱۴۸	۸۷
	درصد	۵۲,۹٪	۶۵,۹٪	۶۴,۷٪	۷۲,۲٪	۶۲,۶٪
۱ تا ۱/۵ ساعت (۹۰ تا ۶۰ دقیقه)	تعداد	۷	۱۸	۳۴	۳۲	۱۶
	درصد	۲۰,۶٪	۲۱,۲٪	۲۵,۰٪	۱۵,۶٪	۱۱,۵٪
۱/۵ تا ۳ ساعت (۱۷۰ تا ۱۰۰ دقیقه)	تعداد	۵	۶	۶	۱۳	۱۸
	درصد	۱۴,۷٪	۷,۱٪	۴,۴٪	۶,۳٪	۱۲,۹٪
۳ تا ۴ ساعت (۲۴۰ تا ۱۸۰ دقیقه)	تعداد	۲	۴	۶	۱۰	۱۸
	درصد	۵,۹٪	۴,۷٪	۴,۴٪	۴,۹٪	۱۲,۹٪
بیش از ۴ ساعت (۲۶۰ دقیقه و بیشتر)	تعداد	۲	۱	۲	۲	۰

۱,۲٪	.۰٪	۱,۰٪	۱,۵٪	۱,۲٪	۵,۹٪	درصد	
۵۹۹	۱۳۹	۲۰۵	۱۳۶	۸۵	۳۴	تعداد	مجموع
۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	درصد	

گذران فراغت منفعل فردی درصد کمی از زمان پاسخگویان را در روز اشتغال می کند. بیش از ۷۲ درصد از پاسخگویانی که دارای تعامل زیاد با خانواده هستند، کمتر از یک ساعت به این الگوی فراغت در روز می پردازند. یک چهارم از پاسخگویانی که بین ۱ تا ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه به فراغت منفعل فردی می پردازند دارای تعامل متوسط با خانواده است. پاسخگویانی که دارای تعامل بیشتری با خانواده است مدت گذران فراغت منفعل فردی کمتری را گزارش نموده اند.

جدول ۴-۴۸- رابطه بین فراغت منفعل فردی مدرن با تعامل با خانواده

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	.۲۵۴			.۰۰۱
	Cramer's V	.۱۲۷			.۰۰۱
Ordinal by Ordinal	Gamma	.۰۰۰	.۰۶۰	-.۰۱۶	.۹۸۸
N of Valid Cases		۵۹۹			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

از منظر بررسی رابطه بین نسلها و الگوهای گذران فراغت بر اساس یافته‌های این مطالعه می توان به این نتیجه رسید که گذران فراغت منفعل آنهم به طور سنتی یعنی تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو هیچ تاثیری بر همسویی و یا تعامل با خانواده ندارد. در واقع این روش و الگوی فراغتی سبب اسنجام و همبستگی بیشتر یا کمتر بین نسلی نخواهد شد. در ارتباط با الگوی مدرن فراغت منفعل، آزمونهای آماری نشان دهنده وجود رابطه هستند که بنظر می رسد رابطه معکوسی بین این الگوی فراغتی و مناسبات نسلی وجود دارد.

#### ۴-۶-۱- فراغت فعال فردی و تعامل و همسویی با خانواده:

در مطالعه حاضر ۴ الگوی از انواع فراغت فعال فردی مورد بررسی قرار گرفته است. همانگونه که پیشتر توضیح داده شد این فراغتهای فعال فردی عبارتند از مطالعه کتاب و روزنامه، انجام بازیهای رایانه ای و استفاده از اینترنت است. در جدول زیر پاسخگویان بر حسب الگوی فراغت فعال فردی نشان داده شده اند.

جدول ۴-۴۹- الگوهای فراغت فعال فردی در بین پاسخگویان

ساعت (دقیقه)	مطالعه روزنامه	مطالعه کتاب	بازیهای کامپیوتری	استفاده از اینترنت
--------------	----------------	-------------	-------------------	--------------------

تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۹۹۹	۸۳,۳	۷۸۴	۶۵,۳	۱۰۱۰	۸۴,۲	۴۶۱	۳۸,۴
۱۶۰	۱۳,۳	۱۹۶	۱۶,۳	۹۸	۸,۲	۱۸۶	۱۵,۵
۲۵	۲,۱	۱۱۰	۹,۲	۴۰	۳,۳	۱۷۴	۱۴,۵
۶	.۵	۵۷	۴,۸	۳۱	۲,۶	۱۵۷	۱۳,۱
۸	.۷	۵۱	۴,۳	۲۰	۱,۷	۲۲۱	۱۸,۴
۱۱۹۸	۹۹,۸	۱۱۹۸	۹۹,۸	۱۱۹۹	۹۹,۹	۱۱۹۹	۹۹,۹
۲	.۲	۲	.۲	۱	.۱	۱	.۱
۱۲۰۰	۱۰۰,۰	۱۲۰۰	۱۰۰,۰	۱۲۰۰	۱۰۰,۰	۱۲۰۰	۱۰۰,۰

یکی از انواع فراغت فردی فعال مطالعه روزنامه است. در کشور ما سرانه مطالعه (و از جمله مطالعه روزنامه) بسیار پایین است. مطالعه حاضر نیز حکایت از آن دارد که مطالعه روز نامه توسط بیش از ۸۳ درصد از پاسخگویان تا حداکثر ۴۵ دقیقه در روز گزارش شده است. ۱۳ درصد هم تا ۹۰ دقیقه در روز روزنامه مطالعه می کنند. می توان اظهار داشت که مطالعه روزنامه در بین پاسخگویان به عنوان یکی از فراغتهای فعال فردی اقبال زیادی ندارد.

از آنجا که درصدی از پاسخگویان را در این مطالعه، دانشجویان و محصلین تشکیل می دادند، میزان و مدت مطالعه کتاب اعلام شده با وضعیت مطالعه روزنامه تفاوتهایی را نشان می دهد. بیش از ۶۵ درصد از پاسخگویان تا ۴۵ دقیقه در روز کتاب مطالعه می کنند. دومین گروه که بین یک تا یک و نیم ساعت در روز به مطالعه کتاب می پردازند، ۱۶/۳ درصد از پاسخگویان را شامل می شوند و کمتر از ۱۰ درصد نیز بین یک و نیم تا ۳ ساعت در روز به مطالعه کتاب می پردازند. از دیگر الگوهای فراغت فردی فعال، بازیهای رایانه ای است. بر اساس اطلاعات کسب شده از پاسخگویان، مدت استفاده از بازیهای رایانه ای در بین پاسخگویان بسیار محدود است و ۸۴/۲ درصد از آنها تا ۴۵ دقیقه در روز به بازیهای رایانه ای می پردازند. کمتر از ده درصد (۸/۲ درصد) از پاسخگویان نیز بین ۱ تا یک و نیم ساعت در روز به بازیهای رایانه ای می پردازند. کمتر از ۸ درصد نیز بیش از یک و نیم ساعت در روز بازی رایانه ای انجام می دهند.

استفاده از اینترنت یکی از انواع گذران فراغت فعال فردی است. این مطالعه نشان می دهد که در بین انواع گذران فراغت فردی فعال، استفاده از اینترنت بیشترین درصد را از نظر مدت استفاده به خود اختصاص داده است. به طوری که ۳۸ درصد از پاسخگویان تا ۴۵ دقیقه در روز را به استفاده از اینترنت اختصاص می دهند. ۱۵/۵ درصد نیز بین ۱ تا ۱ و نیم ساعت اینترنت استفاده می کند. ۱۴/۵ درصد در روز بین ۱ و نیم تا سه ساعت از اینترنت استفاده می کنند. نزدیک به یک سوم از پاسخگویان را می توان کاربران پر مصرف اینترنت دانست که روزی بیش از ۳ ساعت از شبکه جهانی اینترنت استفاده می نمایند. جدول بالا پاسخگویان را برحسب الگوهای فراغتی فعال فردی نشان داده است.

با توجه به اینکه مطالعه روزنامه و کتاب الگویی از یک فراغت فردی فعال سنتی است می توان این شاخص را در بین گروههای مورد بررسی به این ترتیب نشان داد. همانطور که جدول نشان می دهد این الگو اصلا الگوی مورد اقبالی توسط پاسخگویان نمی باشد به طوری بیش از یک سوم از پاسخگویان اصلا از این الگو در فراغت فردی فعال سنتی خویش استفاده نمی کنند نزدیک به نیمی نیز کمتر از یک ساعت در روز این الگو فراغتی را مورد استفاده قرار می دهند.

بررسی رابطه بین گذران فراغت فردی فعال سنتی با تعامل و همسویی با خانواده نشان می دهد هیچ ارتباطی با الگوی فراغت فعال فردی سنتی ندارد.

از آنجا که درصد مطالعه در کشور ما بسیار پایین است، می توان برای فراغت فعال فردی یک شاخص مدرن شامل استفاده از اینترنت و انجام بازیهای کامپیوتری را ساخت. این شاخص نشان می دهد که نزدیک یک چهارم از پاسخگویان اصلا فراغت فعال مدرن ندارند. بیش از یک سوم نیز در روز کمتر از یک ساعت فراغت فعال فردی دارند (۳۷/۶ درصد) و کمتر از یک چهارم از پاسخگویان در روز بین ۱ تا ۱ و نیم ساعت فراغت فعال فردی مدرن دارند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب فراغت فعال فردی مدرن نشان می دهد.

جدول ۴-۵۰- فراغت فعال فردی مدرن (استفاده از اینترنت و بازیهای کامپیوتری)

مدت فراغت فعال فردی مدرن	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
کمتر از ۱ ساعت (۰ تا ۴۵ دقیقه)	۴۵۱	۳۷,۶	۴۹,۹	۴۹,۹
۱ تا ۱/۵ ساعت (۹۰ تا ۶۰ دقیقه)	۲۲۴	۱۸,۷	۲۴,۸	۷۴,۸
۱/۵ تا ۳ ساعت (۱۷۰ تا ۱۰۰ دقیقه)	۱۶۳	۱۳,۶	۱۸,۱	۹۲,۸
۳ تا ۴ ساعت (۲۴۰ تا ۱۸۰ دقیقه)	۳۹	۳,۳	۴,۳	۹۷,۱
بیش از ۴ ساعت (۲۶۰ دقیقه و بیشتر)	۲۶	۲,۲	۲,۹	۱۰۰,۰
مجموع	۹۰۳	۷۵,۳	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۲۹۷	۲۴,۸		
جمع کل	۱۲۰۰	۱۰۰,۰		

بررسی رابطه بین الگوی فراغت فعال فردی مدرن با رابطه نسلی نشان می دهد که بین همسویی با خانواده و تعامل با خانواده و الگوی فراغت فردی مدرن بشدت رابطه وجود دارد. جدول زیر آزمون آماری این رابطه را نشان می دهد:

جدول ۴-۵۱- رابطه بین فراغت فعال فردی مدرن با تعامل با خانواده

Total	تعامل با خانواده				تعداد	درصد
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم		
۴۴۵	۱۰۵	۱۷۴	۹۶	۵۵	۱۵	کمتر از ۱ ساعت
۵۰,۳%	۵۱,۲%	۵۹,۶%	۴۵,۹%	۴۳,۰%	۳۰,۰%	



۲۱۷	۴۶	۶۳	۶۱	۳۳	۱۴	تعداد	۱ تا ۱/۵
۲۴,۵%	۲۲,۴%	۲۱,۶%	۲۹,۲%	۲۵,۸%	۲۸,۰%	درصد	ساعت
۱۵۸	۳۸	۴۲	۳۱	۳۳	۱۴	تعداد	۱/۵ تا ۳
۱۷,۹%	۱۸,۵%	۱۴,۴%	۱۴,۸%	۲۵,۸%	۲۸,۰%	درصد	ساعت
۳۹	۱۱	۷	۱۴	۵	۲	تعداد	۳ تا ۴
۴,۴%	۵,۴%	۲,۴%	۶,۷%	۳,۹%	۴,۰%	درصد	ساعت
۲۵	۵	۶	۷	۲	۵	تعداد	بیش از ۴
۲,۸%	۲,۴%	۲,۱%	۳,۳%	۱,۶%	۱۰,۰%	درصد	ساعت
۸۸۴	۲۰۵	۲۹۲	۲۰۹	۱۲۸	۵۰	تعداد	مجموع
۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	درصد	

جدول بالا نشان می دهد پاسخگویانی که کمتر از ۱ ساعت فراغت فعال فردی مدرن دارند، دارای تعامل زیاد و خیلی زیاد با خانواده هستند. این گروه بیشتر از نیمی از پاسخگویان را تشکیل می دهد. و با افزایش استفاده از این الگوی فراغتی، تعامل با خانواده کاهش می یابد.

#### جدول ۴-۵۲ رابطه فراغت فردی فعال مدرن با تعامل با خانواده

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	.۲۱۷			.۰۰۰
	Cramer's V	.۱۰۹			.۰۰۰
Ordinal by Ordinal	Gamma	-.۱۲۸	.۰۴۱	-۳,۱۱۶	.۰۰۲
N of Valid Cases		۸۸۴			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

جدول بالا رابطه معناداری بین گذران فراغت فعال فردی مدرن را با تعامل با خانواده مورد بررسی قرار داده است. همانگونه که در جدول مشاهده می شود رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. گرچه آزمون گاما رابطه را معکوس نشان داده است یعنی افزایش یکی به کاهش دیگری می انجامد.

#### جدول ۴-۵۳ رابطه بین فراغت فردی فعال مدرن و همسویی با خانواده

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	.۲۴۸			.۰۰۰

Cramer's V	.۱۲۴			.۰۰۰
Ordinal by Ordinal Gamma	.۱۵۴	.۰۴۰	۳,۸۲۰	.۰۰۰
N of Valid Cases	۸۸۶			

- a. Not assuming the null hypothesis.  
b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

**جدول ۴-۵۴- واریانس یکطرفه رابطه بین الگوی فراغت فعال فردی مدرن با تعامل و همسویی با خانواده**

Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares	
.۰۰۰	۶,۳۳۷	۸,۰۳۵	۴	۳۲,۱۴۰	همسویی با خانواده بین گروهی
		۱,۲۶۸	۸۸۱	۱۱۱۷,۰۹۴	درون گروهی
			۸۸۵	۱۱۴۹,۲۳۴	مجموع
.۰۰۷	۳,۵۶۳	۴,۷۳۰	۴	۱۸,۹۲۱	تعامل با خانواده بین گروهی
		۱,۳۲۸	۸۷۹	۱۱۶۶,۹۲۰	درون گروهی
			۸۸۳	۱۱۸۵,۸۴۲	مجموع

با توجه به جداول بالا می توان اظهار داشت که گذران فراغت فعال فردی مدرن بالاخص استفاده از اینترنت بر تعامل و همسویی با خانواده تاثیرگذار است و رابطه موجود بین این متغیرها معنادار می باشد.

**۴-۷- تعامل با خانواده و شبکه‌های اجتماعی مجازی (فراغت فعال جمعی مجازی)**

از عوامل موثر و تاثیرگذار بر تعاملات نسلی میزان استفاده از شبکه‌های مجازی است. این بررسی نشان می دهد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و همسویی با خانواده رابطه ای وجود ندارد ولی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یک فراغت فعال جمعی اما مجازی، با تعامل با خانواده دارای رابطه منفی و ضعیف است و بر آن تاثیر می گذارد. جدول زیر رابطه بین دو متغیر را نشان می دهد:

**جدول ۴-۵۵- رابطه بین تعامل با خانواده و مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی**

مجموع	تعامل با خانواده					مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۲۰۱	۵۰	۷۸	۴۳	۲۴	۶	عدم استفاده
۱۷,۱%	۱۸,۳%	۱۹,۰%	۱۶,۰%	۱۵,۱%	۹,۷%	
۴۱۴	۹۶	۱۶۱	۸۶	۵۵	۱۶	بندرت
۳۵,۳%	۳۵,۲%	۳۹,۲%	۳۲,۱%	۳۴,۶%	۲۵,۸%	

۲۶۲	۶۶	۸۸	۵۶	۳۳	۱۹	یک بار در روز
۲۲,۳%	۲۴,۲%	۲۱,۴%	۲۰,۹%	۲۰,۸%	۳۰,۶%	
۱۶۰	۳۳	۵۳	۴۶	۲۱	۷	سه یا ۴ بار در روز
۱۳,۶%	۱۲,۱%	۱۲,۹%	۱۷,۲%	۱۳,۲%	۱۱,۳%	
۷۵	۱۲	۱۸	۲۳	۱۳	۹	بارها در ساعت
۶,۴%	۴,۴%	۴,۴%	۸,۶%	۸,۲%	۱۴,۵%	
۶۱	۱۶	۱۳	۱۴	۱۳	۵	مرتبا
۵,۲%	۵,۹%	۳,۲%	۵,۲%	۸,۲%	۸,۱%	
۱۱۷۳	۲۷۳	۴۱۱	۲۶۸	۱۵۹	۶۲	مجموع
۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	

جدول بالا رابطه بین تعامل با خانواده و مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی را در بین پاسخگویان نشان می‌دهد. همانگونه که در جدول آمده است، کسانی که دارای تعامل بسیار زیاد با خانواده هستند یا بندرت از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند و یا مدت استفاده آنان از این شبکه‌ها کم است و بالعکس.

جدول ۴-۵۶- رابطه بین مدت استفاده از شبکه‌های مجازی و تعامل با خانواده

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	.۱۷۲			.۰۲۲
	Cramer's V	.۰۸۶			.۰۲۲
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau-b	-.۰۷۷	.۰۲۴	-۳,۱۹۷	.۰۰۱
	Gamma	-.۱۰۱	.۰۳۱	-۳,۱۹۷	.۰۰۱
N of Valid Cases		۱۱۷۳			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

جدول بالا نشان دهنده رابطه بین مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تعامل با خانواده است. بر اساس آزمونهای مختلف آماری که در جدول گزارش شده است بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. بررسی بیشتر جدول حکایت از آن دارد که رابطه معکوسی بین دو متغیر مشاهده شده و افزایش یکی موجب کاهش دیگری می‌گردد. نه تنها مدت استفاده از فراغت فعال جمعی مجازی، بلکه مخاطبان در این شبکه‌ها بر روی افراد تاثیر گذار هستند. این مطالعه نشان می‌دهد که برخی از پاسخگویان (بیش از یک چهارم ۲۶/۳ درصد) یا از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند یا در مورد مخاطبان در این شبکه‌ها اطلاعی نداده‌اند. نکته حائز اهمیت این است در این الگوی فراغت جمعی فعال مجازی بیشترین مخاطبان را اقوام و خویشان تشکیل می‌دهند. و بعد از آنها افراد ناشناس با

۲۳ درصد بیشترین فراوانی را داشته اند. نزدیک به ۲۰ درصد یا یک پنجم از پاسخگویان مخاطبان مختلفی در شبکه‌های اجتماعی مجازی دارند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب مخاطبان در دو شبکه پر مصرف مجازی تلگرام و اینستاگرام نشان می‌دهد.

جدول ۴-۵۷- مخاطبان در شبکه‌های مجازی تلگرام و اینستاگرام

مخاطبان در شبکه‌های مجازی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
اقوام و خویشان	۲۳۲	۱۹,۳	۲۶,۲	۲۶,۲
دوستان و همکاران	۱۷۲	۱۴,۳	۱۹,۵	۴۵,۷
افراد ناشناس	۲۰۴	۱۷,۰	۲۳,۱	۶۸,۸
همه موارد	۱۷۱	۱۴,۳	۱۹,۳	۸۸,۱
دوستان و افراد ناشناس	۳۸	۳,۲	۴,۳	۹۲,۴
دوستان و خانواده	۶۷	۵,۶	۷,۶	۱۰۰,۰
مجموع	۸۸۴	۷۳,۷	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۳۱۶	۲۶,۳		
جمع کل	۱۲۰۰	۱۰۰,۰		

این مطالعه نشان می‌دهد بین مخاطبان شبکه‌های اجتماعی مجازی و همسویی با خانواده و تعامل با خانواده هیچ رابطه‌ای وجود ندارد. در واقع می‌توان اظهار داشت که تعامل در فضای مجازی حتی با افراد خانواده و اقوام به تقویت مناسبات نسلی به طور کلی و همسویی با خانواده و تعامل با خانواده به طور خاص در این مطالعه تاثیری ندارد.

#### ۴-۸- همسویی با خانواده و متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، دوره نسلی، تحصیلات و طبقه اجتماعی

همانگونه که بیان شد، به منظور بررسی همسویی با خانواده ۳ گویه انتخاب شده است که همسویی نظرات در بین نسلها، تاکید بر رفتارهای سنتی و همسرگزینی را شامل شده است. بررسی رابطه بین همسویی با خانواده با برخی از متغیرها نشان می‌دهد که در کل جامعه آماری هیچ رابطه‌ای بین همسویی با خانواده و متغیرهای دوره نسلی، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی مشاهده نمی‌شود.

#### ۴-۹-۱- تعامل با خانواده و رابطه آن با جنسیت

بررسی رابطه بین جنسیت و تعامل با خانواده از وجود رابطه قوی بین دو متغیر خبر می‌دهد به طوری که زنان بیش از مردان در تعامل با خانواده هستند. به طوری که ۶۳ درصد از زنان زیاد و خیلی زیاد با خانواده تعامل می‌کنند.

کنند و این درصد در مردان به کمی بیش از نیمی از آنان می رسد. جداول زیر نشان می دهند گرچه بین دو متغیر رابطه وجود دارد ولی این رابطه دارای شدت زیادی نمی باشد.

جدول ۴-۵۸- رابطه بین تعامل با خانواده و جنسیت

Total	جنسیت		تعامل با خانواده
	مرد	زن	
۶۲	۴۹	۱۳	تعداد
۵,۳%	۷,۲%	۲,۷%	درصد
۱۵۹	۹۶	۶۳	تعداد
۱۳,۶%	۱۴,۱%	۱۲,۹%	درصد
۲۶۷	۱۶۳	۱۰۴	تعداد
۲۲,۸%	۲۳,۹%	۲۱,۳%	درصد
۴۱۰	۲۱۹	۱۹۱	تعداد
۳۵,۰%	۳۲,۱%	۳۹,۱%	درصد
۲۷۳	۱۵۶	۱۱۷	تعداد
۲۳,۳%	۲۲,۸%	۲۴,۰%	درصد
۱۱۷۱	۶۸۳	۴۸۸	تعداد
۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	درصد

بطوری که در جدول بالا مشاهده می شود، زنان بیشتر از مردان دارای تعامل زیاد و خیلی زیاد با خانواده هستند. نزدیک به یک پنجم از زنان (۲۴ درصد) تعامل با خانواده را خیلی زیاد گزارش کرده اند و می توان اظهار داشت که ۶۳ درصد از زنان دارای تعامل زیاد و بسیار زیاد با خانواده هستند در حالی که کمی بیش از نیمی از مردان (۵۸/۳ درصد) این وضعیت را گزارش کرده اند.

جدول ۴-۵۹- رابطه تعامل با خانواده و جنسیت

Approx. Sig.	Approx. T <sup>b</sup>	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Value	
.۰۰۳			.۱۱۸	Phi Nominal by Nominal
.۰۰۳			.۱۱۸	Cramer's V
.۰۱۱	-۲,۵۵۷	.۰۲۶	-.۰۶۷	Kendall's tau-b Ordinal by Ordinal
.۰۱۱	-۲,۵۵۷	.۰۳۲	-.۰۸۱	Kendall's tau-c
.۰۱۱	-۲,۵۵۷	.۰۴۳	-.۱۱۱	Gamma
			۱۱۷۱	N of Valid Cases

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

#### ۴-۹-۲- تعامل با خانواده و دوره نسلی

از دیگر متغیرهای مورد بررسی در ارتباط با تعامل با خانواده، متغیر دوره نسلی است. این مطالعه نشان می دهد که بین تعامل با خانواده و دوره نسلی رابطه قوی وجود دارد. نکته حائز اهمیت این است که میانسالان و پس از آنان

سالمندان بیشتر از جوانان به تعامل با خانواده می پردازند. در حالی که کمی بیش از نیمی از جوانان تعامل با خانواده را زیاد و خیلی زیاد گزارش کرده اند، نزدیک به ۶۵ درصد از میانسان این تعامل را زیاد و خیلی زیاد گزارش نمودند و حدود ۶۴ درصد از سالمندان تعامل با خانواده را زیاد و خیلی زیاد گزارش کرده اند. از سوی دیگر نزدیک یک چهارم از جوانان تعامل خود را با خانواده کم و خیلی کم اعلام نموده اند.

جدول ۴-۶۰- رابطه بین دوره نسلی و تعامل با خانواده

مجموع	دوره نسلی				
	سالمندان	میانسالان	جوانان		
۵۶	۲	۲۰	۳۴	تعداد	خیلی کم
۵,۰٪	۴,۵٪	۳,۴٪	۷,۰٪	درصد	
۱۵۱	۵	۶۱	۸۵	تعداد	کم
۱۳,۶٪	۱۱,۴٪	۱۰,۵٪	۱۷,۵٪	درصد	
۲۵۲	۹	۱۲۵	۱۱۸	تعداد	متوسط
۲۲,۶٪	۲۰,۵٪	۲۱,۴٪	۲۴,۲٪	درصد	
۳۹۱	۱۵	۲۳۵	۱۴۱	تعداد	زیاد
۳۵,۱٪	۳۴,۱٪	۴۰,۳٪	۲۹,۰٪	درصد	
۲۶۴	۱۳	۱۴۲	۱۰۹	تعداد	خیلی زیاد
۲۳,۷٪	۲۹,۵٪	۲۴,۴٪	۲۲,۴٪	درصد	
۱۱۱۴	۴۴	۵۸۳	۴۸۷	تعداد	مجموع
۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	درصد	

آزمون آماری کای اسکوئر دوره نسلی و تعامل با خانواده نشان از وجود رابطه قوی بین دو متغیر است. همانگونه که در جدول بالا نیز مشاهده شد دوره‌های مختلف نسلی میزان تعامل متفاوتی با خانواده دارند و متغیر دوره نسلی عاملی تاثیرگذار بر تعامل بین نسلها است.

جدول ۴-۶۱- آزمون کای اسکوئر دوره نسلی و تعامل با خانواده

	Value	df	Asymp. Sig. (۲-sided)
Pearson Chi-Square	۲۸,۲۷۴ <sup>a</sup>	۸	.۰۰۰
Likelihood Ratio	۲۸,۲۳۳	۸	.۰۰۰
Linear-by-Linear Association	۱۶,۴۸۷	۱	.۰۰۰
N of Valid Cases	۱۱۱۴		

a. ۱ cells (۶,۷٪) have expected count less than ۵. The minimum expected count is ۲,۲۱.

نه تنها آزمون کای اسکوئر بلکه آزمون کرامر وی و گاما و کندال بی نیز نشان از وجود رابطه بین دو متغیر دارند. در توضیح بیشتر می توان اظهار داشت که با تعامل با خانواده در بین سالمندان و میانسالان بیش از جوانان است.

جدول ۴-۶۲- رابطه تعامل با خانواده و دوره نسلی

	Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.

Nominal by Nominal	Phi	.۱۰۹			.۰۰۰
	Cramer's V	.۱۱۳			.۰۰۰
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau-b	.۱۰۶	.۰۲۷	۳,۹۰۳	.۰۰۰
	Gamma	.۱۶۶	.۰۴۲	۳,۹۰۳	.۰۰۰
N of Valid Cases		۱۱۱۴			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

#### ۴-۹-۳- تعامل با خانواده و سطح تحصیلات

از دیگر متغیرهای مورد بررسی، رابطه سطح تحصیلات با وضعیت گرایش به خانواده است. این آزمون آماری نشان می دهد که بین سطح تحصیلات و تعامل با خانواده به تفکیک استان هیچ رابطه ای وجود ندارد.

#### ۴-۹-۴- تعامل با خانواده و طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی از متغیرهای تاثیر گذار بر تعامل با خانواده است. این مطالعه نشان می دهد که بین تعامل در خانواده و طبقه اجتماعی به تفکیک استانهای با سطوح متفاوت توسعه رابطه وجود نداشته ولی به طور کلی در جامعه مورد بررسی بدون توجه به سطح توسعه یافتگی استان، نشان از وجود رابطه ای با شدت کم دارد.

#### جدول ۴-۶۳- پاسخگویان بر حسب تعامل با خانواده و طبقه اجتماعی

مجموع	طبقه اجتماعی					تعامل با خانواده
	پایین	متوسط پایین	متوسط	متوسط بالا	بالا	
خیلی کم	۸	۱۱	۳۱	۸	۴	۶۲
	۱۰,۰%	۴,۶%	۴,۷%	۴,۵%	۲۶,۷%	۵,۳%
کم	۱۳	۳۹	۸۵	۱۷	۲	۱۵۶
	۱۶,۳%	۱۶,۵%	۱۲,۹%	۹,۷%	۱۳,۳%	۱۳,۴%
متوسط	۱۷	۵۵	۱۴۷	۴۴	۳	۲۶۶
	۲۱,۳%	۲۳,۲%	۲۲,۴%	۲۵,۰%	۲۰,۰%	۲۲,۸%
زیاد	۲۹	۹۶	۲۲۵	۵۴	۵	۴۰۹
	۳۶,۳%	۴۰,۵%	۳۴,۲%	۳۰,۷%	۳۳,۳%	۳۵,۱%
خیلی زیاد	۱۳	۳۶	۱۶۹	۵۳	۱	۲۷۲
	۱۶,۳%	۱۵,۲%	۲۵,۷%	۳۰,۱%	۶,۷%	۲۳,۳%
مجموع	۸۰	۲۳۷	۶۵۷	۱۷۶	۱۵	۱۱۶۵
	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%

همانگونه که در جدول نشان داده شده است بیشترین تعامل با خانواده توسط پاسخگویان متعلق به طبقه متوسط گزارش شده است نزدیک ۶۰ درصد از آنان تعامل با خانواده را زیاد و بسیار زیاد اعلام داشته اند پس از این گروه، پاسخگویان متعلق به طبقه متوسط پایین تعامل بیشتری با خانواده (زیاد و بسیار زیاد) را گزارش شده است (۵۵/۷٪). پس از آنان پاسخگویان متعلق به طبقه پایین با فاصله ای کم (۵۲/۶٪) این در حالی است که نزدیک

۴۰ درصد از طبقات بالا این وضعیت را اعلام داشته اند. می توان نتیجه گرفت که در بین طبقات متوسط و متوسط پایین تعامل با خانواده بیش از سایر طبقات اجتماعی است.

یکی از یافته‌های ارزشمند این مطالعه احصا رابطه بین تعامل با خانواده و طبقه اجتماعی است. بررسی آزمونهای آماری در جدول زیر نشان می دهد که بین طبقه اجتماعی و تعامل با خانواده رابطه وجود دارد. در واقع طبقات متوسط به پایین اجتماعی تعامل بیشتری با اعضای خود در خانواده دارند. و اگر این یافته را در کنار یافته حاصل از سطح توسعه یافتگی استان قرار دهیم می توانیم نتیجه بگیریم که توسعه یافتگی و وضعیت اقتصادی اجتماعی (طبقه اجتماعی) با تعامل با خانواده در رابطه است و هر چه این دو متغیر به سمت بالا (افزایش سطح توسعه یافتگی و ارتقا طبقه اجتماعی) حرکت کنند، تعامل با خانواده کاهش می یابد و برعکس در استانهای در حال توسعه و در بین طبقات اجتماعی پایین تر تعامل بین نسلیها بیشتر می باشد.

جدول ۴-۶۴- رابطه بین طبقه اجتماعی و تعامل با خانواده

Approx. Sig.	Approx. T <sup>b</sup>	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Value	
.۰۰۱			.۱۸۵	Phi Nominal by Nominal
.۰۰۱			.۰۹۳	Cramer's V
.۰۰۶	۲,۷۴۷	.۰۲۵	.۰۶۹	Kendall's tau-b Ordinal by Ordinal
.۰۰۶	۲,۷۴۷	.۰۲۱	.۰۵۸	Kendall's tau-c
.۰۰۶	۲,۷۴۷	.۰۳۷	.۱۰۱	Gamma
			۱۱۶۵	N of Valid Cases

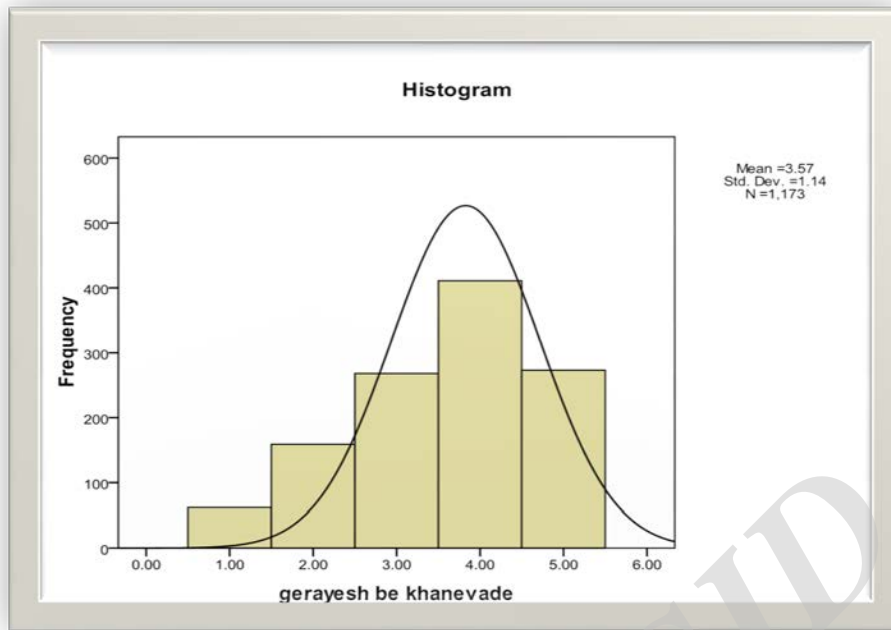
a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

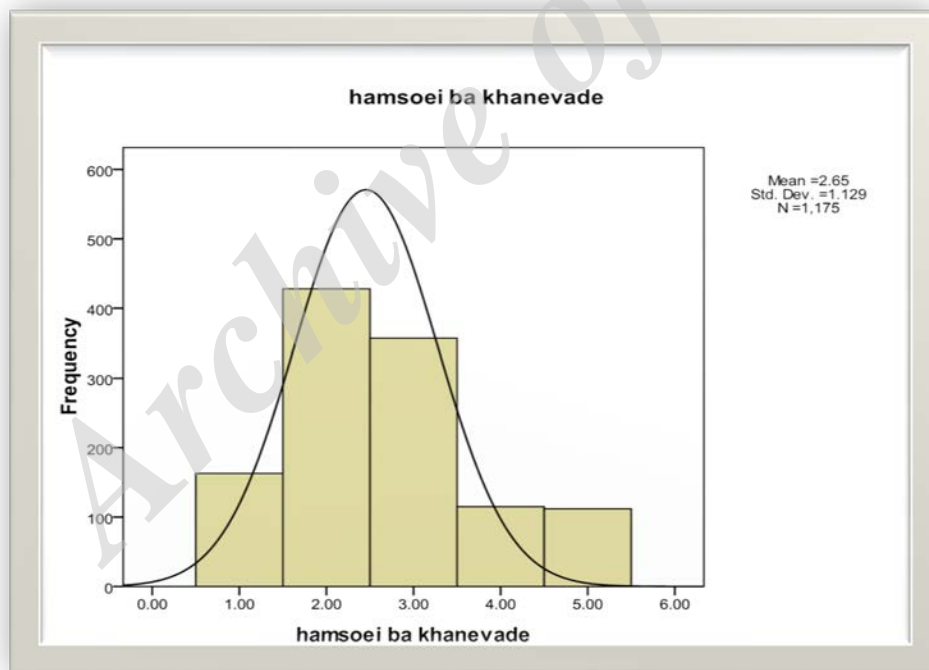
#### ۴-۱۰- مقایسه همسویی با خانواده و تعامل با خانواده

مقایسه دو نمودار همسویی با خانواده و تعامل به خانواده نشان میدهد که پاسخگویان گرچه همسو با خانواده‌های خویش نمی باشند ولی تعامل زیادی را با یکدیگر دارند. این یکی از مهمترین یافته‌های این پژوهش بوده و روند تغییر بین نسلی را نشان می دهد.





نمودار ۴-۴- تعامل با خانواده



نمودار ۴-۵- همسویی با خانواده

با توجه به سایر یافته‌های این مطالعه که به بررسی فراغت و الگوهای مختلف آن پرداخت می‌توان اظهار داشت که در بین الگوهای فراغتی، فراغت فعال جمعی در فضای واقعی بشدت تقویت کننده همسویی با خانواده و همچنین

تعامل با خانواده است، این بررسی نشان می دهد که مجموع فراغت فعال جمعی در فضای مجازی ارتباطی با تعامل و همسویی با خانواده ندارد.

**جدول ۴-۶۵- رگرسیون همسویی با خانواده و فراغت فعال واقعی و مجازی**

Sig.	F	Mean Square	Df	Sum of Squares	
.۰۰۰	۹,۶۳۵	۴,۵۵۰	۴	۱۸,۲۰۲	فراغت فعال واقعی با
		.۴۷۲	۹۷۷	۴۶۱,۴۱۶	خانواده
			۹۸۱	۴۷۹,۶۱۸	مجموع
.۲۳۸	۱,۳۸۱	.۷۸۳	۴	۳,۱۳۴	فراغت فعال مجازی با
		.۵۶۷	۹۷۷	۵۵۴,۱۲۲	خانواده
			۹۸۱	۵۵۷,۲۵۶	مجموع

همسویی با خانواده با دو متغیر فراغت فعال با خانواده در فضای واقعی و در فضای مجازی مورد بررسی قرار گرفت. همانگونه که در آزمون آماری جدول بالا آمده است، فراغت فعال جمعی با خانواده در فضای واقعی با همسویی با خانواده در رابطه است این در حالی است که حتی اگر افراد فراغت مجازی خود را با اعضای خانواده بگذرانند، همسویی با خانواده تقویت و یا ایجاد نمی شود.

**جدول ۴-۶۶- رگرسیون رابطه فراغت فعال جمعی و تعامل با خانواده**

Sig.	F	Mean Square	Df	Sum of Squares	
.۰۰۰	۱۸,۴۸۶	۸,۳۹۱	۴	۳۳,۵۶۳	فراغت فعال واقعی با
		.۴۵۴	۹۷۳	۴۴۱,۶۳۷	خانواده
			۹۷۷	۴۷۵,۱۹۹	مجموع
.۶۳۷	.۶۳۶	.۳۶۲	۴	۱,۴۴۸	فراغت فعال مجازی با
		.۵۶۹	۹۷۳	۵۵۳,۶۶۸	خانواده
			۹۷۷	۵۵۵,۱۱۷	مجموع

جدول بالا به بررسی رابطه بین تعامل با خانواده و گذران فراغت فعال جمعی با خانواده در فضای واقعی و فضای مجازی پرداخته است. این جدول نشان می دهد که گذران فراغت فعال جمعی یکی از عوامل مقوم تعامل با خانواده است و این الگوی فراغتی به تقویت تعامل با خانواده می انجامد. در مقابل حتی اگر افراد در فضای مجازی با اعضای خانواده خویش به تعامل بپردازند، این امر موجب تقویت تعامل با خانواده نمی شود. بنابر این باید نتیجه گرفت که گذران فراغت مجازی جمعی به تقویت روابط نسلی در بین جامعه آماری مورد بررسی نشده است.

#### ۴-۱۱- الگوهای گذران فراغت به تفکیک نسلیها:

بنظر می رسد که نسلهای مختلف فعال در سپهر اجتماعی الگوهای متفاوتی در گذران فراغت دارند. این ویژگی برگرفته از دوره نسلی (و زندگی) آنان و سایر متغیرهای مرتبط و حتی دسترسی به امکانات است. در ادامه مقایسه

الگوهای فراغت فعال جمعی با خانواده و دوستان، فراغت منفعل فردی و فراغت فعال جمعی مجازی به تفکیک نسلیها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۴-۱۱-۱- دوره های نسلی و الگوی فراغت فعال جمعی در فضای واقعی:

بررسی الگوی گذران فراغت جمعی با خانواده به تفکیک دوره های نسلی حکایت از آن دارد که همه نسلهای فعال در جامعه به فراغت جمعی با خانواده می‌پردازند. گذران فراغت با خانواده به صورت جمعی توسط همه گروههای نسلی گزارش شده است و هیچ ارتباطی بین این الگوی فراغت جمعی و دوره نسلی مشاهده نشد. در واقع بر مبنای بررسی های پیشین و توضیحات پیش گفته بدون توجه به دوره نسلی، همه پاسخگویان سالی چند بار یا اغلب تعطیلات را به گذران فراغت جمعی با خانواده می‌گذرانند. این الگو بدون توجه به دوره نسلی بین ۸۰ تا ۸۹ درصد از فراغت جمعی فعال پاسخگویان را تشکیل می‌دهد که در اغلب تعطیلات و سالی چند بار از آن استفاده می‌کنند. جدول زیر دوره های مختلف نسلی را بر حسب گذران فراغت با خانواده نشان می‌دهد.

مجموع	دوره نسلی			تعداد	اصلا	فراغت فعال جمعی با خانواده
	سالمدان	میانسالان	جوانان			
۷۵	۶	۲۸	۴۱	تعداد		
۷,۹٪	۱۴,۳٪	۵,۷٪	۹,۹٪	درصد		
۴۳۷	۱۹	۲۲۶	۱۹۲	تعداد	سالی چند بار	
۴۶,۳٪	۴۵,۲٪	۴۶,۴٪	۴۶,۳٪	درصد		
۳۹۳	۱۵	۲۱۲	۱۶۶	تعداد	اغلب تعطیلات	
۴۱,۶٪	۳۵,۷٪	۴۳,۵٪	۴۰,۰٪	درصد		
۳۸	۲	۲۱	۱۵	تعداد	هر ماه	
۴,۰٪	۴,۸٪	۴,۳٪	۳,۶٪	درصد		
۱	۰	۰	۱	تعداد	هر هفته	
۰,۱٪	۰,۰٪	۰,۰٪	۰,۲٪	درصد		
۹۴۴	۴۲	۴۸۷	۴۱۵	تعداد	جمع کل	
۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	درصد		

بررسی رابطه بین دوره نسلی و گذران فراغت جمعی با خانواده هیچ رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. بنابر این می‌توان تاکید نموده برای همه گروههای نسلی، خانواده به عنوان مهمترین بستر و همراه برای گذران فراغت فعال جمعی در فضای واقعی مطرح است و این یافته حکایت از اهمیت خانواده و نقش کوچکترین واحد اجتماعی در الگوی سبک زندگی ایرانیان دارد. همچنین بررسی رابطه بین دوره نسلی و گذران فراغت جمعی با دوستان حکایت از آن دارد که رابطه معنادار و ضعیفی بین دو متغیر مشاهده نشد. این در حالی است که در بین گروههای جوان پاسخگو درصد گذران فراغت با دوستان بیشتر از سایر گروهها بود و همچنین سالمندان نیز تا حدی بیش از میانسالان با دوستان در ارتباط هستند، در کل رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد.

۴-۱۱-۲- دوره های نسلی و الگوی فراغت منفعل فردی:

بررسی رابطه دوره نسلی و گذران فراغت منفعل فردی نشان از این دارد که گروههای نسلی الگوهای متفاوتی را در گذران فراغت فردی منفعل مورد استفاده قرار می دهند. در حالی که بیش از نیمی از پاسخگویان در کمتر از یک ساعت در روز به استفاده از این الگو و بالاخص تماشای تلویزیون و تماشای ماهواره از جمله فراغتهای منفعل فردی بوده اند.

جدول ۴-۶۸ دوره نسلی و فراغت منفعل فردی						
مجموع	دوره نسلی			تعداد	کمتر از ۱ ساعت (۰ تا ۴۵ دقیقه)	فراغت منفعل فردی
	سالمندان	میانسالان	جوانان			
۴۱۴	۲۴	۲۵۶	۱۳۴	تعداد	تا ۱/۵ ساعت (۰ تا ۹۰ تا ۶۰ دقیقه)	
۷۱,۶%	۷۷,۴%	۷۸,۵%	۶۰,۶%	درصد		
۱۲۴	۵	۵۵	۶۴	تعداد	۱/۵ تا ۳ ساعت (۱۷۰ تا ۱۰۰ دقیقه)	
۲۱,۵%	۱۶,۱%	۱۶,۹%	۲۹,۰%	درصد		
۳۳	۲	۱۳	۱۸	تعداد	۳ تا ۴ ساعت (۲۴۰ تا ۱۸۰ دقیقه)	
۵,۷%	۶,۵%	۴,۰%	۸,۱%	درصد		
۴	۰	۱	۳	تعداد	بیش از ۴ ساعت (۲۶۰ دقیقه و بیشتر)	
۰,۷%	۰,۰%	۰,۳%	۱,۴%	درصد		
۳	۰	۱	۲	تعداد	مجموع	
۰,۵%	۰,۰%	۰,۳%	۰,۹%	درصد		
۵۷۸	۳۱	۳۲۶	۲۲۱	تعداد		
۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	درصد		
Pearson Chi-Square			۰,۰۰۴,	df ۸		

بررسی آزمون معناداری رابطه بین دوره نسلی و گذران فراغت منفعل فردی حکایت از وجود رابطه معنادار بین دو متغیر دارد. این جدول نشان می دهد که دوره نسلی موجب افزایش یا کاهش گذران فراغت منفعل فردی در بین پاسخگویان می گردد.

جدول ۴-۶۹ آزمون معناداری رابطه بین دوره نسلی و فراغت منفعل فردی

		Value	Asymptotic Standardized Error <sup>a</sup>	Approximate T <sup>b</sup>	Approximate Significance
Nominal by Nominal	Phi	.۱۹۹			.۰۰۴
	Cramer's V	.۱۴۱			.۰۰۴
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau-b	-.۱۷۶	.۰۴۰	-۴,۳۴۷	.۰۰۰
	Gamma	-.۳۴۸	.۰۷۵	-۴,۳۴۷	.۰۰۰
N of Valid Cases		۵۷۸			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

#### ۴-۱۱-۳- دوره نسلی و فراغت فعال جمعی مجازی

بر مبنای مطالب پیش گفته دو شبکه اجتماعی مجازی تلگرام اینستاگرام از پر استفاده ترین شبکه های مجازی در بین شبکه های مجازی اعلام شده توسط پاسخگویان است. در اینجا به بررسی میزان استفاده از این شبکه ها به تفکیک دوره های نسلی پرداخته شده است. بررسی رابطه بین دوره نسلی و استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از شاخص های گذران فراغت مجازی نشان می دهد که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که نزدیک به نیمی از سالمندان از شبکه های اجتماعی استفاده نمی کنند (۴۷/۸ درصد) این تعداد از پاسخگویان یعنی کسانی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده نمی کنند، در گروه نسلی میانسالان به کمی بیش از یک پنجم رسیده (۲۰/۲ درصد) و در بین گروه نسلی جوان تنها کمی بیش از ده درصد از شبکه های اجتماعی استفاده نمی کنند. می توان مشاهده کرد که با کاهش سن در بین پاسخگویان، میزان استفاده از فضای مجازی و فراغت مجازی فعال جمعی افزایش می یابد و بالعکس. در حالی که نزدیک به یک چهارم از جوانان یک بار در روز از شبکه های اجتماعی استفاده می کنند و کمی بیش از ۱۰ درصد نیز در این دوره نسلی (جوانان) گزارش نموده اند که بارها در روز از شبکه های مجازی استفاده می کنند. بررسی رابطه بین دو متغیر دوره نسلی و استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی به شدت در آزمونهای مختلف آماری معنادار است. در واقع می توان اظهار داشت که فراغت جمعی فعال در فضای مجازی یکی از الگوهای گذران فراغت پرطرفدار در بین جوانان و تا حدی میانسالان است ولی این الگو در بین سالمندان کمتر با اقبال مواجه شده است. بدین ترتیب می توان تفاوت گذران فراغت مجازی را در بین نسلها مشاهده نمود.

جدول ۴-۷۰ رابطه دوره نسلی و مدت استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی							
مجموع	دوره نسلی			تعداد	درصد		
	سالمندان	میانسالان	جوانان				
۱۹۴	۲۲	۱۱۹	۵۳	تعداد	عدم استفاده	گذران فراغت مجازی	
۱۷,۱٪	۴۷,۸٪	۲۰,۲٪	۱۰,۷٪	درصد			
۳۹۹	۱۶	۲۳۱	۱۵۲	تعداد	بندرت		
۳۵,۲٪	۳۴,۸٪	۳۹,۲٪	۳۰,۶٪	درصد			
۲۵۴	۷	۱۲۴	۱۲۳	تعداد	یکبار در روز		
۲۲,۴٪	۱۵,۲٪	۲۱,۰٪	۲۴,۷٪	درصد			
۱۵۵	۱	۷۴	۸۰	تعداد	سه یا ۴ بار در روز		
۱۳,۷٪	۲,۲٪	۱۲,۵٪	۱۶,۱٪	درصد			
۷۲	۰	۲۰	۵۲	تعداد	بارها در روز		
۶,۴٪	۰,۰٪	۳,۴٪	۱۰,۵٪	درصد			
۵۹	۰	۲۲	۳۷	تعداد	مرتبا		
۵,۲٪	۰,۰٪	۳,۷٪	۷,۴٪	درصد			
۱۱۳۳	۴۶	۵۹۰	۴۹۷	تعداد	مجموع		
۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	درصد			
Pearson Chi-Square .۰۰۰ , df ۱۰							

بررسی رابطه بین دوره نسلی و گذران فراغت فعال جمعی در فضای مجازی نشان می دهد که متغیرهای مورد بررسی به شدت با یکدیگر دارای رابطه هستند. این مطالعه حکایت از آن دارد که بین دوره نسلی و گذران فراغت فعال جمعی در فضای مجازی رابطه وجود دارد. بررسی دقیق تر حکایت از آن دارد که جوانان در درجه نخست و میانسالان پس از آنها بیشتر از سالمندان از شبکه های اجتماعی مجازی به عنوان بستری برای گذران فراغت فعال جمعی بهره می برند.

جدول ۴-۷۱ آزمون معناداری رابطه دوره نسلی و مدت استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی

		Value	Asymptotic Standardized Error <sup>a</sup>	Approximate T <sup>b</sup>	Approximate Significance
Nominal by Nominal	Phi	.۲۸۲			.۰۰۰
	Cramer's V	.۱۹۹			.۰۰۰
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau-b	-.۲۲۲	.۰۲۵	-۸,۷۷۶	.۰۰۰
	Gamma	-.۳۴۳	.۰۳۷	-۸,۷۷۶	.۰۰۰
N of Valid Cases		۱۱۳۳			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

#### ۴-۱۱-۴- دوره نسلی و مخاطبان در شبکه های اجتماعی مجازی

بر مبنای مطالب پیش گفته، پاسخگویان در شبکه های اجتماعی مجازی با افراد مختلفی در ارتباط هستند. بررسی رابطه بین دوره نسلی و مخاطبان در شبکه های اجتماعی مجازی نشان می دهد که درصد قابل توجهی از جوانان مخاطبان خود را در شبکه های اجتماعی مجازی اظهار ننموده اند (۳۹/۸ درصد) این در حالی است که درصدی از آنان از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده نمی کنند ولی گروهی هم که از این شبکه ها استفاده می کنند نیز مخاطبان خود را گزارش ننموده اند. در ارتباط با میانسالان نیز نزدیک به ۴۳ درصد مخاطبان خویش را اظهار ننموده اند و سالمندان هم بیش از ۴۵ درصد مخاطبان خود را در شبکه های اجتماعی مجازی اظهار ننموده اند. در مورد سالمندان ذکر این نکته ضروری است که همین درصد یا درصد نزدیک به این عدد اصلا از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده نمی کنند. بررسی دقیق جدول حکایت از آن دارد که اعضای خانواده بیشترین مخاطبان را در شبکه های اجتماعی مجازی تشکیل می دهند. این مخاطبان (اعضای خانواده) بیشترین مخاطبان در بین جوانان بوده اند و تقریباً یک سوم از مخاطبان جوانان اعضای خانواده آنان در شبکه های مجازی هستند. در بین سالمندان نیز، اعضای خانواده به عنوان بیشترین مخاطبان با ۳۰ درصد گزارش شده اند و در بین میانسالان نیز اعضای خانواده با کمی بیش از یک چهارم مخاطبان آنان را در فضای مجازی تشکیل می دهند. دوستان و همکاران نیز گروه بعدی هستند که در فضای مجازی توسط گروههای مختلف نسلی با آنان تعامل می شود. یافته های این مطالعه حکایت از آن دارد که تعامل با این گروه از مخاطبان توسط میانسالان در فضای مجازی بیشتر از سایر گروههای نسلی گزارش شده است (۱۵/۴ درصد). پس از آنان بیش از ده درصد از جوانان تعامل با دوستان و همکاران را در شبکه های مجازی گزارش کرده اند و دوستان و همکاران را به عنوان مخاطبان خود در شبکه های

مجازی اعلام داشته اند. افراد ناشناس دیگر مخاطبانی هستند که در شبکه های اجتماعی مجازی با آنان به تعامل پرداخته شده و مخاطب این تعامل هستند. سالمندان بیش از سایر گروههای نسلی افراد ناشناس را مخاطب خود در شبکه های اجتماعی اعلام داشته اند (۱۳ درصد). با توجه به جدول زیر می توان اظهار داشت با کاهش سن میزان تعامل با افراد ناشناس به عنوان مخاطب کاهش می یابد. به طوری که جوانان کمترین میزان تعامل را با مخاطبان ناشناس در فضای مجازی اظهار داشته اند (۱۰/۳ درصد). گروههای ترکیبی مخاطبان نیز نظیر دوستان و همکاران و اعضای خانواده و یا دوستان/ همکاران و افراد ناشناس هم از مواردی بوده که اغلب توسط جوانان و میانسالان گزارش شده است. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب مخاطبان نشان می دهد. آزمونهای آماری نشان دهنده فقدان رابطه معنادار بین دوره نسلی و مخاطبان در شبکه های اجتماعی مجازی است.

جدول ۴-۷۲- رابطه بین دوره نسلی و مخاطبان در شبکه های اجتماعی مجازی						
مجموع	دوره نسلی			تعداد	اظهار نشده	مخاطبان در شبکه های اجتماعی مجازی
	سالمندان	میانسالان	جوانان			
۴۷۲	۲۱	۲۵۳	۱۹۸	تعداد		
۴۱,۷%	۴۵,۷%	۴۲,۹%	۳۹,۸%	درصد		
۳۳۸	۱۴	۱۵۶	۱۶۸	تعداد	اعضای خانواده	
۲۹,۸%	۳۰,۴%	۲۶,۴%	۳۳,۸%	درصد		
۱۵۰	۴	۹۱	۵۵	تعداد	دوستان/ همکاران	
۱۳,۲%	۸,۷%	۱۵,۴%	۱۱,۱%	درصد		
۱۲۴	۶	۶۷	۵۱	تعداد	افراد ناشناس	
۱۰,۹%	۱۳,۰%	۱۱,۴%	۱۰,۳%	درصد		
۴۰	۱	۱۷	۲۲	تعداد	همه موارد	
۳,۵%	۲,۲%	۲,۹%	۴,۴%	درصد		
۳	۰	۲	۱	تعداد	دوستان/ همکاران و اعضای خانواده	
۰,۳%	۰,۰%	۰,۳%	۰,۲%	درصد		
۶	۰	۴	۲	تعداد	دوستان/ همکاران و افراد ناشناس	
۰,۵%	۰,۰%	۰,۷%	۰,۴%	درصد		
۱۱۳۳	۴۶	۵۹۰	۴۹۷	تعداد	مجموع	
۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	۱۰۰,۰%	درصد		

#### ۴-۱۱-۵- تصویری از تفاوت نسلها در الگوهای گذران فراغت:

چگونگی گذران فراغت به عنوان یکی از شاخص های سبک زندگی نشان از روند تغییر در الگوی سبک زندگی نسلهای فعال در عرصه اجتماعی دارد. این مطالعه نشان می دهد که گروههای مختلف نسلی دارای ذائقه های متفاوت در گذران فراغت هستند. گرچه در برخی از الگوهای فراغتی شباهتهایی بین نسلها مشاهده می شود ولی این یکسانی در همه الگوهای فراغتی مورد بررسی مشاهده نگردیده است. آنچه در جداول ادامه آمده است بررسی رابطه بین دوره نسلی و الگوهای مختلف گذران در بین پاسخگویان در جامعه آماری این مطالعه است.

جدول ۴-۷۳- رابطه بین دوره نسلی و الگوهای مختلف گذران فراغت

Maximum	Minimum	90% Confidence Interval for Mean		Std. Error	Std. Deviation	Mean	N		
		Upper Bound	Lower Bound						
۵,۰۰	۱,۰۰	۳,۲۱۰۸	۲,۹۹۶۵	.۰۵۴۵۱	۱,۱۱۰۵۰	۳,۱۰۳۶	۴۱۵	جوانان	فراغت فعال جمعی با خانواده
۵,۰۰	۱,۰۰	۳,۳۵۷۹	۳,۱۶۷۷	.۰۴۸۴۰	۱,۰۶۸۰۱	۳,۲۶۲۸	۴۸۷	میانسالان	
۵,۰۰	۱,۰۰	۳,۵۶۱۵	۲,۷۷۱۸	.۱۹۵۵۳	۱,۲۶۷۱۶	۳,۱۶۶۷	۴۲	سالمندان	
۵,۰۰	۱,۰۰	۳,۲۵۸۷	۳,۱۱۸۴	.۰۳۵۷۳	۱,۰۹۷۷۸	۳,۱۸۸۶	۹۴۴	مجموع	
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۶۵۱۰	۲,۴۰۷۲	.۰۶۲۰۱	۱,۲۲۲۴۰	۲,۵۲۹۱	۳۹۵	جوانان	فراغت فعال جمعی با دوستان
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۲۰۶۴	۲,۰۰۱۳	.۰۵۲۲۱	۱,۰۵۶۷۹	۲,۱۰۳۹	۴۹۱	میانسالان	
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۶۲۱۹	۱,۸۱۷۱	.۱۹۹۱۲	۱,۲۷۴۹۹	۲,۲۱۹۵	۴۱	سالمندان	
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۳۶۸۳	۲,۲۱۲۱	.۰۳۹۷۹	۱,۲۱۱۴۲	۲,۲۹۰۲	۹۲۷	مجموع	
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۷۸۹۷	۲,۵۸۶۶	.۰۵۱۶۹	۱,۰۵۲۳۶	۲,۶۸۸۱	۴۹۷	جوانان	فراغت منفعل فردی سنتی
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۴۸۵۲	۲,۳۰۴۶	.۰۴۵۹۹	۱,۱۱۷۰۷	۲,۳۹۴۹	۵۹۰	میانسالان	
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۹۵۴۴	۲,۱۷۶۰	.۱۹۳۲۵	۱,۳۱۰۶۸	۲,۵۶۵۲	۴۶	سالمندان	
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۵۹۷۴	۲,۴۶۳۵	.۰۳۴۱۳	۱,۱۴۸۹۰	۲,۵۳۰۵	۱۱۳۳	مجموع	
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۲۹۱۰	۲,۰۸۹۶	.۰۵۱۲۷	۱,۱۳۹۴۸	۲,۱۹۰۳	۴۹۴	جوانان	فراغت منفعل فردی مدرن
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۱۶۲۲	۱,۹۸۰۱	.۰۴۶۳۶	۱,۰۲۶۱۷	۲,۰۷۱۲	۵۹۰	میانسالان	
۴,۰۰	۱,۰۰	۲,۱۷۹۸	۱,۶۰۲۹	.۱۴۳۲۱	.۹۷۱۳۳	۱,۸۹۱۳	۴۶	سالمندان	
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۱۸۱۸	۲,۰۰۰۱	.۰۳۳۵۵	۱,۱۲۷۷۲	۲,۱۱۵۹	۱۱۳۰	مجموع	
۵,۰۰	۱,۰۰	۳,۴۴۲۱	۳,۲۳۴۰	.۰۵۲۹۵	۱,۱۸۰۵۰	۳,۳۳۸۰	۴۹۷	جوانان	فراغت مجازی جمعی
۵,۰۰	۱,۰۰	۲,۹۲۰۳	۲,۷۲۰۳	.۰۵۰۹۲	۱,۲۲۶۷۸	۲,۸۲۰۳	۵۹۰	میانسالان	
۴,۰۰	۱,۰۰	۲,۳۶۸۵	۱,۷۱۸۴	.۱۶۱۳۸	۱,۰۹۴۵۶	۲,۰۴۳۵	۴۶	سالمندان	
۵,۰۰	۱,۰۰	۳,۰۸۸۶	۲,۹۴۳۱	.۰۳۷۰۸	۱,۲۴۸۲۲	۳,۰۱۵۹	۱۱۳۳	مجموع	

بررسی دقیق جدول زیر نشان می دهد بین دوره نسلی و گذران فراغت جمعی فعال در فضای واقعی هیچ رابطه ای مشاهده نمی شود. میانگینهای گذران فراغت در بین دوره های مختلف نسلی بسیار به یکدیگر نزدیک است (جدول بالا). در تحلیل این یافته آماری می توان اظهار داشت که نسلهای مختلف علاقه مند به گذران فراغت فعال جمعی با خانواده هستند این نشان از اهمیت خانواده در جامعه متحول امروز ایران دارد. با توجه به سایر یافته ها در این مطالعه می توان اظهار داشت گذران فراغت فعال جمعی با خانواده می تواند عامل تقویت تعامل بین نسلها باشد و لازم است در برنامه ریزیهای فراغتی این مهم را مد نظر قرار داد.

از دیگر الگوهای فراغت جمعی در فضای واقعی، گذران فراغت با دوستان است، جدول زیر حکایت از معناداری بین دو متغیر دارد. نگاهی به میانگینهای موجود در جدول بالا نشان می دهد که جوانان بیشترین فراغت جمعی را با دوستان تجربه می کنند و پس از آنها سالمندان نیز روابط محدودی با دوستان در گذران فراغت جمعی فعال دارند. در مطالعه حاضر فراغت منفعل فردی به دو الگوی فراغت منفعل فردی سنتی و فراغت منفعل فردی مدرن بوده است. بررسی ها بین فراغت منفعل فردی سنتی و دوره نسلی رابطه نشان داده در حالی که بین فراغت منفعل



فردی مدرن و دوره نسلی رابطه ای مشاهده نشده است. فراغت منفعل فردی سنتی که شامل تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو است و دوره نسلی رابطه معنادار وجود دارد. بررسی دقیقتر میانگین این الگوی فراغتی در جدول بالا نشان می دهد که جوانان و سالمندان از این الگوی فراغتی بیشتر استفاده می کنند در حالی که میانسالان کمتر از آن بهره می برند. بین فراغت منفعل فردی مدرن و دوره نسلی رابطه بسیار ضعیف یا دقیق تر فاقد رابطه است. بررسی میانگینهای موجود در جدول بالا نشان می دهد که با افزایش سن میزان این الگوی فراغتی در بین جامعه آماری کاهش می یابد.

و نهایتاً این بررسی نشان می دهد که بین دوره نسلی و گذران فراغت فعال جمعی در فضای مجازی بشدت رابطه وجود دارد. بررسی میانگینهای جدول بالا حکایت از آن دارد که با کاهش سن، استفاده از فراغت مجازی افزایش می یابد. بدین ترتیب که جوانان بیشترین استفاده کنندگان از فراغت مجازی هستند و با فاصله کمی از آنان میانسالان قرار دارند و سالمندان کمترین استفاده کنندگان از فراغت مجازی هستند.

جدول ۴-۷۴- آزمون واریانس یکطرفه رابطه بین دوره نسلی و الگوهای مختلف گذران فراغت

Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares		
.۰۹۴	۲,۳۷۲	۲,۸۵۱	۲	۵,۷۰۱	بین گرهی	فراغت فعال جمعی با خانواده
		۱,۲۰۲	۹۴۱	۱۱۳۰,۷۳۵	درون گروهی	
			۹۴۳	۱۱۳۶,۴۳۶	مجموع	
.۰۰۰	۱۳,۹۳۹	۱۹,۸۹۹	۲	۳۹,۷۹۸	بین گرهی	فراغت فعال جمعی با دوستان
		۱,۴۲۸	۹۲۴	۱۳۱۹,۱۴۲	درون گروهی	
			۹۲۶	۱۳۰۸,۹۴۱	مجموع	
.۰۰۰	۸,۹۳۱	۱۱,۶۲۵	۲	۲۳,۲۵۰	بین گرهی	فراغت منفعل فردی سنتی
		۱,۳۰۲	۱۱۳۰	۱۴۷۰,۹۴۹	درون گروهی	
			۱۱۳۲	۱۴۹۴,۱۹۹	مجموع	
.۰۸۶	۲,۴۵۷	۳,۱۱۷	۲	۶,۲۳۳	بین گرهی	فراغت منفعل فردی مدرن
		۱,۲۶۸	۱۱۲۷	۱۴۲۹,۵۸۰	درون گروهی	
			۱۱۲۹	۱۴۳۵,۸۱۳	مجموع	
.۰۰۰	۴۰,۳۷۷	۵۸,۸۱۷	۲	۱۱۷,۶۳۴	بین گرهی	فراغت فعال جمعی مجازی
		۱,۴۵۷	۱۱۳۰	۱۶۴۶,۰۸۰	درون گروهی	
			۱۱۳۲	۱۷۶۳,۷۱۴	مجموع	

#### ۴-۱۱-۶- الگوی گذران اوقات فراغت به تفکیک نسل:

یکی از مهمترین نتایج بررسی حاضر ترسیم الگوی گذران فراغت به تفکیک نسلهاست. این مطالعه ابعاد مختلف گذران فراغت و رابطه آن را با تقویت تعامل نسلی مورد رصد قرار داد ولی سؤال اصلی بررسی این است که سه نظر مورد مطالعه فراغت خود را چگونه می گذرانند. با توجه به توضیحات ارائه شده در قسمت ۴-۱۱ و با تاکید به جداول ۴-۷۳ و ۴-۷۴ می توان اظهار داشت بجز فراغت فعال جمعی با خانواده که همه نسلها به آن می پردازند و تفاوت بین نسلی در این الگو مشاهده نمی شود. سالمندان کمترین فراغت مجازی (۲ از ۵)، کمترین فراغت منفعل

فردی مدرن (۱/۸۹ از ۵)، حد متوسط فراغت فردی منفعل سنتی (۲/۵ از ۵) و حد متوسط فراغت فعال جمعی با دوستان (۲/۲۱ از ۵). به عبارت دیگر سالمندان گروه نسلی هستند که بیشتر تمایل به گذران فراغت جمعی با خانواده دارند، آنها گاهی با دوستان نیز به فراغت فعال جمعی می پردازند بیشتر از دیگران به تماشای تلویزیون می پردازند و کمتر به موسیقی گوش می دهند (یا به بازیهای کامپیوتری یا تماشای فیلم می پردازند)، و کمتر از همه گروههای نسلی به تعامل و گذران فراغت در فضای مجازی می پردازند.

میانسالان گروه نسلی دیگری هستند که کمترین میزان تعامل با دوستان را دارند (۲/۱۰ از ۵) کمترین میزان تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو را تجربه می کنند (۲/۳۹ از ۵)، اما به موسیقی و تماشای فیلم و بازی علاقه مند هستند (۲/۰۷ از ۵) و در فضای مجازی به تعامل می پردازند (۲/۸۲ از ۵). بنابر این میانسالان در کنار فراغت فعال جمعی با خانواده کمتر به فراغت با دوستان می پردازند یا به تماشای تلویزیون می پردازند در اینجا به نظر می رسد الگوی فراغتی میانسالان تا حدی متفاوت از سالمندان است زیرا آنان به فراغتهای منفعل فردی مدرن و فراغت مجازی تا حدی ورود پیدا کرده و از آنها استفاده می کنند. کاهش تماشای تلویزیون و معاشرت با دوستان بنظر می رسد به دلیل ایفای نقشهای چندگانه آنها در عرصه عمل اجتماعی و خانواده باشد. که این یافته با بسیاری از مطالعات پیشین همسو است.

جوانان به عنوان نسل نو گرا در کنار فراغت فعال جمعی با خانواده به فراغت فعال جمعی با دوستان نیز اهتمام می روزند (۲/۵ از ۵) که این ویژگی دوره نسلی آنان نیز هست. همچنین از بینندگان پرمصرف رسانه تلویزیون هستند (۲/۶۸ از ۵) و نیز به گوش دادن به موسیقی و تماشای فیلم و بازیهای رایانه ای هم علاقه مند هستند (۲/۱۹ از ۵) این گروه نسلی به عنوان گروه نو آور و پذیرندگان تغییر از پرمصرف ترین گروهها در فراغت مجازی هستند (۳/۳۳ از ۵). نگاه دقیق تر به الگوی فراغتی جوانان حکایت از وجود الگوی مدرن و متفاوت با نسل میانسال است. از آنجا که فراغت زمانی برای یادگیری و انتقال ارزشها و هنجارهاست، تغییر الگوهای گذران فراغت در بین جوانان می تواند نشان از زمینه های ایجاد تغییرات ارزشی و رفتاری در بین این آینده سازان باشد.

#### ۴-۱۲- زیرساختهای فراغتی

در طی سالهای اخیر توجه به ایجاد زیر ساختهای فراغتی به عنوان بستری برای گذران فراغت فعال در فضای شهری بیشتر شده است. بنظر می رسد که در دسترس بودن زیر ساختهای فراغتی به عنوان بسترهای فراغت جمعی در شهر، احتمال استفاده از آنها را بیشتر می نماید گرچه این مطالعه نشان می دهد وجود این چنین زیر ساختهایی الزاما به استفاده افراد از این زیر ساختها منجر نشده و عوامل دیگری نیز در این زمینه ایفای نقش می کنند. در بررسی زیرساختهای فراغتی موارد مختلفی مورد رصد قرار گرفت. سعی شد که ابتدا از وجود یا عدم وجود چنین زیرساختهایی در حریم مسکونی پاسخگویان مطلع شده و سپس عوامل، میزان و علل استفاده یا عدم استفاده از آنها احصا نماییم گویههایی نظیر «علاقه شخصی»، «هزینه»، «فرصت برای استفاده» در این ارتباط بررسی شده اند. بسترهای فراغتی نظیر پارکها و فضاهای سبز، کلاسهای ورزشی، کلاسهای هنری/ آموزشی، کلاسهای قران یا جلسات مذهبی و نیز وجود سینما/ تئاتر در نزدیکی محل سکونت پاسخگویان با استفاده از طیف لیکرت، از موارد

مورد بررسی بوده اند. این موارد در سه حوزه مذکور مورد رصد قرار گرفت. جدول زیر اطلاعات بررسی شده در ارتباط با زیر ساختهای فراغتی را نشان می دهد:

بر مبنای داده های حاصل از این بررسی، بیش از ۱۲ درصد از پاسخگویان در حریم زندگی خویش تمامی موارد مورد بررسی را داشته اند (پارکها و فضای سبز، کلاسهای ورزشی، کلاسهای هنری/ آموزشی، کلاسهای قران یا جلسات مذهبی و نیز وجود سینما/ تئاتر). ۳۴/۶ درصد نیز بیشتر امکانات مذکور را در نزدیکی محل زندگی خویش گزارش نموده اند. این در حالی است که کمتر از ۴۰ درصد (۳۸/۳ درصد) از پاسخگویان فقط برخی از امکانات در حریم مسکونی خود را دارا بوده اند. و ده درصد باقی مانده نیز اصلا این امکانات و زیر ساختهای فراغتی را در نزدیکی خویش گزارش نکرده اند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب وضعیت زیر ساختهای فراغتی در حریم مسکونی آنان نشان می دهد:

**جدول ۴-۷۵- زیرساختهای فراغتی در حریم مسکونی پاسخگویان**

وضعیت زیر ساختهای فراغتی در نزدیکی محل سکونت	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
وجود همه امکانات	۱۴۷	۱۲,۳	۱۳,۰	۱۳,۰
وجود بیشتر امکانات	۴۱۴	۳۴,۶	۳۶,۵	۴۹,۵
وجود برخی از امکانات	۴۵۸	۳۸,۳	۴۰,۴	۸۹,۹
عدم وجود امکانات	۱۱۵	۹,۶	۱۰,۱	۱۰۰,۰
مجموع	۱۱۳۴	۹۴,۹	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۶۱	۵,۱		
جمع کل	۱۱۹۵	۱۰۰,۰		

در حالی که بیش از ۸۰ درصد از پاسخگویان به نوعی در حریم مسکونی خویش دارای زیر ساختهای فراغتی هستند، اما همه آنان از این امکانات استفاده نمی کنند. عوامل مختلفی در این رابطه ایفای نقش می کنند. این مطالعه نشان می دهد که هزینه بیشترین عامل تاثیرگذار برای استفاده از امکانات مذکور است به طوری که نزدیک به نیمی از پاسخگویان این عامل را مطرح نموده اند (۴۳/۳ درصد). در رتبه دوم عوامل موثر بر استفاده از این امکانات علاقه شخصی با ۲۷/۵ درصد قرار دارد. بدین ترتیب بیش از یک چهارم پاسخگویان به این مهم اشاره داشته اند. عامل دیگر تاثیرگذار بر استفاده از امکانات و زیر ساختهای موجود، زمان است نزدیک به یک چهارم از پاسخگویان (۲۴ درصد) به عامل زمان برای استفاده اشاره نموده اند. جدول زیر عوامل موثر بر استفاده از زیر ساختهای فراغتی موجود در حریم زندگی پاسخگویان را نشان می دهد:

### جدول ۴-۷۶- پاسخگویان بر حسب عوامل موثر بر استفاده از زیر ساختهای

#### فراغتی در حریم مسکونی

عوامل موثر بر استفاده از زیرساختهای فراغتی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
علاقه شخصی	۳۲۹	۲۷,۵	۲۹,۰	۲۹,۰
هزینه	۵۱۷	۴۳,۳	۴۵,۶	۷۴,۶
فرصت برای استفاده	۲۸۸	۲۴,۱	۲۵,۴	۱۰۰,۰
مجموع	۱۱۳۴	۹۴,۹	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۶۱	۵,۱		
جمع کل	۱۱۹۵	۱۰۰,۰		

میزان استفاده از زیر ساختهای فراغتی موضوع مورد بررسی دیگری بوده است. بر اساس اطلاعات احصا شده از پاسخگویان، بیش از ۱۳ درصد از پاسخگویان اصلا از این امکانات استفاده نمی کنند (۱۳/۶ درصد). نزدیک به یک چهارم از آنها به طور متوسط از زیر ساختهای فراغتی مورد بررسی در حریم مسکونی خویش استفاده می کنند. و بیش از ۴۰ درصد نیز استفاده خویش را کم (۴۳/۹ درصد) گزارش کرده اند. جدول زیر پاسخگویان را بر حسب میزان استفاده از زیر ساختهای فراغتی در حریم زندگی نشان می دهد. بر مبنای این جدول می توان نتیجه گرفت که تنها وجود زیر ساختهای فراغتی عامل استفاده از آنان نیست بلکه عوامل دیگری نیز در میزان استفاده از این امکانات تاثیرگذارند. در جمع بندی این قسمت می توان اظهار داشت که استفاده از امکانات و زیر ساختهای فراغتی در حریم مسکونی افراد به وضعیت اقتصادی آنها در درجه نخست و سپس علایق شخصی افراد بستگی دارد همچنین سایر عوامل فردی نیز در این رابطه تاثیرگذارند. داشتن زمان آزاد برای گذران فراغت از مهمترین این عوامل محسوب می شود کسانی که وقت آزاد کمتری دارند، احتمال استفاده آنان از این چنین امکاناتی کمتر است. بنابر این یافته می توان در احداث زیر ساختهای فراغتی به بافت جمعیتی و دوره های نسلی موجود در آن عنایت بیشتری داشت تا بتوان بهترین استفاده را از منابع نمود.

### جدول ۴-۷۷- پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از زیرساختهای

#### فراغتی موجود در حریم مسکونی آنها

میزان استفاده	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمیعی
اصلا	۱۶۲	۱۳,۶	۱۵,۷	۱۵,۷
کم	۵۲۵	۴۳,۹	۵۱,۰	۶۶,۸
متوسط	۲۹۱	۲۴,۴	۲۸,۳	۹۵,۰
زیاد	۴۳	۳,۶	۴,۲	۹۹,۲
بسیار زیاد	۸	.۷	.۸	۱۰۰,۰
مجموع	۱۰۲۹	۸۶,۱	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۱۶۶	۱۳,۹		

	۱۰۰,۰	۱۱۹۵	جمع کل
--	-------	------	--------

#### ۴-۱۲- جمع بندی

مطالعه حاضر متغیرهای مختلفی در ارتباط با الگوی گذران فراغت را با همسویی با خانواده و تعامل با خانواده مورد رصد قرار داد. این مطالعه نشان داد که سطح توسعه یافتگی استان با تعامل با خانواده در ارتباط است و هر چه استانها به سمت توسعه و پیشرفت نیل نمایند به همان نسبت تعامل با خانواده در بین آنها کاهش می یابد. به بیان دیگر در بین استانهای محروم و کمتر توسعه یافته تعامل با خانواده بیشتر است. همچنین مطالعه نشان داد که یکی از عوامل تاثیرگذار بر تعامل با خانواده، طبقه اجتماعی است که با صعود به طبقات بالاتر، تعامل و همسویی با خانواده کاهش می یابد و بالعکس.

بر اساس مطالب پیش گفته فراغت فعال جمعی در فضای واقعی با دو الگوی فراغت با خانواده و فراغت با دوستان مورد بررسی قرار گرفت. مطالعه نشان می دهد که همچنان خانواده به عنوان مهمترین همراه برای گذران فراغت در بین جامعه ایرانی حائز اهمیت است. و پاسخگویان گذران فراغت با خانواده را بر گذران فراغت با دوستان ترجیح می دادند. گرچه رابطه ای بین این دو متغیر بر حسب دوره زندگی مشاهده شد و جوانان بیشتر تمایل به گذران فراغت با دوستان دارند. مطالعه نشان می دهد که گذران فراغت فعال جمعی در فضای واقعی موجب تقویت تعامل نسلی می گردد.

یکی از الگوهای گذران اوقات فراغت، «فراغت فردی فعال» است. این الگوی فراغتی را می توان شامل برخی از انواع فراغت فعال فردی در فضای واقعی و نیز فراغت فعال فردی در فضای مجازی می شوند که متغیرهای مورد بررسی شامل «مطالعه کتاب، مطالعه روزنامه، بازی های رایانه ای، و استفاده از اینترنت» است. بررسی رابطه گذران فراغت فعال فردی با همسویی با خانواده و نیز تعامل با خانواده نشان می دهد که بین این نوع فراغت و مناسبات نسلی هیچ رابطه ای مشاهده نمی شود. از آنجا که میزان و مدت مطالعه در کشور ما بسیار کم است، این نوع فراغت فعال فردی سنتی را از فراغت فعال فردی مدرن که شامل بازی های رایانه ای و استفاده از اینترنت است، به عنوان شاخص فراغت فعال فردی مدرن تفکیک گردید. این شاخص نشان می دهد که نزدیک یک چهارم از پاسخگویان اصلا فراغت فعال مدرن ندارند. بیش از یک سوم نیز در روز کمتر از یک ساعت فراغت فعال فردی دارند (۳۷/۶ درصد) و کمتر از یک چهارم از پاسخگویان در روز بین ۱ تا ۱ و نیم ساعت فراغت فعال فردی مدرن دارند. بررسی رابطه بین الگوی فراغت فعال فردی مدرن با رابطه نسلی نشان می دهد که بین همسویی با خانواده و تعامل با خانواده و الگوی فراغت فردی مدرن شدت رابطه وجود دارد.

گذران فراغت فردی به صورت منفعل از الگوهای فراغت فردی است. اشکالی که برای گذران فراغت به صورت منفعل مورد بررسی قرار گرفته اند عبارتند از: «مشاهده تلویزیون، مشاهده ماهواره، مشاهده فیلم، گوش دادن به موسیقی، گوش دادن به رادیو». این مطالعه نشان می دهد که هیچ ارتباطی بین گذران اوقات فراغت به صورت

فردی منفعل و وضعیت تعاملات بین نسلی مشاهده نشد. این بررسی همچنین به تفکیک سطح توسعه یافتگی استانها و الگوی فراغت منفعل فردی انجام شد ولی نشاندهنده هیچ نوع ارتباطی نبود. همانند فراغت فعال فردی در فضای واقعی، برای فراغت منفعل فردی در فضای واقعی دو شاخص فراغت منفعل فردی سنتی (شامل تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو) و فراغت منفعل فردی مدرن (شامل تماشای ماهواره، گوش دادن به موسیقی، و تماشای فیلم با کامپیوتر و غیره) ساخته شد.

بررسی رابطه بین الگوی گذران فراغت منفعل فردی سنتی با همسویی و گرایش به خانواده نشان می دهد که این روش گذران فراغت هیچ رابطه با تقویت یا تضعیف روابط بین نسلها در خانواده ندارد. بنابر این سعی کردیم که سایر الگوهای فراغت منفعل فردی را مورد رصد قرار دهید و یک الگوی دیگر با عنوان فراغت منفعل فردی مدرن ساخته شد.

بنظر می رسد بین گذران فراغت منفعل فردی با تعامل نسلی رابطه وجود داشته باشد. بررسی دقیق تر رابطه این متغیرها نشان می دهد که بین فراغت منفعل فردی مدرن با همسویی با خانواده ارتباطی وجود ندارد ولی بین تعامل با خانواده و گذران فراغت منفعل فردی مدرن ارتباط وجود دارد.

## فصل پنجم

### جمع بندی و نتیجه گیری

Archive of SID

## ۵-۱- مقدمه:

توجه به وضعیت مناسبات نسلی در نزدیک به دو دهه اخیر به دلیل شتاب تغییرات اجتماعی و ارتباطی، افزایش یافته است. محققین بر این باورند تغییرات زیادی در سطوح مختلف ارزشی و حتی رفتاری در گروه‌های مختلف نسلی رخ داد است. برخی به تغییرات نه تنها در نسل جوان، بلکه در سایر نسلها نیز اشاره دارند و معتقدند که والدین و سایر همسالان آنان نیز تحت تاثیر فرایند جامعه پذیری مجدد قرار گرفته اند، به باور آنان «موارد بسیاری از زیر پا گذاشتن هنجارها توسط نوجوانان امروز مشاهده می گرد. این نقض هنجارها و ارزشهای جامعه، اگر یکی دو دهه پیش اتفاق می افتاد، نه تنها والدین بلکه سایر افراد جامعه نیز نسبت به آن واکنش شدید نشان می دادند. اما با گسترش فرد گرایی، امروزه به نظر می رسد هم والدین و هم جامعه به تدریج در حال تسلیم شدن در برابر خواسته‌های جوانان هستند. گویی که جامعه دیگر قدرت استیلای سابق خود بر افراد را ندارد و فرد در برابر جامعه قدرت بیشتری یافته است. در حالی که در گذشته این جامعه بود که جهت رفتارهای فرد را با تبعیت از هنجارها و ارزشها تعیین می نمود، در دنیای امروز به ویژه در مورد جوانان ملاحظه می شود که چنین نیست. جوانان برای نادیده گرفتن هنجارهای مسلط جامعه حتی از سوی والدین خود نیز مواخذه نمی شوند (سرایبی و سوادیان، ۱۳۹۰: ۷). تمامی این موارد نشاندهنده تغییر در همه نسلهای فعال در سپهر اجتماعی جامعه امروز ایران است. فقدان وجود واکنشهای شدید به رفتارهای هنجار شکن جوانان از سوی میانسالان و سالمندان نشان از جامعه پذیری مجدد نسلهای پیشین دارد، و این مهم تاکید کننده نظریه وضعیت پیشا تمثیلی مید است.

عوامل متکثری توسط محققین در ارتباط با تغییر در تعاملات بین نسلها احصا شده است. یکی از این عوامل که به عنوان شاخص سبک زندگی نیز مطرح می شود؛ چگونگی گذران اوقات فراغت است. اوقات فراغت بعنوان یکی از شاخصهای سبک زندگی، از ویژگیهای جامعه مدرن است که با کار و فعالیت ارتباط تنگاتنگی دارد. یادگیری در این زمان به دلیل انتخابی و آزادانه بودن بیشتر اتفاق می افتد. می توان گفت که افراد، و به ویژه جوانان، در تجدد متاخر، نحوه گذران اوقات فراغتشان را به منزله بخشی از منابع فرهنگی لازم برای جریان پیوسته هویت خود به کار می برند؛ به گونه ای که، نحوه گذران اوقات فراغت بخشی از معانی ذهنی و عینی افراد در بازتابهای بیرونی شده است (ساروخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۷). الگوهای مختلفی را می توان برای گذران فراغت مطرح نمود. در یک نگاه کلان فراغت را می توان به دو قسمت اصلی فراغت فعال و فراغت منفعل دسته بندی کرد. که هر یک می تواند فردی یا جمعی باشد بنابر این با ۴ الگوی فراغتی مواجه هستیم. در این مطالعه تلاش شده که به بررسی رابطه الگوی گذران فراغت و وضعیت مناسبات نسلی در جامعه مورد بررسی پرداخته شود. از آنجا که بر اساس مطالعات انجام شده سطح توسعه یافتگی هم بر تعاملات بین نسلها و هم بر الگوی گذران فراغت تاثیرگذار است، این مطالعه نیز در استانهایی با سطوح توسعه یافتگی مختلف (توسعه یافته، در حال توسعه و محروم) انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه شهروندان ۱۵ تا ۶۵ سال که در این استانها سکونت داشته اند، تشکیل می دهد. فراغت فعال جمعی در فضای واقعی، فراغت فعال جمعی در فضای مجازی، فراغت منفعل فردی، فراغت فعال فردی از



الگوهای فراغتی مورد رصد بوده و در ارتباط با سنجش وضعیت مناسبات نسلی از دو شاخص همسویی با خانواده (که بیشتر به حوزه ارزشها مربوط می شود) و تعامل با خانواده (که عموماً به بعد رفتاری می پردازد) بهره گرفته شده است.

## ۵-۲- مرور چارچوب نظری:

نظریه پردازان عوامل مختلفی را برای تحول در ارتباطات بین نسلهای فعال در سپهر اجتماعی مطرح نموده اند. مید بر این باور است که تحولات بین نسلی پیامد تغییرات اجتماعی سریع و ایجاد دگرگونی‌های بسیار شدید می باشد. وضعیت مذکور به این دلیل است که الگوی رفتاری نسل پیشین برای جامعه جدید کاربرد دقیقی نداشته و لازم است که نسل پیشین در این الگو بازنگری انجام دهد. بدین ترتیب در وضعیتی که در جامعه دگرگونی‌های بسیار شدیدی روی می دهد طوری که نسل قبل ناچار می شود برای تداوم حیات خود، ارزشها و هنجارهای قدیمی خود را بر اساس فرهنگ نسل بعد اصلاح کند و دست به اجتماعی شدن مجدد بزند. نسل جدید نیز الگوی مشخصی ندارد و باید وارد دنیایی مبهم و نا معلوم شود. نمونه‌هایی از چنین وضعیتی در سایر جوامع گزارش شده است. مید ادعا می کند که فاصله نسلی بین دو نسل قبل و بعد از جنگ جهانی دوم از این نوع است، چرا که نسلهای قبل هیچیک این همه تغییر را تجربه نکرده بود (پناهی ۱۳۸۳). در واقع فقدان وجود تجربیات کافی برای مواجهه با وضعیت جدید را می توان علت ایجاد شکاف و تغییرات نسلی دانست. «مید علت ایجاد شکاف نسلی را ناشی از تغییرات اجتماعی وسیع و عمیقی می داند که در دنیا اتفاق افتاده است و دنیا را وارد مرحله جدیدی از رشد و تحول نموده است، زیرا چنین تغییراتی، فرایند مداوم و آرام انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر را دچار وقفه و مشکل می کند و بین دو نسل اختلاف تجربه و فرهنگ ایجاد می نماید» (ربانی، محمدی زاده یزد، ۱۳۹۱: ۷۱). این نظریه در مورد وضعیت جامعه امروز ایران که در دهه‌های اخیر تحولات قابل توجهی را تجربه نموده، صادق است.

مانهایم به عنوان شارح نسل اجتماعی تاریخی- در مقابل نسل بیولوژیک- به نفوذ حوادث و تجربیات اجتماعی سیاسی دوره جوانی بر تمایز ایدئولوژیک و در تعیین ساختار ذهنی، فرهنگ و رفتار بعدی اعضای یک نسل تاکید داشت. «مانهایم معتقد است که نسل موجودیتی اجتماعی است، نه یک ضرورت بیولوژیکی. پیدایش نسل اجتماعی با تغییرات اجتماعی و سرعت آن مرتبط است و در وضعیتی که تغییرات کند و کمیاب باشد یک نسل مجزای جدید ظاهر نمی شود، بلکه این وضعیت در پی حوادث بسیار و سریع رخ می دهد. چنان چه یک گروه نسلی بر حسب آگاهی تاریخی- اجتماعی خود متمایز شوند، می توان از یک نسل جدید صحبت کرد» (احمدی و احیایی، ۱۳۹۲: ۷ به نقل از نیازی، ۱۳۸۶).

در این راستا، وی مشخصاً به تغییرات فرهنگی اشاره نموده و آنرا عامل ایجاد تغییر در بین نسلها می داند. او بر این باور است همیشه نسل‌های جدید آغازگر خود آگاهی ریشه ای و متمایز از نسلهای پیشین نیستند، بلکه برعکس پدیده گسست نسلی عمدتاً در پی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می شود. در چنین دورانی است که

دسته‌های نسبتاً بزرگی از افراد به عنوان عاملان تغییر اجتماعی تند، با تفسیرهای سنتی به چالش برخاسته و تفسیرهای جایگزین را مطرح می‌سازند. اعضای این دسته‌ها هم در برابر نسل‌های پیشین و میراث‌های فرهنگی، هنجاری عرضه شده از سوی آنان و هم در برابر اعضای از نسل خودشان که خود را وامدار نسل پیشین می‌دانند، می‌ایستند. بنابر این بر اساس نظر مانهایم تغییر اجتماعی رخ داده در بخش مهمی از نسل جوان تر موجب امتناع، مخالفت و تغییر میراث فرهنگی ایجاد شده از نسل‌های کهن تر و پذیرفته شده از سوی بسیاری از معاصران آنان می‌شود. (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵).

«به نظر مانهایم، ارزشهای جدید فرآورده حتمی دو جریان تغییر اجتماعی کلان اند: الف) جریان ظهور نسل‌های جدید و ب) جریان توسعه و تحول اجتماعی که مسائل پیش بینی نشده و جدید را در مقابل جریانهای فکری حاکم قرار می‌دهد و در واقع پارادایم جدیدی برای تحلیل می‌طلبد. از نظر مانهایم ارزشها و تفکرات متغیر وابسته و در عین حال مستقل به شمار می‌آیند. آنها از یک سو وابسته به اوضاع اجتماعی و تاریخی دوره‌های متفاوت اند و از سوی دیگر، به منزله متغیری مستقل، امکان نوسازی و ارزش گذاری مجدد به رویه‌های فکری و عمل موجود و تولید جدید ترین سبک زندگی را به صورت تدریجی و ترکیبی فراهم می‌کنند. به این ترتیب، راههای تغییرات اجتماعی را هموار می‌کنند. مانهایم معتقد است که تغییر ارزشهای قدیم و جدید در هر دوره موجب تعارض جدی نسلی می‌شود، به طوری که نظام آموزشی جدیدی نیاز است تا نسلهای گذشته را با تغییرات فرهنگی هم‌نوا کند. اینگلهارت با ارائه فرضیه اجتماعی شدن نیز به اهمیت و تاثیر تغییرات ارزشی در دوران اجتماعی شدن افراد اشاره می‌کند. فرضیه اجتماعی شدن که اصل را بر این قرار می‌دهد که ارزشهای اساسی فرد به شکل گسترده منعکس کننده شرایطی است که طی سالهای قبل از بلوغش فراهم شده است. به نظر اینگلهارت فرضیه کمیابی به دگرگونی‌های کوتاه مدت با آثار دوره ای اشاره دارد. دوره‌های رونق به افزایش فرامادی گرایی و دوره‌های کمیابی به مادی گرایی می‌انجامد. فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر وجود آثار بلند مدت نسلی دارد» (آزادارمکی، غفاری، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۴ به نقل از اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸).

در جامعه امروز، عوامل گوناگونی در تحول نسلی ایفای نقش می‌کنند. الگوهای تربیتی و الگوهای رفتاری موجود در جامعه و تعارضات فی مابین آنها، رسانه‌ها، فردگرایی، الگوهای سبک زندگی و انتخابهای مترتب به آنها از موارد احصا شده توسط نظریه پردازان می‌باشند. «برگر و لاکمن (۱۹۶۶) تناقض میان پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه را یکی از عوامل موثر بر شکاف بین نسلی می‌دانند. به عقیده اینان زمانی که فرد آنچه را که در درون خانواده (پرورش اجتماعی اولیه) با آنچه را که در جامعه (پرورش اجتماعی ثانویه) اشاعه داده می‌شود متناقض ببیند دچار نوعی بحران هویت می‌شود. به نظر این دو متفکر، در جامعه ای که وحدت ارزشی از بین برود، انسان با گروههای مختلفی سر و کار دارد که در هر یک از آنها یک نوع ارزش خاصی حاکم است که گاه در گروه دیگر ارزش نیست. در چنین وضعیتی که در آن نسل فرزندان با ارزشهای متنوع و بعضاً متناقض روبه رو می‌شود، فرصت بیشتری در

گزینش و انتخاب ارزشهایش دارد و از این طریق امکان بروز شکاف در ارزشهای نسلها افزایش می یابد. همچنین برگر و لاکمن (۱۳۷۸) معتقدند امکان فرد گرایی با امکان پرورش اجتماعی ناموفق پیوند مستقیم دارد.

وبر مفهومی به نام «نوسازی فرهنگی» را مطرح کرده است. در الگوی نوسازی فرهنگی وسایل ارتباط جمعی نقش تعیین کننده دارد. این وسایل به تدریج، تاثیر قابل توجهی بر فرهنگ بومی گذاشته و ارزشهای نو در افکار و رفتار مردم را سبب می شود (نوروزی، ۱۳۸۸: ۳۵). امروزه اشکال مختلفی از رسانهها (شامل وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های نوین) وجود دارند که به انحای مختلف بر فرهنگ بومی تاثیر گذارده و آنرا دچار چالش می نمایند. یکی از تاثیراتی که این رسانهها می توانند در تغییر ارزشها و معرفی الگوهای جدید رفتاری داشته باشد، تغییر در تعاملات بین نسلهاست. از دیگر عواملی که بر تغییر ارزشها و در نتیجه تعامل بین نسلهها تاثیرگذار است، رشد فردگرایی است. نظریات گئورگ زیمل را می توان تبیین کننده رشد فردگرایی در دنیای جدید دانست. فردگرایی رو به تزاید در نسل جدید سبب بوجود آمدن اخلاقیات و ارزشهایی می شود که تمام عرصه‌های زندگی، از جمله ملاکها و معیارهای انتخاب را برای نسل جوان متمایز از نسل گذشته می نماید. تحت تاثیر این فردگرایی گروه مرجع در نسل جوان نیز دارای تفاوتهایی با نسلهای قبل می شود (رحیمی، ۱۳۹۰).

یکی دیگر از عواملی که بر تعامل بین نسلهها موثر است، سبک زندگی و انتخاب است. شاخصهای مختلفی برای سبک زندگی مطرح شده است این مطالعه به بررسی گذران فراغت به عنوان شاخص سبک زندگی و رابطه آن با مناسبات نسلی می پردازد. گیدنز با توجه به انتخابی بودن سبک زندگی سعی می کند که ارتباط نسلهها را با سبک زندگی به این صورت برقرار نماید: سبک زندگی «در عمل نه فقط از نسل گذشته «تحویل» گرفته نمی شود، بلکه «پذیرفته» می شود. البته وی توضیحی در مورد چگونگی و نحوه پذیرش آن توسط نسلههای بعدی، ارائه نمی دهد. بوردیو به ساخت و فضای امکانات و تاثیر آن بر تعاملات نسلی اشاره دارد. وی بر این مهم اصرار نموده و آن تاکید دارد، که ساخت و فضای امکانات و تاثیر آن بر تعارضات نسلی حائز اهمیت است. وی تاکید کرده است که «آنچه واقعیت دارد، ساخت و فضای امکانات جوانان طبقات بالا و پایین و تفاوت میان طبقات از این لحاظ است که خود بخشی از تعارضات نسلهای معین را در بر می گیرد» (توکل، قاضی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

نسلهای موجود در یک جامعه، طبق تئوری بوردیو، ساختمان ذهنی مشابهی ندارند و در نحوه گذران اوقات فراغت نیز تمایزات و تفاوتهایی وجود دارد. بوردیو بر این باور است که سبک زندگی منشاء طبقاتی دارد و طبقات مختلف اجتماعی در گذران فراغت سلیقه و سبک مختلفی را که مخصوص آنهاست بکار می گیرند. بوردیو با تاکید بر رابطه بین طبقه اجتماعی و گذران اوقات فراغت بر این باور است که سبک زندگی منشا طبقاتی دارد، به بیان دیگر، هر طبقه لباس خاصی می پوشد، نوشیدنی خاص می خورد، اوقات فراغت و ورزش متفاوتی دارد. وی تاکید می کند که سلیقه مشخصه پایگاه اجتماعی است. بررسی بوردیو بیانگر این نکته است که طبقات و گروههای شغلی متفاوت تمایل به سلیقه‌های گوناگون در موزیک و غذا دارند (اسمیت، ۲۰۰۱: ۱۳۷). بوردیو معتقد است که عاملان اجتماعی تا آنجا با یکدیگر مشترکات دارند که در این دستگاه دو بعدی (سرمایه اقتصادی - سرمایه فرهنگی) به

یکدیگر نزدیک باشند و میزان تفاوت‌هایشان بستگی به این دارد که در این دستگاه چقدر از هم فاصله داشته باشند» (احمدی، احیایی، ۱۳۲۹: ۱۰). به نظر بوردیو، انتخابهایی که افراد در مورد گزینه‌های فراغت انجام می‌دهند، اساساً اجتماعی است و مردم سبک‌های زندگی و فعالیتهای فراغتی را می‌آموزند و با توجه به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نحوه گذران اوقات فراغت متفاوت است» (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۸).

با توجه به مطالب و نظریات فوق‌تغییر و تحولات شتابان گوناگون در اجتماع پیامدهایی در جامعه پذیری و نهادینه شدن هنجارها و ارزشها و نیز تحول در الگوهای رفتاری نسلهای فعال در سپر اجتماع بر جای می‌گذارد که برخی از عوامل مشخص در این ارتباط را می‌توان به فرد گرایی، تعارض الگوهای تربیتی و الگوهای موجود در جامعه، طبقه اجتماعی، گذران فراغت (به عنوان یکی از شاخصهای سبک زندگی) اشاره نمود. در ادامه به بررسی وضعیت این متغیرها در جامعه آماری مورد مطالعه اشاره می‌شود.

### ۵-۳- ترسیم وضعیت مناسبات نسلی و گذران فراغت در جامعه مورد بررسی:

به منظور ترسیم تصویری جامع از وضعیت مناسبات نسلی و گذران اوقات فراغت در سطح ملی، این مطالعه در سه گروه از استانها با درجات مختلف توسعه (توسعه یافته، در حال توسعه و محروم) انجام شده است. در توصیف کلی از ویژگی‌های جامعه آماری می‌توان اظهار داشت که در این مطالعه ۴۲ درصد از پاسخگویان را زنان و ۵۸ درصد را مردان تشکیل می‌دادند. پاسخگویان بر مبنای سن به سه گروه جوانان (۲۹-۱۵ سال)، میانسالان (۵۵-۳۰ سال) و سالمندان (۵۶+) تقسیم شدند. بر این اساس ۴۱/۶ درصد از پاسخگویان در گروه جوانان، ۴۸/۵ درصد در گروه میانسالان و ۴/۹ درصد نیز در گروه سالمندان قابل دسته بندی هستند. بیش از نیمی از پاسخگویان متأهل و نزدیک به ۴۰ درصد (۳۹/۹ درصد) مجرد گزارش شده اند. ۳۶ درصد از پاسخگویان دارای مدارک دبیرستانی و دیپلم بودند و نیز تقریباً با درصدی نزدیک ۳۷ درصد نیز دارای تحصیلات کارشناسی بوده اند. ۲۷ درصد خود را به طبقه پایین و بسیار پایین متعلق می‌دانند، حدود ۵۶ درصد متعلق به طبقه متوسط هستند و بیش از ۱۶ درصد نیز به طبقه بالا و بسیار بالا تعلق دارند.

- زمینه‌های متنوع جامعه پذیری نسل جدید و تغییرات آن موجب شده تا در کل جامعه آماری هیچ رابطه ای بین همسویی با خانواده و متغیرهای زمینه ای مانند دوره نسلی، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی مشاهده نشود.

- وجود منابع گوناگون و متنوع جامعه پذیری برای گروههای سنی جوان، موجب شده جوانان مطابق با الگوهای هنجاری و ارزشی والدین ایفای نقش نکنند و انتظار چنین رفتارهایی از جوانان عقیم می‌ماند چرا که مطابق فرضیه اجتماعی شدن، آنها عناصر اجتماعی شدن خود را از منابع گوناگونی به جز والدین دریافت و درونی نموده است.

- پاسخگویان گرچه همسو با خانواده‌های خویش نمی‌باشند ولی تعامل زیادی با خانواده دارند. این یافته نشان از روند تغییر در تعاملات بین نسلی است در واقع نسلهای حاضر در عرصه اجتماعی از وضعیت پیوند و توافق نسلی

در حال حرکت به سوی تفاوت نسلی و همچنین در مواردی گسست نسلی هستند. گرچه وضعیت موجود را نمی توان به یقین گسست دانست اما با کاهش همسویی با خانواده و تعامل با خانواده رخ داد این روند محتمل است. در تبیین این یافته می توان از نظریات مید بهره گرفت. به باور مید در جوامعی که دچار تغییر و تحول می شوند و شرایط اجتماعی طوری دگرگون می شوند که دیگر نسل گذشته نمی تواند الگوی مناسبی برای زندگی نسل بعد باشد. انتقال فرهنگی از نسل قبل به نسل بعد بسیار ناقص صورت می گیرد و فرهنگ قبل نمی تواند پاسخگوی نیازهای نسل بعد باشد. بنابر این نسل جدید دیگر اعضای هم نسل خود را الگوی زندگی خود قرار می دهند. این وضعیت می تواند در جامعه امروز ما نیز صادق باشد.

- بین تعامل با خانواده و دوره نسلی رابطه قوی وجود دارد. نکته حائز اهمیت این است که میانسالان و پس از آنان سالمندان بیشتر از جوانان به تعامل با خانواده می پردازند. در حالی که کمی بیش از نیمی از جوانان تعامل با خانواده را زیاد و خیلی زیاد گزارش کرده اند، درصد تعامل بین میانسالان و خانواده و همچنین سالمندان و خانواده بیشتر است.

- بررسی رابطه بین جنسیت و تعامل با خانواده از وجود رابطه قوی بین دو متغیر خبر می دهد به طوری که زنان بیش از مردان در تعامل با خانواده هستند. می توان اظهار داشت که جنسیت و طبقه اجتماعی با تعامل نسلی در ارتباط هستند. زنان به عنوان کسانی که فرهنگ و تمدن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می دهند، همچنان به ایفای این نقش تاریخی اهتمام دارند، بیش از مردان با خانواده تعامل می کنند. همچنین طبقات متوسط و متوسط پایین جامعه نسبت به طبقات بالا، با یکدیگر تعامل بیشتری دارند. در واقع می توان نتیجه گرفت که وضعیت اقتصادی بر تعامل بین نسله در خانواده تاثیرگذار است. و بهبود وضعیت اقتصادی موجب کاهش تعامل بین نسله می گردد.

- بین سطح توسعه یافتگی استان و همسویی با خانواده رابطه ای وجود ندارد. این یافته از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می دهد عوامل دیگری جز سطح توسعه یافتگی استان بر همسویی بین نسله تاثیر گذار است. محتمل است یکی از عوامل تاثیرگذار، جهانی شدن باشد که فردگرایی را در یک جامعه گسترش می دهد.

- در حالی که همسویی با خانواده و سطح توسعه یافتگی استان فاقد رابطه است؛ بین سطح توسعه یافتگی استان و تعامل با خانواده شدت رابطه وجود دارد. بررسی های دقیق تر حکایت از آن دارد در استانهای محروم میزان تعامل با خانواده بیشتر از استانهای توسعه یافته است. به طوری که تعامل با خانواده در استانهای محروم زیاد و بسیار زیاد گزارش شده است. هر چه سطح توسعه یافتگی استان کاهش یابد روابط تعاملی بین نسله در این گونه استانها افزایش می یابد و بالعکس. با افزایش سطح توسعه یافتگی میزان تعامل با خانواده کاهش می یابد. بنابر این علی رغم اینکه بین همسویی با خانواده و سطح توسعه یافتگی استانها رابطه ای وجود ندارد، ولی بین این متغیر و تعامل با خانواده رابطه مشاهده می شود.

- با افزایش سطح توسعه یافتگی، میانگین فراغت جمعی فعال با خانواده کاهش می یابد و برعکس، در واقع هر چه سطح توسعه یافتگی استانها پایین تر باشد این الگوی فراغتی فعال جمعی با خانواده بیشتر گزارش شده است. بنابر این نه تنها تعاملات بین نسلیها بلکه گذران فراغت نیز با سطح توسعه یافتگی استان دارای ارتباط است.
- بین فراغت جمعی فعال مجازی و همسویی با خانواده هیچ رابطه ای به تفکیک استان مشاهده نشد. این یافته نشان دهنده این مهم است که فراغت فعال مجازی حتی با خانواده، باعث همسویی فرد با خانواده نمی شود.
- یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر فراغت فعال جمعی دوره نسلی است. بنظر می رسد گروههای مختلف نسلی الگوهای فراغت جمعی فعال متفاوتی داشته باشند. مهمترین نکته این است که فراغت با خانواده در مقایسه فراغت با دوستان؛ الگوی پراگماتری است. در واقع ۲/۴۷ از ۵ فراغت با خانواده در مقابل ۱/۸ از ۵ فراغت با دوستان بدون توجه به دوره نسلی گزارش شده است.
- بدون توجه به دوره نسلی، فراغت جمعی با خانواده در بین پاسخگویان گزارش شده و این دو متغیر رابطه ای با هم ندارند. میانگین گذران فراغت فعال جمعی در هر سه شیوه مورد بررسی (سنتی، مدرن و مذهبی) با خانواده بیش از با دوستان است. در واقع این یافته نیز حکایت از اهمیت خانواده در گذران فراغت در بین نسلهای مختلف مورد بررسی است. نکته حائز اهمیت این است که گذران فراغت مذهبی با خانواده بیش از گذران فراغت سنتی با خانواده است.
- گذران فراغت جمعی فعال با خانواده به تعامل بیشتر با خانواده منجر می شود. این یافته بستگی به الگوهای سه گانه گذران فراغت جمعی فعال با خانواده، نداشته و در هر شکل و الگویی اگر فراغت فعال جمعی با خانواده اتفاق بیافتد منجر به تعامل با خانواده خواهد شد.
- گذران فراغت جمعی با دوستان الگوی فراگیری در بین جامعه آماری مورد بررسی نبوده و هیچ ارتباطی بین گذران فراغت با دوستان و سطح توسعه یافتگی استان مشاهده نمی شود.
- از عوامل موثر و تاثیرگذار بر تعاملات نسلی میزان استفاده از شبکههای مجازی است. این بررسی نشان می دهد که بین میزان استفاده از شبکههای اجتماعی و همسویی با خانواده رابطه ای وجود ندارد ولی میزان استفاده از شبکههای اجتماعی مجازی به عنوان یک فراغت فعال جمعی اما مجازی با تعامل با خانواده دارای رابطه منفی و ضعیف است و بر آن تاثیر می گذارد.
- بین مخاطبان شبکههای اجتماعی مجازی و همسویی با خانواده و تعامل با خانواده هیچ رابطه ای وجود ندارد. در واقع می توان اظهار داشت که تعامل در فضای مجازی حتی با افراد خانواده و اقوام به تقویت مناسبات نسلی به طور کلی و همسویی با خانواده و تعامل با خانواده به طور خاص در این مطالعه تاثیری ندارد. بررسی مدت استفاده از شبکههای اجتماعی مجازی و رابطه آن با مناسبات نسلی نشان می دهد کسانی که کمتر استفاده می کنند دارای تعامل بیشتری با خانواده هستند.

- در الگوی گذران فراغت فردی، استفاده از اینترنت با فاصله کمی بعد از مشاهده تلویزیون قرار دارد. در واقع از این یافته می توان نتیجه گیری کرد که در سالهای اخیر الگوی فراغت منفعل فردی (بیشترین مقدار آن تماشای تلویزیون) در حال تغییر به الگوی فراغت فردی فعال (استفاده بیشتر از اینترنت) می باشد. در واقع افراد در جستجوی الگوهای فعال فراغت فردی می باشند. ضروری است که محققین دلایل و عوامل این تغییر در جامعه ایران جستجو نمایند. احتمال است تغییر ذائقه فراغتی جامعه یا تغییر در برنامه های رسانه تلویزیون از جمله عوامل این ویژگی باشد که لازم است مطالعات دیگر به آنها بپردازد.

- بنظر می رسد ادامه بازنمایی الگوهای کلیشه ای روابط بین نسلیها در تلویزیون، باعث شده که این رسانه کارکرد تاثیرگذاری در تقویت تعامل بین نسلیها نداشته باشد.

- بین فراغت منفعل فردی مدرن (تماشای ماهواره و گوش دادن به موسیقی) با همسویی با خانواده ارتباطی وجود ندارد ولی بین تعامل با خانواده و گذران فراغت منفعل فردی مدرن ارتباط ضعیفی وجود دارد.

- بررسی رابطه بین الگوی فراغت فعال فردی مدرن (استفاده از اینترنت و بازی های رایانه ای) با رابطه نسلی نشان می دهد که بین همسویی با خانواده و تعامل با خانواده و الگوی فراغت فردی مدرن بشدت رابطه وجود دارد.

در تحلیل یافته های فوق لازم است ابتدا به نوآوری انجام شده در این مطالعه اشاره شود. مطالعات پیشین برای بررسی وضعیت مناسبات نسلی، از سه رابطه تفاهمی، تفاوتی و تعارضی بین نسلی استفاده می کردند، و رابطه بین نسلیها را در یکی از وضعیتهای سه گانه اعلام می داشتند. یکی از نوآوری های این مطالعه ساختن سنجه هایی برای وضعیت تعاملات بین نسلیها در دو حوزه بسیار حائز اهمیت یعنی همسویی با خانواده و تعامل با خانواده است. به منظور بررسی همسویی با خانواده ۳ گویه انتخاب شده است که اولی در ارتباط با همسویی نظرات در بین نسلیها، دومی در ارتباط با تاکید بر رفتارهای سنتی و آخرین گویه در ارتباط با همسرگزینی است. این سنجه در واقع به بعد ارزشها در بین نسلیها اشاره دارد. محققین دیگر نیز از متغیرهایی در ارتباط «تغییر ارزشها» و موضوع مناسبات نسلی را مورد بررسی، قرار داده اند. آزادارمکی، ۱۳۸۳؛ دانش و دیگران، ۱۳۹۳؛ یوسفی، ۱۳۹۲؛ ارجمندی و دیگران، ۱۳۹۲؛ نوروزی، ۱۳۸۸؛ ربانی و محمدی زاده یزد، ۱۳۹۱؛ یامین پور، ۱۳۸۹؛ قریشی مینا آباد و میرواسع، ۱۳۹۰ در مطالعات خود به تغییر ارزشها به عنوان شاخص تغییر نسلی اشاره داشته اند.

در مطالعه حاضر بررسی گویه های سه گانه و شاخص همسویی با خانواده در بین پاسخگویان حکایت از این واقعیت دارد که همسویی با خانواده خیلی کم و کم است. این یافته نشان از روند تغییر نگرش در بین افراد در جامعه امروز ایران است. نزدیک به ۳۰ درصد نیز وضعیت همسویی با خانواده شان را متوسط ارزیابی و اعلام داشته اند. نزدیک به یک پنجم از پاسخگویان خود و خانواده شان را همسو با یکدیگر تا حد زیاد و بسیار زیاد گزارش نموده اند. بدین ترتیب می توان اظهار داشت که درصد همسویی (یا تفاهم) نسلی در جامعه مورد بشدت کم بوده زیرا تنها نزدیک به ۲۰ درصد از پاسخگویان وضعیت همسویی با خانواده را زیاد و خیلی زیاد گزارش کرده اند. این در مقابل نیمی از پاسخگویان که فاقد همسویی (در حد کم و بسیار کم) بودند؛ این گروه در واقع همانهایی هستند که به سوی تفاوت

و تعارض در حال حرکت هستند. شاخص همسویی با خانواده بیشتر به سنجش ارزشهای پاسخگو می پردازد. بررسی رابطه بین همسویی با خانواده با برخی از متغیرها نشان می دهد که در کل جامعه آماری هیچ رابطه ای بین همسویی با خانواده و متغیرهای زمینه ای مانند دوره نسلی، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی مشاهده نمی شود.

در توضیح این یافته می توان به زمینه های متنوع جامعه پذیری نسل جدید و تغییرات آن تاکید کرد همانگونه که در فصول گذشته نیز آمده است، سایر مطالعات در این زمینه اشاراتی داشته اند. سرایی و دیگران معتقدند که «فرزندان نسل جدید مانند نسلهای قبل تمام یا بیشتر روند اجتماعی شدن خود را در خانواده نمی گذرانند. از این رو صرفاً مطابق با نظام هنجارها و ارزشهای والدین خود تربیت نمی شوند. آنها بخشی از این هنجارها را از محیط آموزشی نظیر مهد کودک و مدرسه فرامی گیرند و بخشی دیگر را از رسانه های همگانی به ویژه رسانه های جهانی و بخشی را هم از همسالان خود گرفته و درونی می سازند. به مرور با رسیدن به سالهای نوجوانی والدین از نوجوانان انتظار دارند که مطابق با الگوهای هنجاری و ارزشی آنها ایفای نقش کنند اما این انتظار عقیم می ماند چرا که مطابق فرضیه اجتماعی شدن، او عناصر اجتماعی شدن خود را از منابع گوناگونی به جز والدین دریافت و درونی نموده است» (سرایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲). بنابر این یافته این مطالعه که تقلیل همسویی با خانواده در بین پاسخگویان است می تواند با وجود منابع متکثر جامعه پذیری که ارزشهای متنوعی را به افراد معرفی و نهادینه می نمایند، توضیح داد. به عنوان نمونه برخی از محققین بر این باورند که نسلهای جوان نسبت به نسلهای پیش از خود، اخلاقی ترند گرچه بین این ویژگی و سابقه تاریخی آن در کشور ارتباط برقرار نمی کنند. «نسلهای جوان امروز نسبت به نسلهای پیشین به مسائل اخلاقی بسیار حساس هستند. اما آنها این ارزشها را به سنت ربط نمی دهند یا شکل های سنتی اقتدار را به مثابه عامل تعیین کننده هنجارهای شیوه زندگی نمی پذیرند. به عقیده وی به جای اینکه به دوره خودمان به عنوان یک عصر انحطاط اخلاقی بنگریم، منطقی است که آن را به عنوان یک عصر انتقال اخلاقی در نظر بگیریم» (ارجمندی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۶).

از دیگر سنجه های مورد بررسی برای شناسایی وضعیت تعاملات بین نسلها در جامعه، وضعیت تعامل با خانواده بوده که مورد بررسی قرار گرفته است. مرور خاطرات مشترک، مشورت با خانواده، زمینه های مشترک تعامل از جمله حوزه هایی بوده اند که برای سنجش وضعیت تعامل با خانواده به کار رفته است. بدین ترتیب برای سنجش تعامل با خانواده از ۴ گویه استفاده شده است. بررسی وضعیت تعامل با خانواده در بین جامعه مورد بررسی نشان می دهد که نزدیک به شانزده درصد از پاسخگویان تعامل خیلی کم و کم را با خانواده گزارش کرده اند (۱۶/۲ درصد). این در حالی است که بیش از یک پنجم از پاسخگویان وضعیت تعامل با خانواده را متوسط (۲۱/۸ درصد) و حدود یک سوم نیز این وضعیت را زیاد (۳۱/۸ درصد) یا خیلی زیاد (۱۱/۸ درصد) گزارش نموده اند. مقایسه دو شاخص همسویی با خانواده و تعامل با خانواده نشان میدهد که پاسخگویان گرچه همسو با خانواده های خویش نمی باشند ولی تعامل زیادی را با یکدیگر دارند. این یکی از مهمترین یافته های این پژوهش بوده و روند تغییر بین نسلی را نشان می دهد.



گرچه پاسخگویان در تعامل با خانواده هستند ولی با آنها همسو نیستند. این یافته نشان از روند تغییر در تعاملات بین نسلی است در واقع نسلهای حاضر در عرصه اجتماعی از وضعیت پیوند و توافق نسلی در حال حرکت به سوی تفاوت نسلی و همچنین در مواردی گسست نسلی هستند. گرچه وضعیت موجود را نمی توان به یقین گسست دانست اما با کاهش همسویی با خانواده و تعامل با خانواده رخ داد این روند محتمل است. یافته‌هایی که در ادامه می آید تایید کننده این پیش بینی است.

در توضیح این یافته می توان از نظر مید بهره گرفت. به باور وی سه نوع جامعه در رابطه بین دو نسل وجود دارد. ۱- جامعه ای که در آن نسل جدید کاملا دنباله رو نسل قبل است و فرهنگ نسلهای قبل بدون تغییر به نسل بعد منتقل می شود. ۲- حالت دوم در جوامعی است که دچار تغییر و تحول می شوند و شرایط اجتماعی طوری دگرگون می شوند که دیگر نسل گذشته نمی تواند الگوی مناسبی برای زندگی نسل بعد باشد. انتقال فرهنگی از نسل قبل به نسل بعد بسیار ناقص صورت می گیرد و فرهنگ قبل نمی تواند پاسخگوی نیازهای نسل بعد باشد. بنابر این نسل جدید دیگر اعضای هم نسل خود را الگوی زندگی خود قرار می دهند. مید معتقد است چنین وضعی تنها با صنعتی شدن جوامع اتفاق نمی افتد بلکه در شرایطی مانند مهاجرت روستاییان به شهر، وقوع انقلابات اجتماعی و روی آوری به دین جدید رخ می دهد. ۳- حالت سوم وضعیتی است که در جامعه دگرگونی‌های بسیار شدیدی روی می دهد طوری که نسل قبل ناچار می شود برای تداوم حیات خود، ارزشها و هنجارهای قدیمی خود را بر اساس فرهنگ نسل بعد اصلاح کند و دست به اجتماعی شدن مجدد بزند. نسل جدید نیز الگوی مشخصی ندارد و باید وارد دنیایی مبهم و نا معلوم شود. مید ادعا می کند که فاصله نسلی بین دو نسل قبل و بعد از جنگ جهانی دوم از این نوع است، چرا که نسلهای قبل هیچیک این همه تغییر را تجربه نکرده بود(پناهی ۱۳۸۳ به نقل از سرایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰). از جمله عوامل موثر بر ایجاد این تحولات در کشور ما، تسریع و تسهیل ارتباطات و تنوع منابع جامعه پذیری است.

«به نظر مانهایم، ارزشهای جدید فرآورده حتمی دو جریان تغییر اجتماعی کلان اند: الف) جریان ظهور نسلهای جدید و ب) جریان توسعه و تحول اجتماعی که مسائل پیش بینی نشده و جدید را در مقابل جریانهای فکری حاکم قرار می دهد و در واقع پارادایم جدیدی برای تحلیل می طلبد. از نظر مانهایم ارزشها و تفکرات متغیر وابسته و در عین حال مستقل به شمار می آیند. آنها از یک سو وابسته به اوضاع اجتماعی و تاریخی دوره‌های متفاوت اند و از سوی دیگر، به منزله متغیری مستقل، امکان نوسازی و ارزش گذاری مجدد به رویه‌های فکری و عمل موجود و تولید جدید ترین سبک زندگی را به صورت تدریجی و ترکیبی فراهم می کنند.

فرضیه ترکیبی، که بر اساس آن تفاوت سنی یا نسلی ناشی از چرخه زندگی، اقتضات سنی، تغییرات بنیادی در ارزشهای همه گروههای سنی با کمی تغییر از یکدیگر و تغییر در ارزشهای نسل جدید، که به تدریج با نقشهای بیشتر و رو به افزایش این نسل در حیات اقتصادی- اجتماعی همراه است، جانشین ارزشهای نسل قبلی می شود. البته می توان ترکیب فرضیه اول و دوم را در نظر گرفت (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۸۷-۸۶).

در جوامعی که دچار تغییر و تحول می شوند، شرایط اجتماعی به طوری دگرگون می شود که دیگر نسل گذشته الگوی مناسبی برای زندگی نسل بعدی نمی تواند باشد و هر دو نسل می پذیرند که وضع زندگی آنان نمی تواند مشابه هم باشد به عبارت دیگر، هر یک از دو نسل والدین و فرزندان به ناچار در دو دنیای متفاوت زندگی می کنند. در چنین وضعی، انتقال فرهنگی از نسل قبل به نسل بعد بسیار ناقص صورت می پذیرد و فرهنگ قبل نمی تواند عینا ادامه یابد و پاسخگوی نیازهای نسل بعد باشد. در این حالت، نسل جدید برای یادگیری سبک زندگی و وضع مناسب حال و آینده خود، به اعضای دیگر هم نسل خود رو می آورد و آنرا الگوی زندگی خود قرار می دهد. مارگارت مید این نوع جوامع را «فرهنگ هم تمثیلی» می نامد. وضعیت دیگری که در ارتباط با نسلها در یک جامعه مطرح است؛ وضعیتی است که در جامعه دگرگونی های بسیار شدید روی می دهد، بطوریکه نسل گذشته در وضع جدید نه تنها نمی تواند الگوی نسل جدید باشد، بلکه باید برای تداوم حیات خود ارزشها و هنجارهای قدیمی خود را بر مبنای نسل بعد اصلاح کند، دست به اجتماعی شدن مجدد بزند و بسیاری از چیزها را از فرزندان خود بیاموزد. نسل جدید نیز، وضع آینده خود را نمی تواند در جایی و کسی بیابد و آنرا الگوی خود قرار دهد. این نسل باید وارد دنیای مبهمی شود که وضع آینده آن روشن نیست و نهادهای موجود نمی توانند پاسخگوی نیازهای وضعیت متغیر باشند، بنابر این، نسل جدید هم حال و هم گذشته را محکوم و رها می کند و به دنبال ساختن دنیای جدید خویش است. مارگارت مید این وضعیت را فرهنگ «پیشا تمثیلی» می نامد (تاجیک، ۱۳۸۶ به نقل از صبوری خسروشاهی و توکلی نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

این مطالعه نشان می دهد که بین تعامل با خانواده و دوره نسلی رابطه قوی وجود دارد. نکته حائز اهمیت این است که میانسالان و پس از آنان سالمندان بیشتر از جوانان به تعامل با خانواده می پردازند. در حالی که کمی بیش از نیمی از جوانان تعامل با خانواده را زیاد و خیلی زیاد گزارش کرده اند، نزدیک به ۶۵ درصد از میانسالان این تعامل را زیاد و خیلی زیاد گزارش نمودند و حدود ۶۴ درصد از سالمندان تعامل با خانواده را زیاد و خیلی زیاد گزارش کرده اند. از سوی دیگر نزدیک یک چهارم از جوانان تعامل خود را با خانواده کم و خیلی کم اعلام نموده اند.

بین متغیرهای زمینه ای و وضعیت تعامل بین نسلها نیز در این مطالعه رابطه وجود دارد. به طور خاص می توان اظهار داشت که بررسی رابطه بین جنسیت و تعامل با خانواده از وجود رابطه قوی بین دو متغیر خبر می دهد به طوری که زنان بیش از مردان در تعامل با خانواده هستند. به طوری که ۶۳ درصد از زنان زیاد و خیلی زیاد با خانواده تعامل می کنند و این درصد در مردان به کمی بیش از نیمی از آنان می رسد. بنابر این می توان در جمع بندی این یافته ها اظهار داشت که جنسیت و طبقه اجتماعی با تعامل نسلی در ارتباط هستند. زنان بیش از مردان با خانواده تعامل کرده و بنظر می رسد زنان به عنوان کسانی که فرهنگ و تمدن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می دهند، همچنان به ایفای این نقش تاریخی اهتمام دارند. همچنین طبقات متوسط و متوسط پایین جامعه نسبت به طبقات بالا، با یکدیگر تعامل بیشتری دارند. در واقع می توان نتیجه گرفت که وضعیت اقتصادی بر تعامل بین نسلها در خانواده تاثیرگذار است. و بهبود وضعیت اقتصادی موجب کاهش تعامل بین نسلها می گردد.

این مطالعه در سه گروه از استانها با سطوح مختلف توسعه یافتگی انجام شد. در هر استان مرکز استان و پرجمعیت ترین مرکز شهرستان مورد بررسی قرار گرفته است. گروه استانهای توسعه یافته شامل استان تهران و استان اصفهان؛ گروه استانهای در حال توسعه شامل استانهای کرمان و زنجان؛ و گروه استانهای محروم شامل استانهای کهگیلویه و بویر احمد و سیستان و بلوچستان بوده است. در این مطالعه به بررسی وضعیت مناسبات نسلی به تفکیک سطح توسعه یافتگی استانها پرداخته است. بررسی رابطه بین سطح توسعه یافتگی استان و همسویی با خانواده و تعامل با خانواده نشان می دهد که بین وضعیت مناسبات نسلی و سطح توسعه یافتگی استانها رابطه وجود دارد. همانگونه که در ادامه به تفصیل خواهد آمد، بین تعامل با خانواده و وضعیت استان به لحاظ سطح توسعه، رابطه بسیار قوی مشاهده می شود این در حالی است که بین سطح توسعه یافتگی استان و همسویی با خانواده رابطه ای وجود ندارد. این یافته از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می دهد عوامل دیگری جز سطح توسعه یافتگی استان بر همسویی بین نسلها تاثیر گذار است. از آنجا که فردگرایی به تغییر ارزشها می انجامد، محتمل است یکی از عوامل تاثیرگذار، جهانی شدن باشد که فردگرایی را در یک جامعه گسترش می دهد.

همانگونه که در فصل پیشین به تفصیل توضیح داده شد، بین همسویی با خانواده و متغیرهای دوره نسلی، سطح تحصیلات در کل جامعه ارتباطی مشاهده نشد، بررسی متغیر همسویی با خانواده و سطح توسعه یافتگی استانها نشان می دهد هیچ رابطه ای بین دو متغیر وجود نداشته و همچنین در سایر متغیرهای زمینه ای وضعیت مشاهده شده برابر است با بررسی کل جامعه نمونه بدین معنی که سطح توسعه یافتگی استان هیچ تاثیری بر همسویی با خانواده و رابطه آن با متغیرهای جنسیت، دوره نسلی، طبقه اجتماعی نداشته و تنها در استانهای محروم رابطه ضعیفی بین همسویی با خانواده و سطح تحصیلات (به تفکیک استان) مشاهده می شود.

در حالی که همسویی با خانواده و سطح توسعه یافتگی استان فاقد رابطه است؛ بین سطح توسعه یافتگی استان و تعامل با خانواده شدت رابطه وجود دارد. بررسی های دقیق تر حکایت از آن دارد در استانهای محروم میزان تعامل با خانواده بیشتر از استانهای توسعه یافته است. به طوری که تعامل با خانواده در استانهای محروم زیاد و بسیار زیاد گزارش شده است. هر چه سطح توسعه یافتگی استان کاهش یابد روابط تعاملی بین نسلها در این گونه استانها افزایش می یابد و بالعکس. با افزایش سطح توسعه یافتگی میزان تعامل با خانواده کاهش می یابد. بنابر این علی رغم اینکه بین همسویی با خانواده و سطح توسعه یافتگی استانها رابطه ای وجود ندارد، ولی بین این متغیر و تعامل با خانواده رابطه مشاهده می شود. به طوری که پاسخگویان در استانهای محروم تعامل بیشتری با خانواده دارند تا در استانهای توسعه یافته، هر چه استان از توسعه بیشتری برخوردار باشد، تعامل با خانواده در آن منطقه کمتر است. در استانهای محروم مورد بررسی ۶۷/۳ درصد از پاسخگویان تعامل زیاد و خیلی زیاد را با خانواده گزارش کرده اند. این درصد در بین پاسخگویان در استانهای با سطح توسعه متوسط ۵۶ درصد گزارش شده است و در استانهای توسعه یافته به ۵۴/۷ درصد رسیده است. در واقع می توان اظهار داشت که در هر سه گروه از استانهای مورد بررسی تعامل با خانواده در بین پاسخگویان، میزان قابل توجهی گزارش شده است و بیش از نیمی از

پاسخگویان چنین وضعیتی را گزارش نموده اند، ولی میزان این تعامل در استانهای محروم به مقدار قابل توجهی بیش از استانهای توسعه یافته و در حال توسعه است.

تصویر احصا شده تعامل با خانواده به تفکیک استان، و رابطه آن متغیرهای زمینه ای نشان می دهد که متغیر سطح تحصیلات، و تعامل با خانواده به تفکیک استان هیچ رابطه ای وجود ندارد. از آنجا که طبقه اجتماعی از متغیرهای تاثیر گذار بر تعامل با خانواده است. این مطالعه نشان می دهد که بین تعامل با خانواده و طبقه اجتماعی به تفکیک استانهای با سطوح متفاوت توسعه رابطه وجود نداشته ولی به طور کلی در جامعه مورد بررسی بدون توجه به سطح توسعه یافتگی استان، نشان از وجود رابطه ای با شدت کم دارد. بیشترین تعامل با خانواده توسط پاسخگویان متعلق به طبقه متوسط گزارش شده است نزدیک ۶۰ درصد از آنان تعامل با خانواده را زیاد و بسیار زیاد اعلام داشته اند پس از این گروه، پاسخگویان متعلق به طبقه متوسط پایین تعامل بیشتری با خانواده (زیاد و بسیار زیاد) را گزارش شده است (۵۵/۷٪).

این یافته تایید کننده مطالعات پیشین و در راستای آنهاست. ویژگی های جامعه شناختی شامل وضعیت اقتصادی، موقعیت و طبقه اجتماعی، دوره زندگی و نیز جنسیت، را محققان هم بر چگونگی گذران اوقات فراغت و هم بر نحوه و الگوی تعاملات بین نسلها موثر دانسته اند. جعفری و دیگران (۱۳۹۳)؛ عنایت و حسینی، ۱۳۹۲؛ پهلوان و برزیگر، ۱۳۹۰؛ فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۳؛ سرایی، ۱۳۹۱، ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰ و احمدی و احيایی، ۱۳۹۲؛ در مطالعات خویش نشان دادند که سرمایه اقتصادی بر تعاملات بین نسلها و یا بر چگونگی گذران اوقات فراغت تاثیرگذار است. همچنین، سرمایه اقتصادی نیز به عنوان متغیر تاثیرگذار بر شکاف نسلی شناسایی شده است. احمدی و احيایی به تاثیر سرمایه اقتصادی والدین بر شکاف نسلی تاکید کرده اند، آنها نشان دادند که هر قدر سرمایه اقتصادی والدین بیشتر باشد، میزان شکاف نسلی نیز بیشتر است. همچنین دریافتند که با بالا رفتن سن به میزان شکاف نسلی افزوده می شود. مطالعه حاضر یافته آنان را تایید کرده و الگوی مشابهی را نشان می دهد.

مطالعه حاضر نیز با الهام از مدل کراوفورد و گادبری (۱۹۸۷) تلاش نمود که تنها به بررسی الگوی گذران فراغت، فراغتهای فعال و منفعل فردی و جمعی در فضای واقعی و مجازی و نیز زیرساختهای فراغتی را مورد بررسی قرار داده و وارد بررسی موانع گذران فراغت نشده است. در بررسی گذران فراغت، الگوهای فراغت فعال جمعی (در فضای واقعی و مجازی)؛ فراغت فعال فردی و فراغت منفعل فردی احصا شدند. یافته ها نشان می دهند که سطح توسعه یافتگی استان نه تنها بر وضعیت روابط نسلی تاثیرگذار است، بلکه سایر ابعاد زندگی انسان را نیز متاثر می سازد. چگونگی گذران فراغت که یکی دیگر از متغیرهای مورد مطالعه در این بررسی بوده؛ و از دیگر متغیرهایی است که با سطح توسعه یافتگی استان در ارتباط است. بررسی رابطه بین گذران فراغت فعال جمعی با خانواده و سطح توسعه یافتگی استان نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور رابطه قوی وجود دارد. با افزایش سطح توسعه یافتگی، میانگین فراغت جمعی فعال با خانواده کاهش می یابد و برعکس، در واقع هر چه سطح توسعه یافتگی استانها پایین

تر باشد این الگوی فراغتی با خانواده بیشتر گزارش شده است. بنابر این نه تنها تعاملات بین نسلها بلکه گذران فراغت نیز با سطح توسعه یافتگی استان دارای ارتباط است.

در حالی که همسویی با خانواده با فراغت فعال جمعی در فضای واقعی تقویت می شود، و فراغت جمعی در فضای واقعی مقوم همسویی با خانواده است؛ بررسی حاضر نشان می دهد که بین مجموع فراغت جمعی فعال مجازی و همسویی با خانواده هیچ رابطه ای به تفکیک استان مشاهده نشد. این یافته نشان دهنده این مهم است که فراغت فعال مجازی حتی با خانواده، باعث همسویی فرد با خانواده نمی شود.

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر فراغت فعال جمعی دوره نسلی است. بنظر می رسد گروههای مختلف نسلی الگوهای فراغت جمعی فعال متفاوتی داشته باشند. مهمترین نکته این است که فراغت با خانواده در مقایسه فراغت با دوستان؛ الگوی پراقبال تری است. در واقع ۲/۴۷ از ۵ فراغت با خانواده در مقابل ۱/۸ از ۵ فراغت با دوستان بدون توجه به دوره نسلی گزارش شده است. این نشان از اهمیت خانواده در بین جامعه ایران است. بررسی رابطه بین فراغت فعال جمعی با خانواده و دوستان به تفکیک دوره نسلی نشان می دهد که بین دوره نسلی و گذران فراغت با دوستان رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که گروههای مختلف نسلی مدت متفاوتی را به عنوان فراغت جمعی با دوستان می گذرانند. در واقع بیشترین فراغت جمعی با دوستان در بین جوانان مشاهده می شود. بی تردید این ویژگی متأثر از دوره زندگی جوانان است. این در حالی است که بین دوره نسلی و گذران فراغت با خانواده رابطه ای وجود ندارد. در توضیح بیشتر می توان اظهار داشت که بدون توجه به دوره نسلی، فراغت جمعی با خانواده در بین پاسخگویان گزارش شده و این دو متغیر رابطه ای با هم ندارند. در واقع بدون توجه به دوره زندگی گذران فراغت با خانواده در بین همه افراد جامعه الگویی پذیرفته شده و پراقبال است.

فراغت فعال جمعی در فضای واقعی به سه الگوی فراغت مذهبی (شامل رفتن به مسجد برای نماز، و شرکت در مراسم مذهبی)، فراغت سنتی (شامل سفرهای سیاحتی تفریحی، رفتن به پیک نیک، سفرهای زیارتی، دید و بازدید) و فراغت مدرن (رفتن به تئاتر و کنسرت، رفتن به رستوران و سینما، پاساژگردی، ورزش کردن) دسته بندی می شوند. میانگین گذران فراغت فعال در هر سه شیوه مورد بررسی با خانواده بیش از با دوستان است. در واقع این یافته نیز حکایت از اهمیت خانواده در گذران فراغت در بین نسلهای مختلف مورد بررسی است. نکته حائز اهمیت این است که گذران فراغت مذهبی با خانواده بیش از گذران فراغت سنتی با خانواده است. در واقع مدت استفاده و دوره زمانی فراغت مذهبی بیش از سایر فراغتها در اغلب تعطیلات بوده است. گرچه بین فراغت جمعی فعال سنتی با خانواده و مذهبی با خانواده فاصله زیادی وجود ندارد (به ترتیب با میانگینهای ۲/۷۸ و ۲/۸۵ از ۵).

بررسی رابطه بین الگوهای مختلف گذران فراغت فعال جمعی با خانواده و همسویی با خانواده نشان دهنده وجود رابطه قوی و معنا دار بین این متغیرهاست. به عبارت دیگر، گذران فراغت جمعی فعال با خانواده در الگوهای مختلف در فضای واقعی، همسویی با خانواده را تقویت می کند.

بدین ترتیب فراغت فعال جمعی در فضای واقعی بشدت تقویت کننده همسویی با خانواده و همچنین تعامل با خانواده است، این بررسی نشان می دهد که مجموع فراغت فعال جمعی واقعی و مجازی ارتباطی با تعامل با خانواده ندارد. بنابر این اگر افراد به فراغت جمعی مجازی با خانواده بپردازند، این نوع فراغت فعال جمعی حتی با خانواده؛ به تقویت همسویی آنها با خانواده منجر نخواهد شد. ترکیب فراغت فعال مجازی و فراغت فعال جمعی در فضای واقعی نیز منجر به همسویی با خانواده نمی شود. بررسی رابطه بین الگوهای مختلف گذران فراغت فعال جمعی با خانواده و همسویی با خانواده نشان دهنده وجود رابطه قوی و معنا دار بین این متغیرهاست. به عبارت دیگر، گذران فراغت جمعی فعال با خانواده در الگوهای مختلف در فضای واقعی، همسویی با خانواده را تقویت می کند.

بررسی رابطه بین تعامل با خانواده و انواع الگوهای فراغت فعال جمعی با خانواده نشان از وجود رابطه معناداری بین متغیرها می باشد. در توضیح این یافته می توان بیان داشت که گذران فراغت جمعی فعال با خانواده به تعامل بیشتر با خانواده منجر می شود. این یافته بستگی به الگوهای سه گانه گذران فراغت جمعی فعال با خانواده، نداشته و در هر شکل و الگویی اگر فراغت فعال جمعی با خانواده اتفاق بیافتد منجر به تعامل با خانواده خواهد شد.

بررسی رابطه بین انواع گذران فراغت فعال جمعی با دوستان (شامل فراغت فعال مدرن، فراغت فعال سنتی، و فراغت فعال مذهبی) در فضای واقعی با همسویی با خانواده نشان دهنده فقدان وجود رابطه بین این متغیرهاست. در توضیح بیشتر می توان اظهار داشت که گذران فراغت فعال جمعی با دوستان منجر به همسویی با خانواده در جامعه مورد بررسی نشده است. بررسی رابطه بین انواع گذران فراغت فعال جمعی با دوستان و تعامل با خانواده، نشان می دهد فقط در ارتباط با فراغت فعال مدرن با دوستان رابطه معناداری وجود دارد.

بررسی رابطه تعامل با خانواده و مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی مجازی فقدان رابطه را نشان می دهد. همچنین بین همسویی با خانواده و مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه ای مشاهده نشد. چنین می توان نتیجه گرفت حتی اگر مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی مجازی اعضای خانواده باشد، استفاده از این شبکه‌ها موجب تقویت همسویی و تعامل با خانواده نمی شود.

بررسی رابطه بین تعامل با خانواده و انواع الگوهای فراغت فعال جمعی با خانواده نشان از وجود رابطه معناداری بین متغیرها می باشد. در توضیح این یافته می توان بیان داشت که گذران فراغت جمعی فعال با خانواده در فضای واقعی؛ به تعامل بیشتر با خانواده منجر می شود. این یافته بستگی به الگوهای سه گانه گذران فراغت جمعی فعال با خانواده، نداشته و در هر شکل و الگویی اگر فراغت فعال جمعی با خانواده در فضای واقعی اتفاق بیافتد منجر به تعامل با خانواده خواهد شد. «موقعیت اجتماعی و طبقه»، «دوره زندگی» و همچنین «جنسیت» از دیگر متغیرهای احصا شده و موثر بر تغییرات مرتبط با اوقات فراغت و نیز تعاملات بین نسلی است. پارکر، ۱۹۶۱؛ گروس، ۱۹۶۱؛ پهلوان و برزیگر، ۱۳۹۱؛ سرایی و پطرودی، ۱۳۹۱؛ سرایی و سوادیان، ۱۳۹۰؛ ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰؛ واصفیان و دیگران، ۱۳۹۳؛ ربانی و شیرینی، ۱۳۸۸؛ تمنا، ۱۳۹۲؛ عنایت و حسینی، ۱۳۹۲ در مطالعات خویش به تاثیر طبقه اجتماعی، دوره زندگی و جنسیت بر چگونگی تعاملات نسلی و نحوه و چگونگی گذران اوقات فراغت پرداخته اند.

از آنجا که این مطالعه در استانهای با سطح توسعه یافتگی متفاوت انجام شده، بررسی رابطه بین گذران فراغت فعال جمعی با دوستان و سطح توسعه یافتگی استان نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور هیچ رابطه ای وجود ندارد. بنابر این می توان نتیجه گیری کرد که گذران فراغت جمعی با دوستان الگوی فراگیری در بین جامعه آماری مورد بررسی نبوده و هیچ ارتباطی بین گذران فراغت با دوستان و سطح توسعه یافتگی استان مشاهده نمی شود.

لیندا لازارت در کتاب خویش با عنوان «اقتصاد اوقات فراغت»، به تفاوت ذاتی نسلهای مختلف در گذران اوقات فراغت تاکید دارد. وی بر این باور است که تقاضاهای نسل «پست بومر»، با نسل «بومرها» کاملاً متفاوت است. این ویژگی بالاخص در مورد سایر نسلها به عنوان نمونه نسل ایکس و نسل وای که دوره زندگی متفاوتی را تجربه کرده اند؛ صادق است. تفاوت مورد توجه وی در ارتباط با حوزه علایق، از کار تا خانواده و تا فعالیتهای فراغتی و عادات و حتی فعالیتهای عام المنفعه می باشد (لازارت، ۲۰۰۷: ۴). بررسی رابطه بین انواع گذران فراغت فعال جمعی با دوستان (شامل فراغت فعال مدرن، فراغت فعال سنتی، و فراغت فعال مذهبی) در فضای واقعی با همسویی با خانواده نشان دهنده فقدان وجود رابطه بین این متغیرهاست. در توضیح بیشتر می توان اظهار داشت که گذران فراغت فعال جمعی با دوستان منجر به همسویی با خانواده در جامعه مورد بررسی نشده است. بررسی رابطه بین انواع گذران فراغت فعال جمعی با دوستان و تعامل با خانواده، نشان می دهد فقط در ارتباط با فراغت فعال مدرن با دوستان رابطه معنادار و ضعیفی وجود دارد

رسانه های نوین در سالهای اخیر به عنوان یکی از بسترهای گذران فراغت و تعامل با دیگران مطرح شده اند. گرچه مطالعات جامع ای که ابعاد گذران فراغت رسانه ای مجازی را نشان دهد، انجام نشده و نمی توان به یقین در مورد پیامدها و تاثیرات این نحوه گذران فراغت اظهار نظر نمود. در مطالعه حاضر استفاده از شبکه های مجازی به عنوان فراغت فعال جمعی مجازی مورد بررسی قرار داده است. در ارتباط با فراغت فعال جمعی مجازی نیز مانند فراغت فعال جمعی در فضای واقعی مدت زمان و مخاطبان (کسانی که در فضای مجازی با آنان تعامل می شود) حائز اهمیت هستند. بنابر این بجز شبکه های اجتماعی که پاسخگویان از آنها استفاده می کردند در خصوص دو متغیر زمان (میزان مصرف مدت زمان) و نیز افرادی که با آنها تعامل انجام می شود (مخاطبان) نیز سؤال شده است.

یافته های این مطالعه مشخص نمود که گروه قابل توجهی از پاسخگویان عضو شبکه های مجازی مختلفی هستند و در این شبکه ها با افراد و مخاطبان گوناگون تعامل دارند. بیشترین استفاده پاسخگویان از شبکه تلگرام با میانگین ۲/۴ از ۵ است. بدین معنی که در روز حدود سه چهار بار به این شبکه سر می زنند. پس از آن شبکه اینستاگرام با میانگین ۱/۳ از ۵ بوده است. بدین معنی که در روز حداکثر یک بار به این شبکه سر می زنند. مابقی شبکه های اجتماعی مجازی بندرت توسط پاسخگویان مورد استفاده قرار می گرفته است.

با تاکید بر اولویت استفاده بیشتر پاسخگویان دو شبکه اجتماعی مجازی تلگرام و اینستاگرام مشاهده شد ۱۷/۴ درصد از پاسخگویان اصلاً از این شبکه های مجازی استفاده نمی کنند. بیش از یک سوم از آنان یعنی ۳۴/۹ درصد نیز بندرت در روز به این شبکه ها سر می زنند. در واقع بیش از نیمی از پاسخگویان یا اصلاً از شبکه های اجتماعی

استفاده نمی کنند یا به ندرت به آنها سر میزنند. کمتر از یک چهارم از پاسخگویان (۲۲/۵ درصد) حداقل یکبار در روز به این دو شبکه سر می زنند. ۱۳/۵ درصد نیز روی چند بار به شبکه‌های مجازی سرکشی می کنند. افراد پر مصرف یعنی کسانی که چند بار در ساعت یا مرتب به شبکه‌های اجتماعی مجازی مراجعه می کنند درصد کمی (۱۱/۷ درصد) از پاسخگویان را تشکیل می دهد. بنابر این می توان نتیجه گیری کرد که بیش از یک دهم از جامعه مورد مطالعه را می توان به عنوان استفاده کنندگان پرمصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی محسوب نمود و این در مقابل گروهی است که یا اصلاً از این شبکه‌ها استفاده نمی کنند (۱۷/۴ درصد) و یا بندرت به این شبکه‌ها سر می زنند (۳۴/۹ درصد).

از عوامل موثر و تاثیرگذار بر تعاملات نسلی میزان استفاده از شبکه‌های مجازی است. این بررسی نشان می دهد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و همسویی با خانواده رابطه ای وجود ندارد ولی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یک فراغت فعال جمعی اما مجازی با تعامل با خانواده دارای رابطه منفی و ضعیف است و بر آن تاثیر می گذارد. نه تنها مدت استفاده از فراغت فعال جمعی مجازی، بلکه مخاطبان در این شبکه‌ها بر روی افراد تاثیر گذار هستند. این مطالعه نشان می دهد که برخی از پاسخگویان (بیش از یک چهارم ۲۶/۳ درصد) در مورد مخاطبان در این شبکه‌ها اطلاعی نداده اند. نکته حائز اهمیت این است در این الگوی فراغت جمعی فعال مجازی بیشترین مخاطبان را اقوام و خویشان تشکیل می دهند. و بعد از آنها افراد ناشناس با ۲۳ درصد بیشترین فراوانی را داشته اند. نزدیک به ۲۰ درصد یا یک پنجم از پاسخگویان مخاطبان مختلفی در شبکه‌های اجتماعی مجازی دارند.

در راستای یافته ای این مطالعه می توان اظهار داشت که برخی دیگر از مطالعات نیز نشان می دهند که استفاده از شبکه مجازی جهانی و اینترنت به عنوان شیوه گذران اوقات فراغت، از عوامل موثر بر ایجاد شکاف نسلی است. منتظر قائم و شاقاسمی اینترنت را به عنوان یکی از عواملی که در این ارتباط ایفای نقش می کنند برشمرده اند. در توضیح اهمیت آن آورده اند: «اینترنت رسانه ای با امکاناتی متفاوت از تمامی رسانه‌های پیش از خود و واجد تمام امکانات آنهاست. بنابر این طبیعی است کسانی که از این رسانه استفاده می کنند ظرف مدت کوتاهی به لحاظ آگاهی از دیگران فاصله بگیرند. این شکاف آگاهی می تواند به بزرگ تر شدن شکاف نسلی میان نسل سوم و نسلهای پیش از آن منجر شود (۱۳۹۴).

وابستگی چندگانه به حلقه‌های اجتماعی به خودآگاهی بیشتر می‌انجامد. همین که فرد از چیرگی حلقه کوچکی که شخصیتش را در چهارچوب محدوده‌هایش اسیر می‌سازد رهایی می‌یابد، از یک نوع ادراک رهایی آگاه می‌شود. انشعاب تعلق گروهی یک نوع احساس منحصر به فرد بودن و آزادی را بیدار می‌سازد. وجود حلقه‌های اجتماعی، پیش شرط فردگرایی است، به این لحاظ نه تنها انسان‌ها نسبت به یکدیگر ناهمانند می‌شوند، بلکه فرصت آن را می‌یابند که در زمینه‌های اجتماعی گوناگون بدون زحمت حرکت کنند (به نقل از کوزر، ۱۳۷۳: ۲۶۵).



فراغتهای فردی فعال و منفعل از دیگر الگوهای فراغتی است که در این مطالعه مورد رصد قرار گرفته است. فردگرایی نیز به عنوان متغیر تاثیر گذار بر تعاملات بین نسلی و چگونگی گذران اوقات فراغت توسط معیدفر، صبوری خسروشاهی و توکلی نیا، ۱۳۹۰؛ پهلوان، ۱۳۸۶؛ رحیمی و دیگران، ۱۳۹۰ گزارش شده است. همچنین جهانی شدن نیز از دیگر متغیرهای احصا شده توسط محققین در این ارتباط بوده است.

بازی‌های رایانه ای نیز در این بین کمترین میانگین (۱/۲۹) را به خود اختصاص داده است. بدین معنی که پاسخگویان در روز بین ۱ ساعت تا کمتر از ۱/۵ ساعت به بازی‌های رایانه ای می پردازند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که استفاده از اینترنت با فاصله کمی بعد از مشاهده تلویزیون قرار دارد. در واقع از این یافته می توان نتیجه گیری کرد که در سالهای اخیر الگوی فراغت منفعل فردی (بیشترین مقدار آن تماشای تلویزیون) در حال تغییر به الگوی فراغت فردی فعال (استفاده بیشتر از اینترنت) می باشد. در واقع افراد در جستجوی الگوهای فعال فراغت فردی می باشند. ضروری است که محققین دلایل و عوامل این تغییر در جامعه ایران جستجو نمایند محتمل است تغییر ذائقه فراغتی جامعه یا تغییر در برنامه‌های رسانه تلویزیون از جمله عوامل این ویژگی باشد که لازم است مطالعات دیگر به آنها بپردازند.

در فراغت منفعل فردی می توان دو الگوی فراغت منفعل فردی در نظر گرفت. نخست الگوی سنتی که شامل تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو است. این الگو توسط یک سوم از پاسخگویان در روز بین ۱ تا ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه در روز مورد استفاده قرار می گیرد. گرچه ۴۰ درصد از پاسخگویان تا ۲ ساعت ۵۰ دقیقه در روز از این الگوی فراغت منفعل فردی سنتی بهره می برند.

بررسی رابطه بین الگوی گذران فراغت منفعل فردی سنتی با همسویی و تعامل با خانواده نشان می دهد که این روش گذران فراغت (مشاهده تلویزیون و گوش دادن به رادیو) هیچ رابطه با تقویت یا تضعیف روابط بین نسلیها در خانواده ندارد. فراغت منفعل فردی مدرن شامل مشاهده ماهواره، گوش دادن به موسیقی و نیز تماشای فیلم با کامپیوتر و غیره است. این مطالعه نشان می دهد که نزدیک به نیمی از پاسخگویان فاقد فراغت منفعل مدرن هستند. یک سوم از پاسخگویان نیز کمتر از یک ساعت در روز از فراغتهای منفعل مدرن استفاده می کنند. نزدیک به ده درصد (۹/۱ درصد) بین یک تا یک و نیم ساعت به فراغت منفعل فردی مدرن می پردازند. حدود ۸ درصد نیز بیش از این زمان به فراغت منفعل مدرن فردی می پردازند.

بنظر می رسد ادامه بازنمایی الگوهای کلیشه ای روابط بین نسلیها در تلویزیون، باعث شده که این رسانه کارکرد تاثیرگذاری در تقویت تعامل بین نسلیها نداشته باشد. در توضیح این مهم، ذکایی و فتحی نیا (۱۳۹۲) در مطالعه ای با عنوان «تحوه بازنمایی روابط بین نسلی در سریالهای ایرانی پربیننده» با استفاده از روش تحلیل روایت به بررسی سریالهای ایرانی پربیننده در طی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ پرداخته است. «یافته‌های این بررسی حاکی از آن است که سه الگوی توافق نسلی، تغییر نسلی، و شکاف یا گسست نسلی به صورت پنهان یا آشکار در سریالهای مورد بررسی بازنمایی شده است. در این میان تنها الگویی که در آن هم نگرش و رفتار جوانان و هم نگرش و رفتار افراد

بزرگسال در همه موارد خوب نمایی شده الگوی توافق نسلی است..... محقق همچنین نتیجه گرفته است که این نحوه عمل در سریالهای تلویزیونی تا حدی متأثر از سیاستهای صدا و سیما در حوزه روابط بین نسلی باشد» (ذکایی و فتاحی نیا، ۱۳۹۲: ۲۹). همچنین؛ یوسفی در مطالعه خود در خصوص نقش تلویزیون در روابط نسلی سه دیدگاه خوشبین‌ها، بدبین‌ها و میانه روها را از هم تفکیک کرده است. طرفداران دیدگاه خوش بینانه، ضمن تاکید بر نقش مثبت رسانه‌ها در انتقال ارزشها در بین نسل‌ها، اعتقاد دارند تلویزیون از طریق سازوکارهای مشخصی به تلطیف روابط بین نسل‌ها کمک می‌کند. این سازوکارها عبارتند از: تاثیر در فرهنگ و جامعه پذیری، تاثیر در ایجاد همبستگی، هم‌رنگی و شبیه سازی در جامعه و خانواده؛ تاثیر در ایجاد کنش متقابل بین افراد خانواده و بالاخره ایجاد وحدت ارزشی. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد گرچه همچنان مشاهده تلویزیون در بین جامعه مورد بررسی بیشترین درصد را در بین الگوهای فراغت منفعل فردی داراست؛ ولی این جایگاه با افزایش استفاده از شبکه‌های مجازی در بین پاسخگویان در حال تغییر است. یافته‌های این بررسی در راستای مطالعات ذکایی و دیگران (۱۳۹۲) و یوسفی (۱۳۹۴)، جعفرزاده پور (۱۳۸۸) است. زیرا نشان می‌دهد که بین فراغت منفعل فردی مدرن (تماشای ماهواره و گوش دادن به موسیقی) با همسویی با خانواده ارتباطی وجود ندارد ولی بین تعامل با خانواده و گذران فراغت منفعل فردی مدرن ارتباط ضعیفی وجود دارد.

در مطالعه حاضر ۴ شکل از انواع فراغت فعال فردی مورد بررسی قرار گرفته است. این انواع شامل مطالعه روزنامه، مطالعه کتاب، بازی‌های رایانه ای و استفاده از اینترنت می‌باشند. با توجه به اینکه مطالعه روزنامه و کتاب الگویی از یک فراغت فردی فعال سنتی است می‌توان اظهار داشت که این الگو اصلا الگوی مورد اقبالی در بین پاسخگویان نمی‌باشد به طوری بیش از یک سوم از پاسخگویان اصلا از این الگو در فراغت فردی فعال سنتی خویش استفاده نمی‌کنند نزدیک به نیمی نیز کمتر از یک ساعت در روز این الگو فراغتی را مورد استفاده قرار می‌هند. بررسی رابطه بین گذران فراغت فردی فعال سنتی با تعامل و همسویی با خانواده نشان می‌دهد هیچ ارتباطی با الگوی فراغت فعال فردی سنتی ندارد.

می‌توان برای فراغت فعال فردی یک شاخص مدرن شامل استفاده از اینترنت و انجام بازی‌های کامپیوتری را ساخت. این شاخص نشان می‌دهد که نزدیک یک چهارم از پاسخگویان اصلا فراغت فعال مدرن ندارند. بیش از یک سوم نیز در روز کمتر از یک ساعت فراغت فعال فردی دارند (۳۷/۶ درصد) و کمتر از یک چهارم از پاسخگویان در روز بین ۱ تا ۱۰ نیم ساعت فراغت فعال فردی مدرن دارند. بررسی رابطه بین الگوی فراغت فعال فردی مدرن (استفاده از اینترنت و بازی‌های رایانه ای) با رابطه نسلی نشان می‌دهد که بین همسویی با خانواده و تعامل با خانواده و الگوی فراغت فردی مدرن شدت رابطه وجود دارد.

برای فراغت فردی دسته بندی‌های دیگری نیز ارائه شده است. برخی فراغت فردی را فراغت رسانه ای نامگذاری کرده و مصرف رسانه ای یکی از روشهای گذران فراغت دانسته و پیامدهای آنرا احصا نموده اند. ساروخانی و دیگران در مطالعه خود نشان دادند که «در تهران با روند فزاینده رسانه ای شدن فراغت مواجه ایم که این امر فرصتها و در

عین حال تهدیدها، گزینه‌ها، و ابزارهای جدیدی را برای هویت یابی بازاندیشانه جوانان ایجاد کرده است. روجک معتقد است که تجربه فراغت آکنده از نبردهای اخلاقی است، زیرا به طور مرتب این پرسش را مطرح می‌کند که چه چیز برای شما و دیگران خوب است. به همین علت، بعضی از گونه‌های فراغت رسانه‌ای - الگوی فراغت مجازی و ماهواره محور - به علت انطباق نداشتن با چهارچوبهای رسمی، چالش‌های اخلاقی بسیاری را در جامعه ما ایجاد کرده‌اند؛ به گونه‌ای که تهدیدی برای هویت یابی جوانان به شمار می‌رود (ساروخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۹). بی تردید الگوهای فراغت منفعل فردی مدرن بر تعاملات نسلی تاثیر گذار است، محققین نشان دادند که دخترانی که استفاده بیشتری از رسانه‌های جهانی دارند، فاصله نسلی بیشتری از مادران دارند. در تفسیر این موضوع می‌توان بیان نمود که تغییر الگوهای گذران اوقات فراغت، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نگرش دموکراتیک والدین ایجاد تفاوت‌های ارزشی بالاخص در عرصه‌های فردی، می‌انجامد.

به زعم رایزن، مصرف رسانه‌ای و همچنین فراوانی و تکثر رسانه‌ها جدال برای تولید و مصرف از طریق رسانه‌ها را ایجاد کرده است، جدالی که آمال خانواده‌ها و ارزشها و سنتهای کنار زده شده از یک سو و فقدان الگوی عملی برای رفتار از دیگر سو، افراد را به مشاهده دیگران به ویژه از طریق رسانه و آگاهی از نظرات آنها درباره خودشان می‌کشانند، مسئله‌ای که سبب می‌شود جمعیت‌های بزرگ و انبوه در شهرها فقط و فقط سرگرم شده با تنهایی خود با رسانه‌ها باشند (شریفی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۷ به نقل از رایزن).

این مطالعه نشان داد که میزان گذران فراغت با دوره نسلی نیز در ارتباط است. این یافته در راستای نظر نازارت است. نازارت<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۷) فصلی از کتاب خویش را به عنوان: «نسلها: نقشهای تعریف شده» اختصاص داده و آورده است: «ذکر این نکته مهم است که زمان گذران اوقات فراغت شدت تحت تاثیر نسل قرار دارد هم به لحاظ آنچه ما بدست می‌آوریم و هم به لحاظ آنچه چقدر ما مطالبه داریم.

بورديو از نظریه پردازان اوقات فراغت است. وی اوقات فراغت را قسمتی از سبک زندگی می‌بیند. «بر مبنای دیدگاه بورديو، گذران اوقات فراغت می‌تواند بیانگر سبک زندگی و ذائقه‌های خاص باشد که به متمایز شدن افراد از یکدیگر منجر شود. در واقع، یکی از کارکردهای اوقات فراغت، تمایز بخشی است. بورديو برای تبیین نظریه‌ی خود از مفهومی به نام ذائقه سود می‌جوید. (ذائقه عملکردی است که یکی از کارکردهایش این است که به افراد ادراکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۴). به معنای دقیق تر باید گفت مصرف، اجازه بازنمایی سبک‌های زندگی مختلف و ذائقه‌های مختلف را می‌دهد و نهایتاً اینکه سبک‌های زندگی و ذائقه‌هایی که بر مبنای سرمایه‌های بالا شکل می‌گیرند، به مصرف کالاهایی می‌انجامد که تمایز اجتماعی ایجاد می‌کند. این منطق تمایز در مصرف، در کانون توجه بورديو قرار دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که مصارف فراغتی متنوع اعم از فردی و جمعی تاثیراتی بر تغییر سبک زندگی در حوزه تعاملات بین نسلها و تغییر ارزشها در جامعه مورد مطالعه دارد. در

<sup>۱۱</sup> Linda Nazareth

واقع می توان انتخاب ازادانه فراغتی را به عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی، موثر بر تغییر تعاملات بین نسلها دانست. از دید گیدنز (۱۳۸۲)، سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادات‌ها و جهت‌گیری‌ها و لذا واجد نوعی وحدت و انسجام است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱ به نقل از محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶).

در ارتباط با زیر ساختهای فراغتی و استفاده از آنها این مطالعه نشان داد تنها وجود یا عدم وجود زیر ساختهای فراغتی عاملی برای استفاده از آنها نیست، بلکه متغیرهای دیگری چون علاقه فردی، وضعیت اقتصادی، زمان آزاد از جمله متغیرهایی هستند که در این ارتباط ایفای نقش می کنند.

#### ۵-۶- واریسی سئوالات تحقیق:

این مطالعه تلاش دارد که به سئوالات زیر پاسخ گوید:

۱. مناسبات نسلی (تفاهمی، تفاوتی، و تعارضی) چه رابطه ای بر میزان و نحوه گذران اوقات فراغت دارد؟  
این مطالعه برای احصا وضعیت تعاملات بین نسلی از دو شاخص همسویی با خانواده و تعامل با خانواده استفاده کرده است که نشان می دهد همسویی پاسخگویان با خانواده کم است به طوری که تنها کمتر از یک پنجم از پاسخگویان با خانواده همسو بوده اند در واقع می توان همسویی را معادل تفاهم نسلی دانست که مطالعه حاضر روند تحول و تغییر نسلی را نشان می دهد. در حالی که پاسخگویان با خانواده همسو نیستند ولی با خانواده به تعامل می پردازند و این الگویی است که در بیش از نیمی از پاسخگویان گزارش شده است. گذران اوقات فراغت به عنوان ابزاری برای تقویت تعاملات بین نسلی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که گذران فراغت جمعی در فضای واقعی با خانواده منجر به افزایش تعامل و همسویی با خانواده می شود. این در حالی است که گذران فراغت فعال جمعی با خانواده در فضای مجازی منجر به افزایش تعامل با خانواده نمی شود. بنابر این نحوه گذران فراغت با خانواده (مجازی و واقعی) بر تعامل نسلی تاثیر گذار است. همچنین مطالعه نشان می دهد که فراغت فعال فردی مدرن (استفاده از اینترنت و بازی‌های رایانه ای) موجب کاهش تعامل با خانواده می گردد. فراغت منفعل سنتی (تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو) تاثیری بر تعاملات بین نسلی ندارد ولی فراغت منفعل مدرن (مشاهده ماهواره و گوش دادن به موسیقی) بر تعاملات بین نسلی تا حدودی تاثیر گذار است. این مطالعه نشان می دهد نحوه و میزان گذران اوقات فراغت در رابطه با وضعیت تعاملات نسلی است و برعکس. وضعیت تعاملات نسلی بر نحوه و میزان گذران اوقات فراغت تاثیر دارد.

۲. بین میزان و نحوه گذران اوقات فراغت، نسل (دوره زندگی) و متغیرهای زمینه ای (تحصیلات، جنسیت و طبقه اجتماعی آنان) چه رابطه‌ای وجود دارد؟

بررسی یافته‌های حاصل از مطالعه حاضر نشان می‌دهد تحصیلات هیچ تاثیری بر گذران فراغت و وضعیت تعامل بین نسلها ندارد. این در حالی است که تعاملات بین نسلی با جنسیت و طبقه اجتماعی بشدت دارای رابطه است. در واقع زنان بیشتر از مردان به تعامل با خانواده می‌پردازند و این نقش سنتی را حتی در جامعه مدرن امروز، همچنان ایفا می‌نمایند. همچنین مطالعه حاضر نشان داد که بین وضعیت تعامل بین نسلها و طبقه اجتماعی و وضعیت اقتصادی رابطه معکوسی وجود دارد. با بهبود وضعیت اقتصادی و ارتقا طبقه اجتماعی، تعاملات بین نسلها کاهش می‌یابد و بالعکس. در بین طبقات اجتماعی با وضعیت متوسط و متوسط پایین تعامل بین نسلی بیشتری مشاهده شد تا در بین خانواده‌ها از طبقات اجتماعی بالا و متوسط بالا.

### ۳. الگوی گذران اوقات فراغت در نسلهای مورد بررسی چه تغییراتی را نشان می‌دهد؟

مطالعه حاضر حکایت از روند تغییر در الگوهای گذران فراغت در بین سه نسل فعال در سپهر اجتماعی است. در حالی که نسل سالمند به فراغت فعال جمعی با خانواده و گاهی با دوستان می‌پردازد و در فراغتهای فردی بیشتر به تماشای تلویزیون می‌نشینند و کمتر به فراغتهای منفعل مدرن و فعال مجازی می‌پردازد، نسل میانسال بجز فراغت فعال جمعی با خانواده کمتر زمانی را به فراغت با دوستان می‌پردازد یا به تماشای تلویزیون می‌نشینند که محتمل از این رفتار به دلیل تکثر نقشهای و مسئولیتهای آنان باشد. این در حالی است که به فراغت منفعل مدرن تا حدی می‌پردازد و از فراغت فعال مجازی نیز لذت می‌برد. بین میانسالان و سالمندان تفاوتی در الگوی گذران فراغت مشاهده می‌شود. این تفاوتها بین نسل میانی و جوانان بیشتر است به طوری که جوانان در کنار فراغت جمعی با خانواده به گذران فراغت جمعی با دوستان نیز اهتمام می‌ورزند، به فراغت منفعل فردی و تماشای تلویزیون بسیار می‌پردازند و نیز به فراغت منفعل فردی مدرن شامل گوش دادن به موسیقی و تماشای فیلم و بازیهای رایانه ای، آنها فعالترین نسل در استفاده از فضای مجازی و گذران فراغت مجازی هستند و این مهم بی تردید در ایجاد تحولات ارزشی و رفتاری در آنها بی اثر نخواهد بود.

این مطالعه نشان می‌دهد که تعامل بین نسلی در بین میانسالان و سالمندان بیشتر از جوانان است. همچنین این بررسی حکایت از آن دارد که گذران فراغت جمعی با دوستان در بین جوانان بیشتر از سایر گروههای نسلی است، که بی تردید این ویژگی متأثر از دوره زندگی جوانان است. در این مطالعه فراغت فعال مجازی جمعی در بین سالمندان کمتر دیده می‌شد، این در حالی است که در بین جوانان و میانسالان در این الگوی فراغتی تفاوتی مشاهده نمی‌شد. نکته بسیار حائز اهمیت این است که در بین الگوهای فراغتی فردی منفعل تماشای تلویزیون همچنان بیشترین درصد را بدون توجه به دوره زندگی به خود اختصاص داده است ولی در کنار تلویزیون، استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان فراغت جمعی فعال مجازی در حال افزایش است. در واقع این مطالعه نشان می‌دهد که روند فراغت منفعل فردی در فضای واقعی در حال تغییر به فراغت فعال جمعی در

فضای مجازی است. از آنجا که حتی گذران فراغت جمعی فعال با خانواده و اقوام در فضای مجازی موجب تقویت تعامل بین نسلها نخواهد شد، بنظر می رسد گسترش چنین الگوی فراغتی در کنار سایر عوامل (مانند افزایش سطح توسعه یافتگی استان) می تواند موجب شدت یافتن کاهش تعامل بین نسلها در سپهر اجتماعی شود. بدین ترتیب لازم است تمهیداتی از سوی خانواده‌ها اندیشیده شود که با استفاده از بستر گذران فراغت، تعامل بیشتری در بین اعضا و بالاخص جوانان ایجاد نمایند.

## ۵-۷- جمع بندی نتیجه گیری

تحولات سریع اجتماعی و سایر تغییرات در ابعاد مختلف زندگی بشر، تغییراتی را در سبک زندگی و الگوی کنش بین نسلها ایجاد نموده است و موجب گردیده که الگوهای ارزشی نسلهای پیشین برای نسلهای جدید کارآیی لازم را نداشته باشد به همین دلیل نسلهای پیشین در فرایند جامعه پذیری مجدد قرار گرفته و نسلهای جدید برای احصا الگوهای ارزشی به منابع دیگر مستمسک می شوند. این مطالعه نشان داد در حالی که درصد قابل توجهی از جامعه مورد بررسی با سایر نسلها و اعضای خانواده خویش همسو نیستند (۴۹/۳ درصد) و در حوزه ارزشها بین آنان توافق وجود ندارد، ولی همچنان دارای تعامل زیاد و بسیار زیادی با خانواده هستند. خانواده در کشور ما بر اساس این مطالعه همچنان حائز اهمیت است و در گذران فراغت فعال جمعی بعنوان مهمترین انتخاب محسوب می شود. مطالعه حاضر نشان می دهد که بسترهایی برای تقویت مناسبات نسلی با استفاده از شاخص گذران فراغت از شاخص‌های سبک زندگی وجود دارد. گذاران فراغت فعال جمعی با خانواده بدون توجه به الگوی گذران آن (سنتی، مدرن، و مذهبی) می تواند بستری برای تقویت تعاملات بین نسلی باشد. این در حالی است که گذران فراغت منفعل فردی هیچ تاثیری بر تعاملات نسلی ندارد. از بین فراغتهای فعال جمعی استفاده از شبکه‌های مجازی بر کاهش تعامل با خانواده و در نتیجه تغییر الگوی مناسبات نسلی منجر می شود. این مطالعه نشان می دهد که عواملی مثل طبقه اجتماعی اقتصادی و سطح توسعه یافتگی استان با تعامل با خانواده دارای رابطه معکوسی است در واقع با بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش سطح توسعه یافتگی استان میزان تعامل با خانواده کاهش می یابد و بالعکس.

بین میزان تعامل با خانواده و جنسیت نیز رابطه مشاهده شده است و زنان بیشتر از مردان به تعامل با خانواده می پردازند. گذران فراغت فعال در فضای مجازی رابطه معکوسی با تعامل با خانواده دارد حتی اگر مخاطب از اقوام و یا اعضای خانواده باشد. فراغت فردی فعال مجازی در حال جایگزین شدن با فراغت منفعل فردی در فضای واقعی است و این امر احتمال تغییر رابطه بین نسلها در خانواده را به همراه خواهد داشت. فراغت زمانی است که فرد از استلزامات روزانه رهایی می یابد و بهترین زمان برای یادگیری و نهادینه شدن ارزشها در وی است. افزایش فراغت فعال جمعی در فضای مجازی و تغییر الگوی فراغتی در بین اعضای جامعه در حال تغییر الگوی فراغتی است و لازم است به پیامدهای این تغییر با تاکید بر تغییر الگوی روابط بین نسلها توجه جدی نمود. این امر با توجه به شواهدی

نظیر افزایش سرعت اینترنت، سهولت دسترسی، فراگیر شدن تلفنهای هوشمند و افزایش فردگرایی در جامعه، و نیز بهبود سطح اقتصادی خانوارها و ارتقا سطح توسعه یافتگی در استانهای مختلف کشور در حال تغییر الگوی تعاملات بین نسلیهاست.

#### ۵-۸- پیشنهادات:

مطالعه حاضر به بررسی رابطه بین مناسبات نسلی و میزان و نحوه گذران اوقات فراغت پرداخت است. بی تردید لازم است مطالعات تکمیلی به دقت حوزه های مرتبط را رصد نمایند تا ابعاد دیگری از موضوع شناخته شود. بنابر این پیشنهاد می گردد:

۱- به منظور شناسایی رابطه بین مناسبات نسلی و فراغت مجازی مطالعه ای به تفکیک دوره های نسلی انجام شود.

۲- مطالعه ای به بررسی الگوهای فراغتی هر یک از نسلیها در عرصه اجتماعی پردازد تا تفاوتها و شباهتهای بین نسلیها در گذران فراغت احصا شود.

۳- از آنجا که گذران فراغت یکی از شاخص های سبک زندگی است لازم است سایر شاخص های سبک زندگی و رابطه آنها با مناسبات بین نسلیها مورد مطالعه قرار گیرد.

## فهرست منابع:

- ابراهیمی، قربانعلی؛ رازقی، نادر؛ مسلمی پطروودی، رقیه (۱۳۹۰) اوقات فراغت و عوامل اجتماعی موثر بر آن: مطالعه موردی افراد ۶۴-۱۵ ساله شهرستان جویبار، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۲، ش ۴۴، زمستان.
- ابراهیمی، قربانعلی؛ مسلمی پطروودی، رقیه (۱۳۹۰) اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان، مطالعه موردی زنان شهرستان جویبار، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، ش ۴، زمستان.
- احمدی، آرمان؛ احیایی، پویان (۱۳۹۲) بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن مورد مطالعه: دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، زمستان.
- احمدی، خدابخش؛ عبدالملکی، هادی؛ آزاد مرزآبادی، اسفندیار؛ رئیسی، فاطمه (۱۳۸۹) کیفیت گذران اوقات فراغت و رابطه آن با آسیب پذیری فرهنگی و اجتماعی در بین خانواده‌های نظامی، فصلنامه روانشناسی نظامی، سال اول، ش ۲، تابستان.
- ارجمندی، حسن؛ حسن پور، محسن؛ ارجمند سیاهپوش، اسحق؛ ارجمند سیاهپوش، بهاره (۱۳۹۲) شکاف نسلی و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، سال چهارم، ش یازدهم، پاییز.
- اردکانیان، عباس (۱۳۸۹) اهمیت آموزش اوقات فراغت در ارتقای سلامت جامعه، نشریه برگ فرهنگ، دوره جدید، ش ۲۱، بهار و تابستان.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۷۹) بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی، فصلنامه علوم اجتماعی
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۳) جوانان و دگرگونی فرهنگی ارزشها، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت شناسی با تاکید بر جوانان، دانشگاه شیراز.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۹) جامعه شناسی ایران: جامعه شناسی مناسبات بین نسلی، چاپ اول، تهران، نشر علم
- آزادارمکی، تقی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳) جامعه شناسی نسلی در ایران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی، تهران.
- بابایی، فاطمه؛ کردی، ناهید؛ هاشم زهی، نوروز (۱۳۹۲) تاثیر سریالهای خانوادگی تلویزیون بر سبک زندگی و اوقات فراغت، مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی، وزارت ورزش و جوانان.



- بهار، مهری؛ رحمانی، سحر(۱۳۹۱) بررسی شکاف نسلی به لحاظ وضعیت دینداری دو نسل دهه ۵۰ و ۷۰ با تاکید به بعد مناسکی، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال سوم، ش ۶، تابستان.
  - پهلوان، منوچهر؛ برزیگر، سیده فاطمه (۱۳۹۰) جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، پاییز.
  - پور اسماعیل، احسان (۱۳۸۵) بهره وری از اوقات فراغت با توجه به نظرات جامعه شناسان و مقایسه آن با آموزه‌های وحیانی، پژوهش دینی، ش ۱۴، زمستان.
  - پوراحمد، احمد؛ سالاروندیان، فاطمه (۱۳۹۱) روند تحولات تاریخی فضاهای گذران اوقات فراغت زنان از قاجاریه تا کنون در شهر تهران، فصلنامه زن در توسعه سیاست، دوره ۱۰ ش ۳، پاییز.
  - پورحلبی، ربابه؛ عابدینی، صمد (۱۳۹۱) بررسی عوامل جامعه شناختی موثر بر پدیده انسجام بین نسلی در میان (نسل جدید) و مقایسه آن با والدین (نسل قدیم)ف فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، ش ۵.
  - تاجیک، محمد رضا(۱۳۸۳) شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تحلیل‌ها، تخمین‌ها و تدبیرها، تهران مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک.
  - تمنا، سعید (۱۳۹۲) فرهنگ دانشگاهی و تاثیر آن بر سبک زندگی و فراغت جوانان، مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان، انتشارات وزارت ورزش و جوانان.
  - توکل، محمد؛ قاضی نژاد، مریم(۱۳۸۵) بررسی و نقد رهیافتهای نسل تاریخی و تضاد با تاکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۷، بهار.
  - جعفری، روح اله؛ عزیزی، محمود؛ نوبخت حقیقی، محمد باقر (۱۳۹۳) بررسی عوامل اثرگذار بر فرهنگ تئاتر و تعیین جایگاه آن در اوقات فراغت اقشار مختلف شهر تهران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، ش ۱۱، تابستان.
  - چلبی، مسعود (۱۳۸۰) بزهکاری نوجوانان با تأکید روی نظم در خانواده، (با همکاری روزبهانی)، "پژوهشنامه دانشکده علوم انسانی"، دانشگاه شهید بهشتی. ش ۲۹.
  - خادم الحسینی، احمد؛ شمس، مجید؛ میرعنایت، ناهید السادات (۱۳۹۱) بررسی عوامل بازدارنده بانوان در استفاده از فضاهای شهری برای گذران اوقات فراغت، مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر اصفهان، فصلنامه فضای گردشگری، سال اول، ش ۲، تابستان.
  - خواجه نوری، بیژن؛ مقدس، علی اصغر (۱۳۸۷) بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آیاده، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه نامه پژوهشهای اجتماعی، نیمه دوم.
  - دانش، پروانه؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا؛ عبداللهی، عظیمه سادات (۱۳۹۳) تحلیل جامعه شناختی شکاف نسلی در ایران، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، ش ۳، پاییز
-

- ذکایی، محمد سعید؛ فتحی نیا، محمد (۱۳۹۲) نحوه بازنمایی روابط بین نسلی در سریالهای ایرانی پربیننده، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، ش ۴، زمستان.
- ربانی، رسول؛ شیری، حامد (۱۳۸۸) اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، ش ۸، زمستان.
- رحیمی، ابوالفضل؛ انوشه، منیره؛ احمدی، فضل اله؛ فروغان، مهشید (۱۳۸۹) تجارب سالمندان تهرانی در زمینه اوقات فراغت و تفریحات، فصلنامه سالمند، سال پنجم، ش ۱۵، بهار.
- رحیمی، محمد؛ آشفته تهرانی، امیر؛ حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۰) عوامل اجتماعی موثر بر شکاف بین نسلی مطالعه موردی شهر خلخال در سال ۱۳۹۰، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، سال اول، ش ۳، زمستان
- رحیمی، محمد (۱۳۹۰) شکاف نسلی در رویکردهای جامعه شناسی، وبسایت علوم اجتماعی ایران، تاریخ بازیابی ۱۱-۸-۹۴
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۴) جنسیت و فراغت در عرصه‌های زندگی شهری، فصلنامه انسان شناسی، ش ۴، تهران صص ۶۱-۷۳.
- ریاضی، سید الوالحسن (۱۳۹۲) تصویری از فرهنگ مصرفی جامعه ایران با استفاده از داده‌های یک پیمایش ملی پیرامون گذران اوقات فراغت، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ششم، ش ۴، زمستان.
- زمانیان، علی (۱۳۸۷) تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- زیاری، کرامت اله؛ مهدنژاد، حافظ؛ پرهیز، فریاد (۱۳۸۸) مبانی و تکنیکهای برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه بین المللی چابهار، چابهار.
- ساروخانی، باقر؛ میرزایی ملکیان، محمد؛ توکلی، زهره (۱۳۹۲) بررسی جامعه شناختی تاثیر گذران اوقات فراغت در تکوین هویت ملی جوانان، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، ش ۳، پاییز.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴) سیمای جهانی گذران اوقات فراغت جوانان، دفتر مطالعات و تحقیقات و برنامه ریزی سازمان ملی جوانان.
- ساعی، علی (۱۳۸۷) روش تحقیق در علوم اجتماعی، سمت، تهران.
- سلتیز و همکاران (۱۳۴۴) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه خسرو مهندسی، ج ۱، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
- سرایی، محمد حسین؛ روستا، مجتبی؛ اشنوئی، امیر (۱۳۹۱) عوامل موثر بر گذران اوقات فراغت در مناطق شهری ایران مطالعه موردی منطقه ۸ مشهد، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال دوم، ش ۷، پاییز.

- سرایی، حسین؛ سوادیان، پروین (۱۳۹۰) اوقات فراغت در گذر نسلها، مطالعه موردی دختران دبیرستانی شهر گرمسار و مادران آنها، محله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، ش اول، زمستان.
- سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۳) تحول مفهوم اوقات فراغت، نظام‌های تولیدی و بازار کار، فصلنامه مطالعات جوانان، ش ۶.
- شرفی، محمد رضا (۱۳۸۲) مولفه‌ها و عوامل گسست نسلها، مجموعه مقالات نگاهی به پدیده گسست نسلها، به اهتمام علیخانی، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی.
- شریفی، سعید؛ مظاهری، محمد مهدی؛ اعتباریان، اکبر؛ شاه طالبی، بدری (۱۳۹۳) خوشه بندی سبک زندگی مبتنی بر مصرف رسانه ای، مورد مطالعه: کلان شهر اصفهان، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، ش ۳، پاییز.
- صبوری جهانشاهی، حبیب؛ توکلی نیا، نفیسه (۱۳۹۱) بررسی تاثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی، مطالعات رسانه ای، سال هفتم، ش ۱۹، زمستان.
- طالب، مهدی (۱۳۸۰) شیوه‌های عملی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)، انتشارات دانشگاه تهران
- عبدالملکی، علیرضا (۱۳۷۸) بررسی عوامل و جاذبه‌های گردشگری شهر همدان و نقش آن در تحولات این شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- عنایت، حلیمه؛ حسینی، مریم (۱۳۹۲) مطالعه جنسیتی الگوهای گذران اوقات فراغت در میان جوانان شهر شیراز و رابطه آن با انواع سرمایه‌ها، مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان، سازمان ملی جوانان.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷) پیوند و تعامل اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی در میان جوانان ایرانی، فصلنامه مطالعات جوانان، ش ۱۳، تابستان
- فکوهی، ناصر؛ انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۲) اوقات فراغت و شکل گیری شخصیت فرهنگی نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران، نامه انسانشناسی، دوره اول، ش ۴، پاییز و زمستان
- فیضی، ایرج (۱۳۸۶) سبکهای فراغتی و استفاده از اینترنت بین دانش آموزان ۱۲-۱۸ ساله شهر تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، گزارش پژوهشی
- قریشی میناآباد، محمد باسط؛ میرواسع، سیده طیبه (۱۳۹۰) نقش اردو در غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان، مطالعه موردی: دانش آموزان دبیرستانی ناحیه ۲ رشت، چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، ش ۱۶، پاییز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) بررسی نگرشها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، تهران

- معید فر، سعید (۱۳۸۳) شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴
- معینی فر، حشمت السادات، محمد خانی، نجمه (۱۳۹۰) بازنمایی الگوی مصرف یک خانواده آمریکایی: سیمسونها در اوقات فراغت؛ فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، ش ۱، بهار.
- منتظر قائم، مهدی؛ شاقاسمی، احسان (۱۳۸۷) اینترنت و تغییر اجتماعی در ایران: نگاهی فراتحلیلی با تاکید بر جوانان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره نهم، ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان.
- موموندی، افسر (۱۳۸۰) بررسی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان شهر ورامین، طرح پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- نوروزی، فاطمه (۱۳۸۸) شکاف نسلی از لحاظ ارزشهای مذهبی بین دو نسل دختران و مادران مطالعه موردی دبیرستانهای شهر جهرم، پیک نور، سال هشتم، ش ۱، بهار.
- واصفیان، فرزانه؛ باقری، محمد؛ آزادی پور، شیوا؛ واصفیان، فریبا (۱۳۹۳) بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه آزاد اردستان، فصلنامه مطالعات جامعه ناختمی جوانان، سال چهارم، ش ۱۳، بهار.
- وبلن، تورستاین (۱۳۸۶) نظریه طبقه تن آسا، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی
- یامین پور، وحید (۱۳۸۹) بررسی علل گرایش به جرم و انحراف در ساخت اجتماعی جوامع در حال توسعه با تکیه بر ساختار خانواده ایرانی- اسلامی، پژوهشنامه حقوق اسلامی سال یازدهم، ش ۲، پیاپی ۳۲، پاییز و زمستان.
- یوسفی، نریمان (۱۳۹۲) شکاف ارزشی بین نسلی در خانواده‌های تهرانی، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دوم، ش ۷، تابستان.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۸) بررسی نقش تلویزیون در روابط نسلی با تاکید بر ارزشهای فرهنگی، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیمای ج.ا.ا.

- American Time Use Survey, ۲۰۰۵
- Configurative culture
- Crawford, Duane, W., Godbey, Geoffrey (۱۹۸۷) Reconceptualizing Barriers to Family Leisure, Leisure Sciences: An Interdisciplinary Journal, Vol. ۹, Issue ۲.
- Cyril Smith
- Duane W. Crawford
- Ester Cerin, Eva Lesli (۲۰۰۸) How Socio- Economic Status Contributes To Participate On In Leisure- Time, Journal Of Social Science And Medicine.
- Geoffey Godbay
- Hurst, Erik; Aguiar, Mark A. Federal Reserve Board of Boston, Economist.

- Nazareth, Linda (۲۰۰۷) the leisure economy, How Changing Demographics, Economics, and Generational Attitudes Will Reshape Our Lives and Our Industries, John Wiley & Sons Canada ,Ltd.Canada
- Rempel, . F,Waaren (۱۹۶۵)The Role of Value in Karal Mannheims Sociology of Knowledge, London, Monton & Co. Publishers, The Hague.
- Riesman, David, Glazer Nathan, Denney Reuel (۲۰۰۱) The Lonely Crowd: A Study Of The Changing American Character, Yale University Press.
- Smith, Hillary (۲۰۰۲)The Generation Gap: managing technology- Mediated Personal Social networks, Chimera, Institute for sociotechnical Innovation and research, No ۲, Sept.
- [www.hrsdc.gc.ac](http://www.hrsdc.gc.ac), indicator of well being in Canada, Total Leisure Time (۲-۲-۲۰۱۷).

Archive of SID

## Abstract:

One of the fundamental issues in study of social changes in all societies and especially in those with young generation is the relation between generations and its effecting factors. Because transformation of culture and civilization to the future generation occur through such relations, and caused the consistency in one society's culture. That is why identification of tools and areas to strength this process can help to create proper implementation for intergenerational relationship, and finally preserve culture and civilization.

Leisure time as an index of lifestyle is both influencing and being influenced variable from intergeneration relationships. The main object of this research is to study of the relationships between intergenerational relations and leisure time models. Conceptual framework of the study retrieves from Bourdiue lifestyle theory, Ingelhart and Mead theory of values. Survey method applies in this study and ۱۲۰۰ sample from ۶ provinces with different level of development (developed, developing and deprived) were interviewed randomly in center city of province and one most populated city as well. Intergeneration relationships were measured by two indexes of alignment with family and interaction with family. And the leisure time were studied with ۴ model of active and passive personal and collective. Findings indicate that active leisure with family was the most prevented model of time spending in leisure time among the respondents. Such model caused strengthens of intergenerational relationships in the sample. Passive personal traditional model of leisure time had no effect on intergenerational relationships while passive personal modern model has a weak relationship with intergenerational relations. The important point is that although respondents are reported low alignment with family but there are interactions with family. This finding show the trends of change in intergenerational coherent towards generational differences and if such trend continue in future there is also the possibility of occurrence generational conflict. Communication with family member in cyberspace, as a virtual leisure as a type of collective leisure in cyberspace, did not result reinforcement of intergenerational relationship. Women have more communication with family and there is the reverse relation between interaction generations with socio- economic class. It means improvement in economy situation caused reduction in intergenerational relation. There is also reverse relation between province developmental level, and intergenerational relationships intergenerational relation and active collective leisure with family. That means with increase in level of development in province, intergenerational relation as well as active collective leisure with family were reduced.

## Key words:

Intergenerational relationships, leisure time models, virtual leisure, collective leisure, province level of development



**ACECR  
Institute of  
Humanities and Social Studies**

**Final report (Title):  
Survey Of Relation Between Intergenerational Relationships  
and Leisure Time Spending Model**

**Code: ۲۲۸۹-۲۲**

**Research group:  
Youths and intergenerational relationships**

**Principal Investigator (BY):**

**Dr. Forouzandeh Jafarzadeh Pour**

**Date: ۲۰۱۷**